

# گیلان فردا

نشریه اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا  
شماره هشتم

بهار ۱۴۰۰ (ویژه نوروز)

قیمت برای شما ۲۰۰۰۰ تومان-قیمت تمام شده چندبرابر

با خرید مجله گیلان فردا، حمایت از بهاران خاص بشوید

Guilanfarda.ir

## راه آهن رشت - کاسپین - انزلی یک موقعیت بی نظیر و فوق العاده

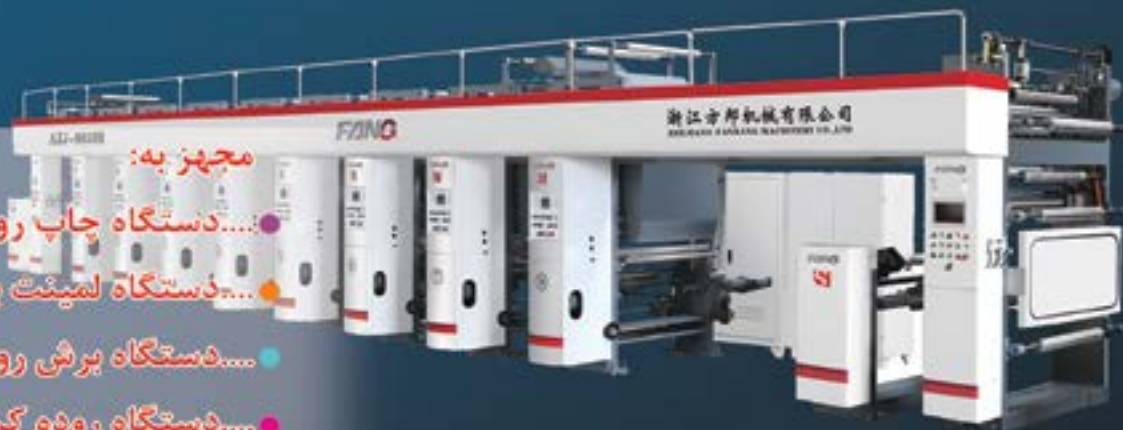
- تاخیر در برداشتن تحریم ها خیانت است
- آمایش سرزمین، پیش نیازی برای حفظ پایداری سرزمین
- دولت با مردم صادق باشد
- پایداری مشاغل؛ یکی از مزایای کسب و کار بر پایه علم و فناوری
- چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰
- احساس رضایت در زمان پیری با فعالیت بیشتر
- هیچ بهانه ای را نمی پذیرم
- کرونا با کسی شوخی ندارد
- رشت شهر تجار و بیزینسمن ها
- وعده افتتاح کتابخانه مرکزی رشت در بهار ۱۴۰۰
- رها پرنده ای در قفس
- کوچه های پرترافیک، خیابان های بدون پیاده رو
- سوء استفاده شبکه های اجتماعی از اطلاعات کاربران
- مردم دوباره به سفر خواهند رفت



# مجتمع چاپ و بسته بندی نوین

افست ۴ رنگ ● هلیو ۸ رنگ

NOVIN PRINTING & PACKAGING GROUP



- ...دستگاه چاپ روئوگراور ۸ رنگ
- ...دستگاه لمینت بدون حلال
- ...دستگاه برش رول به رول
- ...دستگاه روده کن
- ...دستگاه بازرسی کننده
- ...دستگاه قطعه کن



- ...پلیت ستر HEIDELBERG CREO
- ... دو دستگاه چاپ افست چهار رنگ SM74
- ...سه دستگاه چاپ افست تک رنگ
- ...دو دستگاه چسب گرم تک خانه و ۵ خانه
- ...دستگاه جعبه چسبانی HI-PACK
- ...دستگاه سلفون کش حرارتی TMC

دفتر مرکزی: رشت، خیابان سعدی، نرسیده به سه راه معلم  
تلفن: ۰۳۲۲۳۹۱۲۷-۳۳۲۲۴۷۲۷-۰۱۳ فکس: ۰۳۲۲۳۴۰۷۶-۰۱۳

کارخانه: رشت، شهرک صنعتی سفیدرود، فلکه سوم، بلوار جنوبی  
تلفن: ۰۳۲۰۰۰۱۶۱-۴-۰۱۳



فصلنامه اجتماعی- فرهنگی گیلان فردا

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۰، ویژه نوروژ

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

شهرلا ابراهیم زاده اصلی

مدیر شورای سیاست گذاری:

محمد کاظم شکوهی راد

لوگو: ماهان خوش رفتار

همکاران مجموعه گیلان فردا (خبری،

تحریریه، داخلی، مالی، آگهی، تایپ،

توزیع، عکس و فنی)

صفحه آرا: سعیده موسوی

لیتوگرافی و چاپ:

شرکت چاپ و نشر نوین رشت

پشتیبان سایت: شرکت فناوری اطلاعات و

ارتباطات بیدسان

با تشکر ویژه از جناب آقای شکوهی راد

مدیر مسئول روزنامه گیلان

نشانی: رشت، میدان صیقلان، اول خیابان

آیت الله احسانبخش، ساختمان توسکا،

طبقه سوم، کد پستی ۴۱۷۳۷۳۸۰۳۳

تلفن: ۰۹۱۱۱۴۹۳۲۰۹

guilanfarda94@gmail.com

guilanfarda.ir

guilanfarda94

فهرست:

چالشی برای خودمان	۵
گرانی و مشکل معیشتی مردم راه حل دارد	۶
تاخیر در برداشتن تحریم، خیانت است	۷
هیچ بهانه ای را برای تاخیر زمانی تکمیل باقیمانده آزاد راه نمی پذیرم	۸
مشکلات بازنشستگان در سطح استانی و ملی بررسی می شود	۹
دولت با مردم صادق باشد - خیلی دور خیلی نزدیک	۱۰
فشار تحریم ها به تدریج بی اثر شد	۱۱
شکل گیری روش اقتصادی جدید در دنیا	۱۲
بورس و انتظارات مردم	۱۴
آنچه باید به فرزندان خود در باره پول بیاموزید   اگر هوش مالی خود را تقویت نکنیم شرایط مالی مان سخت تر خواهد شد	۱۷
بی اعتمادی و کاهش سرمایه های اجتماعی و پروپاگاندی غیر واقعی تولید واکسن	۱۸
تبعات آثار شیسم اقتصادی در جامعه	۱۹
آمایش سرزمین پیش نیازی برای حفظ پایداری سرزمین	۲۰
اتحادیه اوراسیا و اقتصاد دریامحور گیلان	۲۳
در حوزه جمعیتی حرف دیگر بس است	۲۴
افرادی که فعال باقی می مانند با احساس رضایت پیر می شوند	۲۶
چالش های پیش روی جمعیت و سالخوردگی در استان گیلان	۳۰
گیلان پیرترین استان کشور	۳۱
سندروم آشیانه خالی	۳۲
کرونا با کسی شوخی ندارد	۳۳
آن اسفند کذایی و مرگبار	۳۴
مردم دوباره به سفر می روند	۳۵
وعده افتتاح کتابخانه مرکزی رشت در بهار ۱۴۰۰	۳۸
افزایش سرانه مطالعه در گیلان با افتتاح کتابخانه مرکزی	۳۹
پایداری مشاغل؛ یکی از مزایای کسب و کار بر پایه علم و فناوری	۴۰
احداث محور سراوان-سنگر-سیاهکل در جهت کاهش بار ترافیکی	۴۴
راه آهن رشت-کاسپین-انزلی یک موقعیت بی نظیر و فوق العاده	۴۵
آب آشامیدنی یا آب معدنی   آب شرب گیلان از ۶۴۸ حلقه چاه و ۵۵۹ دهانه چشمه	۴۶
تامین می شود	۴۶
آن ها فقط یک مشت عدد نیستند	۴۷
فرهنگ طرز رفتار و خلیات و تعاملات ما با یکدیگر است	۴۹
گیلان به تنهایی قادر است سیصد میلیون جمعیت را به درستی تامین کند	۵۱
اگر دیگران توانستند ما هم می توانیم - تالار مرکزی رشت را به حال خود رها نکنید	۵۲
از دریا به دریا- داستان یک آغاز به کار	۵۳
معرفی کتاب - بیشعوری	۵۴
معرفی کتاب: تکه هایی از یک کل منسجم   زندگی دومت زمانی آغاز می شود که میفهمی فقط یک	۵۵
زندگی داری	۵۵
داستان های خیلی کوتاه اما پر مفهوم	۵۶
شعر و ادب	۵۷
کوچه های بن بست	۵۸
پروردگارا سال ۱۴۰۰	۵۹
کوچه های پرترا فیک	۶۰
رشت شهر تجار و بیزینسمن ها	۶۱
گشت و گذاری در گرمابه های قدیمی رشت	۶۴
خانواده های دو تکه باباهای مجازی	۶۶
قرار است بیاید ببارد و ببرد   رنجی که پایان ندارد	۶۷
پیاده نوشت: رها پرنده ای در قفس	۶۸
چرا تا این اندازه تنگ نظر و بخیل هستیم	۶۹
یادداشت های کوتاه: بیست درصد صد درصد	۷۰
از هر چهار ایرانی یک نفر دچار اختلال روانی   چهل پنجاه ساله های امروز	۷۱
پلانکتون های چاه های عمیق داده نباشید	۷۲
لزوم ایجاد نظام یکپارچه خدمات و نظام یکپارچه تعهد	۷۵
توسعه هدفمند گردشگری پایدار طبیعت محور، عامل توسعه پایدار جوامع بومی و محلی	۷۸
نفت ارزان، توربین های بادی را کم اثر کرده است	۸۰
تولید انرژی پاک نیاز امروز و ضرورت فردا	۸۱
یاد و خاطره: عجب قایقرانی داشت ملوان   زنده یاد دکتر آذر اندامی	۸۲



عکس گیلان فردا: علی شفیعی

گیلان سالمندترین استان کشور، مشکلات سالمندان را جدی بگیریم.

سازنومیا



# چالشی برای خودمان

چگونه آرزوهایمان را به امید بسپاریم



شهلا ابراهیم زاده اصلی\*

گیلان فردا - با بهار دوباره آمدیم...

در یک سال اخیر و با شیوع ویروس کرونا، همه ی ما روزهای تلخی را در کشور تجربه کردیم که زبان و قلم از توصیف آن ناتوان است! در واقع طی دو سه سال اخیر شاهد حوادث ناراحت کننده مختلفی بودیم. رخدادهای عجیب، تحریم ها، وضعیت اقتصادی نابسامان، گرانی افسار گسیخته، ظهور سلطان های متفاوت در حوزه های مختلف که سلامت و معیشت مردم را به تاراج برده اند، سقوط بورس، تجربه جهانی کووید ۱۹ و از دست دادن بسیاری از عزیزان به بهانه های مختلف و... اتفاقات ناگواری بود که در حافظه جمعی همه ما نقش بسته است! علاوه بر اینکه شاهد مناقشات بین المللی مختلفی در سطح منطقه و دنیا بودیم، پیامدهای اجتماعی زیادی را نیز لمس کردیم! اشتغالزایی پایدار، کمتر تحقق یافت و سفره ها کوچک و کوچکتر شد و برخی از مدیران همچنان با دادن شعارها، فکر کردند که به وظایف خود عمل کرده اند!

\*\*\*

و ما که کسب و کار کوچک فرهنگی مان را با انتشار «ماهنامه گیلان فردا» در پاییز ۱۳۹۴ با عشق و امید شروع کرده بودیم، تا جایی ادامه دادیم. سال ۹۵ را به امید اینکه سال ۹۶، سال بهتری باشد گذراندیم. سال ۹۶ را به امید سال ۹۷، ۹۷ را به امید سال ۹۸ و ۹۸ را به امید سال ۹۹ پشت سر گذاشتیم و اکنون نمی دانیم آیا باز امیدی باقی مانده یا نه! هر سال فهمیدیم که سال قبل تر با همه مشکلات، بهتر از سال بعدی بوده، ولی باز امیدوار ماندیم، تا بدانجا که در پایان سال ۹۹ نمی دانیم چگونه آرزوهایمان را به امید بسپاریم و چطور به روزهای پیش رو در سال ۱۴۰۰ دلخوش باشیم!

\*\*\*

بالاخره بعد از یک غیبت صغری، تصمیم گرفتیم چالشی برای خودمان ایجاد کنیم و آن اینکه در همین شرایط سخت اقتصادی و کرونایی مجله را منتشر کنیم. البته در دوران غیبت چند بار برای چاپ شماره جدید مجله گیلان فردا تلاش کردیم، حتی به جای چاپ ماهنامه تصمیم به انتشار فصلنامه گرفتیم، به جای چاپ مجله ای برای کاهش هزینه تصمیم به انتشار قطع روزنامه ای گرفتیم، اما با مشکلات مختلف پیش بینی شده و نشده مواجه شدیم. هر چند بسیاری از پیشکسوتان این عرصه، که خود بر مشکلات حوزه نشر آگاه هستند این غیبت صغری را قابل توجیه دانسته و کار در چنین شرایطی را بسیار مشکل ارزیابی می کنند، اما وزارت ارشاد نظم در انتشار را بیشتر می پسندد و کیفیت در درجه بعدی قرار می گیرد. ولی نمی خواستیم تحت هیچ شرایطی از کیفیت مجله ای که ضریب کیفی ۷۵ را در شماره های قبلی کسب کرده بود، کم کنیم و فقط به انتشار نشریه دلخوش باشیم. از طرف دیگر در شرایط فعلی انتشار یک نشریه حتی با کیفیتی متوسط هم بسیار سخت شده است چه برسد بخواهید به اهدافتان جامه عمل بپوشانید!

از یک سو با گسترش فضای مجازی خوانندگان نشریات مکتوب کاهش یافته و از سوی دیگر با افزایش بی حساب و کتاب قیمت کاغذ، انقدر هزینه چاپ و انتشار افزایش یافته که با هیچ دو دوتا، چهار تایی نمی توان بطور مستقل کار مطلوبی ارایه داد. و با توجه به وضعیت اقتصادی و رکود در بسیاری از کسب و کارها، اسپانسرهای هم باقی نمانده است. بنابراین تصمیم برای انتشار نشریه آن هم به صورت مجله و ویژه نوز، واقعا چالشی بوده که برای خودمان بوجود آوردیم، عزم مان را جزم و دوباره برای بار سوم مجموعه گیلان فردا را دور هم جمع کردیم تا ببینیم در همین شرایط سخت و موجود به مثابه ضرب المثل معروف «چند مرده حلاج هستیم» چکار می توانیم بکنیم. بعضی از همکاران با توجه به مشکلات کار رسانه در بخش های مختلف و هزینه های مستقیم و غیرمستقیم انتشار می گفتند عطای کار را به لقایش ببخشیم، ولی در نهایت مجموعه گیلان فردا تصمیم گرفت شماره جدید نشریه را به مناسبت فرارسیدن نوروز ۱۴۰۰ منتشر کند. اما جالب اینکه طی مراحل آماده سازی مجله، هر بار که از چاپخانه قیمت می گرفتیم با افزایش قیمت کاغذ مواجه بودیم، گویا سلطان کاغذ هنوز مشغول فعالیت بوده است تا بدانجا که درست در مراحل پایانی کار، در یکی دو هفته آخر اسفند ۹۹، قیمت کاغذ چند برابر افزایش یافت! و دوباره ما از این همه نابسامانی شوک شدیم. فکر کردیم شاید بهتر باشد چند روز صبر کنیم، ولی قیمت کاغذ و هزینه انتشار نه تنها کاهش نیافت و کمی متعادل نشد بلکه گران و گرانتر شد! گاه حتی تصمیم گرفتیم فقط به بارگذاری مطالب در سایت نشریه بسنده کنیم، اما دیگر کار را به آخر رسانده بودیم و باید این گرانی مضاعف کاغذ را نیز به جان می خریدیم. باز هم به مثابه ضرب المثل دیگری به خودمان نهیب زدیم که «گر به میدان می روی مردانه رو، حتی اگر خانم باشی!» بنابراین تمام تلاشمان را کردیم که کار را با سرافرازی به انجام برسانیم، حتی اگر شده با دریافت وام و پرداخت اقساط ماهیانه. شاید بگویید در چنین وضعیت اقتصادی این کار نوعی خودزنی باشد، اما یک روزنامه نگار در همه حال باید استقلال خود را حفظ کند. در هر صورت شاید بد نباشد بدانید که قیمت فروش شماره هشتم مجله گیلان فردا روی جلد ۲۰ هزار تومان نوشته شده ولی قیمت تمام شده یک نسخه از همین مجله ای که در دست دارید چند برابر این قیمت است!

\*\*\*

در پایان ضمن تشکر از همه عزیزانی که با حضور خود به ما دلگرمی دادند و نشریه گیلان فردا را مانند شماره های قبل در خور شأن مطالب و نظرات خود دیدند، یک بار دیگر آرزویمان را به امید می سپاریم و تلاش می کنیم در حد توان نشریه ای قابل قبول ارایه کنیم، قضاوت در مورد مطالب ارایه شده را به شما خوانندگان عزیز می سپاریم و امیدواریم با دیدگاه های مختلف، لحظاتی گوشه موبایلتان را به کناری گذاشته و با آرامشی که تروق یک مجله یا کتاب به شما هدیه می دهد مشغول تروق این صفحات شوید، علاوه بر تیرتیر، متن را هم بخوانید و در جایگاه مخاطب، لحظاتی هم خود را به جای نویسندگان و گویندگان قرار دهید. فراموش نکنید که روزنامه نگاری در کشورهایی در حال توسعه سخت تر از چیزی است که تصور می کنید! باشد که رستگار شویم...

سالی سرشار از آرامش، سلامتی و نشاط برای یکایک شما عزیزان جان آرزو می کنم.

\*مدیر مسئول



رهبر انقلاب اسلامی:

## گرانی و مشکل معیشتی مردم راه حل دارد در جلسات متعدد این را به مسئولان تذکر دادیم

گیلان فردا- مقام معظم رهبری گفتند: «اگر کرونا ادامه پیدا کند مشکلات معیشتی بیشتر خواهد شد، بنابراین باید با همکاری همه، این بیماری هر چه زودتر برطرف شود».

به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ایشان روز جمعه ۱۵ اسفند پس از کاشت دو اصله نهال میوه به مناسبت روز درختکاری و هفته منابع طبیعی در سخنانی، گیاه و فضای سبز را عاملی مهم در زندگی و در ساخت تمدن بشری خواندند و با اشاره به ریشه‌های معرفتی و دینی توجه به محیط زیست، گفتند: کاشتن درخت و نشان دادن نهال از جمله‌ی حسنه‌ی است که در شرع مقدس اسلام بر آن تأکید شده است.

رهبر انقلاب اسلامی به اهمیت محیط زیست در قانون اساسی نیز اشاره و خاطر نشان کردند: فعالیت‌های محیط زیستی، فعالیت‌های دینی و انقلابی است و نباید به آنها نگاه تجملاتی و تزئینی شود.

ایشان تنوع زیستی و اقلیمی کشور را بستری مناسب برای فعال شدن آحاد مردم و جوانان در زمینه محیط زیست خواندند و با ابراز تأسف از تخریب جنگل‌ها، منابع طبیعی و سفره‌های زیرزمینی به دست افراد سودجو، تأکید کردند: تخریب محیط زیست بلائی بزرگی است که آینده بشر را هدر می‌دهد، بنابراین مسئولان و همه مردم باید در مقابل آن بایستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حوادثی مثل آتش‌سوزی جنگل‌ها و یا خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها، گفتند: این حوادث قابل پیشگیری است و مسئولانی که به وظایف خود عمل نمی‌کنند، دچار تقصیر هستند.

رهبر انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنانشان به مسئله کرونا در آستانه سال نو پرداختند و گفتند: سال گذشته در ایام عید، مردم عزیز به توصیه‌ها کاملاً عمل و بلائی بزرگی را از سر کشور دور کردند اما امسال خطر بیشتر و فراگیرتر است بنابراین امسال هم همگان توصیه‌ها را رعایت کنند.

ایشان تأکید کردند: هر چه ستاد ملی مقابله با کرونا اعلام کرد باید عمل شود. اگر سفر را ممنوع کردند، مردم به سفر نروند، بنده هم قطعاً مانند سال گذشته به سفر نخواهم رفت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به مشکلات معیشتی مردم در اثر کرونا، گفتند: اگر کرونا ادامه پیدا کند مشکلات معیشتی بیشتر خواهد شد، بنابراین باید با همکاری همه، این بیماری هر چه زودتر برطرف شود.

رهبر انقلاب اسلامی با ابراز نخرسندی از گرانی‌ها و مشکلات معیشتی، افزودند: این وضع در آستانه عید غصه بزرگی ایجاد کرده است. البته اجناس مانند میوه‌ها فراوان است اما قیمت‌ها بسیار بالا است که سود این قیمت بالا هم به جیب باغداران زحمتکش نمی‌رود بلکه نصیب دلال‌ها و واسطه‌های سودجو می‌شود و ضرر آن به مردم می‌رسد.

ایشان با تأکید بر اینکه مسئولان باید مشکل معیشتی و گرانی را حل کنند، گفتند: این مشکلات، همه راه‌حل دارد و بارها در جلسات متعدد این نکات را تذکر داده و راه‌حل‌های مورد نظر کارشناسان را به مسئولان گفته‌ایم.



www.president.ir

روزنامه اطلاعات - ریاست جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور، پس از آخرین جلسه هیات دولت در سال ۹۹ و در جمع خبرنگاران:

## تأخیر در برداشتن تحریم خیانت است

گرفته است.

ایشان با ابراز تأسف از اینکه عده‌ای شرایط جنگ را در نظر نمی‌گیرند و با برجسته کردن نقاط ضعف، اقدام به سیاه‌نمایی می‌کنند، گفت: سیاه‌نمایی کار زشت و ناپسندی است در شرایط جنگ همه باید متحد و در کنار هم باشیم، نه اینکه یک نقطه ضعف را ترویج و بزرگ کنیم.

رئیس جمهور با اشاره به افتتاح ۱۲ مجموعه پتروشیمی و همچنین پالایشگاه بزرگ بیدبلند و طرح عظیم انتقال آب از خلیج فارس به فلات مرکزی، اظهار داشت: تمام طرح‌هایی که افتتاح می‌شود در طول سال‌های ۹۴ الی ۹۶ سرمایه‌گذاری شده است.

دکتر روحانی افزود: انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به استان‌های هرمزگان، کرمان و یزد از جمله اقدامات بسیار بزرگی بود که در تاریخ کشور ثبت شد و می‌تواند تحول بزرگی در شرق کشور ایجاد کند. عملیات اجرایی خطوط دیگر این طرح را هم کلید زدیم که به واسطه آن آب از خلیج فارس به خراسان جنوبی و در نهایت خراسان رضوی انتقال می‌یابد و از خط دیگر نیز آب را به اصفهان، زاهدان و زابل منتقل می‌کند.

رئیس جمهور گفت: دولت توانست یک آرزوی ۴۰ ساله را برای افراد کم‌درآمد در زمینه آب، گاز و برق رایگان محقق سازد و در بنزین گازوئیل و گاز و گندم به خودکفایی رسیده و در برنج و شکر در مسیر خودکفایی هستیم و به فضل الهی این مسیر را ادامه خواهیم داد.

دکتر روحانی افزود: در بخش آب و برق در مجموع ۸۱ هزار میلیارد تومان طرح و پروژه افتتاح شده و در بخش صنعت بیش از ۷۰ هزار میلیارد تومان طرح به افتتاح رسیده است.

رئیس جمهور با بیان اینکه از لحاظ سیاسی و سیاست خارجی موفقیت‌های بسیار بزرگی به دست آورده‌ایم، خاطر نشان کرد: ۳۰ شهریور ۹۹، روز بسیار مهمی در تاریخ کشور است و در این روز طرح اسنپ بک آمریکا شکست خورد، همچنین ۲۷ مهر ماه سال جاری روز پایان تحریم تسلیحاتی بود و در بهمن امسال نیز در دادگاه لاهه موفقیت بزرگی به بدست آوردیم.

دکتر روحانی با تأکید بر اینکه امروز شرایط برای شکسته شدن تحریم از هر زمان دیگری آماده‌تر است، اظهار داشت: آمریکایی‌ها به صراحت و بارها اعلام کردند که مسیر دولت قبل غلط بوده و فشار حداکثری شکست خورده است و تأکید کردند که می‌خواهند به مسیر تعهد و برجام برگردند، البته صرفاً گفتن کافی نیست و منتظر عمل هستیم.

ایشان با تأکید بر اینکه تأخیر در برداشتن تحریم خیانت است، تصریح کرد: هر جناح، فرد و گروهی اگر یک ساعت پایان تحریم را به هر دلیلی به تأخیر بیندازد، خیانت بسیار بزرگی به تاریخ ملت ایران کرده و ننگ ابدی برای آن جناح یا فرد باقی خواهد ماند.

دکتر روحانی با بیان اینکه تحریم تضعیف حقوق مردم ایران است و باید جلوی آن گرفته شود، گفت: امیدوارم اقلیتی که دنبال سنگ‌اندازی در این راه هستند توبه کنند و دست از تخریب بردارند و اگر چنین کنند دولت، هم بلد است و هم قادر است به تحریم پایان دهد.

رئیس جمهور ضرورت برگزاری انتخابات باشکوه در سال آینده را مورد تأکید قرار داد و گفت: سال آینده یک کار بسیار مهم داریم که همه باید دست به دست هم دهیم و آن برگزاری یک انتخابات باشکوه در سال ۱۴۰۰ است. همه بدانیم که این انتخابات باشکوه تضمینی برای انقلاب و راه و کشورمان است.

گیلان فردا - حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی روز چهارشنبه (۲۷ اسفند ۱۳۹۹) پس از آخرین جلسه هیات دولت در سال ۹۹ در جمع خبرنگاران، تأکید کرد: سال آینده حتماً سال بهتری در کنترل و مهار ویروس کرونا خواهیم داشت و شرایط به مراتب بهتر از این سالی که در روزهای پایانی آن قرار داریم خواهد بود.

به نقل از پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری دکتر روحانی با بیان اینکه از سال ۹۷ تحریم‌های ظالمانه و جنگ اقتصادی آمریکا علیه ملت ایران شرایط بسیار سختی برای کشور ایجاد کرد و در بیش از یکسال گذشته نیز شیوع ویروس کرونا بر مشکلات افزود، اظهار داشت: به رغم همه مشکلات و سختی‌ها، رشد اقتصادی کشور در ۹ ماهه اول سال مثبت بوده که بسیار ارزشمند است و جای قدردانی دارد.

رئیس جمهور با اشاره به انجام ۵۸ افتتاح بزرگ در کشور طی یکسال گذشته، گفت: سال ۹۹ بخش تولید کشور خوش درخشید و در سال آینده شرایط اقتصادی کشور به مراتب بهتر از امسال خواهد بود.

رئیس جمهور با بیان اینکه ملت بزرگ ایران در زمینه کرونا اقدامات بسیار ارزشمندی با اتکا به فرهنگ بلند خود، اطاعت از دستورات دینی و علمی و با کمک‌های مؤمنانه انجام دادند، اظهار داشت: به رغم اینکه در تحریم و فشار بودیم، اما سال را به خوبی گذراندیم. در این مدت ۶۱ جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا با ۴۸۳ مصوبه داشتیم که همه مصوبات آن اجرایی شده است. ضمن اینکه کمیته‌های تخصصی و قرارگاه نیز جلسات مستمری داشتند.

ایشان خاطر نشان کرد: کرونا همه بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از شغل، اقتصاد و زندگی روزمره مردم را دچار مشکل کرد که برای هر کدام از این موارد برنامه‌ریزی‌های مناسبی انجام دادیم و از آنجایی که می‌دانستیم در مقابله با این ویروس کسی ما را یاری نخواهد کرد، با اتکا به توان داخلی و تخصصی شرکت‌های دانش‌بنیان توانستیم تجهیزات مورد نیاز خود را تأمین کنیم و در برخی زمینه‌ها در آستانه صادرات هستیم.

رئیس جمهور افزود: دولت همچنین در حد توان تلاش کرد از لحاظ اقتصادی کمک‌هایی را برای مردم و کسب و کارهای آسیب‌دیده اختصاص دهد و در این راستا بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان کمک بلاعوض و یا وام در اختیار مردم قرار گرفته و یک میلیون یورو هم به وزارت بهداشت و درمان برای تهیه تجهیزات پزشکی اختصاص یافت.

دکتر روحانی گفت: در زمینه خرید و ساخت واکسن کرونا هم اقدامات بسیار خوبی انجام شده که امیدواریم سال آینده واکسن داخلی در اختیار مردم قرار بگیرد و بی‌تردید سال آینده سال بهتری در کنترل و مهار این بیماری خواهد بود.

رئیس جمهور با اشاره به مشکلات ناشی از تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی، گفت: از سال ۹۷ دیگر بحث تحریم مطرح نبود و وارد جنگ اقتصادی شدیم و در این جنگ نیز همانند جنگ ۸ ساله تنها بودیم و با همه توان ایستادگی و مقاومت کردیم.

دکتر روحانی ادامه داد: با وجود همه مشکلات در یک سال گذشته، درآمد حقوق بگیران ثابت را بیش از ۴۰ درصد افزایش دادیم و هم‌زمان مسان‌سازی نیز انجام گرفت، ضمن اینکه برای اشتغال روستایی و تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار دادن روستائیان اقدامات بسیار خوبی انجام

# هیچ بهانه‌ای را برای تاخیر زمانی افتتاح باقیمانده آزاد راه قزوین-رشت نمی‌پذیرم

توسعه انسان محور مد نظر من است



منطقه لازمه تحقق این مهم است. وی ادامه داد: گاه ممکن است در انجام چنین پروژه بزرگی مشکلاتی هم برای مردم پیش بیاید که باید تلاش شود این مشکلات به حداقل برسد اما نباید چنین پروژه بزرگی تحت الشعاع قرار گیرد، چون آثار و برکات این پروژه بزرگ برای کل مردم منطقه، استان و کشور خواهد بود. معاون رییس جمهور گفت: نگاه من رسیدن به یک توسعه مکانیکی نیست بلکه توسعه انسان محور مد نظر من است. چون برایم مهم است برای انجام کار عمرانی، کسب و کار و خواسته های مردم تعطیل نشود، به همین جهت همه ی ما حقوق اجتماعی مردم شریف رودبار را به رسمیت شناخته و در حد توان، تعهدات ما نسبت به این مردم عزیز انجام می شود. وی در بخش دیگری گفت: امیدوارم هر هفته گزارشاتی را مبنی بر انجام کیفی کار همراه با سرعت بخشی به پروژه دریافت کنم و تابستان سال ۱۴۰۰ کل مسافران ما بتوانند برای سفرهای ضروری و با رعایت پروتکل ها براحتی از این مسیر رفت و آمد کنند، تا انشاءالله پس از کرونا مهمانان زیادی در سفر به گیلان خاطرات خوبی را به همراه داشته باشند. وی با اشاره به زمان این بازدید که مصادف با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بود، افزود: این انقلاب برای این بود که رفاه و توسعه برای مردم بیآورد. البته ما در بخش هایی شرمنده هستیم و این اتفاق که در تحریم ها، مقاومت ها و مقابله ها پیش آمد و درآمد ما از صد و چند میلیارد دلار به چند میلیارد دلار رسید باعث شد بر خلاف چهار سال اول دولت که ارز را زیر چهار هزار تومان نگه داشته بودیم، قیمت ارز تغییر کرده و گران شود. با تمام این اوصاف چیزهایی را نتوانستیم برای مردم فراهم کنیم اما چیزهایی را توانستیم و این پروژه نیز از برکات همین انقلاب است. (گفتنی است سه هزار و ۲۰۰ متر از مسیر ۱۱ کیلومتری باقی مانده آزادراه رشت - قزوین در دولت یازدهم به بهره برداری رسید؛ عملیات اجرایی هشت کیلومتری باقی مانده نیز از خرداد ماه سال گذشته آغاز شده است.)

گیلان فردا-دکتر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور پس از بازدید میدانی از دو قطعه باقیمانده آزاد راه قزوین-رشت در محدوده شهرستان رودبار در جلسه ای با حضور استاندار گیلان، نماینده مردم شهرستان رودبار در مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان، مدیران کشوری، استانی و پیمانکاران پروژه به بررسی وضعیت ۸ کیلومتر باقیمانده این آزاد راه پرداخت. دکتر محمدباقر نوبخت به هنگام بازدید از آزادراه قزوین-رشت گفت: هیچ بهانه ای را برای تاخیر زمانی افتتاح باقیمانده پروژه آزاد راه قزوین-رشت نمی‌پذیرم. معاون رییس جمهور و رییس سازمان برنامه و بودجه کشور با بیان اینکه بازدیدهای میدانی پروژه ها براساس ماده ۳۲ و ۳۳ قانون برنامه با سازمان برنامه و بودجه است، گفت: این چندمین باری است که بجز بازدید کارشناسان، خودم شخصاً از این پروژه بازدید می کنم و با قاطعیت باید بگویم هیچ عذر و بهانه ای را برای تاخیر زمانی افتتاح این پروژه که قرار بود در اردیبهشت انجام شود نمی‌پذیرم و نهایتاً تا اول خرداد امیدوارم این اتفاق بیفتد. البته طبیعتاً برای اتمام این پروژه باید در سه بخش کار انجام شود، بخشی از کار را سازمان باید انجام بدهد و ما از نظر مالی بسیار فراتر از آنچه که در ابتدای سال پیش بینی شده و قول داده بودیم انجام دادیم، یعنی بیش از دو برابر تا الان پرداخت کردیم. سقف پرداخت های نقدی ما نیز به نسبت آنچه که در سایر طرح ها و پروژه ها داریم متناسب و قابل قبول است. برای تکمیل نیازهای مالی پروژه نیز تلاش می کنیم پرداخت نقدی داشته باشیم. تردید نکنید همه تعهدات مالی و آنچه که سهم سازمان است متناسب با قرارداد توافق، پیش می رود اما این شرط لازم است و کافی نیست. انتظار من از شما دو شرکت پیمانکار بزرگ و قابل اعتمادی که در این پروژه فعال هستید این است که این پروژه را به نحو احسن و به موقع به پایان برسانید تا در زمان مقرر به بهره برداری برسد. البته مشارکت همه مدیران مرتبط و مردم عزیز





# مشکلات بازنشستگان در سطح استانی و ملی بررسی می شود

سال ۹۹ مسئله بازنشستگان یکی از مسائل اصلی کشور بود



گیلان فردا- یکی از موضوعاتی که در دوازدهمین جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه استان گیلان مطرح شد رسیدگی به وضعیت بازنشستگان در سطح استانی و ملی بوده است. در سال ۹۹ چندین بار بازنشستگان تأمین اجتماعی با گروهی آبی های مختلف مطالباتی از جمله همسان سازی حقوق و دستمزد را مطرح کردند و البته وعده هایی نیز به آن ها داده شد.

به گزارش واحد روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان در دوازدهمین جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه استان گیلان که در ۳۰ بهمن ماه سال ۱۳۹۹ با دو دستور جلسه در استانداری برگزار شد، آقایان حسینی نژاد، مدیرکل تأمین اجتماعی استان، بافکار، رییس کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی و شالچیان، نماینده کانون بازنشستگی کشوری در مورد بعضی از مشکلات بازنشستگان نکاتی را در بخش دوم جلسه مطرح کردند.

## تلاش برای حل مشکلات بازنشستگان

دکتر ارسلان زارع، استاندار گیلان در این جلسه گفت: عدالت اقتصادی و اجتماعی یکی از آرمان های بلند امام راحل، انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بوده است و با پیروزی انقلاب دولت، مجلس و مجموعه حاکمیت برای تحقق عدالت میان اقشار مختلف جامعه تلاش کرده اند.

وی ادامه داد: کشور ما پس از پیروزی انقلاب دچار چالش هایی از جمله جنگ تحمیلی، تحریم و غیره بوده است. ساختار فریه دولت و بخش اداری نیز مشکلاتی ایجاد کرده است به عنوان مثال قبلاً به ازای هر ۱۷ نفر پرداخت کننده به تأمین اجتماعی یک نفر بازنشسته داشتیم ولی امروز این نسبت سه به یک شده است. در حالی که دخل و خرج باید با هم همخوانی داشته باشد. از طرف دیگر گاه مشکلات اقتصادی و تورم باعث می شود زمینه ای فراهم شود که بیگانگان سوء استفاده کنند.

وی با اشاره به اینکه بازنشستگان در فضایی آرام مشکلات خود را به گوش مسئولان می رسانند، گفت: بعضی از موضوعات در استان قابل کمک و مساعدت است، می توان برای ارایه بعضی از امور رفاهی به بازنشستگان، با حضور دستگاه های مرتبط در استان کمیته ای تشکیل داد ولی برای کاهش و حل خیلی از مسایل بازنشستگان باید کمیته ای متشکل از نمایندگان مجلس، نمایندگانی از کانون های بازنشستگی، تأمین اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، بیمه مرکزی و... تشکیل و مسایل بازنشستگان محترم در سطح ملی بررسی شوند.

## لزوم تصمیمات کشوری برای حل مشکل بازنشستگان

دکتر کیوان محمدی، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان نیز در بخشی از این جلسه گفت: مسایل بازنشستگان در شورای برنامه ریزی و توسعه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد تا در باره اقداماتی که می توان در سطح استان انجام داد و اقداماتی که باید در سطح ملی پیگیری کنیم تصمیم گیری شود.

وی با تأکید بر اینکه بازنشستگان بخشی از جمعیت کشور هستند که سرمایه زندگی یعنی عمر و نیروی خود را برای کشور گذاشته اند، گفت: ما وظیفه داریم به پاسداشت زحماتی که این عزیزان کشیدند حداکثر خدمات را به آن ها ارایه دهیم. ولی خیلی از مسایل بازنشستگان در استان حل نخواهد شد و نیاز به اتخاذ تصمیمات در سطح کشوری دارد. محمدی با بیان اینکه در سال ۹۹ مسئله بازنشستگان یکی از مسائل اصلی کشور بود، افزود: این مسئله برای همه ما حایز اهمیت است. تک تک ما در آینده نه چندان دور، بازنشسته خواهیم شد. بنابراین با طرح مسایل مرتبط با بازنشستگان در جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه تلاش می شود تا ضمن انجام پاره ای از امور مربوطه که در استان قابل اجرا است بقیه موارد با استفاده از حمایت های استاندار محترم و نمایندگان عزیز در سطح ملی عنوان و پیگیری شود، البته در حال حاضر عمدتاً مشکلات بازنشستگان معظم تأمین اجتماعی مطرح است.

# دور شدن در عین نزدیکی شدن

## هرگز حضور حاضر غایب شنیده‌اید...

**گیلان فردا** - علی محمد مودب زاده، شاعر و نویسنده معاصر ایرانی در جایی پرسیده «هنر شما چیست؟» و خود ادامه داده: «آدم‌ها دو کار اصلی بلدند، یکی دور شدن، غریبی کردن و دور کردن و دیگری نزدیک شدن، ایجاد الفت و قرابت. هر کسی به یکی از این دو کار سرگرم است و قوام و دوام اجتماعات بشری به همین دو کار است. بشر در کشاکش این دو گروه به اینجایی رسیده است که امروز هست. واقعیت این است که هر دو این کارها برای بشر لازمند. من بلد نیستم شعار بدهم که از عده ای باید دوری کرد، نزدیکی و الفت هم که نیاز به فلسفه ندارد و خودش آغاز همه فلسفه‌هاست. عشق و رزیدن است که هستی را شکل می‌دهد و حتی تولد بشر هم در نزدیک شدن دو نفس دیگر است.»

شاید برای شما هم پیش آمده باشد در موقعیتی قرار بگیرید که بیشتر از قبل به شخص یا اشخاصی نزدیک شوید اما این نزدیکی فقط نمای ظاهری داشته باشد چرا که عملاً از آن شخص یا اشخاص دور شده اید و یا دور نگهداشته می‌شوید!!

البته گسترش فضای مجازی تا حدی موجب تغییراتی در روابط افراد شده است و در عین نزدیک بودن و جمع بودن، افراد از هم دور شده اند، چون اگر عضو فعال رسانه‌های اجتماعی باشید، حتماً تاکنون با این مطلب روبه‌رو شده‌اید که رسانه‌های اجتماعی افراد دور را به هم نزدیک می‌کند و افراد نزدیک را از هم دور، اما روی سخنم با این بخش نیست. ارتباط درست در هر جنبه از زندگی مهم است از محل کار گرفته تا روابط شخصی، اما بدون مکالمه شفاف و مستقیم چطور می‌توان ایجاد ارتباط موثر را انتظار داشت؟

کارشناسان از تکنیک ارتباطی و ایجاد اعتماد و تقویت انگیزه صحبت می‌کنند و می‌گویند «وقتی در روابط خود، با ملاحظه و دقت رفتار کنید ارتباط بهتری هم خواهید داشت». اگر می‌خواهیم در هر سطحی ارتباط خوبی برقرار کنیم، باید بتوانیم نوع فکر کردنمان را برای طرف مقابل به خوبی تصویر کنیم تا آن را درک کند. این گام مهمی در ارتباط برقرار کردن است. اما چگونه؟

برای برقراری ارتباط بهتر، باید بتوانیم مهارت‌های گفت و گو و محاوره خود را افزایش دهیم.

تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از مردم تمایل دارند گفت و گوهایی بهتری داشته باشند. این بدان معناست که افزایش مهارت‌های ارتباطی از طریق گفت و گو برای بسیاری از مردم در مراودات روزمره اجتماعی، کاری و خانوادگی بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

بر اساس نظر کارشناسان مرتبط، افراد به لحاظ شخصیتی در دو گروه برون‌گرا و درون‌گرا قرار می‌گیرند و هر کدام به زیرشاخه‌های متفاوت و متنوعی تقسیم می‌شوند. افراد برون‌گرا سرشار از انرژی هستند و هنگام صحبت، داستان خود را در اطراف تکان می‌دهند و حالات احساسی وسیعی را از خود بروز می‌دهند و کاملاً حالت فیزیکی دارند. برون‌گراها در برقراری ارتباط معمولاً بیشتر و بلندتر حرف می‌زنند پس هنگام برقراری ارتباط با برون‌گراها دقت کنید، زیرا آنان با انرژی خود شما را تحت تاثیر قرار می‌دهند، به یک فرد برون‌گرا اجازه بدهید صحبت کرده و با صدای بلند افکار خود را بیان کند. اما افراد درون‌گرا برعکس برون‌گراها خونسرد و تودار هستند و هنگام صحبت حالات فیزیکی از خود نشان نمی‌دهند. آنها کمتر حرف می‌زنند. پس در برقراری ارتباط با یک فرد درون‌گرا زمان بیشتری را صرف گوش دادن کنید، نه صحبت کردن. ولی با تمام تقسیم‌بندی‌های شخصیتی و رفتاری که به هنگام ارتباطات در افراد بروز و ظهور می‌یابد، به نظر می‌رسد ارجح‌گذاشتن به صداقت در گفتار و کردار در طرفین از هر چیزی با ارزش‌تر باشد، چون اعتماد شکل می‌گیرد و موجب انتقال حس خوب دوستی و همکاری در افراد می‌شود.

**گیلان فردا** - در دو سال اخیر تعدادی از تحلیلگران داخلی و خارجی با توجه به تحریم‌های بی‌سابقه و غیرعادلانه آمریکا علیه کشور ما و به لحاظ محدودیت‌های جدی درآمدهای دولت و بروز شرایط اقتصادی ناشی از این کمبودها و محدودیت‌ها، پیش‌بینی فروپاشی اقتصاد را مطرح و با ارایه نشانه‌های موجود حتمی می‌دانستند.

بروز بیماری پاندمیک کوید ۱۹ که اقتصاد جهان را به چالش بزرگ وادار کرده است، طبعاً مزید بر علت شد و امروز در واقع تاثیرات گوناگون اما موثر بر روی اقتصاد جهان گذاشته است تا جایی که برخی اقتصاد دانان و کنشگران اجتماعی ظهور رکود و پسرفت اقتصادی تا حد سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۰ و یا حداقل بحران و رکود جهانی سال ۲۰۰۸ را پیش‌بینی کردند.

نگارنده نمی‌تواند الان ادعای برخی افراد را که اقتصاد کشور را فروپاشیده می‌دانند تأیید یا رد کند، آنچه اکنون مورد توجه به نوشته است اینکه اگر هم دولت در حال حاضر و به رغم قطع درآمد نفت و عدم دسترسی به درآمدهای ارزی به دلیل تحریم بانکی در شرایط سختی بسر می‌برد، معذالک کنترل اقتصادی نسبی را در حد تامین هزینه‌های جاری، حقوق و مزایای متعارف کارکنان و حقوق بگیران خود انجام می‌دهد و طرح‌های عمرانی نیمه تمام و جاری هم کم و بیش اداره می‌کند و در حد دولت‌های پیشین جلو می‌برد. اما آنچه در مورد مردم و معیشت مردم می‌توان قاطعانه اظهار کرد اینکه اکثریت بزرگ و قاطع مردم ما در شرایط اقتصادی بسیار بدی بسر می‌برند و اگر چه اقتصاد خانواده‌ها به ظاهر پابرجاست اما ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی و معیشت خانوارها تا حد زیادی فروپاشی شده است. «امید» که عنصر عمده پیش‌برنده زندگی اجتماعی است نیز از بین رفته است و مردم نیز اگر امروز خود را با تلاش فراوان می‌گذرانند، اما امیدی برای فردای خود ندارند.

عدم ثبات قیمت‌ها و وعده‌های توخالی دولت برای ثبات اقتصادی کار را به جایی رسانده که حتی خوش‌باورترین افراد هم دیگر اعتمادی به برنامه‌ها و وعده‌ها ندارند.

امروز اگر مسئولین در پاسخ به درخواست‌های مطرح شده عنوان می‌کنند که سطح حقوق کارمندان و کارگران را تعدیل کرده و چندین درصد بالا برده اند، در واقع لاپوشانی یک واقعیت بزرگتر است، چون سطح قیمت‌ها در دو سال اخیر تا ۵۰۰ درصد بالا رفته، حتی افزایش قیمت‌ها در بخش مسکن، ارز و طلا بیش از اینهاست!

شرایط اینچنینی و افزایش قیمت‌ها در این سطح، گذران معیشت خانوارها را دچار چالش عمده کرده و حتی با افزایش دستمزد و حقوق حقوق بگیران در این سطح از گرانی‌ها این مشکل حل نمی‌شود.

تصمیمات جورواجور خلق الساعه دولت هم نشان از این دارد که این تصمیمات از زیربنای عقلانی و علمی مناسبی برخوردار نیست. با این حال مرکز نشینان وعده تثبیت قیمت‌ها را می‌دهند. سود سپرده‌های مردم را که در حد بسیار نازل تر از نرخ رسمی تورم است کاهش می‌دهند. مردم را به بورس دعوت می‌کنند و همینطور و بطور روزمره به وسیله نهادهای تصمیم‌گیر اقتصادی تصمیمات مسئله‌ساز یا کم‌اثر اتخاذ می‌شود.

رئیس‌جمهور گشایش اقتصادی وعده می‌دهد و بعد معلوم می‌شود گشایش اقتصادی مورد نظرش هیچ ربطی به حفظ سرمایه‌های مردم یا رفع مشکلات خانوارها ندارد و می‌خواهد نفت را پیش‌فروش کند!

امروز مردم معنی این شعارهایی که از پیروزی و موفقیت بوسیله دولت ابراز می‌شود را نمی‌دانند و به نظر می‌رسد اعتماد بین مردم و دولت به پایین‌ترین حد خود رسیده است.

در مسئله گرانی دولت صادقانه عمل نمی‌کند و تحلیل درست به مردم ارایه نمی‌دهد که به دلیل نداشتن درآمدهای ارزی ناچار می‌شود مرتباً ارز محدودی را که در اختیار دارد گران کند و ریال بیشتر بدست آورد و مرتباً تورم به بازار تزریق نماید. برای چالش‌هایی که در بورس یا خودرو یا کم و کسری‌های موسساتی که مانند قاچ روئیده، سال‌ها از جیب مردم (صندوق توسعه ملی یا خزانه) برداشت کرده است، به بیانی دیگر از ریش می‌کند و به سبیل می‌افزاید! به باور تحلیل کارشناسان اقتصادی این نوع تصمیمات نه تنها مبنای علمی و منطقی ندارد، بلکه به طور کلی ضد منافع ملی است. دولت روحانی اگرچه زمان زیادی برای حل مشکلات ندارد لاقلاً باید با مردم صادقانه رفتار کرده و تحلیل درست از اوضاع و احوال اقتصادی و شرایط حاضر ارایه دهد و از طرح مطالب شعارگونه و تبلیغاتی بی‌محتوا خودداری نماید. دولت این شعار را چند روز در ذهن خود تمرین کند و به آن ایمان بیاورد که «للجاة طی الصادق!»

\*مدیر مسئول روزنامه گیلان امروز



محمد کاظم شکوهی راد\*

# دولت با مردم صادق باشد



# فشار تحریم‌ها به تدریج بی‌اثر شدند

عدم بهبود وضعیت معیشتی به معنای مثبت نشدن رشد اقتصادی نیست

گیلان فردا: صندوق بین‌المللی پول یکی از معتبرترین منابع ارزیابی و پیش‌بینی وضعیت اقتصاد جهانی محسوب می‌شود. این صندوق که نرخ رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ را به ترتیب ۵.۴- و ۷.۶- درصد اعلام کرده بود، در پاییز امسال پیش‌بینی کرد که رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۰ میلادی منفی ۵ درصد بشود. این نهاد بین‌المللی همچنین برآورد کرده بود که تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۱ به مثبت ۳.۲ درصد برسد. بانک مرکزی نیز چندی پیش اعلام کرد که رشد تولید ناخالص داخلی کشور در نیمه اول سال ۹۹ به بالای مثبت یک درصد رسیده است. این در حالی است که مرکز آمار ایران پیش‌تر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشور را بین منفی ۱.۳ تا منفی ۱.۹ درصد گزارش کرده بود. باین‌حال عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی ایران با انتشار پیامی در صفحه اینستاگرام خود توضیح داد که رشد اقتصادی ایران در شش ماه نخست سال ۱۳۹۹ در مقایسه با مدت مشابه سال پیش از آن با احتساب بخش نفت مثبت ۱.۳ درصد بوده و این نرخ بدون در نظر گرفتن نفت به مثبت ۱.۴ درصد رسیده است. اتفاقی که می‌تواند منجر به ایجاد فرصت‌های اقتصادی بیشتر به نفع کشور و مردم شود. البته آن‌گونه که همه اقتصاددانان تأکید دارند، این اتفاق در صورتی رخ خواهد داد که ایران لویج FATF را بپذیرد و ارتباط پولی و بانکی با دنیا برقرار کند. اما پرسش این است که ارزیابی‌های مراکز بین‌المللی پول بر چه مبنایی صورت می‌گیرد و بر چه اساسی می‌توان گفت رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۰ مثبت خواهد شد؟ خبرنگار روزنامه ستاره صبح در گفت‌وگو با دکتر محمود فیاضی، اقتصاددان و تحلیلگر بودجه به بررسی این موضوع پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

## چشم‌انداز فروش نفت

فیاضی در ادامه باین‌این که «اقتصاد ایران به سمت مثبت شدن رشد اقتصادی کشور حرکت می‌کند»، تأکید کرد: «علت این موضوع این است که فشار اصلی بر دوش اقتصاد کشور ناشی از کاهش چشمگیر فروش نفت بود. این فشارها پس از دو سال مداومت به تدریج اثر خود را از دست دادند؛ به زبان ساده‌تر تحریم‌ها فروش نفت ایران در نیمه دوم سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶ و در تمام سال ۹۸ نسبت به سال ۹۷ را کاهش چشمگیری داده بود. این فشارها نهایتاً برای سال جاری به‌گونه‌ای است که نمی‌تواند فروش نفت را به کمتر از ارقام پارسال برساند. حتی تغییر دولت در آمریکا چشم‌انداز فروش نفت را به سمت مثبت‌تر شدن هم برده است. از سوی دیگر فشار تحریم‌ها در بخش صنعت نیز به تدریج بی‌اثر شدند. در دو سال گذشته بسیاری از بنگاه‌ها مجبور به تعطیلی شدند. حال تولید در ایران دوباره به ثبات خود رسیده و از کاهش چشمگیر تولید صنعتی هم در کشور کاسته می‌شود.»

## تقویت ارزش پول ملی

این کارشناس اقتصادی در پایان گفت: «باین‌حال اگر بخواهیم از سفره مردم شاخص‌ها را ارزیابی کنیم طبیعی است که بهبود چشمگیری دیده نمی‌شود ولی باید توجه داشت برای اقتصادی با ابعاد ایران بهبود وضعیت معیشتی مردم نیازمند رشدی کم نوسان و برای چند سال پی‌درپی است.» آن‌گونه که کارشناسان اقتصادی می‌گویند، هرگونه استقراض از بانک مرکزی توسط دولت‌ها، منجر به رشد پایه پولی و افزایش تورم می‌شود که در نهایت، به کاهش ارزش پول ملی منجر می‌شود. در نتیجه این اهرم کلیدی و مؤثر در تقویت ارزش پول ملی، دریکی و دو سال اخیر با تلاش‌های بانک مرکزی، به‌خوبی مدیریت شده است و ضرورت دارد در ماه‌های آینده نیز، با توجه به کسری بودجه دولت، موردتوجه قرار گیرد و از مسیر انتشار اوراق بدهی، کسری بودجه تأمین شود. در مجموع، با توجه به جنگ اقتصادی آمریکا علیه ملت ایران، ضرورت تقویت ارزش پول ملی، اهمیت ویژه‌ای دارد. به گفته کارشناسان، این موضوع نه از طریق تضعیف دلار و ارزپاشی، بلکه از طریق تقویت رشد اقتصادی و تولید ملی، کنترل جریان نقدینگی و تورم و حمایت از تصمیمات پولی و ارزی بانک مرکزی به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار در نظام پولی و ارزی کشور، حاصل می‌شود.

گزارش بانک مرکزی در حالی منتشر شد که مرکز آمار ایران ۱۱ روز پیش از آن اعلام کرده بود که تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۹ به رقم ۳۴۴۳ هزار میلیارد ریال با نفت و ۳۰۰۰ هزار میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسیده است، درحالی‌که رقم مذکور در مدت مشابه سال قبل با نفت ۳۵۱۰ هزار میلیارد ریال و بدون نفت ۳۰۳۹ هزار میلیارد ریال بوده که نشان از رشد ۱.۹- درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۱.۳- درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت در شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۹ دارد.

\*\*\*

**رشد اقتصاد در بهار**  
همتی خاطر نشان کرده که نرخ رشد اقتصادی ایران در بهار سال جاری خورشیدی با نفت و بدون نفت به ترتیب منفی ۲.۹ و منفی ۰.۶ درصد بوده که این دو نرخ طی تابستان گذشته به مثبت ۵.۱ و مثبت ۳.۲ درصد افزایش یافته است. اما مرکز آمار ایران نرخ رشد اقتصادی ایران در تابستان گذشته را با احتساب درآمدهای نفتی مثبت ۰.۲ و بدون نفت ۰.۲ درصد اعلام کرده بود. البته مرکز آمار ایران پیش‌تر نرخ رشد اقتصادی کشور در سه‌ماهه اول امسال را با احتساب نفت ۳.۵- درصد و بدون احتساب نفت ۱.۷- درصد اعلام کرده بود که در مقایسه با گزارش بانک مرکزی گویای کاهش بیشتر تولید ناخالص داخلی ایران در فصل بهار بود. این مرکز نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت بازار) را در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ را نیز به ترتیب با احتساب درآمدهای نفتی ۴.۹- و ۷- درصد گزارش کرده بود.

## وضعیت معیشتی مردم

دکتر محمود فیاضی، اقتصاددان و تحلیلگر بودجه در گفت‌وگو با ستاره صبح با اشاره به آمار منتشرشده از سوی صندوق بین‌المللی پول مبنی برافزایش تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۱ به مثبت ۳.۲ درصد گفت: «رشد اقتصادی ایران در شرایطی به سمت مثبت شدن حرکت کرده که وضعیت معیشتی مردم شرایط چندان مساعدی را تجربه نمی‌کند. باین‌حال عدم بهبود وضعیت معیشتی به معنای مثبت نشدن رشد اقتصادی نیست. از طرفی با اعلام ارقام پیش‌بینی‌شده از رشد اقتصادی از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس بحث‌هایی حول صحت و تقسیم این ارقام مطرح شده است. ابتدا باید پذیرفت پیش‌بینی گرچه یک‌روند علمی دارد اما نهایتاً پیش‌بینی است و مادامی‌که محقق نشود نمی‌توان ارزیابی‌های صورت گرفته حول آن را به محک داوری گذاشت.»

## ارزیابی‌های جهانی

این کارشناس برجسته اقتصادی در پاسخ به این پرسش خبرنگار ما که «ارزیابی‌های



# شکل گیری روش اقتصادی جدید در دنیا



گیلان فردا - شهلا ابراهیم زاده اصلی - دکتر سیده فاطمه مقیمی یکی از زنان کارآفرین برتر جهان اسلام است که نسبت به کار خود متعهدانه قدم بر می دارد و اعتقاد دارد برای خدمت کردن و بهبود وضعیت در هر حوزه، حتما نباید شخص پست خاصی داشته باشد بلکه هر کس هر جا که هست اگر همانجا را آباد کند کارها خیلی بهتر پیش می رود. اختصاص صفت هایی مانند توانمند، پرانرژی، خلاق و اهل کار شاید برای توصیف شخصیت این بانوی کارآفرین که هم سنگر خانواده را بخوبی اداره می کند و هم از عهده مسئولیتی که دارد بدرستی بر می آید کم باشد. هر بار که برای مصاحبه به ایشان زنگ می زنی آماده پاسخگویی هستند. اما نکته جالب این است که به نظر می رسد حتی در صحبت چند دقیقه ای تلفنی نیز خیلی مایل نباشند لحظه ها به تعارفات معمول و مرسوم سپری شود. در واقع استفاده بهینه از وقت توسط ایشان در همان گفت و گوی تلفنی نیز مشهود است. وی با اینکه در تهران بزرگ شده ولی متولد رشت است و می گوید به گیلان حساسیت خاصی دارم. عضو هیات رئیسه اتاق تهران در یک سال اخیر در راستای حل و فصل مشکلات ناشی از ممانعت ورود کامیون های ایرانی به داخل مرز گرجستان زحمات زیادی کشید و بلاخره موفق شد در کنار همکاران مرتبط، مجوز لازم را برای ورود بگیرد و پس از یک سال، صادرات ایران به گرجستان دوباره انجام شود. وی یک کارآفرین ایرانی و دارای مدرک کترای (DBA) مارکتینگ و دکتری تخصصی کارآفرینی بین الملل است. در رزومه او آمده که وی در سال ۱۳۵۸ در یک شرکت حمل و نقل بین المللی، ابتدا در بخش ترجمه و بعد در بخش کامیون داری شروع به کار کرد و مدت سه سال در آن شرکت بود. در سال ۱۳۶۱ تصمیم به کار مستقل گرفت که این تصمیم تا مرحله اجرایی شدن دو سال طول کشید و در سال ۱۳۶۳ شرکت خود «سدیدبار» را به ثبت رساند. چندی پیش در سایت های خبری فهرستی از میلیاردرهای ایرانی منتشر شد که فاطمه مقیمی هم در این فهرست قرار داشت. او در گفتگویی، با اعتراض به این عنوان گفت «پولدارترین زن ایران نیست و یک زندگی کاملاً معمولی دارد». او در مصاحبه ای دیگر اعلام کرد «سرمایه مالی ندارم اما مولتی میلیاردرم». گفتنی است کتاب زندگینامه وی با همکاری دانشگاه صنعتی شریف به عنوان کتاب درسی تحت عنوان کارآفرینی به شیوه دکتر سیده فاطمه مقیمی، اولین بانوی کارآفرین در صنعت حمل و نقل و کشتیرانی خصوصی در ایران نوشته و منتشر شده است. از وی در مورد تغییر کسب و کارها در دنیای کنونی پرسیدم و اینکه چکار باید کرد تا از این قافله عقب نماند.



مقیمی، عضو هیات رئیسه اتاق تهران در مورد لزوم همگام شدن با تغییرات تکنولوژی و شیوه های جدید کسب و کار می گوید: «شرایط فعلی دنیا به طریقی شده که علاوه بر تغییر نسل ها و ورود بسیاری از وسایل روابط ارتباطی، به علت بیماری کوید ۱۹ هم از یک سال پیش تا کنون شرایط در مباحث مربوط به بازاریابی از جمله خرید، فروش، ارتباطات، حتی مسایل مربوط به آموزش تحت تاثیر شرایط کرونا قرار گرفت و به این علت خیلی از دور کاری ها شکل گرفته، خیلی از روابط فامیلی و کاری، بحث های اقتصادی و حتی کلاس های درسی به صورت مجازی و وبیناری شکل می گیرد. به همین علت فاصله ها کوتاهتر از آن چیزی که قبلا بود شده، برای رفتن به کلاس درس، همایش، کنفرانس و جلسات اداری نیاز به طی طریق و رفتن و برگشتن نیست بلکه بسیاری از کارها به صورت مجازی انجام می شود.

در بحث های تجاری و معاملات اقتصادی نیز به همین ترتیب است. در واقع در چنین شرایطی بیشتر مواقع فقط کالا است که جابجا می شود و گاهی اوقات که این کالاها باید چند دست مختلف بچرخد تا از دست اول نهایتاً به دست آخر برسد فقط با یک حرکت کار انجام می شود. یعنی جابجایی های کوتاه صورت نمی گیرد».

رییس اتاق ایران و گرجستان می افزاید: «امروزه مرکزی به عنوان انبار کالا وجود دارد و فروش از طریق فضای مجازی و سایت های مربوطه اتفاق می افتد و جابجایی فیزیکی کالا در آخر انجام می شود. بنابراین کلی از هزینه ها به همین علت کمتر شده است. البته منظور از هزینه فقط هزینه مالی نیست، بلکه هزینه های زمان و عمر نیز تحت تاثیر آن قرار می گیرد و همه ناشی از این است که سرعت کار و عملکرد در این شرایط بالا برود. یعنی اینطور نیست که الان چون شرایط کرونا هست چنین چیزی شکل گرفته باشد بلکه این شرایط جدید در حال شکل گرفتن بوده است. عادت کردن مردم با این رویه باعث می شود که در دنیای پس از کرونا هم شرایط به همین طریق ساماندهی شود. با این ساماندهی جدید روش اقتصادی جدید هم در دنیا پایه گذاری می شود و شکل می گیرد».

رییس کانون زنان بازرگان در پاسخ به اینکه آمادگی جامعه برای ورود به روش های جدید اقتصادی را چگونه ارزیابی می کنید، می گوید: «ما خودمان را برای چنین شرایطی باید آماده کنیم. برخی از زیرساخت ها شاید در کشور ما کمتر استفاده می شد و مورد لزوم قرار می گرفت و یا اینکه بسترهای مورد نیاز آماده نبود. کما اینکه وقتی آموزش های مجازی شکل گرفت، بسیاری از موسسات عالی آموزشی و دانشگاهی فاقد این توانمندی بودند اما الان بدلیل الزام و اجبار، برگزاری کلاس ها حتی در بخش های آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی به این طریق شده است. موسسات آموزشی، حتی دبستان ها و دبیرستان ها ناگزیر شدند بسترهایی را برای این کار آماده کنند. پس کسب و کارها به هر طریقی که حساب کنید همه تحت تاثیر این شرایط، تغییر شکل داده اند. این تغییر شکل نیز نیازهای جدید را ایجاد می کند و طبیعتاً رویه زندگی و کسب و کار را در دنیای جدید متغیر خواهد کرد».

اما تغییرات سریع تکنولوژی از یک سو و مواردی که بخاطر دوری از بیماری کرونا ملزم به رعایت آن هستیم باعث شده شاید عموم مردم نتوانند براحتی با این موج همگام شوند. هنوز آموزش های آنلاین و حضور در وبینارها به راحتی قابل دسترس نیست و آمادگی برای حضور در این نوع برنامه ها به عنوان یک ضرورت تلقی نشده است. البته مقاومت در برابر تغییر همیشه وجود داشته است اما حالا با وجود کرونا فرصتی برای انتخاب باقی نمانده است.

وی می گوید: «اینکه زیر ساخت لازم را نداریم بحث دیگری است. چون وقتی شما می خواهید در دریا شنا کنید و خودتان را به ساحل امن برسانید که وضعیت اقتصادی-اجتماعی امروز جامعه است، طبیعتاً می بایست شنا کردن را بیاموزید. براساس این اصل باید خودتان را آماده شرایط می کردید. چون قبلاً اصلاً بحث کرونا نبود. بحث تکنولوژی بود که باید این زمینه را ایجاد می کردیم ولی به هر دلیلی نکردیم. زیرساخت ها بیشتر سنتی بوده یا عدم موجودیت زیرساخت های الکترونیکی از جمله حتی زیرساخت اینترنت و پهنای باند و نظایر آن و یا مسایل بانکی که هنوز درگیر یک سری عدم الحاق به یک سری کنوانسیون بین المللی مثل (FATF) هستیم و نظایر اینها ما را عقب می اندازد.

بنابراین مردم و دولت هر دو باید در این راستا کار کنند. یعنی باید یک سری زیرساخت از نظر آموزشی که جامعه آموزش می بیند وجود داشته باشد و یک سری زیر ساخت را هم دولت به عنوان قانون و بستر ساز این قضایا برای ما ایجاد بکند. در واقع ما نمی توانیم در یک کشتی بنشینیم و همه در یک طرف پارو بزنند و ما در جهت مخالف پارو بزنیم. طبیعتاً است که به مقصدمان نمی رسیم. پس باید در دهکده جهانی و شرایط بین المللی خودمان را همگام و همسو با شرایطی که پیش می رود حفظ کنیم».

نظر این بانوی کارآفرین در مورد نکات مثبت و منفی این تغییرات که بهر حال ملزم هستیم با آن پیش برویم و از طرف دیگر گاه سرعت پیشرفت تکنولوژی آنقدر زیاد است که خیلی از افراد ممکن است در این پروسه جا بمانند، این است که بها دادن به آموزش مهمترین بخش است. «وی با بیان اینکه کم کم ما از چیزهای سنتی دور می شویم، اضافه می کند: خواسته یا ناخواسته جامعه از چیزی که سال های سال بصورت ریشه ای در آن بوده دور می شود و به سمت کارهایی می رویم که دارای تکنولوژی جدید است. مثلاً بیست سال پیش هیچکدام گوشی موبایل استفاده نمی کردیم و برایمان این وسیله مفهوم خاصی نداشت. بعد آرام آرام این وسیله را به عنوان یک نیاز در زندگی کاری و روزمره مان پذیرفتیم».

رییس کانون ملی زنان بازرگان ایران می گوید: «امروزه فقط جوانان هیجده بیست ساله به دانشگاه و کلاس های آموزشی نمی روند بلکه خیلی ها در سنین پنجاه شصت سالگی به کلاس های آموزشی و حتی دانشگاه مراجعه می کنند تا موارد جدید را یاد بگیرند و با ادبیات تغییر فرهنگ و تغییر تکنولوژی دنیا خودشان را نزدیک بکنند. یعنی نیاز به آموزش در هر سن و موقعیتی وجود دارد و الان خیلی بیشتر از قبل در همه جوامع این نیاز احساس شده است. چون اگر فرد نتواند این آموزش ها را ببیند از قافله تغییر تکنولوژی دنیا عقب می ماند، به عنوان مثال معمولی ترین و راحت ترین آن شبکه های شتاب بانک ها است. زمانی دم گیشه، کارگزار بانکی این کار را برای مشتری انجام می داد ولی امروز اگر فرد خودش بلد نباشد و نتواند با این شبکه ها کار کند قادر نخواهد بود کار بانکی، دریافت، پرداخت، حواله جات و نظایر آن را انجام دهد. یعنی نیاز به آموزش برای همه ی افراد به جد حس می شود. البته سرعت تکنولوژی به گونه ای است که ممکن است ما نتوانیم با آن سرعت پیش برویم ولی همراه آن باید این تغییر را حفظ کنیم».

اما تاثیر کرونا بر صنعت حمل و نقل چه بوده است؟ محدودیت تردها و کاهش مسافرت ها از یک سو و مشکلات حمل کالا و بار برای واردات و صادرات از سوی دیگر این حوزه کاری را نیز به تبع سایر بخش ها دچار خسارت کرده است. عضو هیات رئیسه اتاق تهران می گوید: «ما دو مشکل همزمان داریم. هم بحث تحریم و هم کرونا، چون خیلی از جاها مسئله کرونا در دنیا هست، ولی معاملات هم انجام می شود. ولی اینجا دو مشکل همزمان داریم. شما نمی توانید کالایی را که از خارج خریدید و مواد اولیه کارخانجات شماست، بخاطر کرونا از فلان مبدا نخرید، یا کالای تولید شده ای که مبدا آن ایران است به مقاصد مختلف که خریدار هستند نفروشید. بنابراین با وجود کرونا این جابجایی ها و این معاملات تجاری در دنیا شکل می گیرد. در واقع فقط بازاریابی اش اینترنتی است ولی کالایی که فروخته شده باید از نظر جنس فیزیکی تحویل داده شود. اما ایران به چند دلیل مشکلات بیشتری دارد، یکی تحریم است. این تحریم فقط به این معنی نیست که کالای شما را نخرند یا به شما کالا نفروشند. به عنوان مثال در حوزه کاری ما به غیر از این، به دلیل اینکه نتوانستیم وسائط حمل و نقل جدید و بروز رسانی ناوگان مان را داشته باشیم نیز مشکلات بیشتری است. تحریم ما را در برخی از جهات از توسعه ناوگان و توسعه بین المللی دور کرده، یعنی تحریم هم مزید بر علت مشکلات ناشی از کرونا شده است».

توقف و سرگردانی کامیون ها در مرز گرجستان طی سال جاری موضوع دیگری بود که نظر خانم دکتر مقیمی را در این خصوص جویا شدم.

رییس اتاق ایران و گرجستان می گوید: «بله، بخاطر تردد کامیون ها در سال جاری با مشکلات زیادی روبرو بودیم. چون ظرف یک سال اخیر کامیون های ما به علت تحریم نه به علت کرونا با مشکلات زیادی مواجه شدند. اما بهانه می آوردند بخاطر کروناست. خوب اگر برای کروناست کامیون های ترک و بلغار هم نباید وارد گرجستان می شدند، در صورتی که همه کامیون ها می رفتند ولی کامیون ایرانی را نمی گذاشتند وارد گرجستان شوند. وقتی قضیه را بیشتر پیگیری کردیم متوجه شدیم که به علت بحث های تحریمی اجازه نمی دادند کامیون های ایرانی برونزد، پس تحریم هم این مشکلات را برای ما بوجود آورده است. حتی تلاش کردیم کالاها را با کامیون گرجی بفرستیم ولی باز هم ایراد گرفتند و این موانع و کارشکنی ها به علت کرونا نبود بلکه به علت تحریم ها بود. من بعد از یک سال دوندگی توانستم اخیراً یعنی کمتر از یک ماه پیش، مجوز ورود کامیون های ایرانی را به گرجستان بگیرم».



فاطمه مقیمی را خیلی ها می شناسند، زنی که در صنعت حمل و نقل کشور، سی سال است زحمت کشیده، مقاومت کرده و آن قدر در این رشته سرآمد شده که همه باورش کرده اند. او در پایان این گفت و گوی کوتاه بار دیگر به لزوم آموزش برای شیوه های جدید کسب و کار در جامعه امروزی تاکید می کند.

راغفر:

## انتظارات مردم از بورس و اتفاقاتی که افتاد



گیلان فردا - وضعیت بازار بورس در

سال ۹۹ موجب حیرت و پشیمانی بسیاری از مردم شد.

دعوت برای حضور در بازار بورس از سوی دولت و افزایش ارزش سهام

و کسب درآمد برای شرکت‌های بزرگ در ماه‌های اول سال و بعد به یکباره

سقوط ارزش شاخص بورس و ضرر مضاعف عموم سرمایه‌گذارانی که تخصصی در این

زمینه نداشتند و بواسطه وضعیت نابسامان دیگر بازارها و حفظ پول خود و رسیدن به

سود، سرمایه‌گذاری در بورس را که مدام از طریق رسانه ملی تشویق می‌شد انتخاب

کرده بودند، موجب شد تا بار دیگر حس بی‌اعتمادی در مردم تقویت شود. براستی

چه کسی پاسخگوی این وضعیت است؟ البته یکی از شاخص‌های حضور در

چنین بازارهایی ریسک پذیری است ولی باید قبول کنیم که ریسک‌پذیرترین

افراد هم در یک بستر اقتصادی نامناسب و غیر متعارف قادر نخواهند بود

چنین شوک‌هایی را تحمل کنند، چه برسد به افرادی که با سرمایه‌های

خرد و کوچک خود و به لحاظ حفظ سرمایه وارد بورس شدند. بی‌شک اگر

برای برطرف کردن این حس مغفول و مغموم شدن، ساز و کار لازم در نظر

گرفته نشود، سرخوردگی و نارضایتی در آخرین گروه سرمایه‌گذاران

که عموماً افراد عادی جامعه بوده‌اند، پیامدهای آشکار و پنهان زیادی

خواهد داشت.

در همین راستا مصاحبه‌ای که «گروه بورس رسانه بازار» در آبان

۱۳۹۹ با استاد راغفر انجام داده‌اند، باز نشر می‌کنیم.

راغفر، اقتصاددان اعتقاد دارد

که دولت، شرکت‌های بزرگ را وادار و تشویق

به ورود به بورس کرد و در ادامه مردم عادی هم ترغیب

شدند اما سپس، آن شرکت‌های بزرگ، سهام خود را به سرعت و

با کسب سود بالا فروخته و از بورس خارج شدند.

بورس تهران، یکی از بازارهای اقتصادی و مالی ایران است که در ماه‌های

اول سال ۱۳۹۹، بیش از سایر بازارها، رونق داشت و رشد و بازدهی بیش

از ۳۰۰ درصد را در پی داشت. در ماه مرداد که بورس به شدت رشد کرده

بود، برخی شرکت‌ها و افراد سهام خود را فروختند و با سودهای سرشار از

بورس خارج شدند و کسانی که باقی‌مانده‌اند، در دست‌شان سهامی مانده

که با قیمت بالا خریده‌اند و فعلاً مشتری برای خرید وجود ندارد.

در گفتگوی «بازار» با دکتر حسین راغفر، استاد دانشگاه و

اقتصاددان، تحولات فعلی بورس، نوع مداخله دولت

در آن و چشم‌انداز آینده بررسی شده

است.

● بورس تهران در سال ۱۳۹۸ در حد ۱۸۷ درصد رشد و بازدهی داشت که تقریباً دو برابر رشد بورس در سال ۱۳۹۷ بود. در سال ۱۳۹۹ هم رشد شتابان بورس در هفته‌های اول سال شروع شد و جناب‌عالی پیش‌بینی کرده بودید که رشد بورس تا آخر اردیبهشت خواهد بود و متوقف خواهد شد. در آخر اردیبهشت امسال شاخص کل بورس در محدوده ۹۸۶ هزار واحد بود ولی بورس در ماه مرداد تا نزدیک ۲ میلیون واحد هم رفت. چه اتفاقی افتاد که از محدوده کمتر از یک میلیون در اواخر اردیبهشت، باز جهش کرد و به بالای ۲ میلیون واحد رسید و چند ماه بعد از آن رشد جهشی، سقوط داشته، تحلیل شما چگونه است؟

درباره آن اوج هم، من در همان زمان گفتم که پایه اقتصادی ندارد و به همین دلیل، یک حباب بسیار بزرگ بود که در اثر دستکاری در انتظارات مردم به وجود آمد. البته اقدامات متعددی انجام گرفت که این مساله پیش آمد. یک اقدام، تشویق کل دستگاه حاکمیتی بود به این که بنگاه‌های بزرگ وارد شوند و مرتب مردم را به ورود به این بازار تشویق می‌کردند. این وضع سبب شد این انتظار برای تعداد زیادی از مردم، پیش‌آید که اگر منابع خودشان را به بازار سهام ببرند، می‌توانند سودهای بزرگی را که در تبلیغات و دستکاری گسترده در بورس، صورت گرفته بود کسب کنند. توقف بورس در مراحل پایانی رشد در اواخر مرداد ۱۳۹۹ افتاد. در اوایل ماه مرداد، بسیاری از حقوقی‌ها، بنگاه‌های بزرگ و بنیادها که یک مقدار نگران فروپاشی درآمدهای بزرگ شده بودند، شروع به خارج شدن از بورس کردند.

● یعنی شرکت‌های بزرگ خواستند درآمدهایی که از محل افزایش قیمت سهام داشته‌اند از بین نرود و از آنها محافظت کنند؟  
بله. این شرکت‌ها تصمیم گرفتند درآمدهای خودشان را بردارند و از بورس خارج شوند چون نگران سقوط بورس شده بودند. به همین دلیل، خروج آنها باعث ایجاد صف‌های طولانی فروش شد.

همزمان هم، یک عده منابع خودشان را تجهیز کرده بودند و حتی اموال خودشان را فروخته و به بازار سهام آمده بودند به امید این که خودشان هم از این رشد، بهره برداری کنند.

این گروه بعدی، عملاً قربانیان بازار سهام شدند. این افراد، آشنایی اندکی با بازار سهام داشتند و به شدت تحت تاثیر تبلیغاتی که انجام شده بود، قرار گرفته بودند. وقتی که بورس، فروپاشید این گروه آخر، از ترس این که بیش تر ضرر کنند، اقدام به خروج از بورس کردند. این وضعیت باعث شد عملاً آن حسابی را که ساخته بودند، هر روز کوچکتر شود و به امروز رسیده ایم.

پس اصلی ترین دلیل، این بود یعنی بازار سهام، به طور بی رویه و بی جهت بزرگ شد و شکل دهی به انتظارات اتفاق افتاد. انتظارات را در بازار شکل دادند و نهادهای عمومی و رسانه های عمومی، همراه با تبلیغات منفعت برندگان در این زمینه نقش داشتند. بر این اساس حساب بسیار بزرگی ساخته شد که غیر واقعی بود و مشخص بود که تداوم نخواهد داشت.

● **جنابعالی به دستکاری گسترده و شکل گیری حباب قیمتی در بورس اشاره کردید. آیا انتظارات تومی و هیجان سرمایه گذارانی که وارد بورس شدند تا سودهای بزرگی نصیب خودشان کنند، در جهش شاخص بورس تاثیر داشتند و این که جهش شاخص بورس تشدید شود؟**

قطعاً این طور بود. یک دستکاری در انتظارات مردم اتفاق افتاد و این وضع باعث شد حتی گروه هایی که سرمایه خرد دارند منابع خودشان را به بورس و بازار سهام سوق دادند و آنها هم در یک دوره سه یا چهار ماهه، به این وضعیت دامن زدند. بنگاه های بزرگ متعلق به بنیادها، شرکت های بزرگ، بانکها و صندوق های باننشستگی با تشویق دولت به میدان آمده بودند. وقتی که آنها احساس خطر کردند منابع خودشان را از بورس خارج کردند و این مشکل پیش آمد.

● **منظور تان از دستکاری، آیا دستکاری انتظارات است و دیدگاه مردم در التهابات اخیر تغییر کرد و نگران شدند و این وضع بر بورس تاثیر گذاشت؟**

من این موضوع را از آدم های موثق شنیده بودم ولی به صورت سربسته می گویم که با دستکاری گسترده ای که شده بود، در بازار سهام به صورت کامپیوتری موتورهای ایجاد تقاضا ایجاد شد یعنی وقتی که بورس از صبح شروع به فعالیت می کرد، شروع می کردند به تقاضاهای کاذب درست کردن. بعد مردم می دیدند که صف خرید در برخی حوزه ها بالا می رود و قیمت هم بالا می رود. مردم هم هجوم می آوردند و شروع به خرید سهام می کردند. بعد آن شرکت ها سهام خودشان را عرضه می کردند و یک عده از مردم هم سهام آنها را می خریدند. این کارها، فریبکاری و کلاه گذاشتن بر سر مردم است. این وضع نشان می دهد که دستگاه نظارتی بیرونی وجود ندارد که بتواند این تحرکات و حقه بازی ها را کنترل و با متخلفان برخورد کند و یک بخش از تحریک مردم اینگونه اتفاق افتاده است.

● **در بورس تهران، معاملات الگوریتمی و آنلاین هم وجود داشت و برخی معامله گران با نرم افزار کامپیوتری خاص و بدون دخالت در لحظه، اقدام به خرید و فروش می کردند و به صورت اتوماتیک و آنلاین در قیمت های مشخص، خرید و فروش های آنها انجام می شد. این روش به عنوان یک عامل بی ثباتی در معاملات بورس معرفی شد و نهایتاً سازمان بورس، استفاده از این روش را برای معامله گران توسط سازمان بورس، ممنوع اعلام کرد. شاید منظور شما از آن نوع خرید و فروش و حقه بازی، احیاناً این روش معاملاتی بوده باشد؟**

این روش هم شامل همین بحث است ولی صرف نظر از آن، به طور سیستماتیک و با موتورهای ایجاد تقاضا، تقاضا ایجاد می کردند. این موضوع سبب می شد مردم فریب بخورند یعنی مردم فکر می کردند فرصت های جدیدی به وجود آمده است.

● **این معاملات الگوریتمی توسط معامله گران و سهامداران انجام می شد و سازمان بورس آن را متوقف کرده است. آن ایجاد تقاضا که شما می گوئید توسط سهامداران و معامله گران به وجود می آمد؟**

توسط بازار بورس و کارگزاران بورس صورت می گرفته.

● **در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ قرار بوده دولت ۱۱ هزار میلیارد تومان سهام شرکت ها دولتی را در بورس بفروشد. با این حال و به خاطر رشد قیمت ها، دولت توانست ۳۳ هزار میلیارد تومان سهام بفروشد یعنی سه برابر رقم قانون بودجه، توانست در آمد کسب کند.**

برخی کارشناسان بورس می گویند دولت دخالت کرده است. از طرفی وزیر اقتصاد گفته ما ۳۳ هزار میلیارد تومان سهام فروختیم، شما موضوع دخالت دولت را چگونه می بینید و آیا مداخله، فقط محدود به تشویق مردم بود یا این که شکل خاص دیگری هم وجود داشت؟ نقش دولت، نقش خیلی تعیین کننده ای بود. اولاً که زمینه سازی های گسترده ای بین بنگاه ها و نهادهای دولتی و عمومی انجام داد و حتی نهادها را تشویق به حضور در بورس کرد و صندوق های باننشستگی مثل تامین اجتماعی را عملاً وادار کرد که وارد بازار سهام شوند. همه این موارد، در شکل گیری این وضعیت قطعاً موثر بوده است.

● **در جریان افزایش قیمت سهام شرکت های بورسی، افزایش نرخ دلار هم اتفاق افتاد. یک بحث این بود که می گفتند نرخ دلار تاثیر می گذارد بر صادرات شرکت هایی که صادرات محور هستند و این شرکت ها با افزایش نرخ دلار، رونق می گیرند. جنابعالی این عامل را چقدر در رونق گرفتن و افزایش شاخص بورس موثر می دانید؟**

این یک فریب کاری است که سه دهه است که آن را به جامعه فروخته اند. برای مثال گفته می شود اگر ارز گران شود یا پول ملی تضعیف شود، صادرات افزایش پیدا می کند. هر بار هم که افزایش نرخ ارز اتفاق افتاده، تنها چیزی که صادر شده، محصول تولیدی نیست و مواد خام است که صادرات آن افزایش پیدا کرده است. در یک دوره همه چیز و حتی همه نیازهای کشورمان، از کشور خارج شد از جمله دام زنده، گندم، سیب زمینی، پیاز و گوجه فرنگی. علت آن هم این بود که تحقیر به پول ملی ایران وارد شد و مثلاً پول افغانستان به شدت در مقابل پول ایران تقویت شد. ما برای اولین بار به پاکستان و افغانستان که خودشان تولید کننده محصولات کشاورزی هستند، گندم و سیب زمینی و پیاز و گوجه فرنگی صادر کردیم. این وضع به خاطر تضعیف شدید پول ملی ایران بود و همین طور این محصولات به عراق صادر شد.

● **البته نرخ تورم افغانستان زیر ۱۰ درصد است و به هر حال ما چه قبول داشته باشیم یا نداشته باشیم، تورم آنها تک رقمی است و ارزش پول آنها حفظ شده است**

اصلی ترین علت افزایش تورم در کشور ما، بالا بردن نرخ ارز است. این کار باعث می شود همه هزینه های بخش صنعتی ما و تولید صنعتی در ایران بالا برود چرا که ۷۰ درصد هزینه های آن، هزینه های ارزی است. وقتی شما نرخ ارز را بالا می برید معنی این کار، این است که همه هزینه های آنها را بالا می برید. همزمان هم، طراحان این سیاست ها به دولت تذکر می دادند که دستمزدها را کنترل کنند. به این صورت از یک طرف کنترل دستمزدها و از آن طرف تورم به شدت گسترده را ترغیب می کرد. عامل اصلی محرک تورم، تضعیف پولی ملی است. بعد پاماد آن، این می شود که دولت، انتظارات مردم را دستکاری می کند. در سال ۱۳۹۶ دولت برای ترغیب تقاضا در بازار، تلاش های گسترده ای انجام داد از جمله این که کارت های اعتباری با نرخ بهره ۱۲ درصد ارائه کرد ولی کسی کالا نمی خرید. آن طرح برای این بود که مردم کالاهای تولید شده و انبار شده در فروشگاه ها را خریداری کنند. دلایل متعددی هم داشت ولی وقتی دولت به یکباره، قیمت ارز را به شدت افزایش داد و از ۳۵۰۰ تومان به ۹ هزار و ۱۰ هزار تومان رساند، این کار سبب شد انتظارات مردم متفاوت شود.

## یک دستکاری در

## انتظارات مردم اتفاق

## افتاد و این وضع باعث

## شد حتی گروه هایی

## که سرمایه خرد دارند

## منابع خودشان را به

## بورس و بازار سهام

## سوق دادند و آنها

## هم در یک دوره سه

## یا چهار ماهه، به این

## وضعیت دامن زدند.

## بنگاه های بزرگ

## متعلق به بنیادها،

## شرکت های بزرگ،

## بانکها و صندوق های

## باننشستگی با تشویق

## دولت به میدان آمده

## بودند. وقتی که آنها

## احساس خطر کردند

## منابع خودشان را از

## بورس خارج کردند و

## این مشکل پیش آمد



چون مردم دیدند سپرده های بانکی خودشان، ارزش خودش را از دست می دهد و بنابراین در صدد برآمدند که آن را به یک کالا تبدیل کنند. همان کالاهایی که در سال ۱۳۹۶ کسی در بازار خریدار نداشت، در اواخر سال ۱۳۹۶ و سال ۱۳۹۷ مردم به آنها هجوم آوردند. برای این که پول خودشان را که پول داغی شده بود و در حال کاهش ارزش بود، به کالا تبدیل کنند. این کالا هم می توانست هر کالایی باشد. عین همین معنا باعث افزایش بیش از پیش تورم شد. این کالاها نیز با چند برابر قیمت عرضه می شد.

**● خروج آمریکا از توافق هسته ای در اردیبهشت ۱۳۹۷ اتفاق افتاد. بعد هم تحریم نفتی علیه ایران به تدریج محکم تر شد و صادرات نفت ایران کاهش شدید پیدا کرد و در نتیجه باعث کاهش شدید درآمدهای ارزی ایران شد. با این کاهش درآمد ارزی، شما قبول ندارید که قاعدتاً نرخ ارز باید افزایش پیدا می کرد؟**

من هیچ دلیلی برای این کار نمی بینم. ما در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نزدیک به ۱۸۰ میلیارد دلار، فقط صادرات داشته ایم. این رقم، رقم کمی نیست یعنی ورود ارز به کشور، تا این حد بوده و همزمان هم، حدود ۱۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی ما بود است. بنابراین ما چیزی نزدیک به ۲۸۰ میلیارد دلار، منابع ارزی داشته ایم اما سوء مدیریت و سوء تدبیر بخش عمومی، باعث شد که اولاً منابع بزرگی به دوستان و رفقا بدهند و این منابع از کشور خارج شد.

طبیعی بود که نمی شود یک منطق اقتصادی برای آن آورد. در سال ۱۳۹۸، حدود ۲۰ میلیارد دلار درآمد فروش نفت بوده و ۸۰ میلیارد دلار برای آن ثبت سفارش باز شده که خیلی از آنها کالاهای غیر ضروری بوده. بنابراین تقاضا برای ارز ۴۲۰۰ تومانی و با قیمت های ترجیحی، خیلی مشتاق پیدا کرد. البته این وضع، خطای بسیار بزرگ بانک مرکزی و دولت بود که شروع به فروختن ارز کردند. نکته مهم این است که وقتی شما در چنین شرایطی عرضه کافی ارز ندارید، باید تقاضا را کنترل کنید. یعنی لازم نیست که دولت همه منابع را به بازار بریزد و برای واردات به هر کالایی تخصیص بدهد. ما می توانیم با ۴۰ میلیارد دلار کالاهای اساسی و نیازهای اساسی صنعت کشور و واحدهای صنعتی را تامین کنیم ولی متأسفانه این منابع بزرگ را برای واردات دام و گوسفند خرج کردند. از آن طرف هم به خاطر تحقیر پول ملی، اینها به کشورهای همسایه قاچاق شد. بنابراین، توجه کنید که این یک بازی بود یعنی این کارها اتفاقی نیست. اتفاقاً برنده های آنها کسانی بودند که در سیستم هستند و هنوز هم هستند و چکش می کوبند برای این که قیمت ارز را بالا ببرند.

**● به هر حال، بورس تهران به مسائل سیاسی گره خورده و با هر اتفاقی بورس واکنش نشان می دهد. این وضع بورس تهران را نسبت به بورس کشورهای دیگر چطور ارزیابی می کنید؟**

این وضع به خاطر از دست رفتن اعتماد مردم به بورس است. متأسفانه این اعتماد به شدت آسیب خورد. طبیعی است که اسم آن سیاسی گذاشته شود. به نظر من، از اول بورس را سیاسی کردند و آسیبی که به اعتماد مردم خورد، به زودی برنمی گردد.

**● در مجموع شاخص بورس تهران در سال ۱۳۹۹ بیش از ۳۰۰ درصد رشد کرد و الان نصف این مقدار رشد از بین رفته و شاخص کل از بالای ۲ میلیون واحد، به محدوده زیر یک میلیون و ۳۰۰ هزار واحد برگشته است. چشم انداز را چگونه می بینید و آیا امکان رشد بورس وجود دارد، یا این که شاخص بورس در همین محدوده باقی می ماند؟**

الان دولت مجدداً تلاش گسترده ای را شروع کرده برای این که عرضه های جدید انجام شود و احتمالاً مثل گذشته، باز تشویق به بورس می کند. دولت تشویق خواهد کرد کسانی را که برنده های بازار سهام بودند و سرمایه خودشان را در اوایل مرداد از بازار خارج کردند، دوباره برگردند. دولت سعی می کند این گروه، بخشی از درآمدهای خودشان را به بورس برگردانند. این گروه برنده بورس بودند ولی سرمایه خودشان را از بورس خارج کردند یعنی سهام خودشان را در ماه مرداد فروختند. دولت می خواهد آنها دوباره شروع به خرید کنند یعنی آنها هم در ریسک موجود در بازار شریک شوند.

**● پس به نظر شما بورس رشد می کند؟**

من فکر نمی کنم که بورس، رشد چندانی داشته باشد. ممکن است در چند ماه آینده، حتی به پایین تر از یک میلیون و ۲۰۰ هزار واحد برود و در حوالی یک میلیون واحد متوقف شود. یک تورم بزرگ که در اثر همین سیاست های بخش عمومی ایجاد شد و موجب افزایش بی سابقه قیمت ارز یا تضعیف بی سابقه پول ملی در این دوره کوتاه شد، پیامدهایش به صورت یک تورم بزرگ در سال آینده، خودش را نشان می دهد. بعد هم مجدداً بنگاه ها تجدید ارزیابی دارایی های خودشان را انجام می دهند و قیمت سهام آنها افزایش پیدا می کند.

**● یعنی به نظر شما، باز و در سال ۱۴۰۰ رشد شاخص بورس از طریق تجدید ارزیابی دارایی شرکت ها اتفاق می افتد؟**

بله. این وضع اتفاق می افتد ولی عملاً چیزی به ارزش دارایی ها افزوده نشده.

**● یعنی به صورت اسمی، قیمت ها بالا می رود و ارزش واقعی بالا نمی رود.**

بله. به صورت تصحیح حسابداری است یا اصلاح حساب ها خواهد بود و این وضع نشان می دهد که یک افزایش در قیمت آنها رخ می دهد. به طور واقعی، افزایش ارزش اتفاق نمی افتد و سال آینده، سال انتقال قدرت از این دولت به دولت بعدی است. دولت آقای روحانی، بدهی های بسیار هولناکی برای دولت بعدی به جا گذاشته است. این یکی از مشکلات اساسی خواهد بود و دولت بعدی با آن مواجه خواهد بود.

**● پس به طور قطعی شاخص بورس با تجدید ارزیابی ها رشد خواهد کرد؟**

اسم آن رشد نیست، یعنی کسانی که در سال ۱۳۹۹ در بورس زیان کرده اند و سعی می کنند به سرعت دارایی ها و سهام خودشان را بفروشند، از فروش فعلی خودشان بیش تر ضرر خواهند کرد. برای این که بخشی از این زبانی که در سال ۱۳۹۹ متوجه این افراد شده، از طریق تجدید ارزیابی و چیزی شبیه به همان تورم، در سال ۱۴۰۰ جبران خواهد شد.





# اگر هوش مالی خود را تقویت نکنیم، شرایط مالی مان روز به روز سخت تر خواهد شد



رضا کارگزار\*

گیلان فردا - سواد مالی یعنی بتوانید منابع مالی خودتان را به شکلی مدیریت کنید که در طول زندگی خود امنیت مالی را تجربه کنید.

برای فراگیری سواد مالی باید مجموعه ای از آگاهی‌ها و مهارت‌ها را یاد بگیرید. این مجموعه آگاهی‌ها به شما کمک می‌کند تصمیماتی بگیرید که آگاهانه و موثر در پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. به عبارتی ساده‌تر، یعنی توانایی مدیریت اقتصادی و بهینه درآمد خودتان را خواهید داشت.

البته در دانش مدیریت گردش نقدینگی را سرمایه‌گذاری و مدیریت هزینه را نیز سواد مالی می‌گویند. بعضی از افراد ذاتا دارای سواد مالی خوبی هستند و بعضی از افراد نیاز دارند این دانش را فرا بگیرند. البته باید خاطر نشان کرد این مهارت‌ها و آگاهی‌ها به تنهایی نمی‌تواند شما را ثروتمند کند. با به کارگیری این دانش در زندگی است که راه ثروتمند شدن را خواهید پیمود. چرا آموختن و اجرایی کردن سواد مالی، به ثروتمند شدن ما کمک می‌کند؟

بیشتر افراد به شدت روی پول تمرکز می‌کنند؛ در صورتی که باید وقت خود را برای یاد گرفتن سواد مالی و عمل به آن صرف کنند. **تلاش برای پول در آوردن تحسین برانگیز است اما اگر سواد مالی نداشته باشید نمی‌توانید درآمد خود را مدیریت کنید.**

اگر افراد می‌دانستند حفظ و مدیریت پول، مهم‌تر از مقدار پولی است که بدست می‌آورند، باعث می‌شد تحول بزرگی در زندگی آن‌ها رخ دهد. این تحول می‌تواند به ثروتمند شدن آن‌ها منجر شود. البته اشتباه نکنید، تنها عامل ثروتمند شدن حفظ پول نیست. موضوع این است که تا وقتی در حفظ پول، دانش و مهارت نداشته باشیم، افزایش ثروت هم میسر نیست. اکثر افرادی که ثروتمند می‌شوند دانش و مهارت سواد مالی را دارند. اما اکثر افرادی که یک شبه پولدار می‌شوند، به سرعت پول خود را از بین می‌برند؛ چرا که سواد مالی ندارند؛ افرادی که مهارت سواد مالی را ندارند، معمولاً از نظر اقتصادی در لبه پرتگاه قدم برمی‌دارند؛ برای این که نمی‌دانند چطور هزینه کنند یا نمی‌دانند درآمد خود را از چه راهی افزایش دهند. یکی از بزرگان می‌گوید: قبل از آنکه بدوی، بایست راه رفتن را فرا بگیرید. این موضوع در مورد هوش مالی هم صدق می‌کند. قبل از آنکه مردم یاد بگیرند که به چه روشی، سودهایی فوق العاده بالا برای پولشان به دست آورند، باید راه رفتن را فرا بگیرند، یعنی اصول و مقدمات هوش مالی را بیاموزند. چون افراد اطلاعات مالی کمی دارند، نمی‌توانند ثروت خود را تقویت کنند و در نهایت آن را به بانک می‌سپارند.

ما به عنوان افراد بزرگسال، بیشتر خواندن و نوشتن را یاد گرفته‌ایم. ما فقط تلاش کرده‌ایم باسواد شدن را فرا بگیریم. خوشبختانه مدارس این کار را به خوبی انجام می‌دهند. اما نوع دیگری از سواد به نام سواد مالی وجود دارد که کمیاب است. نظام آموزش و پرورش خواندن و نوشتن را به خوبی یاد می‌دهند اما در آماده کردن اشخاص برای کار کردن با پول کاری نکرده است. می‌توان گفت هر فردی که از مدارس فارغ التحصیل می‌شود از نظر سواد مالی بی سواد محسوب می‌شود. به این مسئله توجه کنید اگر هوش مالی خود را تقویت نکنیم شرایط مالی مان روز به روز سخت‌تر خواهد شد. حقیقت این است که پول، تاثیر بسیار زیادی روی سبک و کیفیت زندگی دارد. پول می‌تواند آسایش به همراه داشته باشد، آزادی زمان و آزادی انتخاب می‌آورد. ولی اگر فقط پول بدست بیاورید و از هوش مالی استفاده نکنید منجر به ثروتمند شدن شما نمی‌شود. به عبارت دیگر، هوش مالی همان هوشی است که ما به کار می‌گیریم تا مسائل مالی خاص خود را برطرف سازیم. این هوش باعث می‌شود فرصت‌هایی را خلق و مهم‌تر از آن از فرصت‌هایی که دیگران نمی‌توانند ببینند، استفاده کنیم.

# آنچه باید به فرزندان خود درباره پول بیاموزید



رضا سیف پور\*

گیلان فردا - همه ما از دوران کودکی تا به امروز صدها بار این ضرب المثل قدیمی را از زبان بزرگ ترها و یا شخصیت‌های محبوب تلویزیونی شنیده ایم و یا در کتاب‌ها و مجله‌ها خوانده ایم که می‌گوید: «پول چرک کف دست است». با این وجود، امروز که بزرگتر شده ایم خیلی از ما در دنیای واقعی، با تناقض عجیبی بین شنیده‌ها و واقعیت‌های عینی درباره این «چرک کف دست» رو برو هستیم. تناقض‌هایی که از زمان کودکی شکل گرفته و در دوران بزرگسالی باعث شده تا نتوانیم به درک درستی از مفهوم پول، کسب پول، هزینه، خرج کرد پول و در نهایت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دست یابیم. اکنون فرزندان ما هم در معرض همین خطر قرار دارند با این تفاوت که در آینده بخش بیشتری از زندگی بشر به مناسبات و تعاملات مالی مربوط شده و ابزارهای مالی بسیاری در زندگی آینده آن‌ها مداخله خواهند داشت. از این رو اکنون باید از خود پرسیم تا چه حد فرزندانمان را آماده رویارویی با این چالش‌های جدید ساخته ایم؟

مهارت روبرو شدن با این چالش‌ها و به عبارتی مهارت مدیریت منابع پول، سرمایه و شیوه‌های تولید ثروت در علم جدیدی به نام «سواد مالی» تعریف می‌شود که به جهت نوبا بودن در کشور ما، تاکنون کمتر به آن پرداخته شده و لاجرم در نظام آموزش رسمی ما (مدرسه تا دانشگاه) چندان جایی ندارد. متأسفانه آموزش غیر رسمی این علم نیز همچون دیگر گونه‌های نوین سواد، مانند سواد رسانه‌ای یا سواد ارتباطی، در کشور ما دستخوش ساده‌انگاری و سودجویی افرادی شده که سواد مالی را ذیل عناوین خودساخته و مضحکی همچون "راه‌های میلیونی شدن" یا "چگونه ثروتمند شویم"؟ و امثالهم به مردم عرضه می‌کنند و باعث می‌شوند تا جامعه نسبت به این علم بدبین و حتی بی‌اطلاع شود و این در حالی است که فرزندان ما در آینده ناگزیرند با مفهوم پول، شیوه‌های کسب درآمد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، سهام، بیمه، طرح‌های بازنشستگی، مالیات، برنامه ریزی و بودجه بندی برای هزینه، مسئولیت پذیری پولی، خرید مقایسه‌ای، انواع اوراق قرضه و مشارکت، کارت‌های اعتباری و غیره آشنا شوند و حتی زندگی خود را بر اساس این مفاهیم سازماندهی کنند و تمام موفقیت آن‌ها در این مسیر وابسته به آن است که در زمان مقتضی آموزش‌های لازم در خصوص این موضوعات را فرا گرفته باشند و همانطور که گفتیم این آموزش‌ها ذیل مفهوم سواد مالی تعریف می‌شوند. سواد مالی را می‌توان به طور ساده ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت‌ها، گرایش و رفتارهای مالی لازم برای تصمیم‌گیری صحیح مالی و سرانجام دستیابی به وضعیت مساعد مالی فردی تعریف کرد. این مهارت‌ها باید در زندگی عملی توسط پدر و مادر در اختیار فرزندان قرار گیرد و برای حصول این موفقیت لازم است هم والدین و هم فرزندان با مفاهیم مرتبط با سواد مالی به درستی آشنا شوند. با این رویکرد انتظار می‌رود در بی‌تفاوتی نظام آموزش رسمی، رسانه‌ها و بخصوص رسانه ملی به اهمیت این آموزش‌ها در خانواده همت گمارد.

\*مدرس سواد مالی و کارآفرینی

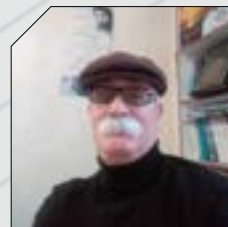
\*کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی

## ۵ معیار هوش مالی از دیدگاه رابرت کیوساکی

- معیار اول: بیشتر پول در آوردن
- معیار دوم: محافظت از پول خود
- معیار سوم: بودجه بندی پول خود
- معیار چهارم: تقویت پول خود
- معیار پنجم: بهبود بخشیدن اطلاعات مالی خود

## برای رسیدن به سواد مالی، ۴ اصل بنیادی سواد مالی را یاد کنید:

- ۱ - شناختن دارایی
- ۲ - جریان نقدی در مقابل بازده سرمایه
- ۳ - استفاده از بدهی و مالیات برای ثروتمندتر شدن
- ۴ - گرفتن تصمیمات مالی



علی کریمی پاشاکی  
روزنامه‌نگار

# بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی و پروپاگاندا‌ی غیر واقعی تولید واکسن و هزینه‌های آن

## گیلان فردا - تجربه نشان داده

است حتی دولت‌های تمامیت‌خواه نیز نمی‌توانند بی‌خیال سرمایه‌های اجتماعی خود باشند. سرمایه اجتماعی هر کشور یکی از محورهای اساسی توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شود. مهندسی و معماری این ستون، ظرافت‌های خاص خود را دارد. کارکرد سرمایه اجتماعی برای امر توسعه در بسیاری از موارد از سرمایه اقتصادی یک کشور نیز مهم‌تر خواهد بود. اعتماد سازی در سایه بی‌اعتمادی و یا کم‌اعتمادی به ساخت واکسن‌های ایرانی یکی از نشانه‌های بارز این موضوع است. اگر "اعتماد" و "مشارکت مدنی" را به عنوان دو مؤلفه‌ی مهم سرمایه اجتماعی (مردم) بدانیم با کمال نگرانی باید گفت؛ نشانه‌هایی هم هست که بنظر می‌رسد سرمایه اجتماعی جامعه کنونی ایران در پایین‌ترین سطح چابکی و کارآمدی خود قرار دارد. «بورديو»، "سرمایه اجتماعی راه جمع منابع واقعی و بالقوه‌ای می‌داند که محصول یک شبکه‌ای بادوام است". این شبکه در ایران کنونی ما نه تنها اعتبار نگرفته است بلکه به طور شایسته مورد پشتیبانی دولت‌ها نیز قرار ندارد.

## کاهش مشارکت مدنی مردم در انتخابات مجلس یازدهم رنگ خطر جدی

اگر چه ممکن است وضعیت نحیف سرمایه اجتماعی کشور در کوتاه مدت، خوشایند بخش‌هایی از سیستم باشد اما عوارض منفی این خوشایندی در دراز مدت بسیار بیشتر از شرف آن است. مشارکت ۲۵ درصدی مردم تهران در انتخابات مجلس یازدهم و میانگین مشارکت ۴۵ درصدی این انتخابات در کل کشور؛ یک نمونه روشن دیگری از مطلوب نبودن وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور است. این وضعیت نامطلوب اگر چه به کام عده‌ای شده است اما این کامیابی هرگز دوام نخواهد آورد. اکنون که واکسن کرونا توسط متخصصان کشور وارد مرحله بالینی و تست انسانی خود شده است بار دیگر بنظر می‌رسد باور کردن اثربخشی این واکسن در بند و طلسم بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی گرفتار شده است. از گفته‌ای که "خرید واکسن کرونا را طرحی برای به زانو درآوردن ایران و یک نوع تئوری توطئه می‌داند تا تلاشی که در مقابل این جبهه، برای اختصاص میلیون‌ها یورو جهت خرید واکسن می‌شود" همگی نشانه‌ای از پارادوکس چند صدایی در داخل است که به شدت به کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی کمک کرده است.

## سرمایه اجتماعی به عنوان یک منفعت ملی

کسانی که در این سال‌ها به سرمایه اجتماعی بی‌اعتنایی و با عملکرد خود زمینه بی‌اعتمادی را در جامعه تقویت کرده‌اند باید بدانند که سرمایه اجتماعی، یک منفعت شخصی نیست؛ بلکه می‌تواند برای تمامی بخش‌های کشور منفعت بزرگی داشته باشد. اگر بخش‌های اقتصاد و بهداشت جامعه با هزینه‌های کلان به واکسن کرونا دست یابند چنانچه پشتوانه سرمایه اجتماعی نداشته باشد، همه چیز در حاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند.

## فرار مغزها و نخبگان و مسئله‌ی بی‌اعتمادی عمومی

به فرار مغزها و نخبگان توجه نکردیم، گرفتار فرار توده‌ها و قشرهای عادی جامعه شدیم. بی‌اعتمادی در بخش‌های کوچک‌تر جامعه را بی‌اهمیت نشان دادیم، گرفتار بی‌اعتمادی عمومی جامعه و ریزش سرمایه اجتماعی شدیم. بر اساس یک پایش اجتماعی تا قبل از کرونا ۲۳ میلیون نفر از ایرانیان میل به ترک وطن داشتند.

## تقویت سرمایه اجتماعی با شعارهای غیر واقعی ممکن نیست

تقویت سرمایه اجتماعی با شور و شعار حاصل نمی‌شود. باید اجازه داد نهادی‌های جمعی و مدنی فعالیت گسترده‌تر و اثربخش‌تری در عرصه‌های عمومی داشته باشند. دولت‌ها و کلیت سیستم نباید از شبکه‌ای که به چابکی سرمایه اجتماعی و طبقه متوسط کمک می‌کند بترسند، یا که حمایت از سرمایه‌های اجتماعی را تنها در راستای منافع خود شل و سفت کنند. اگر حاکمیت در تقویت غنی‌تر کردن این شبکه تلاش واقعی از خود نشان ندهد آن زمان که برای یک مسئله و یا چالش ملی؛ مانند ساخت واکسن کرونا؛ تلاش واقعی دارد با خطر بی‌اعتمادی عمومی روبرو می‌شود.

## پسرمایه اجتماعی و فرآیند تولید واکسن کرونا

اکنون که متخصصان کشور در وضعیت سخت تحریم و نابرابری جهانی، تلاش می‌کنند به واکسن کرونا دست یابند، طلسم بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی بر تلاش آن‌ها سایه افکنده است و ناچار می‌شوند تست این واکسن را ابتدا بر روی فرزندان خود آزمایش کنند. با این حال راحت بگویم؛ عده‌ی زیادی هستند که همچنان تولید این واکسن را نه برای مسئولین و طبقه سرمایه دار جامعه، بلکه برای طبقه‌های پایین‌تر جامعه می‌دانند. بر اساس بی‌اعتمادی عمومی، چه بسا عده‌ای فکر می‌کنند واکسن‌های کرونای مسئولین همان ۱۵ هزار دوزی است که به زودی از آمریکا وارد ایران خواهد شد.



# آمار ششم اقتصادی تبعات در جامعه



وحید حاج سعیدی

حمله به سوی مغازه‌ها و فروشگاه‌ها آغاز می‌شود و خریدی معادل مصرف یک سال ولو بیشتر، نشان از نبود سواد اقتصادی یا عدم توان در تصمیم‌گیری صحیح در اقتصاد خانوار است. ناگفته نماند توسعه چنین فرهنگی در جامعه نیازمند آموزش، صرف هزینه و زمان است و شاید وقت آن فرا رسیده باشد که در کتب درسی بخشی از فرهنگ اقتصادی و مقولات مربوط به آن گنجانده شود.

در واقع تفاوت در نوع نگاه مردم و دولت به مقوله اقتصاد و کاهش چشمگیر میزان تحمل‌پذیری مردم در برابر فشارهای اقتصادی، باعث شده تا انجام تغییرات اساسی اقتصادی پایدار در کشور به‌کندی صورت پذیرد یا حتی انجام این تغییرات به آینده‌ای نامعلوم موکول شود. از سوی دیگر با وجود چنین تنگناها و شرایط ناعادلانه اقتصادی، دولت با اجرای طرح‌های خلق الساعه نظیر توزیع سهام عدالت و یارانه، بسته‌های حمایتی، تعیین دستوری نرخ ارز، بالا و پائین بردن نرخ سود بانکی، صدور بخشنامه‌های متعدد اقتصادی، مسدود کردن برخی حساب‌ها، اعطای وام به بیکاران، راه‌اندازی بنگاه‌های زودبازده و یا حتی استفاده از نیروی انتظامی برای برقراری نظم و انضباط اقتصادی در جامعه تلاش می‌کند که تأثیر چنین رویکردی قطعاً موضعی و موقتی خواهد بود و ممکن است در آینده منجر به تشدید وخامت اوضاع و به هدر رفتن سرمایه‌های ملی نیز شود. ادامه این سیکل معیوب و تجویز مسکن‌های موقتی و احساسی و به زبان ساده‌تر اداره دستوری اقتصاد، روز به روز کلاف سردرگم اقتصاد را پیچیده‌تر و باز نشدنی‌تر می‌کند. افزایش شکاف طبقاتی ایجاد شده، بالا رفتن خط فقر، روند صعودی شاخص فلاکت ناشی از بیکاری، کاهش ارزش پول ملی در سال‌های اخیر و... حجت‌گفتار فوق است.

در این شرایط باید بپذیریم اندک وعده‌های دولت فعلی نیز در مقولات اقتصادی به دلایل مختلف سیاسی و غیرسیاسی تاکنون محقق نشده است. وعده‌هایی نظیر تکنرخی کردن ارز، واگذاری شرکت‌های دولتی و آزاد شدن دولت از نقش بنگاه دار، جلوگیری از قاچاق کالا، مقابله با فرار مالیاتی کلان افراد، بنگاه‌ها و نهادها، هدفمندسازی بارانه‌های غیرهدفمند و حذف یارانه ثروتمندان، واقعی کردن بهای سوخت و نهایتاً ایجاد رونق اقتصادی از وعده‌های این دولت بوده که به نظر رسیدن به آن‌ها دشوارتر نیز شده است.

هرچند بخشی از این دشواری‌ها ممکن است ریشه در تصمیمات دولت‌های گذشته، توطئه‌چینی مخالفان دولت در لایه‌های مختلف، یا حتی شرایط اقتصادی و سیاسی داخلی و بین‌المللی داشته باشد، ولی ضعف عملکرد و برنامه‌ریزی نیز در تشدید بحران شرایط فعلی و پیش روی تأثیر نبوده و نیست.

تا جایی که چندی قبل از جانب رئیس اتاق بازرگانی ایران اعلام شد «۷۰ درصد اقتصاد در اختیار کسانی است که جز ضرر چیزی برای اقتصاد نداشته‌اند» با این وجود توقع بهبود اوضاع اقتصادی در دولت فعلی و حتی دولت‌های آتی در یک بازه زمانی کوتاه توقعی غیرمنطقی است؛ چراکه ساختاری که در طول چند دهه دچار اختلال و نابسامانی شده است، یک شبه اصلاح نخواهد شد و نیاز به زمانی طولانی‌تر از آنچه تصور می‌کنیم، دارد. شاید روزی اراده‌ای علمی و علمی برای حل مشکلات اقتصادی مردم در دولت‌مردان دیده شود و با برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، حذف مدیران ناکارآمد و خائن به نظام از بدنه اقتصاد، مبارزه جدی با فساد اقتصادی و قاچاق کالا، آموزش مبانی اقتصاد در مدارس و در اصلی‌ترین گام قطع ید غارتگران بیت‌المال و دشمنان اصلی مردم و نظام که مقام معظم رهبری نیز همواره در مبارزه با آن‌ها تأکید داشته است، زمینه برای بهبود اقتصادی و معیشتی مردم فراهم شود.

گیلان فردا - فارغ از اینکه بزرگان علم اقتصاد با همان اقتصاد دانان چه تعاریف و پارامترهایی برای اقتصاد در نظر گرفته‌اند، واژه اقتصاد میان عامه مردم دارای تعبیر جداگانه‌ای است. این تعاریف و ویژگی‌های خودساخته در ساختار ذهنی افراد نیز رسوخ پیدا کرده‌اند و به بیان فصیح‌تر و ساده‌تر مردم اوضاع اقتصادی جامعه را بر اساس دارایی‌ها، درآمد، قدرت خرید و به زبان ساده‌تر بر اساس آمارها و مشاهدات خود سنجیده و تجزیه و تحلیل می‌کنند.

به عنوان مثال اگر در دنیا کاهش ارزش پول در قبال تولید واقعی را تورم بنامند، عامه مردم تورم را همان گرانی قلمداد می‌کنند! اگر در کشورهای پیشرفته با اعمال سیاست‌های مختلف، زمینه برای ایجاد اشتغال در بخش‌های مختلف تولیدی، صنعتی، خانگی و... فراهم شود، اشتغال از دیدگاه مردم ما استخدام در یک شرکت دولتی یا خصوصی یا همان پشت میز نشینی تعریف می‌شود و تا برای فرد حقوق ثابت ماهیانه واریز نشود، اساساً او را فاقد شغل رسمی می‌دانند!

البته این رویکرد تنها مختص عامه مردم نیست و در بدنه دولت نیز چنین تضادهای و ناسازمناهی به وفور به چشم می‌خورد و معمولاً جنس آمارهای اقتصادی دولتی‌ها در خصوص عبور از رکود، کاهش نرخ تورم، کاهش میزان نقدینگی و در مجموع بهبود اوضاع معیشتی جامعه با واقعیت‌های موجود در جامعه و آمارهای ارائه شده توسط کارشناسان مستقل، تفاوت‌های آشکار و معناداری دارند! این اختلاف ساختاری در سایر لایه‌های مختلف اقتصادی نیز به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه اگر یک کارگر ساده خیاطی با بی‌احتیاطی در اطو کشیدن، باعث براق شدن کت و شلوار مشتری شود، علاوه بر پرداخت غرامت و تاوان این سهل‌انگاری، از کار اخراج شده و یا در معرض اخراج از کار نیز قرار می‌گیرد؛ اما مدیری که به دلیل سهل‌انگاری و سوء تدبیر در اجرای یک پروژه میلیاردی باعث ایجاد خسارات هنگفت و در مواقعی جبران‌ناپذیر به اموال و جان مردم می‌شود، نه تنها بازخواست و برکنار نمی‌شود، بلکه در شرایطی با ارتقاء درجه نیز روبرو می‌شود!

دزدی از نگاه مردم برداشتن مال غیر بدون اجازه است که با لحاظ شرایط، منجر به قطع دست دزد خواهد شد، در حالی که برداشته‌های چند هزار میلیاردی از بیت‌المال در قالب اختلاس یا وام‌های بی‌بازگشت عمدتاً از مصادیق دزدی محسوب نمی‌شود و تا به حال دست هیچ اختلاس‌کننده‌ای قطع نشده است!

ماحصل چنین نگاه و رویکردی و پذیرش اقتصاد سه‌گانه یا سه‌وجهی (اقتصاد مردمی، اقتصاد دولتی و اقتصاد واقعی)، در کنار تصمیمات شتاب زده و در عین حال احساسی، سیاسی و انتخاباتی، نبود انجمن‌های صنفی، بنگاهداری دولت به ویژه بانک و نهادهای بزرگ دولتی، دست‌کاری آمارها یا عدم شفافیت در ارائه آمارهای اقتصادی، جزیره‌ای عمل کردن مجموعه‌های اقتصادی بزرگ کشور، قاچاق گسترده و سیستماتیک کالا و ارز، فرار مالیاتی در حجم گسترده، انحراف از قانون بودجه، حضور بقیه سفیدها و برخی افراد خاص در اقتصاد، اختلاس‌های کلان، فقدان نظارت مستمر بر عملکرد مجموعه‌های اقتصادی و... باعث شده تا اقتصاد کشور به شدت شکننده و زیان‌ده شود به نحوی که تبعات این بی‌ثباتی در همه لایه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به چشم می‌خورد. به بیان دیگر این رویکرد باعث شده تا اقتصاد کشور دچار یک آنارشسیسم و هرج‌ومرج لحظه‌ای شود تا جایی که یک عده «برای به دست آوردن حداقل درآمد» و عده‌ای برای «خرج کردن ثروت میلیاردی بادآورده» با چالش‌های اساسی مواجه شده‌اند!

در این بین نبود دانش اقتصادی میان احاد جامعه هم به یکی از دلایل نابسامانی اقتصادی فعلی تبدیل شده است. چرا که قاطبه مردم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی با مشکلات عدیده روبرو هستند و بی‌اطلاعی از مفاهیم و رویکردهای اقتصادی باعث می‌شود ناخواسته در بروز یا تشدید برخی تبعات اقتصادی سهیم شوند. با داشتن چنین رویکردی با گران شدن یک کالا



# آمایش سرزمین، پیش نیازی برای حفظ پایداری سرزمین



عکس: Atnanews | شکیبا شیرازی تهرانی



گیلان فردا - یکی از طرح های مهم و با ارزشی که در سال جاری از سوی سازمان برنامه و بودجه کشور انجام شد تهیه و تدوین سند آمایش سرزمینی بود. هر چند این طرح نیز مانند همه موضوعات دیگر موافقین، مخالفان و منتقدان خود را دارد اما بی شک آمایش سرزمینی به عنوان یک نیاز احساس می شد. البته به اعتقاد رییس گروه توسعه پایدار امور برنامه ریزی، نظارت و آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه کشور و مشاور کمیسیون توسعه پایدار، محیط زیست و آب اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران مسائل و مشکلات فراروی آمایش سرزمین را از جنبه های مختلف می توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. بخشی از این مسائل و مشکلات به عنوان عوامل خارج کنترل برنامه ریزان فراروی آمایش سرزمین در ایران خودنمایی می کنند و بخشی از مشکلات نیز به دلیل وجود قوانین یا مصوبات متناقض بخشی در تعارض با اهداف و سیاست های آمایش سرزمین جلوه گر می شوند. اما چرا بازتابی از برنامه آمایش در برنامه های کشور مشهود نیست؟ برخی ها از جزء به کل رسیدن را در این برنامه ریزی مورد انتقاد قرار می دهند و بعضی دیگر اعتقاد دارند در طرح آمایش



تنظیم و گردآوری: سارا افشاره\*

فقط اطلاعاتی درج شده و راهکار عملیاتی برون رفت از مشکلات و رسیدن به توسعه پایدار و متوازن دیده نمی شود. اما برای بررسی چنین موضوع مهمی باید بی طرفانه و بدون پیشداوری، مسایل مرتبط و تاریخچه کار را مورد نظر قرار داد. فرزام پوراصغر سنگاچین، رییس گروه توسعه پایدار امور برنامه ریزی، نظارت و آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه، فقدان درک مشترک در زمینه آمایش بین مراکز پژوهشی و دانشگاهی با سطوح اجرایی و نهاد های دولتی، تفکرات بخشی و قومیتی حاکم بر نظام برنامه ریزی کشور را یکی از دلایل این انتقادات برمی شمرد و می گوید: «برای اینکه بهتر با موضوع آشنا شویم باید به دهه ۱۳۵۰ برگردیم». ما حاصل گفت و گوی گیلان فردا با ایشان را در ادامه می خوانید:

کلانشهرهایی مانند تهران و سایر مراکز استان ها می توان مشاهده کرد، یعنی توسعه دیگر مناطق نیز در پیوند و ارتباط با این مناطق مفهوم یافته است. افزایش درآمدهای نفتی که از اواسط دهه پنجاه آغاز شد، برای تامین منابع توسعه، محدودیتی ایجاد نمی کرد، بنابراین ضرورتی برای جستجوی منابع جانشین احساس نمی شد. عدم امکان رقابت منابع منطقه ای با نفت، بسیاری از مناطق کشور را به بی توجهی و انزوا کشانید به طوری که پس از قریب به هفت دهه برنامه ریزی در کشور هنوز عدم تعادل های بسیار شدیدی در پهنه کشور مشاهده شده و هنوز هم بسیاری از قابلیت ها و استعداد های مناطق، علیرغم استعداد های انکارناپذیر آنها، شناخته نشده است. به همین دلیل بازتاب برنامه ریزی آمایشی در کشور در مقایسه با برنامه ریزی ملی چندان مشهود نیست.

● آقای پوراصغر بعضی ها معتقد هستند اگر نفت نداشتیم وضع اقتصادی ما به مراتب بهتر از امروز بود و شاید شاهد توسعه متوازن در کشور بودیم. نظر شما در این مورد چیست؟

از اوایل دهه ۵۰ شمسی، نفت و توسعه در پهنه سرزمین ایران پیوندی تنگاتنگ یافتند و با افزایش قیمت آن طی این سال ها، این وابستگی تشدید شد. به دلیل همین وابستگی، نوسانات قیمت نفت و رونق و رکود آن بر چگونگی روند توسعه ملی و توسعه کشور بشدت اثر گذاشت. این الگوی توسعه وابسته به درآمدهای نفتی، علاوه بر عدم تناسب با واقعیات جامعه ایران، ظرفیتی کاذب و به دور از نیازها و تواناییهای اجتماعی بوجود آورد که بازتاب آن را به صورت رشد ناموزون سکونتگاههای انسانی و تمرکز فعالیتها در مناطق مختلف کشور بویژه در

## ● آیا در هیچکدام از برنامه ریزی های کلان کشور به دنبال توسعه متوازن نبودیم؟

الگوهایی که برای تعادل بخشی و ایجاد توازن منطقه‌ای در کشور به اجرا در آمده بودند، عمدتاً برگرفته از رویکردهای برنامه ریزی توسعه منطقه ای متداول در جهان از جمله نظریه قطب رشد و توسعه نقطه ها و لکه های دارای قابلیت استوار بودند. بر پایه چنین رویکردی، شکل گیری فعالیت ها و اقدامات توسعه در پهنه کشور، از یک سو بر خاسته از ضرورت و نیاز دستیابی به یک هدف ملی بود و از سوی دیگر به جای آنکه قابلیت ها و فرصت های توسعه درون زا را در منطقه تقویت و مورد استفاده قرار دهد، عمدتاً در چارچوب سیاست ها و هدف های کلان پیش بینی شده در برنامه های توسعه ملی با تاکید صرف بر رشد اقتصادی متکی بوده است. بازتاب این رویکرد به صورت تفاوت های اقتصادی، اجتماعی و سرزمینی ناشی از آن بروز پیدا کرد و تفاوت های فاحش بین تهران و دیگر شهرهای بزرگ و شهرهای متوسط کوچک و بطور کلی بین جوامع شهری و روستایی را پدید آورد.

● **آیا اجرای سند آمایش قادر است شکاف بین مناطق تهران و سایر مناطق کشور و سیل مهاجرتها از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را کاهش دهد؟ کلانشهرهایی مانند تهران در اواسط دهه ۴۰ شمسی و چند سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با شدت بیشتری گسترش یافتند و الان با ازدحام جمعیت، حاشیه نشینی، انواع معضلات زیست محیطی، ناهنجاری های اجتماعی و غیره در بسیاری از کلانشهرهای کشور روبرو هستیم.**

بله، به همین دلیل موضوع آمایش سرزمین برای استفاده موثر از تمامی ظرفیت های سرزمینی و همچنین تعادل بخشی و ایجاد توازن در مناطق مختلف کشور در کانون توجه قرار گرفت و از اواخر دهه ۴۰ شمسی این رویکرد برنامه ریزی فضایی وارد ادبیات توسعه کشور شد.

● **اصلاحیه و ضرورت اجرای سیاست ها و برنامه های آمایش سرزمین چه بوده است؟**  
عدم تعادل های سرزمینی و نابرابری برخورداری از امکانات و خدمات در پهنه کشور خودنمایی می کرد، به همین علت پی ریزی یک روند میان مدت و بلند مدت به تناسب قابلیت های مناطق مختلف کشور، جهت کاهش عدم تعادل ها و توزیع عادلانه امکانات در چارچوب برنامه های آمایش سرزمین همواره در کانون توجه برنامه ریزان کشور قرار داشته است.

● **البته ایران کشوری بزرگ و با اقلیم و جغرافیای متفاوت است و طبیعتاً برای رسیدن به توسعه متوازن پیچیدن یک نسخه واحد برای کشور کارساز نیست.**

بخشی از عدم تعادل و توزیع ناموزون جمعیت و فعالیت در پهنه کشور، ناشی از عوامل طبیعی بویژه شرایط آب و هوایی است که می توان از آنها به عنوان عوامل غیر ارادی یاد کرد، ولی بخش زیادی از این عدم تعادل ناشی از سیاست ها و برنامه های گذشته است که میتوان به عنوان عوامل ارادی از آنها نام برد، از مهمترین آنها می توان به اتخاذ استراتژی های ایجاد قطب های رشد و اولویت دادن تخصیص منابع به مناطقی خاص در سنوات گذشته اشاره کرد که باعث شده اند تا سیمای ساختار فضایی کشور با عدم تعادل های شدیدی مواجه شود. حاشیه های سلسله جبال زاگرس، دامنه های البرز، دشتهای ساحلی و مرکزی که در برگیرنده کلانشهر تهران نیز است، سهم عمده ای از فعالیت های تولیدی، خدماتی و جمعیتی را بخود اختصاص داده اند و تقریباً کلیه شهرهای بزرگ و مجموعه های مترامک و توانمند روستایی و بخش مراکز مهم تولید و قابلیت های بالفعل کشور، در این پهنه جغرافیایی قرار داشته و اختلاف فاحشی را در برخورداری از امکانات با سایر مناطق خصوصاً مناطق شرقی نمایان می سازند.

● **با توجه به این تفاسیر به نظر می رسد در مجموع ساختار فضایی کشور فاقد پیوندهای مناسب و کافی است.**  
همانطور که گفتم بخشی از گسستگی ها در پیوند مراکز فعالیتها و سکونتگاهها ناشی از عوارض طبیعی مانند سلسله کوههای البرز، زاگرس، کویر های مرکزی و در مجموع شرایط طبیعی و بویژه محدودیت آب ناشی می شود، ولی با توجه به پیشرفت های شگرف در فناوری های نوین و ضرورت استراتژیک و در آستانه هزاره سوم، ارتباط فضایی کشور از بسط توسعه و پوشش کافی برخوردار نبوده و بخش زیادی از کشور و جمعیت نسبتاً قابل ملاحظه خصوصاً در بخش های شرقی و جنوبی کشور در انزوا و دور افتاده از فضای توسعه کشور بسر می برند. باید بگویم تاکید بر مقوله هایی چون محرومیت زدایی که طی سه دهه اخیر، فارغ از دیدگاهها و ملاحظات آمایشی و بدون ارتباط با سازماندهی فضا در بسیاری از مناطق صورت گرفته، تاکنون نتوانسته است محرومیت ها و عدم تعادل های موجود در بسیاری از مناطق را کاهش دهد و به همین دلیل نیز در حال حاضر شاخص های توسعه مناطقی مانند تهران تفاوت های فاحشی را با سایر مناطق نشان می دهد. همچنین محیط زیست طبیعی و انسانی کشور در معرض آسیب قرار دارد. روند فزاینده تخریب و آلودگی در برخی از مناطق کشور (مناطق ساحلی، فرسایش خاک در مناطق کوهستانی، آلودگی هوا در کلانشهرهای کشور و...) ژرفانگری در زمینه چیدمان فعالیت ها در پهنه کشور و بازنگری در سیاست ها و برنامه های گذشته آمایش سرزمین در کشور را دوچندان کرده است.

● **می توان گفت مهمترین دلایل توجه به مقوله آمایش عدم تعادل های منطقه ای بوده است؟**  
عدم تعادلهای منطقه ای بین استانی، شهری و روستایی یکی از مهمترین عاملها بود. رشد انفجاری جمعیت شهری و تمرکز ظرفیت و استعداد های نوآوری و تحرک در تعداد اندکی از شهرها و هرج و مرج در توسعه فضایی شهرهای بزرگ، بارگذاری بیش از توان اکولوژیک در بخش های خاصی از کشور و بروز طیف گسترده ای از معضلات زیست محیطی در این مناطق، در انزوا قرار گرفتن بخش های زیادی از کشور در محرومیت و عدم برخورداری از قابلیت های بالقوه آنها، بهره برداری نامناسب از قابلیت های فضاها و مناطق (حاشیه ای شدن قسمت هایی از سرزمین و فشار فراتر از ظرفیت به منابع و عرصه های محدود) عدم هماهنگی لازم بین بخش های اقتصادی در سرزمین و عدم توجه به شرایط اجتماعی، قومی و فرهنگی مناطق، جملگی از دلایل توجه به مقوله آمایش است.

● **با وجود این همه نواقص و کاستی، کاهش آمایش زودتر انجام می شد و کاهش نتایج حاصله لااقل حالا در انجام پروژه های و اقدامات و تصمیم ها مورد توجه قرار گیرد.**

البته آمایش سرزمین در ایران فراز و فرود زیاد داشته است. آمایش سرزمین برای اولین بار در سال ۱۳۴۵ تحت واژه «سیاست عمران کشوری» وارد ادبیات برنامه ریزی کشور شد. در سال ۱۳۵۴ «مرکز آمایش سرزمین» زیر نظر نخست وزیر تشکیل شد. در سال ۱۳۵۵ مجلس شورای ملی مبلغ ۳۵ میلیون تومان (معادل ۴۲ میلیارد تومان امروز) را برای تدوین برنامه آمایش سرزمین اختصاص داد و شرکت مشاور ستیران این مطالعات را در قالب ۱۵ جلد به انجام رسانید. برنامه ششم عمرانی (۱۳۵۶ - ۱۳۶۱) نیز مبتنی بر نتایج و دستاوردهای مطالعات آمایش سرزمین تدوین شد. وقوع انقلاب اسلامی موجب عدم تصویب و اجرای برنامه



ششم عمرانی شد. برنامه‌ای که به زعم تحلیل‌گران به عنوان قوی‌ترین و غنی‌ترین برنامه توسعه کشور در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود. در دهه ۱۳۶۰ «طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی» در دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای وقت سازمان برنامه و بودجه با تکیه بر مطالعات ستیران و در قالب شش جلد انجام شد اما کاربست و انعکاسی (جز در خصوص مصوبه محور شرق) در اسناد برنامه‌های بودجه‌ای کشور در شرایط جنگ تحمیلی نداشت. برنامه توسعه اول و دوم با هدف سازندگی و بازسازی و ترمیم اقتصادی نوشته شد و به مطالعات آمایش سرزمین بی توجه بود.

در برنامه سوم توسعه در زمان دولت اصلاحات با توجه به علاقه‌مندی رئیس‌جمهور و هیات وزیران وقت دور سوم مطالعات آمایش سرزمین از سال ۱۳۷۷ آغاز و تا سال ۱۳۸۳ به طول انجامید. با این حال در برنامه سوم توسعه که اصلاح ساختاری- نهادی نظام برنامه ریزی و اقتصاد کشور را در دستور کار داشت، فرصت چندانی برای قرارگیری آن بر مدار آمایش سرزمین ایجاد نشد. در این دوره تنها مصوبه آمایش سرزمین در سطح هیات وزیران با عنوان ضوابط ملی آمایش سرزمین، در سال ۱۳۸۳ به

کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ شد.

### ● یعنی در برنامه‌های بلند مدت کشور و سند چشم انداز نیم نگاهی هم به موضوع آمایش نمی شد؟

اتفاقاً بخشی از نتایج دور سوم مطالعات آمایش سرزمین در قالب چشم انداز بیست ساله توسعه کشور تجلی یافت و در انتهای دولت هشتم سعی شد مبنایی برای تدوین برنامه چهارم توسعه باشد. از همین رو این برنامه را باید آمایشی ترین برنامه توسعه بعد از انقلاب اسلامی دانست.

### ● ولی آیا این به قول شما آمایشی ترین برنامه، اثر بخشی هم داشته است؟

تدوین «نظریه پایه توسعه استانها» و «راهبردهای بلندمدت توسعه بخش‌ها از منظر آمایش سرزمین» و نیز نقشه‌های غیرمصوب سازمان فضایی کشور از جمله نتایج این مطالعات بود. در سال ۱۳۸۴ در ماه‌های انتهایی دولت هشتم، «مرکز ملی آمایش سرزمین» بنا به نیازهای مستخرج از این مطالعات در ذیل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تشکیل شد. اما با تغییر دولت و روی کار آمدن دولت نهم، برنامه چهارم توسعه کشور عملاً به کنار گذاشته شد. مرکز ملی آمایش سرزمین منحل و آمایش سرزمین در ذیل یک دفتر در امور الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تنزل داده شد. در این دوره مستخرج از دور سوم مطالعات سراسری آمایش سرزمین در ایران، در مرکز ملی آمایش سرزمین وقت، مقدمات تدوین مطالعات برنامه آمایش استان‌ها با تدوین و ابلاغ شرح خدمات تیپ به استان‌ها در سال ۱۳۸۵ آغاز شد. با انحلال سازمان و مرکز ملی آمایش سرزمین این امر دچار توقف شد و دوباره در مرداد ۱۳۹۰ شرح خدمات جدیدی از سوی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تنظیم و به استانداری‌ها ابلاغ شد.

### ● از دهه ۹۰ تا کنون چه اتفاقاتی برای آمایش پیش آمد؟

با اینکه طی سه دهه بعد از انقلاب تلاش‌های بسیار زیادی برای تهیه و تدوین آمایش سرزمین انجام شد، اما به دلایل مختلف این تلاش‌ها ناکام ماند و به نتایج ملموسی منتهی نشد، در دهه ۹۰ موضوع آمایش سرزمین بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و بر ضرورت تهیه و تدوین برنامه آمایش سرزمین تاکید شد که بازتاب آن هم در مفاد قانونی برنامه پنجم توسعه و بویژه برنامه ششم توسعه مشهود است. بر این اساس، از اوایل دهه ۹۰ و اواخر برنامه پنجم توسعه تهیه و تصویب برخی از راهبردهای آمایش سرزمین بخش‌ها مورد توجه قرار گرفت. شورای آمایش سرزمین در قالب برنامه پنجم توسعه کشور تشکیل و مصوبات را تصویب کرد. با تدوین و تصویب قانون برنامه ششم توسعه کشور و احکام دائمی برنامه‌های توسعه در سال ۱۳۹۶، فصل جدیدی از تاریخ آمایش سرزمین در کشور آغاز شد. از یک سو برای اولین بار آمایش سرزمین بر اساس ماده ۳۲ قانون احکام دائمی کشور، دارای جایگاه دائمی و معین در نظام برنامه ریزی و مدیریت توسعه کشور شد و «شورای عالی آمایش سرزمین» به عنوان فرادست ترین نهاد سیاستگذار در این بخش تاسیس شد، از سوی دیگر بر اساس جزء ۱ بند الف ماده ۲۶ قانون برنامه ششم توسعه، تدوین «سند ملی آمایش سرزمین» بر دولت در سال اول اجرای برنامه تکلیف شد. سرانجام پس از تلاش‌های متعدد، سند ملی آمایش سرزمین پس از برگزاری جلسات کارشناسی متعدد در کمیسیون آمایش تهیه و در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۳۹۹ توسط شورای عالی آمایش سرزمین با مشارکت نمایندگان و وزرای عضو شورای عالی آمایش سرزمین به تصویب رسید.

### ● یعنی دوباره مطالعات آمایش شروع شد؟

بله، به موازات این تحولات برای تهیه سند ملی آمایش سرزمین، مطالعات تهیه سند آمایش استان‌ها نیز بر اساس شرح خدمات تیپ در سال ۱۳۸۵ و سپس براساس اصلاحیه همین شرح خدمات در سال ۱۳۹۰، توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان‌ها در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ این مطالعات انجام شد و سرانجام در اوایل سال ۱۳۹۸ مطالعات ۳۱ استان با بیش از ۱۱۰۰ جلد به اتمام رسید.

### ● در واقع سند آمایش استان‌ها از بطن این مطالعات هشت ساله منتج شده؟

همینطور است. امور برنامه ریزی، نظارت و آمایش، از این مطالعات مطابق با نتایج و دستاوردهای آن، سند آمایش استان را در دو بخش سند راهبردی و سند اجرایی آمایش استان تهیه کرد. اسناد تولید شده در جلسات چهارجانبه در سازمان برنامه و بودجه مورد بحث و بررسی امور بخشی قرار گرفت و سپس برای بررسی و تصویب به کمیسیون تخصصی شورای عالی آمایش ارجاع شد که کلیات آن نیز در شورای عالی آمایش و همزمان با تصویب سند ملی آمایش سرزمین در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۳۹۹ به تصویب رسید.

سند آمایش استان گیلان نیز مانند سایر استان‌ها پس از تهیه اسناد پشتیبان و بررسی و بازبینی آن با مشارکت تمامی فعالان و نخبگان دانشگاهی، دولتی و غیر دولتی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهیه و به کمیسیون تخصصی آمایش سرزمین ارسال شد که این سند نیز پس از برگزاری جلسات کارشناسی متعدد و با حضور مشاور تهیه سند و ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان و کارشناسان سازمان یاد شده مطرح و به تصویب کمیسیون تخصصی آمایش سرزمین رسید، و مقرر شد تا پس از رونمایی از سند ملی آمایش سرزمین در جلسه آینده شورای عالی آمایش سرزمین، اسناد آمایش استان‌ها نیز تصویب شوند.

### ● در مورد سند آمایش گیلان لطفاً کمی توضیح دهید.

سند آمایش سرزمین استان گیلان نیز مانند سند آمایش سایر استان‌ها شامل یک سند راهبردی و یک سند اجرایی است. در سند راهبردی گیلان اهداف بنیادین توسعه فضایی استان، نقش استان در تقسیم کار ملی و منطقه‌ای، چشم انداز توسعه استان، مأموریت‌های توسعه فضایی استان، راهبردهای پابرجا (یعنی راهبردهایی که پاسخگوی آینده‌های متعددی ممکن باشد) شکل بندی کلان نظام فضایی استان، عناوین پروگرام‌های اجرایی آمایش استان‌ها دیده می‌شود. سند اجرایی آمایش استان گیلان نیز مانند سایر استان‌ها شامل تخصیص و اولویت‌های توسعه استان، سیاست‌های توسعه بخش‌ها در استان، تصویر سازمان فضایی استان در افق توسعه یافتگی، طرح و پروژه‌های اولویت دار در برش‌های بخشی و شهرستانی است.

### ● اما طولانی شدن بخش مطالعات و جمع‌بندی نهایی هر طرح و پروژه‌ای ممکن است اهداف اصلی کار را از حیض انتفاع خارج کند. چون اینقدر سرعت و شتاب تغییرات زیاد است که به تعویق انداختن هر کاری نه تنها ضرر مضاعف را بدنبال خواهد داشت بلکه کارکرد اصلی و به موقع نیز هیچوقت حاصل نخواهد شد.

البته در خلال چند دهه گذشته موضوع آمایش و توزیع بهینه فعالیت‌ها و توجه به عدالت به عنوان مهمترین مسائل توسعه کشور مطرح شد و تلاش‌های متعددی برای ساماندهی فعالیت‌ها و توزیع متعادل آنها چه در قالب قوانین و مقررات و چه در قالب طرح‌های مطالعاتی در کشور صورت گرفت لیکن این اقدامات نتوانسته است، اثر بخشی مطلوبی در توزیع مناسب فعالیت‌ها به تناسب قابلیت‌های سرزمینی ایجاد کند و کماکان موضوع توزیع نامناسب امکانات و عدم استفاده از قابلیت‌ها و استعداد‌های مناطق مختلف کشور و به عبارتی توسعه نیافتگی بخش اعظمی از پهنه کشور به عنوان یک چالش اساسی در کشور مطرح است. خوشبختانه ضرورت توزیع بهینه جمعیت و فعالیت‌ها در سطوح مختلف نظام درک شده است که بازتاب آنها را می‌توان در مفاد قانونی متعدد بویژه برنامه پنجم و ششم توسعه مشاهده کرد. از سوی دیگر بررسی تحولات آمایش سرزمین طی سال‌های گذشته مبین تکوین و تکامل جایگاه این مهم در نظام برنامه ریزی کشور است. در حقیقت می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مقوله آمایش سرزمین از پشتوانه‌های قانونی بسیار مستحکمی در نظام برنامه ریزی کشور برخوردار شده است.

### ● البته همانطور که در آغاز اشاره کردید مسایل داخلی و بین المللی ممکن است در روند کار تاثیر بگذارد.

بله، تحولات سیاسی در کشورهای همسایه ایران هم بسیاری از مفروضاتی را که آمایش سرزمین کشور بر مبنای آنها تنظیم می‌شوند تحت تاثیر قرار داده و بازنگری در بسیاری از راهبردهای آمایش سرزمین را اجتناب ناپذیر می‌کند. به عنوان مثال بخشی از مشکلات به دلیل وجود قوانین یا مصوبات متناقض بخشی در تعارض با اهداف و سیاست‌های آمایش سرزمین، تعدد نهادهای تصمیم گیر و تصمیم ساز در زمینه کاربری اراضی است.

### ● به نظر تان عوامل دیگری نیز در این حوزه تاثیر گذارند؟

عوامل تاثیرگذار زیادی ممکن است وجود داشته باشند. مثلاً فقدان درک مشترک در زمینه آمایش بین مراکز پژوهشی و دانشگاهی با سطوح اجرایی و نهاد‌های دولتی، تفکرات بخشی و قومیتی حاکم بر نظام برنامه ریزی کشور، جابجایی سریع مدیران تصمیم گیر و تصمیم ساز ملی و استانی در زمینه آمایش سرزمین، اعمال ملاحظات سیاسی برای بارگذاری فعالیت‌های توسعه از سوی مقامات سیاسی مناطق و استان‌ها بدون توجه به ملاحظات آمایشی و محدودیت‌های زیست محیطی، تغییرات اقلیمی و بروز طیف گسترده‌ای از بلایای طبیعی مانند خشکسالی و تاثیر آن بر سیاست‌ها و برنامه‌های آمایش سرزمین، نارسایی و به روز نبودن آمار و اطلاعات مکانی فعالیت‌ها در پهنه سرزمین، تغییر ساختار نظام برنامه ریزی کشور بویژه تغییر ساختار سازمان برنامه و بودجه در سال‌های برنامه چهارم و پنجم توسعه، طولانی شدن مطالعات آمایش استان‌ها به دلایل مختلف، کمبود آب و تمرکز جمعیت و فعالیت در مناطق خاصی از کشور به دلیل شرایط اکولوژیکی و اقلیمی کشور و وجود سازمان فضایی متمرکز و سایر عوامل را می‌توان از مهمترین مشکلات و تنگناهای فراروی آمایش طی چند دهه گذشته عنوان کرد. اما با تصویب اسناد آمایش ملی و استانی امید می‌رود کشور بتواند در مدار توسعه پایدار ملی قرار گیرد. در واقع باید با پایبندی به اهداف و سیاست‌های آمایش، بازنگری در قوانین و مقررات، واکنش مناسب در برابر تحولات خارجی و تعامل و استفاده مطلوب از این تحولات بتوان اهداف و سیاست‌های آمایش سرزمین در کشور را محقق کرد. چون این سند دستاورد بسیار بزرگی برای نظام برنامه ریزی کشور قلمداد می‌شود و در صورتی که تمامی بخش‌های اقتصادی و توسعه‌ای به این اسناد متعهد باشند، می‌توان تا حدود زیادی نسبت به پایداری توسعه در کشور امیدوار بود.

\*کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

# اتحادیه اوراسیا و اقتصاد دریامحور گیلان



عیسی پاشاپور

**گیلان فردا** - اتحادیه اقتصادی اوراسیا بازاری مشترک با هدف حرکت آزاد کالا و سرمایه با تخفیف تعرفه‌های گمرکی در منطقه ایجاد کرده است و پیوستن ایران به آن، ظرفیت‌های بندری، ریلی و تجاری استان گیلان را به لحاظ نزدیکی به حوزه جغرافیایی اتحادیه فعال‌تر خواهد کرد.

سنگ بنای اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۴ بین کشورهای روسیه، بلاروس و قزاقستان بنا گذاشته

شد و سپس با اضافه شدن ارمنستان و قرقیزستان، از اول ژانویه ۲۰۱۵ رسمیت یافت و اکنون کشورهای عضو اوراسیا با ۲۰ میلیون کیلومتر مربع مساحت و بیش از ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت، ۵.۲ درصد جمعیت جهان را به خود اختصاص داده اند و بازار منطقه‌ای آن بیش از ۱۸۰ میلیون نفر را در بر می‌گیرد.

موافقت نامه الحاق ایران به اتحادیه اوراسیا در اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ در شهر آستانه، پایتخت قزاقستان امضا شد و در آذرماه ۱۳۹۷ لایحه آن به تصویب هیات وزیران رسید و اجرای مفاد آن از هفته اول آبان ۹۸، امکان افزایش صادرات ایران به پنج کشور عضو اتحادیه و همچنین برعکس را فراهم می‌کند.

مطابق موافقت نامه اعضای اتحادیه، ۸۶۲ قلم کالا با کمترین تعرفه بین اعضا مبادله خواهد شد و با توجه به گستره و جمعیت تحت شمول بازار مصرف کشورهای عضو به خصوص روسیه، فرصت اقتصادی بزرگی پیش روی ایران، به ویژه در شرایط تحریم گشوده شده است و با عنایت به اشتیاق ده‌ها کشور دیگر برای عضویت در اتحادیه، افق روشن تری برای فعالیت‌های اقتصادی آن قابل ترسیم است.



## ظرفیت های اقتصادی گیلان

استان سرسبز و پربرکت گیلان با ۱۴ هزار و ۷۱۱ کیلومتر مربع مساحت و ۲۷۰ کیلومتر نوار ساحلی دریای خزر از چابکسر تا آستارا، از بندرها و اسکله‌هایی نظیر کاسپین، انزلی، کیشهر، چمخاله و آستارا و همچنین از منطقه آزاد تجاری و صنعتی بندرانزلی و منطقه ویژه اقتصادی بندرآستارا برخوردار است و ارتباط دریایی، زمینی و ریلی گیلان با خارج از کشور، مزیت دیگری است که شاید کمترین استانی همزمان از آنها بهره مند باشد.

منطقه آزاد بندر انزلی گیلان به عنوان تنها منطقه آزاد ایران در حاشیه دریای خزر به علت نزدیکی به فرودگاه رشت، قرار گرفتن در مسیر کریدور بین المللی شمال - جنوب، ارتباط با کشورهای حاشیه خزر، همسایگی با بندرهای آستراخان و لاگان روسیه، کراستودسک ترکمنستان، اکتائو قزاقستان و پاکوی جمهوری آذربایجان و دسترسی به بازارهای مصرف کشورهای هم سود (سی آی اس) از قابلیت ممتاز تجارت بین المللی برخوردار است.

بندر مرزی آستارا، در منتهی الیه غرب گیلان نیز با داشتن منطقه ویژه اقتصادی، سه راه ارتباطی آبی، زمینی و ریلی با جمهوری آذربایجان، نزدیکی به استان اردبیل و راه آهن و بارانداز آستارا - آستارا بین ایران و جمهوری آذربایجان موقعیت خاصی در حوزه تجارت برون

مرزی دارد.

بر اساس اعلام ستاد نظارت بر گمرکات گیلان و اداره کل گمرک بندر انزلی، ۶۵ درصد صادرات کالاهای ایران به روسیه از گیلان و از مرز آستارا صورت می‌گیرد و ۵۶ درصد کالاهای وارداتی روسیه از طریق بندرهای گیلان به ایران وارد می‌شود و در سال‌های اخیر با بهبود روابط اقتصادی ایران، روسیه و کشورهای سی آی اس، حجم مبادلات کالا رو به افزایش است. همچنین طبق اعلام اداره کل گمرک آستارا ۸۰ درصد مبادلات تجاری ایران و روسیه از مرز این شهرستان صورت می‌گیرد و بیشترین کالاهای مبادلاتی با روسیه شامل چوب، ام دی اف، غلات و محصولات کشاورزی است.



## گیلان در راس کریدور ریلی شمال - جنوب

کریدور ریلی شمال - جنوب ایران ارتباط کشورهای اروپایی، آسیای میانه، روسیه و منطقه قفقاز را با خلیج فارس و هندوستان فراهم می‌کند و با توجه به برنامه اتصال راه آهن به بندرهای گیلان، این استان در راس کریدور ریلی نقش آفرین خواهد بود و هم اکنون بندر آستارا به عنوان نقطه اتصال خط ریلی ایران و جمهوری آذربایجان، دروازه تجاری ایران با اوراسیا محسوب می‌شود.

اهمیت کریدور حمل و نقل بین المللی ایران به عنوان مسیر اتصال و ارتباط کشورهای حوزه خلیج فارس به خزر، آن گاه آشکار می‌شود که بدانیم اکنون مدت زمان رفت و آمد کشتی‌های تجاری از هند به آسیای میانه از مسیر مومبای - کانال سوئز - مسکو به طول ۱۶ هزار و ۱۲۹ کیلومتر، ۴۰ روز طول می‌کشد، اما بعد از تکمیل کریدور شمال - جنوب، فقط ۱۴ روز زمان نیاز خواهد داشت و هزینه‌های حمل و نقل نیز به میزان چشم‌گیری کاهش خواهد یافت.

هیات عالی رتبه ای از مسئولان کشورمان در اجلاس سران اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ارمنستان، در کنار برنامه‌ها و هدف‌های ارزشمند اقتصادی، اتصال کریدور ریلی ایران به راه آهن کشورهای اوراسیا را نیز پیگیری می‌کنند و با تحقق این امر، کریدور حمل و نقل ریلی ایران، ارزش و اهمیت اقتصادی و ترانزیتی خود را بیش از گذشته آشکار خواهد ساخت و روند مناسبات ما با همسایگان، سرعت بیشتری خواهد گرفت. نگاه دولت تدبیر و امید به تحولات سیاسی و اقتصادی جهان و مناسبات اقتصادی رو به رشد منطقه و تدبیر در راه اندازی کریدور ریلی به عنوان مسیر طلایی تجارت بین المللی ستودنی است و اکنون ایران اسلامی می‌تواند از این مزیت ویژه حمل و نقل منطقه‌ای، به خوبی استفاده و با حضور تاثیرگذار در بازارهای کشورهای اتحادیه اوراسیا، گام‌های بلندی برای رونق اقتصادی بردارد. در این راستا استان گیلان به لحاظ نزدیکی جغرافیایی با کشورهای حوزه اتحادیه اوراسیا باید از فرصت پیش آمده به نحو احسن جهت ترقی اقتصادی و رونق صنعتی و گردشگری خود استفاده کند و احیای ظرفیت‌های نهفته حوزه‌های یاد شده در گیلان، علاوه بر توسعه و عمران بیشتر استان، برای ایران نیز مفید خواهد بود و بهره‌برداری کامل و جامع از مواهب ایجاد شده، به تیزبینی و برنامه‌ریزی مسئولان امر و همراهی بخش‌های دولتی و خصوصی بستگی دارد تا هم‌نوا با هم، سنگ‌های تحریم از پیش پای توسعه برداشته شود.

منبع: آستارا - ایرنا





وحید طیفوری، معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان:

## در حوزه جمعیتی حرف دیگر بس است، باید عمل کرد

**گیلان فردا** - سالمندان خطاب به جوانترها می‌گویند: «ما به شما نمی‌رسیم، ولی عنقریب شما به ما می‌رسید...» آیا کسی هست زنگ هشدار پیری که در استان گیلان از مدت‌ها پیش نواخته شده است را بشنود؟ آیا کسی هست برای بهبود میزان باروری در استان چاره‌اندیشی کند؟ آیا کسی هست مهاجرت‌های بی‌رویه به استان یا از استان را تحلیل و آسیب‌شناسی کند؟

بر اساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی طی یکی دو سال اخیر بیشترین درصد جمعیت سالمندان در مقایسه با کل کشور در بین استان‌های کشور مربوط به استان گیلان ۱۳.۹ درصد، مازندران ۱۲ درصد، آذربایجان شرقی، همدان، مرکزی و اصفهان ۱۱.۱ و کمترین درصد به ترتیب مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان با ۴.۹ درصد، هرمزگان ۶.۲ درصد و بوشهر ۷.۱ درصد بوده است.

همچنین بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، گیلان با سهم ۳.۲ درصدی جزء استان‌هایی بوده است که حجم جابجایی جمعیتی درون استانی آن بالا بوده و از این نظر در رتبه هشتم قرار گرفته است، همچنین با سهم ۳.۰ درصدی از مهاجران واردشده نسبت به سایر استان‌ها جزو استان‌هایی بوده که حجم قابل توجهی از مهاجرین از خارج از استان به آن وارد شده است و از این نظر هم در رتبه ششم قرار گرفته است.

از سوی دیگر به نقل از تسنیم روحانی‌فرو، مدیرکل ثبت احوال گیلان، آخرین جمعیت استان براساس داده‌های سال ۱۳۹۹ را دو میلیون و ۵۷۱ هزار نفر اعلام کرده و گفته: «نرخ رشد جمعیت در گیلان حدود ۴ دهم درصد و در کشور حدود یک درصد است. میانگین سنی جمعیت گیلان نیز ۳۵ سال است که حدود ۲۰ درصد آن را نیروی جوان یعنی ۱۵-۲۹ سال و ۹.۵ درصد آن را سالمندان یعنی ۶۵ سال به بالا تشکیل می‌دهند.»

حال این سوال پیش می‌آید که مدیران و مسئولان مرتبط برای بهبود این وضعیت چه برنامه‌هایی در گیلان دارند؟

وحید طیفوری، معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان پیش‌تر در گفت‌وگویی با پایگاه خبری مرور گفته بود: «کمیته تخصصی جمعیت در استان در حال شکل‌گیری است». اما آیا این کمیته می‌تواند تدابیر ارزشمند و قابل‌اجرایی را در حوزه جمعیتی استان قبل از آنکه خیلی دیر شود اتخاذ کند؟؟ وی در این باره می‌گوید: «پیش‌نویس طرح تقریباً آماده‌ارایه به شورای راهبردی جمعیت استان است. در این کمیته بیشتر روی مباحث جمعیتی از جمله مهاجرت و چالش‌های







**«در حوزه کاهش جمعیت در گیلان باید خیلی جدی به فکر باشیم. به عنوان مثال واقعا باید فکر کنیم برای بهبود وضعیت باروری استان گیلان چکار می خواهیم بکنیم؟ آیا می خواهیم شرایط را همینطور رها کنیم! در واقع باید مطالبه ملی در این بخش مهم داشته باشیم. وضعیت باروری در گیلان تقریباً فرمز است و دولت‌مردان باید با سیاست های تشویقی و اختصاص تسهیلات ویژه برای گیلان در این مورد چاره اندیشی کنند.»**

مهاجرت، نقاط قوت و ضعف، توزیع مهاجرت و نظایر آن بحث و تبادل نظر خواهد شد. تا اطلاعات کاملی در خصوص وضعیت مهاجرت در گیلان داشته باشیم و نتایج حاصل از این جلسات برای تصمیم گیری در اختیار شورای راهبردی جمعیت استان قرار گیرد، در واقع یک کمیته تصمیم سازی است.»

به گفته وی کارشناسانی از حوزه مدیریت شهری و روستایی، امور اجتماعی استانداری، بهزیستی، ثبت احوال، دانشگاه گیلان، دانشگاه علوم پزشکی، نیروی انتظامی، کار تعاون و رفاه اجتماعی در کمیته حضور دارند و پیشنهاد شد که نماینده قوه قضاییه و نماینده چند دستگاه دیگر نیز با توجه به حوزه کاری شان در این کمیته حضور داشته باشند. ترکیب شورای راهبردی جمعیت در استان نیز تقریباً به همین صورت است. استاندار، رئیس شورای راهبردی جمعیت استان و مدیرکل ثبت احوال، دبیر این شورا هستند. معاون سیاسی، فرمانده نیروی انتظامی، روسا و مدیران امور اجتماعی و بانوان، دانشگاه گیلان، اداره کل بهزیستی، صدا و سیما، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل آموزش و پرورش، اداره کل پزشکی قانونی، اداره کل تعاون و کار، بنیاد نخبگان، اداره کل ورزش و جوانان، اداره کل اسناد و املاک، پژوهشکده گیلانشناسی نیز از اعضای شورای راهبردی جمعیت استان گیلان هستند. در واقع برخلاف اعضای کمیته جمعیت که تیم کارشناسی هستند، آن ها مدیران دستگاه ها هستند. موضوعات و نتایج نیز پس از بررسی در کمیته، برای تصمیم سازی آماده می شوند، در شورای راهبردی جمعیت تصمیمات مقتضی اتخاذ و موارد لازم مصوب می شود.

براساس اطلاعات موجود، شورای راهبردی جمعیت تقریباً سه سال است که تشکیل شده ولی کمیته جمعیت تازه در حال شکل گیری است. حال سوال این است خروجی شورای راهبردی جمعیت طی این سه سال چه بوده است؟

وی می گوید: «ارایه گزارش به تنهایی مشکلی را حل نمی کند و در جلسات شورا باید تصمیم گیری انجام شود. تمام مباحث جمعیتی استان از جمله مهاجرت، باروری و سالمندی در این کمیته بحث، بررسی و کارشناسی خواهند شد و خروجی این کمیته به شورای عالی جمعیت استان برای تصمیم گیری ارایه می شوند. البته امیدوارم واقعا نتایج خوبی از کمیته به شورا انتقال پیدا کند و شورا هم آن را عملیاتی کند. چون متأسفانه بیشتر مواقع در جلسات فقط حرف زده می شود و از عمل خبری نیست. اما حرف دیگر بس است، باید عمل کرد.»

طیغوری می گوید: «در حوزه کاهش جمعیت در گیلان باید خیلی جدی به فکر باشیم. به عنوان مثال واقعا باید فکر کنیم برای بهبود وضعیت باروری استان گیلان چکار می خواهیم بکنیم؟ آیا می خواهیم شرایط را همینطور رها کنیم! در واقع باید مطالبه ملی در این بخش مهم داشته باشیم. وضعیت باروری در گیلان تقریباً فرمز است و دولت‌مردان باید با سیاست های تشویقی و اختصاص تسهیلات ویژه برای گیلان در این مورد چاره اندیشی کنند.»

می گویم: «متأسفانه برای انجام ندادن پاره ای از اقدامات ضروری همیشه توجیهاتی هست. الان هم لابد یا مشکلات ناشی از کرونا را بهانه قرار می دهند و یا مشکلات ناشی از تورم افسار گسیخته را، و توجه ویژه به وضعیت هشدار باروری در گیلان از اولویت خارج می شود و این عواقب بسیار بدی خواهد داشت.»

اما وی اعتقاد دارد هر توجیهی هم که بواسطه شرایط کنونی جامعه عنوان شود باز هم پاره ای از موارد جزو مباحث بسیار مهم جامعه است و ادامه می دهد: «از جمله زاد و ولد که حالیه در گیلان به وضعیت هشدار رسیده است. با وجود همه مشکلات می توانند به استان ها اختیاراتی بدهند تا لاقلاً با توجه به منابعی که دارند اقدامات تشویقی داشته باشند و در استانی مثل گیلان این تبعات جمعیتی بیش از پیش رشد نکند. بدون شک در خیلی از استان ها که الگوی جمعیتی شان متفاوت است، چنین سیاست های تشویقی ممکن است نیاز نباشد ولی در گیلان نه تنها نیاز است بلکه ضروری است. پس اینها مسایل بسیار مهمی هستند که باید در کمیته جمعیت مطرح و تصمیم سازی شوند و شورای راهبردی جمعیت استان نیز در مورد آن ها تصمیم گرفته، راهکار ارایه دهد و برنامه ها را عملیاتی کند. چون عمل کردن به مصوبات از وضع مصوبات و قانون مهم تر است. به عنوان مثال چند سال پیش قانونی در مورد ازدواج آسان و اینکه چطور با در اختیار قراردادن برخی از امکانات عمومی دولتی مثل بعضی از سالن های اجتماعات، شرایط برگزاری جشن را برای زوجین جوان سهل تر کرد، تصویب شد ولی متأسفانه در عمل خیلی به آن پرداخته نشد. قوانین مشابه دیگری هم داریم که می توانند انجام خیلی از امورات را تسهیل کنند ولی در عمل زیاد مورد توجه قرار نمی گیرند. در واقع می توانیم امکانات جامعه را خیلی کاربردی تر کرده و بهینه از آن ها استفاده کنیم.»

ولی موضوع این است که درست یا غلط در خیلی از موارد، ادارات، سازمان ها و نهادها تلاش می کنند از امکانات اینچنینی فقط برای کارکنان خود استفاده کنند و یا حتی از آن ها درآمد زایی کنند.

معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان می گوید: «خب باید بدون تعارف ببینیم اولویت های ضروری جامعه امروزمان چیست؟ آیا سلامت و نشاط افراد جامعه در اولویت است و یا آن بخش از درآمد زایی که شما اشاره کردید. آیا کمک به حل بحران ازدواج مهم تر است یا فلان کار دیگر؟ آیا کمک به سلامت روحی و جسمی جامعه مهم و در اولویت است یا گرفتن حداقل شهریه و حتی در مواردی رایگان، یا قفل زدن بر در اماکن و امکانات موجود! از این مثال های معمولی و روزمره و در عین حال مهم، خیلی زیاد هستند که واقعا می توان در مورد آن ها چاره اندیشی کرد. البته نمی گویم با انجام پاره ای از اقدامات اینچنینی مشکلات رفع می شود، بلکه منظورم کاهش پیامدهای اجتماعی ناشی از فعل و انفعالات جمعیتی است که در همه حوزه ها از جمله مهاجرت، ازدواج، باروری، سالمندی و... روی کمیت و کیفیت زندگی افراد جامعه اثرگذار است.»

\*\*\*

لازم به ذکر است استاندار گیلان در جلسه ای که سال (۱۳۹۹) به مناسبت روز ملی جمعیت برگزار شد، گفته بود: «رشد جمعیت جوان به عنوان سرمایه اصلی یک کشور و رکنی موثر برای نیل به توسعه پایدار است.» وی با بیان اینکه گیلان ششمین استان از نظر حجم مهاجرت و جابجایی جمعیت است، گفته بود: «موضوع سالمند بودن استان گیلان اگر به خوبی مدیریت نشود قابلیت تبدیل شدن به چالش را دارد و باید تلاش شود تا با بهره گیری از تحلیل محتواها و داده های علمی تهیه شده در این حوزه، برنامه ریزی و تصمیم گیری بر مبنای اطلاعات درست داشته باشیم.»

در آن جلسه شورای راهبردی جمعیت و شورای هماهنگی ثبت وقایع حیاتی، استاندار بر ضرورت تشکیل کمیته ای با موضوع مهاجرت با مسئولیت سازمان مدیریت و برنامه ریزی تأکید کرده و خواستار این شده بود که متناسب با شرایط اقلیمی و زیرساختی استان در خصوص موضوعات مختلف مهاجرت هدفگذاری و سیاستگذاری شود. وی همچنین با تأکید بر سلامت مادر و کودک در مسیر افزایش باروری و نقش دانشگاه علوم پزشکی به واسطه وظیفه ذاتی حفظ سلامت مردم، یادآور شده بود افزایش میزان ازدواج در جامعه نیازمند تقویت فرهنگ سازی و فعال کردن سمن های حوزه جوانان است.



مجید حسینی نارا<sup>۱</sup>

# افرادی که فعال باقی می‌مانند با احساس رضایت، پیر می‌شوند

## ۱- مقدمه

یکی از مهمترین موضوعات روز جمعیتی که توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، سالمندی جمعیت است. گسترش مراقبت‌های بهداشتی اولیه، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و پیدایش فناوری‌های جدید پیشگیری، تشخیص و درمان بیماری‌ها، موجب افزایش جمعیت افراد ۶۰ ساله به بالا شده است که این افراد طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت سالمند نامیده می‌شوند.

بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، امروزه ساخت جمعیتی سالمند دارند، در حالی که برخی کشورهای در حال توسعه، در آستانه ورود به مرحله سالمندی جمعیت هستند و البته بسیاری از این کشورها هنوز ساخت جمعیت بسیار جوانی دارند. با این همه، در فرآیند انتقال جمعیت، انتظار می‌رود که این کشورها، این فرآیند را طی نمایند. به بیانی دیگر، سالمندی جمعیت، پدیده فراگیری است که همه کشورها را با شدت و ضعف در بر خواهد گرفت. حدود ده درصد جمعیت جهان در سال ۲۰۰۰ را سالمندان تشکیل می‌دادند و پیش‌بینی شده است که این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۲۱ درصد خواهد رسید و در واقع از هر ۵ نفر، ۱ نفر سالمند خواهد بود (بندیرل ۲۰۱۱: ۲۶۲-۲۵۱).

در روند انتقال جمعیت، تغییرات شگرفی در ساخت سنی جمعیت پدید می‌آید که برخی از آن با عنوان انتقال سنی<sup>۲</sup> یاد می‌کنند. بعضی از جامعه‌شناسان و پیری‌شناسان همچون پیتر پیترسون<sup>۳</sup>، بر مبنای همین تغییرات سنی و سالخورده شدن جمعیت از «خاکستری شدن جمعیت»<sup>۴</sup> سخن به میان آورده‌اند و آن را ثمره دو عامل در روندهای طولانی جمعیتی دانسته‌اند: اول؛ تمایل به داشتن فرزند کمتر و دوم؛ کاهش مرگ و میر و افزایش امید به زندگی (گیندز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). البته مهاجرت هم می‌تواند در تشدید یا تخفیف روند سالخوردگی جمعیت نقش داشته باشد.

با توجه به این که پدیده سالمندی در تمامی جنبه‌های زندگی جوامع بشری از جمله طیف گسترده‌ای از ساختارهای سنی، ارزش‌ها و معیارها و ایجاد سازمان‌های اجتماعی، تحولات قابل ملاحظه‌ای به وجود می‌آورد، مقابله با چالش‌های فرا راه این پدیده و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای ارتقای وضعیت جسمی، اجتماعی و روانی سالمندان، از اهمیت بالایی برخوردار است. از طرف دیگر، زندگی جدید و تغییر ساختار خانواده و جامعه سبب شده است نگهداری سالمندان در خانواده، بسیار مشکل باشد. ضمن اینکه سالمندی دوران حساسی از زندگی بشر است که در آن از یک سو، منابع تامین نیازها کاهش می‌یابد و از سوی دیگر وسعت و نوع نیازها و مسایل مترتب بر آن تغییر می‌کند. از طرفی، سالمندی با مسایل و چالش‌های خاصی همراه است که این چالش‌ها، کیفیت زندگی سالمندان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و باید برای آن، چاره‌اندیشی کرد. سالمندی بخشی از سال‌های طولانی شده عمر خواهد بود که طی آن سالمندان در معرض تهدیداتی نظیر ابتلا به بیماری‌های مزمن، تنهایی، انزوا، برخوردار نبودن از حمایت‌های اجتماعی و بسیاری مشکلات دیگر بوده و به دلیل ناتوانی‌های جسمی، ذهنی و نارسایی‌های شدید جسمی و روانی، در موارد زیاد استقلال فردی سالمندان از دست می‌رود و قدرت مقابله و مواجهه با دشواری‌ها و رویدادهای معمول از آن‌ها سلب می‌شود.

بروز پدیده سالمندی و روند رو به رشد آن در تمام جهان، سبب شده تا بخش قابل توجهی از مباحث جامعه‌شناسی به این موضوع اختصاص یابد و گرایش تخصصی جامعه‌شناسی سالمندی پدیدار شود. اکنون، رویکردهای مختلفی در این حوزه از جامعه‌شناسی شکل گرفته‌اند که هر کدام با مفروضات خود به این موضوع می‌پردازند و در پی شناخت و تحلیل سالمندی و آثار و ابعاد آن هستند. هدف از نگارش این مقاله نیز، معرفی مختصری از رویکردها و نظریه‌های موجود جامعه‌شناسی سالمندی است.

## ۲- رویکردهای جامعه‌شناسی سالمندی

ژورنولوژی<sup>۶</sup> یا علم پیری‌شناسی فرآیندهای پیری را از جنبه‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار می‌دهد. در هر سه زمینه، تلاش بر آن بوده که علت پیدایش پدیده سالمندی، شرح داده شود. در این مقاله، تنها رویکردهای جامعه‌شناختی سالمندی، مورد بررسی قرار می‌گیرد و نظریه‌های جامعه‌شناختی در قالب سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی و به تفکیک ارائه می‌شود.

### ۱-۲- دیدگاه کارکردگرایی

کارکردگرایی از دیدگاه کلی به یک جامعه نگاه می‌کند. هر گونه اقدامی که در راستای بهبود اوضاع کلی جامعه باشد از این منظر، قابل توجه است. بازنشستگی زیر مجموعه آن به شمار می‌رود. از دیدگاه کارکردگرایی، بازنشستگی فضای کاری برای نسل بعدی را فراهم می‌سازد. تکنولوژی مدام در حال تغییر است و روند کاری سازمان‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در عوض اینکه سازمان‌ها به کارگران و کارمندان خود طبقه استفاده از تکنولوژی جدید را آموزش دهند، آن‌ها ترجیح می‌دهند که از نیروی جدید جوان با قابلیت کاری بالاتر بهره‌جویند. یک مزیت به کارگیری نیروی جوان این است که قبل از ورود به حرفه مورد نظر با خود ابزار مطلوب را به همراه می‌آورند. به عبارت دیگر، تغییر کاربری از سیستم قدیمی سنتی به سیستم دیجیتال و کامپیوتری برای یک فرد ۶۰ ساله به مراتب نسبت به یک فرد ۲۵ ساله مشکل‌تر خواهد بود. ایده‌های جدید و فکر خلاقانه نیروی جوان، مسلماً جامعه را به جلو هدایت خواهد کرد. کارکردگرایی چنین دیدگاهی در رابطه با سالخوردگی دارد، که بازنشستگی را نوعی سپر برای سازمان‌ها و جامعه، مفروض می‌دارد. اگر افراد سالخورده تا لحظه مرگ خود، سر کار خود باقی بمانند، ممکن است روحیه جنگندگی و جریان رو به رشد سازمان و جامعه را متوقف کنند. از منظر کارکردگرایان، بازنشستگی به جهت آماده نگه داشتن فضای کار و پویایی در جامعه، امری ضروری است.

### ۱-۲-۱- نظریه عدم تعهد<sup>۷</sup>

نظریه عدم تعهد توسط کامینگز و هنری<sup>۸</sup> تکوین یافته و جزء اولین و بحث‌برانگیزترین نظریه‌های جامعه‌شناختی در مورد پیری است. بر اساس این نظریه، فرد در سال‌های میانی عمر، فن‌آپیری و مرگ خود را یاد می‌کند و تدریجاً بر خورددهای خود را با اجتماع و دیگران کاهش داده و همزمان جامعه نیز، متقابلاً فرد را از خود جدا می‌سازد. اشخاص می‌توانند با فراغت از قید و بندهایی که فرد را به جامعه پیوند می‌دهد از این فرصت استفاده کرده و از سنین سالمندی خود لذت ببرند. عدم تعهد، فرض اصلی این نظریه است؛ در این تئوری، فرض شده است که پیران از کار همیشگی که در طول سنین میانسانی عمر انجام می‌دهند، جدا شده و وقت خود را صرف فعالیت‌های شخصی و مربوط به خود کرده‌اند. مکانیسم‌های دفاعی درون‌گرایی و درون‌گزینی<sup>۹</sup> به فرد اجازه می‌دهد تا تعادل جدیدی را برقرار سازد و با تغییرات متعدد سالمندی، سازگاری یابد. علاوه



بر این، جدا شدن جامعه از سالمند، یک حالت جدایی دو طرفه ایجاد می‌کند (سام‌آرام، ۱۳۸۶ : ۲۷۲-۲۷۳).

#### ۲-۱-۲ - نظریه فعالیت<sup>۱۰</sup>

نظریه فعالیت، مخالف نظریه عدم تعهد می‌باشد و توسط هوپگ هرست بیان شده است. وی عقیده دارد که «فعالیت، سلامتی را در پیری افزایش می‌دهد» بنابراین بزرگسالانی که فعال می‌مانند در فعالیتهای تشویق شده و جایگاه‌ها، روابط، سرگرمی‌ها و علایق جدیدی را به دست می‌آورند و با احساس رضایت و آرامش، پیر می‌شوند (بک، ۱۹۸۹). زندگی رضایت‌آمیز در سالمندی شامل شیوه تأمین زندگی فعال در میان‌سالی است (برنر، ۱۹۸۸). یک بزرگسال نمونه، بزرگسالی است فعال که ارتباطات اجتماعی خود را حفظ کرده و با فعالیتهای جمعی، مسافرت‌ها و داشتن سرگرمی‌ها مشغول است. بنابراین نظریه فعالیت، پیری موفقیت‌آمیز ایجاد می‌کند که نقش‌های تازه‌ای کشف شود و یا برای حفظ نقش‌های قدیم، وسایل تازه‌ای به وجود آید و برای آنکه این آرمان تحقق یابد، لازم است که در آینده، ارزش سن را بازشناسیم و سالمندان را عهده‌دار نقش‌های جدیدی کنیم. نقش‌هایی که از نظر اجتماعی ارزشمند هستند. البته نقش‌های جدید باید با نوعی درآمد همراه باشد. به خاطر ضرورت اقتصادی و برای اینکه در جامعه کار با دستمزد، ارزش دارد که کار داوطلبانه فاقد آن است (همان : ۲۷۳).

#### ۲-۱-۳ - نظریه استمرار<sup>۱۱</sup>

نظریه استمرار توسط نوگارت<sup>۱۱</sup> پیشنهاد شده است. وی عقیده دارد که شخصیت افراد با افزایش سن، تغییر نمی‌کند و رفتار آنان، بیشتر قابل پیش‌بینی می‌شود. آن‌ها در عادات، پایبندی‌ها، ارزش‌ها و به خصوص در راهی که با توجه به موقعیت اجتماعی خود برگزیده‌اند، تداوم و استمرار را حفظ می‌کنند، بنابراین با آگاهی به این عوامل می‌توان پیش‌بینی کرد که آنان چگونه پیر می‌شوند. شخصیت و وضعیت زندگی، فاکتورهای مهمی برای سازگاری افراد سالمند هستند و عواملی که در سازگاری افراد سالمند، نقش دارند، شامل روش‌های سازگاری هستند که قبلاً آموخته‌اند. همچنین، توانایی آن‌ها در ادامه نقش‌ها و فعالیتهای قبلی است. سازگاری و انطباق موفقیت‌آمیز با سالمندی، بستگی به توانایی شخص در تداوم الگوهای زندگی در طول مدت زندگی دارد. شخصی که در سنین جوانی، سازگاری خوبی داشته باشد، آن را در سنین بعدی نیز ادامه خواهد داد (برنر، ۱۹۸۸).

#### ۲-۱-۴ - نظریه تعاملی<sup>۱۲</sup>

این نظریه توسط اسپنس<sup>۱۲</sup> ارایه شده، وی تغییرات سنی را منتج از واکنش میان خصوصیات هر فرد، شرایط اجتماعی وی و سابقه نحوه واکنش‌های فرد در برابر اجتماع می‌داند. تأکید این نظریه بر وظایف و نقش‌هایی است که فرد در طول زندگی خود به عهده داشته است. معمولاً افراد سعی دارند که نقش و وظایف خود را اصلاح و متعادل نموده و از نقشی به نقش دیگر بروند و الگویی مرکب از نقش‌های متفاوت را به خود گیرند. اما با افزایش سن وظایف مهم آن‌ها خاتمه یافته و به انتخاب خود، به وظایف جدیدی می‌پردازند (بک، ۱۹۸۹).

#### ۲-۲ - دیدگاه تضاد

تضادگرایی، بیشتر درگیر مسایل پول، قدرت و طبعات ناشی از نبود آن‌ها هستند. در حالی که جمعیت سالخورده رو به افزایش است، توجهات و برنامه‌های ویژه‌ای می‌بایستی در رابطه با آن‌ها اتخاذ شود. تحت شرایط کنونی، افراد جوان جامعه، متحمل پرداخت هزینه‌های مربوط با امور سالمندان هستند. آیا این وضعیت، باعث ایجاد تعارض و کشمکش بین قشر جوان و سالخورده در جامعه خواهد شد؟ جامعه فعلی سالخوردگان، چگونه هزینه‌های مربوط به اموری از قبیل مسایل حوزه سلامت و مستمری خود را، در حالی که هزینه‌های برای این گونه خدمات نمی‌پردازند، تأمین می‌کنند؟ پاسخ به این سوال ممکن است نقطه شروعی برای ایجاد تعارض بین جامعه دارای حق رای سالخوردگان و جامعه بی تفاوت جوانان آمریکا باشد (مختاری و نظری، ۱۳۸۹ : ۱۱۷-۱۱۸).

نظریه پردازانی که بر روی دیدگاه تضاد کار می‌کنند، جامعه را اساساً به عنوان یک موجود بی‌ثبات در نظر می‌گیرند، نهادی که در عین به حاشیه راندن سایرین، باعث امتیاز بخشی به عده قلیل ثروتمندان قدرتمند می‌شود. بر پایه اصول هدایت گر نظریه تضاد، گروه‌های اجتماعی بر سر قدرت و منابع کمیاب با یکدیگر رقابت می‌کنند. معنای این اصل در ارتباط با جامعه‌ای که جمعیت موجود در آن در حال پیر شدن است، این است که افراد مسن با سایر گروه‌ها - به طور مثال اعضای جوانتر جامعه - جهت حفظ سهم مشخص‌شان از منابع، در کشمکش قرار دارند. در برخی از موارد، این رقابت بدل به تضاد می‌شود.

به طور مثال، برخی افراد از این موضوع، شکایت دارند که افراد مسن از آنچه در حالت عادلانه سهم‌شان است، بیشتر سهم می‌برند. در شرایط سختی اقتصادی، دغدغه اصلی مربوط می‌شود به هزینه‌های بسیار زیادی که صرف تأمین اجتماعی و بیمه پزشکی

سالمندان می‌شود. هزینه‌های پزشکی جمعیت مسن نیز به طرز چشمگیری در حال افزایش است. در حالی که منابع مراقبتی بیشتری برای بخش‌های مشخصی از جامعه سالمندان، در دسترس است، اما در ضمن باید بیان کرد که این منابع مالی برای افراد مسن به طرز چشمگیری بر حسب نژاد، طبقه اجتماعی و جنسیت تفاوت پیدا می‌کند. سه نظریه کلاسیک در چارچوب دیدگاه تضاد در مورد پیری وجود دارد: نظریه نوسازی، نظریه قشربندی سنی و مبادله.

#### ۲-۲-۱ - نظریه نوسازی<sup>۱۵</sup>

بر پایه نظریه نوسازی (کوگیل و هوامز، ۱۹۷۲) علت عمده این موضوع که افراد مسن قدرت و نفوذشان را در جامعه از دست می‌دهند، به این بر می‌گردد که آن‌ها نیروهای مولای صنعتی شدن و نوسازی هستند. با مدرن شدن جوامع، منزلت افراد مسن کاهش می‌یابد و آن‌ها به احتمال زیاد، طرد اجتماعی را تجربه می‌کنند. قبل از صنعتی شدن، هنجارهای اجتماعی قدرتمندی وجود داشت که نسل جوان را ملزم می‌ساخت که از افراد مسن تر مراقبت کنند. اکنون، به موازات صنعتی شدن جوامع، خانواده هسته‌ای جایگزین خانواده گسترده شده است. جوامع تا حد زیادی فردگرا شده و هنجارهای مربوط به مراقبت از افراد مسن، تغییر کرده است. در یک جامعه صنعتی فردگرا، مراقبت از یک فامیل مسن به عنوان یک الزام داوطلبانه در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند بدون ترس ناشی از سرزنش اجتماعی، نادیده گرفته شود.

استدلال اصلی نظریه نوسازی این است که مادام که خانواده گسترده، خانواده معیار باشد - کما اینکه در اقتصاد های ماقبل صنعتی چنین بوده - افراد مسن از یک جایگاه و نقش کاملاً مشخص و تعریف شده در جامعه، برخوردار هستند. با مدرن شدن جوامع، افراد مسن قادر نیستند که دیگر در بیرون از خانه کار کنند، لذا شانس کمتری برای بازدهی اقتصادی دارند و به عنوان یک سربار در نظر گرفته می‌شوند. این مدل را می‌توان هم در مورد جهان توسعه یافته و هم در مورد جهان در حال توسعه، به کار برد. این بیانگر آن است که با مسن شدن افراد، آن‌ها ترک می‌شوند و قسمت اعظم حمایت خانوادگی شان را از دست می‌دهند، چون سودمندی اقتصادی ندارند.

#### ۲-۲-۲ - نظریه قشربندی سنی<sup>۱۶</sup>

نظریه دیگری که در چارچوب دیدگاه تضاد وجود دارد، نظریه قشربندی سنی است (ریلی، جانسون و فونر، ۱۹۷۲). اگر چه اکنون واضح به نظر می‌رسد - با آگاهی بخشی‌ای که در مورد تبعیض علیه افراد مسن صورت گرفته است - نظریه پردازان قشربندی سنی از جمله نخستین کسانی بودند که بیان داشتند اعضای جامعه را باید بر حسب سن‌شان درست همانند آنچه که در ارتباط با نژاد، طبقه و جنسیت صورت می‌گیرد، قشربندی کرد. چرا که سن به عنوان مبنای کنترل اجتماعی عمل می‌نماید، گروه‌های سنی مختلف، دسترسی متفاوتی به منابع اجتماعی نظیر قدرت اقتصادی و سیاسی دارند. درون جوامع، هنجارهای مربوط به رفتار متناسب با سن، یعنی هنجارهایی که مربوط به نقش‌ها و رفتارهای مناسب هستند، تحمیل می‌کنند که در نسل‌های سنی چه اعضایی می‌توانند به نحو خردمندانه‌ای رفتار نمایند. به طور مثال، پوشیدن بیکینی از سوی یک زن مسن به عنوان یک رفتار انحرافی در نظر گرفته می‌شود. چرا که وی از هنجارهایی که منکر جنسیت زنان مسن باشد، تخلف می‌ورزد. این هنجارها در ارتباط با هر قشر سنی مشخص می‌باشند و بیان می‌دارند که افراد در هر سنی، چطور باید عمل نمایند.

از نظریه قشربندی سنی به خاطر گسترده بودن و نیز بی توجهی به سایر منابع قشربندی و اینکه این‌ها را باید در ارتباط با سن در نظر گرفت، انتقاد شده است. به طور مثال، می‌توان این استدلال را مطرح کرد که یک مرد سفیدپوست مسن در مقایسه با یک زن سفیدپوست پیر، از نقش قدرتمندتر و گزینه‌های بیشتری برخوردار است؛ چرا که در طول تاریخ، به قدرت اقتصادی و سیاسی بیشتری دسترسی داشته است.

#### ۲-۲-۳ - نظریه مبادله<sup>۱۷</sup>

نهایتاً، نظریه مبادله (دوود، ۱۹۷۵)، یک رویکرد مبتنی بر انتخاب عقلانی، به بیان این نکته می‌پردازد که ما با مسن شدن، وابستگی به دیگران را بیشتر تجربه می‌کنیم و باید تا حد زیادی تسلیم اراده سایرین شویم چرا که راه‌های کمتری در اختیار داریم تا دیگران را وادار کنیم که تسلیم ما شوند. در واقع، از آنجا که روابط مبتنی بر مبادله متقابل هستند، همین که افراد مسن، توانایی کمتری برای مبادله منابع پیدا می‌کنند، لذا آن‌ها چرخه‌های اجتماعی شان را در حال تقلیل یافتن می‌بینند. در این مدل، مدیریت منابع نظیر حفظ یک میراث گسترده یا مشارکت در نظام‌های مبادله اجتماعی از طریق مراقبت از کودک، تنها شیوه‌ای است برای اینکه از گردونه خارج نشوید. در واقع، این نظریه تا حدود خیلی زیادی به این انگاره وابسته است که آن‌ها محاسبه‌گرند. این نظریه به دلیل تأکید بیش از حد بر مبادله مادی و کم ارزش شمردن دارایی‌های غیر مادی نظیر عشق و دوستی، مورد انتقاد قرار گرفته است (مشوی، ۱۳۹۷ : ۷۷).

**سازگاری  
و انطباق موفقیت‌آمیز  
با سالمندی، بستگی به  
توانایی شخص در تداوم الگوهای  
زندگی در طول مدت زندگی دارد.  
شخصی که در سنین جوانی،  
سازگاری خوبی داشته باشد، آن  
را در سنین بعدی نیز ادامه  
خواهد داد**



### ۲-۳- دیدگاه تفسیرگرایی و کنش متقابل نمادین

مید<sup>۱۸</sup> (۱۹۳۴) بر این عقیده است که اشیاء و وقایع به خودی خود، معنا ندارند، بلکه مردم به دنبال تعاملات روزمره خود به آن‌ها معنی می‌دهند. مثلاً، در حالی که موی سفید در یک جامعه ممکن است نشانه‌ای از پختگی و تعقل باشد، در جامعه‌های دیگر ممکن است نشانه‌ای از اُفت و نزول به شمار رود.

نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین بر این باور هستند که افراد سالخورده توانایی این را دارند که در جامعه باقی بمانند، بسته به این که افراد سالمند چگونه با دیگران در ارتباط هستند، زندگی آنان پس از دوران بازنشستگی می‌تواند به صورت بالقوه مملو از رضایت باشد. چهار عامل اصلی که می‌تواند باعث ایجاد رضایت در افراد سالمند شوند عبارتند از: وضعیت جسمانی، سلامت روحی، حمایت اجتماعی و منبع کنترل (اصطلاح روان‌شناسی است که اشاره دارد بر میزان باور افراد به اینکه آن‌ها می‌توانند رویدادهایی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، کنترل کنند). تحقیقات نشان داده است که سلامت جسمی مهم‌ترین عامل برقراری رضایت در بین افراد است. پرواضح است که دوران سالخوردگی می‌تواند مجالی باشد برای اینکه افراد بتوانند آزادانه و با آسودگی خاطر به تفریح بپردازند و با همسالان و هم رده‌های خود اوقات خود را سپری کنند، ولی همه اینها مستلزم این است که از سلامت جسمی برخوردار باشند. سالخوردگان می‌بایستی در اهداف خود تجدید نظر کنند و معیارهای زندگی خود را بازنویسی کنند. بازنشستگی ممکن است برای برخی پایان زندگی باشد و برای برخی دیگر که اهداف خود را بازنگری کرده اند شروع راه جدیدی باشد (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۸۷-۹۱).

عموماً نظریاتی که در درون دیدگاه کنش متقابل نمادین قرار دارند، بر این موضوع که به چه صورت جامعه از طریق تعاملات روزانه افراد، خلق می‌شود و به چه صورت افراد از طریق نمادهای فرهنگی، خودشان و سایرین را درک می‌کنند، متمرکز می‌شوند. این دیدگاه تحلیلی خرد، قائل به این است که مردم، حس هویتی‌شان را از طریق تعاملات اجتماعی‌شان توسعه می‌بخشند و درک‌شان از خود، به آن تعاملات، وابسته است. زنی که عمده تعاملاتش با جامعه، حس پیری و جذاب نبودن را به او القا می‌کند، ممکن است درکش از خود را از دست بدهد. اما زنی که تعاملاتش با جامعه به او حس مهم بودن و ارزشمند بودن را القا می‌کند، درک قوی‌تری از خود و زندگی شادتری خواهد داشت.

نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین بر این نکته تأکید دارند که تغییرات مرتبط با پیری شدن سن از هیچ معنای ذاتی برخوردار نیستند. هیچ چیزی در ذات پیری نیست که باعث ایجاد یک مجموعه نگرش خاص و مشخص شود، بلکه نگرش‌های مربوط به افراد مسن، ریشه در جامعه دارند.

### ۱-۲-۳- نظریه خرده‌فرهنگ پیری<sup>۱۹</sup>

رز<sup>۲۰</sup> (۱۹۶۲) به عنوان یک نظریه تحلیلی خرد بر اجتماع مشترکی تأکید دارد که افراد

مسن در هنگام طرد شدن از جامعه (در اثر سن‌شان) به صورت داوطلبانه یا غیر داوطلبانه، در اثر مشارکت در سایر گروه‌ها، خلق می‌کنند. این نظریه بیان می‌کند که افراد مسن از جامعه خواهند برید و الگوهای تعاملی جدیدی را با افراد هم سن و سالشان توسعه خواهند داد، افرادی که زمینه‌ها و علایق مشترکی برخوردار هستند. به طور مثال یک آگاهی گروهی درون گروه‌هایی نظیر انجمن بازنشستگان آمریکا بر سر موضوعات مشخصی نظیر عدم پوشش بیمه‌ای افراد مسن، ممکن است به وجود آید و به منظور رفع این مسایل، سبب ایجاد فشار شود. اینکه افراد مسن در اثر علایق سیاسی و اجتماعی یا حتی مناطق جغرافیایی وحدت یابند یا خیر، می‌تواند از یک حس قوی وحدت با گروه جدیدشان، برخوردار شوند.

### ۲-۳-۲- نظریه جبران با بهینه‌سازی گزینشی<sup>۲۰</sup>

نظریه دیگر در این حوزه، نظریه جبران با بهینه‌سازی گزینشی است. باتلز و باتلز (۱۹۹۰) نظریه‌شان را بر این ایده مبتنی ساختند که توسعه شخصی موفقیت‌آمیز در طول زندگی و چالش‌های بعدی مرتبط با آن مبتنی بر مولفه‌هایی‌اند نظیر انتخاب، بهینه‌سازی و جبران است. اگر چه که این مساله در تمامی طول دوره زندگی اتفاق می‌افتد اما محققان علم پیری‌شناسی بر ایجاد توازن بین هزینه‌ها و فایده‌های پیر شدن تمرکز می‌کنند. از این منظر، پیری فرآیند نه یک پیامد و اهداف (جبران) در مورد هر فردی مشخص است.

بر پایه این نظریه، با پیر شدن انرژی ما تقلیل می‌رود و ما بیشترین تلاش‌مان را در فعالیت‌هایمان می‌کنیم تا آنچه را که در گستره وسیع اهداف و فعالیت‌هایمان از دست داده‌ایم، جبران کنیم. بر پایه این نظریه، تقلیل رفتن بدن که در نظریه عدم مشغولیت، مسلم فرض می‌شود، به وابستگی بیشتر می‌انجامد، اما این ضرورتاً منفی نیست، چرا که این امر به افراد مسن این امکان را می‌دهد تا انرژی‌شان را برای معنادارترین فعالیت‌ها حفظ کنند. به طور مثال، یک استادی که برای تدریس جامعه‌شناسی ارزش قائل است و ممکن است در یک بازنشستگی زمانمند مشارکت کند، هرگز به طور کامل تدریس را رها نمی‌کند، بلکه محدودیت‌های فیزیکی شخصی‌اش را می‌پذیرد، محدودیت‌هایی که به او این امکان را می‌دهند تا در طی یک سال، تنها یک یا دو کلاس داشته باشد.

### ۳-۳-۲- نظریه تعالی روی<sup>۲۱</sup>

جامعه‌شناس سوئدی، لارنس تورستام<sup>۲۲</sup> یک نظریه کنش متقابل نمادین را با نام تعالی روی توسعه بخشید. ایده‌ای که در این نظریه وجود دارد این است که افراد همگام با مسن شدن، از دیدگاه‌های محدود زندگی که در آغاز زندگی‌شان داشتند، فراتر می‌روند. وی معتقد است که در سراسر فرایند پیری، خود محوری افراد مسن کمتر می‌شود، صلح‌طلب‌تر می‌شوند و به جهان طبیعی بیشتر مرتبط و علاقمند می‌شوند. بر پایه این نظریه، افراد با مسن‌تر شدن، خردمندتر می‌شوند و با اوضاع دارای ابهام و به ظاهر متناقض، تساهل می‌ورزند، از تضاد می‌گریزند و دیدگاه‌های معتدل‌تری نسبت به راست و دروغ پیدا می‌کنند (تورستام، ۲۰۰۵).

Bandayrel K, Wong Sh.(2011) Systematic - Literature Review of Randomized Control Trials Assessing the Dffectiveness of Dwelling Older Adults. J Nutrition Education and Behavior; 43 (4): 251-62

Beck, et al. Mental health psychiatric Nursing( - 1989). Second edition, st: Louis Washington D.C. Co

Brunner, Lillian and Suddarth, Doris(1988) Text - book of medical surgical nursing. Philadelphia: J.B. Lippin cott Co

Cowgill, D. O. and L. D. Holmes, eds. (1972). - Aging and Modernization. New York: Appleton-Century-Crofts

Dowd, James J. (1975) "Aging as Exchange: A - Preface to Theory." Journal of Gerontology 30: 584-594

Giddens, Anthony (2009) Sociology: Cambridge,- Polity Press, 6th edition

Riley, Matilda While, Marilyn Johnson, and Anne - Foner. (1972) Aging and Society. Volume III, A Sociology of Age Stratification. New York: Russell Sage Foundation

Tornstam Lars(2005)Gerotranscendence: A - Development Theory of Positive Aging. New York: Springer Publishing Company

پی نوشت:

1. دکترای مسایل اجتماعی ایران Bandayrel-2
- Age Transition - 3
- Peter Peterson - 4
- Graying of the Population - 5
- Gidens - 6
- Gerontology- 7
- Disengagement Theory - 8
- Withdrawal & Introspection - 9
- Comings & Henry - 10
- Activity Theory - 11
- Continuty Theory- 12
- Neugarten- 13
- Interaction Theory - 14
- Spence- 15
- Modernization Theory - 16
- Age Stratification Theory - 17
- Exchange Theory - 18
- Mead, G.H - 19
- Subculture of Aging Theory- 20
- Rose - 21
- Selective Optimization With Compensation - 22
- Theory
- Batels and Batels - 23
- Gerotranscendence - 24
- Lars Tornstam - 25
- Pearlin.- 26
- Journal of Health and Social Behavior- 27
- Wheaton- 28
- Clarke- 29

وی مدعی نیست که هر فردی با پیر شدن، خردمند می‌شود. برخی ممکن است کماکان منزوی و تلخ باقی بمانند، احساس کنند که نادیده گرفته شده‌اند و کسی به آن‌ها توجه نمی‌کند، بد خلق و اهل قضاوت کردن می‌شوند. نظریه پردازان کنش متقابل نمادین معتقدند که درست همانند سایر مراحل زندگی، افراد می‌باید برای فائق آمدن بر شکست‌هایشان و بازگشت قدرتمندانه، کشمکش ورزند.

#### ۴-۳-۲- نظریه مسیر زندگی

بزرگ‌ترین حوزه تحقیقی در تحقیقات سالمندی که به تازگی رشد سریعی داشته است، مربوط به جنبه‌های سلامت اجتماعی و سالمندی بوده که اغلب برحسب الگوهای اجتماعی استرس، نظریه‌پردازی شده است. پیرلین<sup>۲۳</sup> به کمک تحقیق خود و همچنین سال‌ها کار کردن در نشریه سلامتی و رفتار اجتماعی<sup>۲۴</sup>، به عنوان ویراستار، در توسعه نظری این حوزه مشارکت داشت. او با دور شدن از چشم‌اندازهای قبلی در تحقیقات مربوط به استرس به ویژه در سنت رخدادهای رایج زندگی بحرانی، تأکید کرد که تغییرات زندگی لزوماً منفی نیستند و این که تغییرات بخشی عادی از سالمندی هستند که باید آن را تجربه کرد و این که انتقال در مسیر زندگی لزوماً با کاهش رفاه روانشناختی ارتباطی ندارد. در عوض، او این نظریه را مطرح کرد که انتقال در دوره‌های زندگی به تغییراتی در شرایط اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود و این شرایط می‌تواند باعث ایجاد «فشار زندگی» شود. به علاوه، او یک چالش جامعه‌شناسی را در مورد خرد غالب در آن زمان مطرح کرد: «با فرض روش‌های مختلف که در آن افراد گوناگون جهت بودن در مرحله‌ای یکسان (از زندگی) پاسخ می‌دهند، هر تحقیقی که بارزش باشد، باید بخش‌هایی را مورد توجه قرار بدهد که عوامل اجتماعی و اقتصادی در آن بخش‌ها در آفرینش و هدایت اثرات انتقال‌های چرخه عمر، عمل می‌کنند» (سترستن و آنجل، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴).

همان‌طور که ویتون<sup>۲۵</sup> و کلارک<sup>۲۶</sup> عنوان می‌کنند، تشخیص این که تأثیر عوامل استرس‌زا طی دوره‌های طولانی مدت زمانی از کنترل خارج می‌شود، به «پیوستگی طبیعی» مسیر زندگی و چشم‌اندازهای روند استرس، منجر می‌شود. از لحاظ ساختاری حتی زمینه‌های مجاور و نزدیک به مسیر اول زندگی در تمام تغییرات و انتقال‌های انجام شده در بسیاری از مراحل مسیر زندگی، همچنان حالت عملیاتی دارند و قوی‌ترین تأثیرات را نسبت به مزایا و مضرات هر وضعیت و نقش دارند (همان: ۳۴).

#### جدول ۱- خلاصه رویکردهای جامعه‌شناختی سالمندی

دیدگاه	نظریه	نظریه پرداز	تعریف
کازکردن‌گرایی	عدم تعهد	کامپنگ و هنری	همچنان که جامعه، فرد را از خود جدا می‌سازد فرد بی‌میل خود خویش را کمتر با جامعه درگیر می‌کند.
	عدالت	هوبک هرت	انزادی که فعل باقی می‌ماند با احساس رضایت، پیر می‌شوند.
	استمرار	توگارتن	فرد همچنان که پیر می‌شوند سطح ثابتی از فعالیت را حفظ می‌کند.
فشار	تعاملی	اسپنس	فرد با توجه به خصوصیات خود و شرایط محیط از مسوولیت و نقش به مسوولیت و نقش دیگر می‌روند.
	توسازی	کوگلین و هوانر	با متورن شدن جوانی، منزلت افراد مسن کاهش می‌یابد و آن‌ها به احتمال زیاد طرد اجتماعی را تجربه می‌کنند.
	فشارتندی	رپلی، جانسون و فونر	گروه‌های سنی مختلف دسترسی متفاوتی به منابع اجتماعی نظیر قدرت اقتصادی و سیاسی دارند.
کنش نمادین	مبادله	دوود	فرد مسن توانایی کمتری برای مبادله منابع پیدا می‌کند، لذا آن‌ها چرخه‌های اجتماعی شان را در حال تقلیل یافتن می‌بینند.
	عروه فرهنگ باری	وز	این نظریه بیان می‌کند که افراد مسن از جامعه خوانده برید و الگوهای تعاملی جدیدی را با افراد هم سن و سالشان توسعه خواهند داد.
	جبران با پیوه سازی گزینشی	باتزر و باتزر	با پیر شدن انرژی ما تقلیل می‌رود و ما بیشترین تلاش مان را در فعالیت‌هایمان می‌کنیم تا آنچه را که در گذشته وسیع اهداف و فعالیت‌هایمان از دست داده‌ایم، جبران کنیم.
مسیر زندگی	تعالی روی	لارس تورستام	بر پایه این نظریه، افراد با مسن تر شدن، خردمندتر می‌شوند و با نوصاح دارای ایهام و به ظاهر متعاضف، تساهل می‌ورزند، از فشار می‌گریزند و دیدگاه‌های معتدل تری نسبت به راست و دروغ پیدا می‌کنند.
	پیرلین و -		انتقال در دوره‌های زندگی به تغییراتی در شرایط اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود و این شرایط می‌تواند باعث ایجاد فشار زندگی شود.

(نگارنده)

منابع:

- سام آرام، عزت‌اله؛ احمدی بنی، زیبا(۱۳۸۶) « بررسی عوامل موثر بر موقعیت سالمند در خانواده» مجله سالمندی ایران، ۱۳۸۶، ۲ (۴): ۲۶۹-۲۷۹.

- سترستن، ریچارد؛ آنجل، ژاکلین(۱۳۸۵) جامعه شناسی سالمندی، ترجمه مجتبی امیری و شهرزاد نیری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مختاری، مرضیه؛ نظری، جواد(۱۳۸۹) جامعه شناسی کیفیت زندگی، تهران: جامعه شناسان.

- مثنوی، عطاء اله؛ اکبری کامرانی، احمد علی؛ حسینی، سید احمد(۱۳۸۶) « مقایسه وضعیت سالمندان مقیم آسایشگاه و مقیم خانواده در ایران» مجله سالمند، سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۶: ۲۸۵- ۲۸۰.





فرشته طالش انسان‌دوست\*

# چالش‌های پیش روی جمعیت و سالخورده‌گی در استان گیلان

**گیلان فردا** - جمعیت‌شناسان مدتی است درباره بحران جمعیتی ایران و ورود آن به مراحل میانسالی و سالمندی هشدار می‌دهند. به اعتقاد آنها ۲۰ تا ۳۰ سال آینده، کشور ما وارد دوران کهنسالی جمعیت می‌شود. سازمان ملل هم پیش‌بینی کرده جمعیت بالای ۶۰ سال ایران در سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۵۰ با رشد ۲۶ درصدی به ۳۳ درصد کل جمعیت کشور برسد و ایران از نظر سرعت سالمند شدن جمعیت، رتبه سوم جهان را به خود اختصاص دهد. توجه به این هشدارها از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند تبعاتی همچون افزایش هزینه‌های درمانی و کاهش تعداد نیروی کار مولد را در پی داشته باشد و اقتصاد هر کشور را تحت الشعاع قرار دهد. توسعه اقتصادی هر کشوری به میزان زیاد به کمیت و کیفیت نیروی کار آن کشور وابسته است. زمانی که افراد پنجمین دهه از زندگی خود را پشت سر می‌گذارند، احتمال مشارکت آنها در کار و فعالیت اجتماعی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر سالمندی جمعیت، زنگ خطر را برای ظهور یک چالش خطرناک دیگر به صدا در می‌آورد و آن هم گسترش موج بیماری‌های غیر واگیردار است. در سطح کلان سالخورده‌گی فردی موجب سالخورده‌گی خانواده‌ها می‌شود. این پدیده بر روان‌شناسی، فرهنگ، نظام ارزشی اخلاقی، اقتصاد، تعلیم و تربیت، سیاست و... تأثیر می‌گذارد. بررسی زمینه‌های تاریخی روند رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه نظیر کشور ایران روشن می‌سازد که رشد جمعیت در دهه ۸۰ شمسی نسبت به دهه‌های قبل کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. از سوی دیگر با افزایش امید به زندگی در نتیجه‌ی پیشرفت پزشکی و بهبود شرایط بهداشت جمعیت، تعداد بیشتری از جمعیت به سن سالخورده‌گی می‌رسند. در این بررسی کوتاه به سالمندی در گیلان پرداخته شده است.

**ساختار جمعیت:** برخی از جمعیت‌ها دارای ساختاری جوان هستند در این گونه جمعیت‌ها حداقل ۴۰ درصد افراد در سنین زیر ۱۵ سالگی قرار دارند و نسبت جمعیت ۶۵ ساله به بالای آنها از ۳ یا ۴ درصد تجاوز نمی‌کند که معمولاً اکثر کشورهای در حال توسعه دارای چنین ساختاری هستند. اما با گذشت زمان چنین ساختاری دچار تغییر می‌شود و به ساختار جمعیتی سالخورده می‌رسد که در آن سهم افراد کمتر از ۱۵ ساله کاهش می‌یابد و به حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت و یا کمتر از آن می‌رسد و نسبت افراد سالخورده نیز به ۸ درصد و یا بیشتر افزایش می‌یابد. به جمعیت‌هایی که وضع بینابینی دارند جمعیت‌های در حال گذار گفته می‌شود. (زنجانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۸۴)

برای پی بردن به ساختار جمعیت و تحولات آن در گیلان از دو شاخص، ضریب سالمندی و میزان سالخورده‌گی جمعیت استفاده شده است.

**۱- میزان سالخورده‌گی جمعیت:** این شاخص از تقسیم افراد ۶۵ ساله و بیشتر به کل جمعیت محاسبه می‌شود. شاخص مذکور متأثر از امید زندگی است. چنانچه میزان‌های مرگ و میر در سنین سالمندی کاهش یابد نسبت جمعیت در سنین سالمندی افزایش می‌یابد و این امر در انتقال ساختارهای سنی جمعیت نقش اساسی دارد. براساس طبقه‌بندی شرایاک و سیگل، اگر جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر کمتر از ۵ درصد باشد آن جمعیت جوان و اگر ۵ تا ۱۰ درصد باشد آن جمعیت میانسال و اگر درصد مزبور ۱۰ درصد یا بیشتر باشد، جمعیت سالمند محسوب می‌شود. (همان، ۸)

**۲- ضریب سالمندی:** ضریب سالمندی از تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر بر روی جمعیت زیر ۱۵ محاسبه می‌شود. براساس طبقه‌بندی شرایاک و سیگل، اگر شاخص مزبور بین ۱۵ تا ۳۰ باشد جمعیت میانسال و اگر ۳۰ یا بیشتر باشد، جمعیت سالمند است.

## یافته‌ها: گروه‌های عمده سنی

بررسی گروه‌های عمده سنی در گیلان نشان می‌دهد، سهم گروه سنی ۱۴- ساله، از سال ۱۳۴۵ در استان گیلان بتدریج کاهش یافته تا این که در سال ۱۳۹۵ به ۱۷٫۸ درصد رسیده است. این رقم از رقم متناظر کشور برای گروه سنی مذکور ۶٫۲ درصد کمتر و در بین استانهای کشور در رتبه سی و یکم قرار دارد. در مناطق شهری و روستایی نیز بترتیب ۱۷٫۹ و ۱۷٫۶ درصد جمعیت در این گروه سنی قرار گرفته‌اند. گروه سنی ۱۴- ساله مصرف‌کننده محسوب می‌شوند. این گروه در تولید نقش چندانی ندارند.

وضعیت گروه سنی ۶۴- ۱۵ ساله که گروه تولیدکننده هستند نشان می‌دهد از سال ۱۳۴۵ بتدریج بر تعداد و درصد این گروه افزوده شده است و در سال ۱۳۹۵ این گروه سنی در استان برابر ۷۳٫۳ و در کشور ۶۹٫۹ درصد است که رقم استان ۲٫۴ درصد از رقم متناظر در کشور بیشتر است. سهم این گروه سنی در نقاط شهری استان برابر ۷۴٫۸ درصد کل جمعیت شهری و در نقاط روستایی استان در سال ۱۳۹۵ برابر ۷۰٫۸۰ درصد است.

اما همین بررسی در مناطق روستایی کشور و استان بترتیب ارقام ۶٫۱ و ۱۱٫۶ نشان می‌دهد که حکایت از سالمندی جمعیت بویژه در روستاهای گیلان دارد که بی‌شک بر نیروی کار و تولید تأثیر می‌گذارد. بررسی ضریب سالمندی جمعیت در سال ۱۳۹۵ رقم ۴۹٫۹ در مناطق شهری ۴۰٫۷ و در مناطق روستایی ۶۶٫۱ را نشان می‌دهد که حاکی از سالمندی جمعیت بویژه در مناطق روستایی گیلان است. از سوی دیگر کاهش زاد و ولد که یکی از عوامل مؤثر در رشد جمعیت است نیز از چالش‌های عمده جمعیت در ایران و گیلان محسوب می‌شود. گیلان بیشترین میزان متوسط رشد سالانه را در دهه ۱۳۶۵-۵۵ تا ۲۷٫۸ درصد تجربه کرده است که اگر میزان متوسط رشد برای استان ثابت می‌ماند در مدت ۲۵ سال جمعیت استان دو برابر می‌شد یعنی در سال ۱۳۹۰ جمعیت استان بالغ بر چهار میلیون نفر می‌شد. از دهه ۱۳۸۵-۷۵ متوسط رشد جمعیت استان کاهش یافت و از ۰٫۷ درصد به ۰٫۴ درصد در پنج‌سال ۱۳۹۵-۹۰ رسید. البته برای بررسی دقیق‌تر لازم است شاخص باروری کل نیز مدنظر قرار گیرد که در این مختصر نمی‌گنجد.

## توزیع نسبی جمعیت استان گیلان در گروه‌های عمده سنی ۱۳۴۵-۱۳۹۵

کشور	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	شرح
۱۳۹۵	۱۷٫۸	۱۸٫۶	۲۱٫۳	۲۴٫۵	۴۱٫۳	۴۵٫۵	۴۷٫۱	۱۴-۰
۶۹٫۹	۷۳٫۳	۷۳٫۳	۷۱٫۵	۵۹٫۸	۵۵٫۴	۵۱	۴۹٫۳	۱۵-۶۴
۶٫۱	۸٫۹	۸٫۱	۷٫۳	۵٫۷	۳٫۳	۳٫۵	۳٫۶	۵۶-۵ و بیشتر

بنابراین کشور و استان دست کم با دوچالش اساسی کاهش زاد و ولد و سالمندی جمعیت روبروست که ادامه کاهش زاد و ولد خود منجر به افزایش سهم جمعیت سالمند خواهد شد.

رشد جمعیت در دهه‌های گذشته موجب شده است که جمعیت استان در گروه سنی ۶۴- ۱۵ ساله بیشتر باشد و حجم نیروی کار افزایش یابد.

استان گیلان بویژه در دهه ۱۳۶۵-۵۵ دارای رشد سریع جمعیت بوده، اگرچه بعد از آن با کنترل رشد باروری از رشد جمعیت کاسته شد اما متولدان سالهای گذشته تأثیر خود را بر ساختار جمعیت



گذاشتند و تعداد و درصد بالای جمعیت ۶۴-۱۵ ساله در سال های ۸۵ تا ۹۵ (۷۱.۵، ۷۳.۳، ۷۳.۳) ناشی از متولدان دهه مذکور است که با برنامه ریزی درست می شد از این تعداد جمعیت که نیروی کار محسوب می شوند به نحو مطلوب برای چرخاندن چرخ های اقتصادی و تولیدی استفاده کرد. اما متأسفانه از این فرصت بدست آمده استفاده نشد و این فرصت طلایی از دست می رود و نه تنها فرصتی طلایی محسوب نمی گردد بلکه معضلی در پیش روی برنامه ریزان است. از این فرصت طلایی در کشورهای توسعه یافته استفاده شد زیرا در این کشورها در مدت زمان طولانی مرگ و میر و مولید کنترل شد و همگام با رشد جمعیت واقع در سنین کار سرمایه گذاری های لازم نیز صورت گرفت و چون نیروی کار نیز به حد کافی وجود داشت پس فرصتی طلایی محسوب شد.

اما چون کشورهای در حال توسعه هنوز با مشکلات توسعه دست به گریبان هستند به بررسی مسائل مرتبط با سالمندی جمعیت نمی اندیشند و از طرفی با تعداد زیاد جمعیت واقع در سنین فعالیت از یکسو مواجه می شوند که برنامه ریزی درستی هم برای اشتغال، مسکن، بهداشت، اوقات فراغت و... آنها ندارند. از سوی دیگر بطور ناگهانی با پدیده سالمندی جمعیت و دشواری های حاصل ازان روبرو می شوند. در کشورهای در حال توسعه، سرعت سالخوردگی جمعیت بیشتر است و در مقایسه با کشورهای توسعه یافته مدت زمان کمتری طول می کشد تا جمعیت سالمندان دوبرابر شود. پس این کشورها آمادگی کافی برای روبرویی با این وضعیت را نخواهند داشت و این مسئله به عنوان تغییری در نظام اجتماعی مشکلات بسیاری برای آنان به وجود خواهد آورد.

شرح	شهری	روستایی
۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۹۵
۱۸،۶	۱۷،۹	۱۷،۶
۶۴-۱۵	۷۵	۷۴،۸
۶۵-ساله و بیشتر	۶،۴	۱۰،۷
	۷،۳	۱۱،۶

### اکنون استان گیلان با سه مشکل اساسی جمعیتی روبروست

اول- کاهش متوسط رشد سالانه جمعیت که خود منجر به سالمندی جمعیت می شود.  
دوم- تعداد زیاد جمعیت واقع در سنین فعالیت که نیازمند شغل، مسکن، تحصیل، بهداشت اوقات فراغت و... هستند و در آینده بتدریج به گروه جمعیت سالمند خواهند پیوست، در نتیجه بر درصد جمعیت واقع در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر استان و مناطق آن در سال های آینده افزوده خواهد شد.  
سوم- سالمندی جمعیت استان، در حال حاضر این گروه نیازمند برنامه ریزی ویژه هستند. بویژه در حوزه بهداشت و درمان، نگهداری از سالمندان، اوقات فراغت سالمندان، مبلمان شهری با تاکید بر سالمندان و کودکان و نظایر آن.

\* «معاون اسبق آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان»

## گیلان پیرترین استان کشور



گیلان فردا- مدیرکل بهزیستی گیلان گفت: ۱۴ هزار نفر معادل ۴ درصد از جمعیت سالمندان گیلانی تحت پوشش این نهاد حمایتی هستند. به گزارش خبرنگار گروه استان های باشگاه خبرنگاران جوان از رشت، حسین نحوی نژاد، مدیرکل بهزیستی گیلان گفت: ۱۴ هزار سالمند تحت پوشش این نهاد حمایتی هستند و از این تعداد هزار و ۲۰۰ سالمند در مراکز بهزیستی استان بستری هستند که هزار متخصص در امور بهزیستی به آن ها خدمات رسانی می کنند.

وی با بیان اینکه گیلان پیرترین استان کشور است، افزود: حدود ۱۴ درصد از جمعیت گیلان بیش از ۶۰ سال سن دارند که ۳۰ درصد آن ها از خدمات مالی بهزیستی و کمیته امداد استان بهره مند می شوند.

مدیرکل بهزیستی گیلان گفت: ۴۰ درصد از سالمندان گیلانی تحت پوشش بیمه بازنشستگی کشوری و لشکری هستند.

نحوی نژاد با اشاره به وجود ۳۷ هزار و ۵۰۰ مستمری بگير بهزیستی استان در سال ۹۸ افزود: امسال این تعداد با افزایش ۷ هزار خانوار دیگر تحت پوشش این نهاد حمایتی به ۴۴ هزار و ۵۰۰ خانوار شامل معلولان، سالمندان، زنان سرپرست خانوار و ایام رسیده است.

وی اضافه کرد: ۱۱ هزار و ۵۰۰ خانوار دیگر در حوزه توانبخشی و اجتماعی در نوبت دریافت خدمات از بهزیستی گیلان هستند.

مدیرکل بهزیستی گیلان در ادامه با اشاره به وجود هزار و ۱۰۰ فرد مبتلا به ضایعه نخاعی در گیلان، افزود: به علت نرخ بالای وقوع تصادفات رانندگی در استان و وجود جاماندگان از حادثه زلزله رودبار این آمار معادل ۳۰ درصد از جمعیت ضایعه نخاعی کشور است که از میانگین کشوری بالاتر است.

نحوی نژاد با بیان اینکه پارسل ۹۰۰ معلول ضایعه نخاعی تحت پوشش بهزیستی گیلان ماهانه مبلغ ۳۰۰ هزار تومان حق پرستاری دریافت کردند، گفت: امسال هزار نفر از این افراد ماهانه ۵۵۰ هزار تومان حق پرستاری دریافت می کنند.

# سندروم آشیانه خالی

اضطراب و ناراحتی ناشی از ترک منزل به وسیله فرزندان، را تسکین دهند. شروع یا ازسرگیری یک فعالیت به خصوص برای مادران خانه‌دار و همچنین حرف زدن در خصوص احساسات خویش با دوستان، اعضای خانواده و یا یک مشاور، می‌تواند برای سازگاری با سندرم آشیانه خالی موثر واقع شود.

## بازیابی ارتباط عاشقانه

داستان‌های زیادی از زن و شوهرهایی وجود دارد که پس از بزرگ شدن فرزندان و ترک خانه به وسیله آن‌ها، از هم جداشده یا طلاق گرفته‌اند. اینگونه زوج‌ها غیراز فرزندان نقطه مشترک دیگری در خویش نمی‌بینند. این یک فرصت عالی برای بازیابی روابط عاشقانه و تمرکز بر روی روابط زن و شوهری است. از این فرصت می‌توانید برای پیدا کردن علائق مشترک استفاده کنید. ممکن است در نخست حس کنید هیچ نقطه مشترکی با هم ندارید اما این مسئله عادی است. شما همیشه به فکر فرزندان خویش بوده‌اید و تلاشی برای بهبود روابط تان نکرده‌اید. اکنون باید چیزی را ببابید که برای هر دویتان لذتبخش است. لازم نیست این فعالیت مورد سازش هر دو طرف باشد. در عوض به دنبال چیزی باشید که هر دویتان دوست دارید انجام دهید و این علاقه داشتن بخاطر این است که می‌خواهید کنار هم مجدداً زندگی خوشحالی را تجربه نمایید. این یک تجربه مشترک از زندگی است که هر دویتان می‌توانید آنرا به خوبی حس کنید. روابط عاشقانه خویش را با به اشتراک گذاشتن زندگیتان، مجدداً بازیابی کنید. اینکار می‌تواند به مفهوم انجام یک فعالیت ساده مانند دوچرخه سواری، یوگا یا پیاده روی دوفره باشد. می‌توانید با هم به سفر بروید و نقاطی که همیشه دوست داشتید از نزدیک ببینید را تجربه نمایید. هر کاری که می‌کنید باید در کنار هم دیگر باشد. تجربیات خویش را با هم به اشتراک بگذارید.

## پرداختن به کارهای تازه

چنانچه دوست دارید، می‌توانید یک شغل تازه پیدا کرده یا تنها در چند کلاس آموزشی یا ورزشی شرکت کنید. با این کار، اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کنید. ملاقات با اشخاص تازه هم کمک می‌کند یک آغاز دوباره داشته باشید. روزی روزگاری، پیش از این که بچه دار شوید، حتماً رویاهایی داشتید. اکنون وقت آن رسیده که به رویاهای تان جامه عمل بپوشانید. شکرگزار فرصتی باشید که اینک در اختیار دارید.

## مراجعه به روان شناس

بهتر است در این موقع شخص هر چه زودتر احساسات خویش را با پزشک خود مطرح کند. امکان دارد در این موقع احتیاج به استفاده از قرص‌های ضدافسردگی باشد و هم زمان صحبت با یک روان شناس کمک شایانی می‌کند و برای کنترل احساساتتان باید با متخصص روان شناس صحبت کنید.

## جلوگیری از سندرم آشیانه خالی

چنانچه فرزند کوچک شما در شرف ایجاد یک زندگی مستقل است و از ابتلا به این سندرم نگران هستید، باید برای جلوگیری از ابتلا به آن برنامه ریزی کنید. تا آن جایی که می‌توانید خود را مشغول نگه دارید. این مشغولیت می‌تواند برگشت به کار باشد یا می‌تواند شرکت در خیریه‌ها یا کارهای داوطلبانه و یا کلاس‌های هنری آموزشی باشد که همگی می‌تواند شما را سرگرم نگه دارد و دوران شروع تغییر در این شرایط خانه را برای شما راحت تر کرده و به پذیرش آن کمک کند.

**گیلان فردا** - سندرم آشیانه خالی نوعی احساس غم و تنهایی است که بعد از آنکه فرزندان به سبب زندگی جدا یا رفتن به دانشگاه برای نخستین بار منزل را ترک می‌کنند، پدر و مادر یا سرپرست ممکن است به آن دچار شوند. این سندرم یک عارضه بالینی نیست، از آن جا که ترک منزل پدر و مادر توسط جوان بطور کلی رویدادی طبیعی و سالم است، اغلب به علامت‌های سندرم آشیانه خالی توجه نمی‌شود. این مسأله می‌تواند برای پدر و مادر به شرایط بیماری افسردگی و احساس بی‌هدفی منجر شود، چرا که ترک «آشیانه» به وسیله فرزند، سبب ایجاد تغییراتی در جریان زندگی پدر و مادر می‌شود. سندرم آشیانه خالی به خصوص در بین مادران خانه‌دار رایج است. حس ناراحتی در چنین مواقعی کاملاً طبیعی است. همچنین عادی است که بخواهید در زمان غیاب فرزندان اوقاتی را در اتاق وی بگذرانید تا حس نزدیکی بیشتری به او کنید. چنانچه حس می‌کنید دچار سندرم آشیانه خالی هستید، واکنش‌های خود و طول مدت آن‌ها را تحت نظر بگیرید. چنانچه حس می‌کنید که زندگی موثر شما پایان یافته است یا زیاد گریه می‌کنید و یا آن قدر غمگین هستید که دوست ندارید دوستان و آشنایانتان را ببینید یا سر کار بروید، بهتر است با یک متخصص مشورت کنید.

## علل سندروم آشیانه خالی

همان طور که قبلاً اشاره شد، وقتی زنی در مرحله ای از زندگی خویش قرار دارد که بچه‌ها در حال ترک منزل هستند، امکان دارد نزدیک به دیگر تحولات زندگی خویش مانند یانستگی یا کنار آمدن با مراقبت از والدین پیر خود هم باشند.

تحقیقات جدید نشان می‌دهد که کیفیت روابط والدین فرزند در چنین شرایطی تبعات مهمی برای هر دو طرف دارد. والدین هنگامی که توانسته باشند ارتباط خوبی با فرزندان خویش برقرار کنند، با انتقال به آشیانه خالی فایده‌های بسیار زیادی می‌برند. دشمنی، کناره‌گیری و تضادها در ارتباطات بین والدین و فرزندان، پشتیبانی و حمایت بین نسلی را در هنگامی که فرزندان در ابتدای جوانی بسیار به آن احتیاج دارند و والدین در آستانه پیری کاهش می‌دهد. در گذشته تصور می‌شد که خانم‌ها پس از رفتن فرزندان از منزل بسیار در معرض ابتلا به بیماری افسردگی هستند و دچار فقدان هویت و هدف می‌شوند. ولی مطالعات، افزایش در ابتلا به بیماری‌های افسردگی را در این مرحله از زندگی در خانم‌ها تأیید نکرد.

## مبارزه با سندرم آشیانه خالی

به اعتقاد کارشناسان درست است که سندرم آشیانه خالی با خودش احساسات تلخ و شدیدی می‌آورد، ولی این غم‌نیش این نیست که نمی‌شود با آن کاری کرد. چنانچه شما هم تازه هم آخرین فرزندان را عروس یا داماد کرده‌اید، می‌توانید این کارها را انجام دهید:

## در تماس باشید

یکی از ساده‌ترین راهها برای رویارویی با سندرم آشیانه خالی آن است که والدین هم چنان در تماس با فرزندان خویش باشند. پیشرفت‌های تکنولوژی مثل تلفن‌های همراه، پیام‌های متنی و اینترنت، فرصت‌های جدید و مناسبی برای افزایش رابطه بین پدر و مادر و فرزندان، فراهم کرده است. البته باید توجه کنید که این تماس‌ها نباید آن قدر زیاد باشد که به سعی فرزندان برای استقلال یافتن، خللی وارد کند.

## دنبال کردن علائق

والدین می‌توانند با دنبال کردن سرگرمی‌ها و علائق خویش، ضمن پر کردن اوقات فراغت خویش،



یاد و خاطره همه پزشکان، پرستاران و کادر درمان که جانشان را در راه خدمات رسانی به بیماران کرونا از دست دادند، گرامی باد

# کرونا با کسی شوخی ندارد



گیلان فردا-مدافعان سلامت، قهرمانان حکایت کرونا، بزرگ مردان و زنانی که با شیوع این ویروس سرکش، بیماران را در برابر این بیماری مهلک تنها نگذاشتند و با تمام توان پای کار ماندند و در این میان عده ای از آنان به این ویروس وحشی مبتلا شدند و تعدادی دیگر جانشان را در راه خدمات رسانی از دست دادند. بیش از یک سال از شیوع این ویروس می گذرد، در این مدت برای کنترل و مقابله با آن و خدمات رسانی به مبتلایان و خانواده های آنان بسیار تلاش شده و می شود، در این میان پزشکان، پرستاران و کادر درمانی بیش از همه و در خط اول مبارزه با این ویروس شجاعانه ایستاده اند و تمام همت شان را برای بهبودی بیماران به کار گرفته اند. با شیوع ویروس کرونا پزشکان و پرستاران در خط مقدم مبارزه بیش از همه روزهای سختی را گذراندند، تسکین دهنده دردهای بیماران شدند و با خانواده های درگذشتگان همدردی کردند چه بسا خود نیز زخم خورده این بیماری شدند و جان عزیزشان را در این مسیر فدا کردند. گیلان که از اسفندماه سال گذشته درگیر این ویروس منحوس شد در ماه نخست شیوع بیماری به دلیل شرایط خاص گردشگری این خطه و کمبود و ضعف امکانات پزشکی و درمانی و شیوع بالای بیماری و نیز عدم اطلاع عامه از راه های پیشگیرانه شاهد آمار بالای فوتی ها و مبتلایان بود و در این میان تعدادی از کادر درمانی اعم از پزشکان و پرستاران در مسیر خدمت به شهادت رسیدند، انسان هایی که هر یک در جای خود سرمایه های ارزشمندی برای این استان بودند. وحید منصف کسمایی متخصص طب اورژانس و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان، دکتر محمد محمدی پزشک پیشکسوت رشتی،

دکتر محمد علی ربیعی پزشک شفقی، دکتر رضا کوچکی نیا پزشک آستانه اشرفیه، دکتر حمید لطفی پزشک متخصص ارتوپدی صومعه سرایی و دکتر سیامک دیوشلی متخصص اطفال انزلی از جمله پزشکانی هستند که در اثر ابتلاء به کووید ۱۹ جانشان را در راه خدمت به هموطنانشان در مقابله با این ویروس فدا کردند.

علی شیخ مرادی پرستار بیمارستان قائم (عج) رشت، نرجس خانعلی زاده پرستار ۲۵ ساله بیمارستان لاهیجان، غلامرضا وثوقی کیا پرستار تیم جراحی بیمارستان های پورسینا و آریای رشت نیز برخی از جمله پرستارانی بودند که در جریان مقابله با این ویروس و نجات جان مردمانشان به این ویروس مبتلا شده و جانشان را از دست دادند.

بر اساس آخرین آماري که چندی قبل روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان اعلام کرد: ۳۰ نفر از پزشکان، پرستاران و سایر نیروهای مرکز بهداشتی و درمانی استان به عنوان مدافعان سلامت جانشان را از دست دادند و ۱۷۸ پرستار، ۹۵ پزشک و ۱۳۸ نفر از سایر نیروها در مراکز بهداشتی و درمانی به دلیل بیماری کرونا در بیمارستان های گیلان بستری شدند. ضمن اینکه افرادی از کادر درمان به این بیماری مبتلا شده اما جز آمار بستری ها نیستند.

به منظور قدردانی از تلاش های این ایثارگران و بزرگداشت یاد شهدای سلامت با برخی از پزشکان بهبود یافته از بیماری کووید ۱۹ در استان گفت و گو می کنیم. متخصصانی که گذر از پیچ تند کرونا را نیازمند همدلی و یکصدایی مردم در رعایت پروتکل های بهداشتی و ضرورت توجه به محدودیت ها دانسته و معتقدند «مردم ایران اسلامی همواره در بزنگاه ها و شرایط حساس در کنار هم با اتحاد و همدلی توانسته اند از شرایط سخت عبور کنند این بار نیز یکصدا و همدل اما با فاصله از همدیگر و رعایت پروتکل ها می توانند این دوران را هم به سلامت بگذرانند».

## پزشکانی که مشق عشق کردند

دکتر بهرام نادری نیز از جمله پزشکانی است که در بحبوحه شیوع کووید ۱۹ در اسفندماه سال گذشته دچار این بیماری شد، این پزشک سخت کوش عاشقانه برای خدمات رسانی به بیماران مبتلا به کرونا پای کار ماند، او از مدافعان سلامت و زخم خورده کرونا است. دکتر نادری نبی در گفت و گو با خبرنگار ایرنا با یادآوری روزهای نخستین شیوع کرونا در گیلان بیان داشت: در اسفندماه سال گذشته شاهد موج عظیمی از مبتلایان به این ویروس در این استان بودیم. به گونه ای که با شیوع ویروس کرونا در گیلان به دلیل عدم شناخت و آگاهی از بیماری کووید ۱۹ در کشور و کل دنیا، ضمن نداشتن وسایل مراقبتی و حفاظتی، موجی از اضطراب در جامعه و نیز مراکز درمانی ایجاد شد. وی خاطر نشان کرد: هیچ وقت آن روزهای سخت، ایامی که هیچ پشتوانه جدی نداشتیم، از یادم نمیروم، امکانات حفاظت فردی در برابر کرونا نداشتیم، شرایط شکننده بود، هم بیماران و هم پرسنل بیمارستان ها با شوک عظیمی مواجه شده بودند. این پزشک خاطر نشان کرد: در این شرایط سخت با توجه به اینکه گیلان بعد از قم، دومین استان درگیر بیماری کووید ۱۹ بود، پزشکان، پرستاران و تمامی کادر درمانی در بیمارستان ها عاشقانه برای خدمات رسانی به بیماران با حداقل امکانات تلاش کردند. وی در ادامه با اشاره به مسئولیت خود به عنوان معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان در آن ایام و قبل از ابتلاء به کرونا بیان داشت: با توجه به مسئولیت در آن زمان، موضوع پیگیری وضعیت شهرستان رودبار، منجیل و رستم آباد برای هماهنگی و مدیریت امور مربوط به من سپرده شد. با توجه به کمبود امکانات حفاظت فردی برای همدلی و همراهی با کادر درمان در بیمارستان های این شهرستان ها مستقیم وارد سیستم درمان میشدم و به بخش ها میرفتم و در این میان همراهی همکاران کادر درمانی اعم از پزشکان و پرستاران انگیزه را در من بیشتر می کرد. همه کارهایی که انجام دادم به عنوان یک پزشک وظیفه خود می دانم ضمن اینکه هر کسی جای من هم بود باید به وظیفه خود عمل میکرد. وی بیان داشت: به دلیل مواجهه فراوان و مستمر با بیماران درگیر کووید ۱۹ به این بیماری مبتلا شدم و مدتی تحت مراقبت قرار گرفتم، وضعیت وخیمی داشتم تا جایی که سه بار دچار ایست قلبی شدم اما خداوند متعال صلاح را اینگونه دید تا زنده بمانم. وی با بیان اینکه پزشکان ارزشمندی را در استان گیلان از دست دادیم، عنوان کرد: دکتر وحید منصف متخصص طب اورژانس یکی از این پزشکان است و بسیار عزیزانی که همانند این دکتر سنگر را حفظ کردند اما اکنون در بین ما نیستند. نادری نبی ضمن گرامیداشت یاد و خاطره همه پزشکان، پرستاران و کادر درمان که جانشان را در راه خدمات رسانی به بیماران کرونا از دست دادند، اضافه کرد: سرمایه های زیادی را از دست دادیم و هم اکنون نیز در حال از دست دادن هستیم.



## تأسف فایده‌ای ندارد

وی خطاب به افرادی که پروتکل‌های بهداشتی را رعایت نمیکنند، بیان داشت: "عزیزی که به مسافرت و دورهمی‌ها می‌روی و برای تو اهمیتی ندارد، این‌طور نیست که تنها خودت درگیر بیماری شوی، بعد از اینکه درگیر شوی ممکن است عزیزانت را هم از دست بدهی، این اتفاقات ناگوار بسیار شایع است و هر روز شاهد این موارد هستیم که دیگر تأسف فایده‌ای ندارد." وی اظهار داشت: یادمان نرود که ما در جنگ نرم اقتصادی هستیم، در شرایط عادی هم اوضاع خوبی نداریم ضمن اینکه سونامی کرونا به این وضعیت اضافه شده لذا وظیفه همه ماست تا همپای دنیا برای کنترل و مقابله این بیماری همکاری کنیم.

این پزشک با تأکید بر این که هیچ راهی جز رعایت پروتکل‌ها نداریم، خاطر نشان کرد: باید در چنین شرایطی از ترددهای غیرضرور خودداری کنیم تمامی توصیه‌های بهداشتی دیگر شامل ماسک زدن و فاصله اجتماعی نیز رعایت شود بویژه این روزها که نزدیک نوروز هم هستیم. وی اضافه کرد: اگر چه میدانیم که بسیاری از افراد در مشاغل مختلف اگر سرکار نروند، دچار سختی میشوند اما به هر حال چاره‌ای جز مراعات توصیه‌ها نداریم ضمن اینکه باید به خاطر آوری که کشور ما بارها از شرایط سخت عبور کرده و این بار هم در سایه همدلی و همراهی، بحران کرونا را پشت سر میگذاریم. دکتر نادری نبی با تأکید بر اینکه مردم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی نقش مهمی در کنترل و مقابله با کرونا و کمک به کادر درمان دارند، اظهار داشت: باید با رعایت توصیه‌های بهداشتی به خودمان، هموعان و کادر درمان رحم کنیم. وی در خاتمه بیان داشت: "بدون تعارف بگویم به عنوان یک پزشک و با توجه به اینکه بیش از ۴۰ روز درگیر کرونا بوده‌ام و اکنون نیز دچار عوارض این بیماری هستم، نمی‌بخشم افرادی را که حق الناس را به جا نمی‌آورند و به توصیه‌های بهداشتی مقابله با این بیماری توجه ندارند."

## مردم یاری رسان کادر درمان باشند

فاطمه حق شناس پزشک متخصص طب اورژانس از بهبود یافتگان کرونا است، او همسر شهید راه خدمت دکتر وحید منصف است، منصف از پزشکان سرشناس استان گیلان بود که در اسفندماه سال گذشته به دلیل بیماری کرونا جانش را از دست داد. این پزشک در گفت و گو با خبرنگار ایرنا با اشاره به خستگی کادر درمان گفت: با توجه به اینکه کادر درمان بدون هیچ گونه مرخصی از اسفندماه پارسال برای مراقبت از بیماران کرونا پای کار هستند، ضمن اینکه تعدادی از کادر درمان نیز به این بیماری مبتلا شده‌اند، ضروریست تا مردم با رعایت پروتکل‌های پیشگیری از انتشار بیشتر این ویروس بویژه در ایام پیش رو یاریگر ما باشند. وی افزود: همه مردم برای جلوگیری از خستگی جسمی و روحی این عزیزان به طور قطع دستوراتی که ستاد مقابله با کرونا در کشور صادر میکند از جمله رعایت پروتکل‌های بهداشتی، فاصله گذاری اجتماعی و محدودیت تردد شهری و بین شهری و بین استانی را مراعات کنند. حق شناس درباره ابتلای خود به کرونا و فوت همسرش بر اثر این بیماری بیان داشت: در ابتدای شیوع کرونا که هنوز اطلاع رسانی مناسب نبود و از وسایل حفاظت فردی استفاده نمیشد، من و همسر به عنوان متخصصان طب اورژانس در کنار سایر همکاران پزشک و پرستار و سایر کادر درمان در خط اول درمان با بیماران انجام وظیفه میکردیم که در حین خدمات رسانی به بیماران به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شدیم. ابتدا همسر بعد از یک کشیک طولانی در بیمارستان با علائم دردهای شدید عضلانی و استخوانی همراه با تب خفیف گرفتار این ویروس شد و بعد از دو روز با سرفه‌های خشک و شدید مواجه شد که به تدریج سرفه‌هایش شدیدتر و مداوم تر شد. این پزشک با بیان اینکه همسرش به علت تشدید سرفه‌ها دچار دردهای شدید در عضلات تنفسی شد، افزود: به همین دلیل در بیمارستان بستری و تحت مراقبت قرار گرفت اما متأسفانه دکتر منصف به رغم بستری در بیمارستان و انجام اقدامات درمانی بعد از دو هفته مبارزه با ویروس کرونا فوت کرد که با مرگ او همه خانواده، دوستان، همکاران دچار شوک شدند. وی با بیان اینکه در آن ایام خود و دختر بزرگش نیز به کرونا مبتلا شدند، اضافه کرد: من و دخترم یک ماه در منزل قرنطینه شدیم و مراقبت‌های دارویی و درمانی را در منزل دریافت کردیم، زیرا در ابتدا به دلیل عدم آشنایی با مدت انتقال بیماری و روش‌های انتقال و حتی ایمنی بعد از ابتلاء اطلاعات کاملی در جامعه وجود نداشت، تصمیم گرفتیم که یک ماه در قرنطینه بمانیم. وی بیان داشت: استفاده از ماسک، دستکش، ضدعفونی مرتب دست‌ها با آب و صابون و تمیز کردن سطوحی که در تماس با افراد مختلف است، رعایت فاصله اجتماعی، عدم تجمع در مکان‌های سرپوشیده و فاقد تهویه از روش‌های مورد تأکید در پیشگیری از انتقال ویروس کرونا است. دکتر حق شناس تأکید کرد: افرادی که دستکش، ماسک، دستمال کاغذی و سایر لوازم بهداشتی استفاده میکنند حتماً، این وسایل را بعد از مصرف در سطل‌های زباله دردار و در بیمارستان‌ها در سطل‌های زرد که برای زباله‌های عفونی در نظر گرفته شده، بیاندازند.

\*\*\*

دید و بازدیدها، مسافرت‌ها و تردد در محیط‌های شلوغ و رعایت نکردن توصیه‌های بهداشتی در مورد استفاده از ماسک و شست و شوی مکرر دست‌ها عواقب جبران ناپذیری را به همراه خواهد داشت پس بیاییم با توجه و مراعات پروتکل‌های بهداشتی ضمن حفظ سلامتی خود و هموعان یاریگر کادر درمان باشیم، برای قدرانی از جامعه پزشکی و کادر درمان علاوه بر گفتار و کلام، هیچ امری ضروریتر از رعایت توصیه‌های بهداشتی بویژه در ایام نوروز امسال نیست. اگر چه پیش از شیوع ویروس کرونا، در کنار هم بودن رمز موفقیت در کارها به شمار میرفت، اما می‌دانیم که امروز گذر از این بحران نیازمند همراهی و همدلی همگانی در دوری و فاصله‌گیری از یکدیگر و رعایت توصیه‌های بهداشتی و در خانه ماندن است. امید است سال جدید را با رعایت این توصیه‌ها و پرهیز از سفرها و دورهمی‌ها، با کاهش شیوع این ویروس آغاز کنیم.

منبع: ایرنا

# آن اسفند کزایی و مرگبار



**گیلان فردا** - تب، گلودرد، سرفه و تنگی نفس، شرح حال پیرمرد شصت و سه ساله‌ای بود که سرفه و تنگی نفس آمانش را بریده بود و مجالی برای صحبت و شرح حال به او نمی‌داد. از درد و ضعف چنان مار غاشیه در صندلی کنار من بی‌تابی می‌کرد.

و ریه‌هایش، آنقدر درگیر، که ویروس دیگر جایی برای نفسی که فرو رود که بمد حیات باشد و چو برآید مفرح ذات، باقی نگذاشته بود.

پذیرش محترم بیمارستان، لطفاً پرونده بستری بیمار با تشخیص کرونا تشکیل گردد. نخستین باری بود که من با این دستور مریض را به پذیرش ارجاع می‌دادم. پرونده بستری و کرونا ...

نفس و قلب پیرمرد به تقلا و شماره افتاده بود و ناگهان کد ۹۹ و شروع عملیات احیا و بعد از چهل و پنج دقیقه احیا، من با چهره‌های اندوهناک و صدایی حزن انگیز، زمان مرگ ۴:۱۰ بامداد و این شروع ماجرا بود! کد ۹۹، مرگ و اکنون دیگر ترس، رعب، وحشت و تکرار این اتفاق و تکرار و تکرار ...

گویی در صور دمیده بودند و قیامتی برپا گشته بود. پیر و جوان ، مرد و زن، با یا بدون بیماری زمینهای، دختری که در انتظار مادر و پدری چشم انتظار پسر دور از وطن، نو عروس و داماد، پزشک و پرستار، همه‌گی در چنگال مرگ.

شهر دیگر شباهتی به گذشته نداشت و بیشتر به مزرعهای ملخ زده می‌مانست. و من گاهی با ترس به کنج دیوارهای بیمارستان نگاه می‌انداختم که شاید هیولایی گرسنه کمین کرده و بیماران مرا می‌بلعد و سیرایی هم ندارد.

و در کنار این تلخ کامی‌ها روایت‌هایی به گوش می‌رسید که مثل خوره روح مرا در انزوا می‌تراشید. پسر ماسک نمی‌زند و بیمار می‌شود و همچنان ماسک نمی‌زند و انکار می‌کند، به مادرش انتقال می‌دهد، به خواهرش، به دوست‌هایش. خواهرش بیماری زمینهای دارد اما رو به بهبودیست؛ بی اجازه پزشک خواهر را از بیمارستان می‌برند چند روز بعد بدحال برش می‌گردانند و خواهر فوت می‌کند.

برخی از مردم ماسک نمی‌زنند، انکار می‌کنند و گاهی ماسک زدن دیگران را به سخره می‌گیرند و من این پرسش را در ذهن نجوا میکنم که ما کی یاد گرفتیم اینقدر سنگدل و جنایتکار باشیم. و اما می‌گذرد، آن مع العسر يسراء بدنبال هر سختی، آسایشی خواهد بود و همه این ماجرا چون جرقه‌ای از ذهن من می‌گذرند در حالی که پرستار مرکز بهداشت دوز اول واکسن کرونا را به بازو من تزریق می‌کند.

غبار غم برود، حال خوش شود.

دکتر علیرضا رضانی

پزشک اورژانس

اسفند ۹۹

## مردم دوباره به سفر می‌روند و گردشگری متوقف نخواهد شد

گیلان، گنجینه طبیعت و تمدن



گیلان فردا، سارا فرزانه - دوست داریم نوروز امسال به سفر برویم ولی کرونا نمی‌گذارد، کرونا با کسی شوخی ندارد، پس باز هم صبر می‌کنیم، باید اول مهارش کنیم و بعد بار سفر ببندیم...

مدیرکل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گیلان می‌گوید «مردم دوباره به سفر می‌روند و گردشگری متوقف نخواهد شد. ولی ماهیت سفرها متفاوت از گذشته خواهد شد، سفرهای انفرادی رونق می‌گیرد و بازارچه‌های کوچک موضوعی جدید در گردشگری رشد خواهند کرد». وی که از اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ مسئولیت اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان را بعهده گرفته، حتی با توجه به شیوع ویروس کرونا و آسیب پذیری حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، منتظر و معطل نماند، بلکه با کمک همکاران توانست گام‌هایی را بردارد که نمود بیرونی هم داشته است. آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل گفت و گوی نشریه گیلان فردا با آقای مهندس مسعود حلاج پور، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان است.



● آقای حلاج پور ضمن خسته نباشید به شما و همکارانتان می‌خواهم مروری داشته باشیم بر عملکرد این اداره کل طی سال ۹۹. سالی که بواسطه شیوع کرونا نظم همه چیز بهم خورد و کسب و کارها دچار تغییرات زیاد شدند. بفرمایید در راستای کاهش مشکلات کرونا برای فعالین حوزه گردشگری چه کردید؟

با پیگیری جدی مصوبات ستاد کرونای ملی و استانی مربوط به امهال هزینه‌های برق، گاز، آب شهری و روستایی، آب بهای چاه زیر زمینی، بیمه، تسهیلات بانکی، پرداخت تسهیلات بانکی با سود ۱۲ درصد، سررسید عملکرد مالیات مربوط به سال ۹۹ و سایر برنامه‌های حمایتی و پشتیبانیی مصوب، از تاسیسات صنعت گردشگری استان سعی کردیم در حد توان این مشکلات را برای فعالین این حوزه کاهش دهیم.

و بصورت ماهانه از کلیه تاسیسات گردشگری استان به منظور نظارت و کنترل در زمینه رعایت پروتکل‌های بهداشتی، رعایت بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، کمیت و کیفیت ارائه خدمات، قوانین و مقررات امنیتی، انتظامی و کنترل نرخ نامه، پروانه‌های بهره‌برداری و کارت مدیریت و نظارت بر تعطیل بودن واحد گردشگری و برخورد با معضل واحدهای گردشگری غیر مجاز به ویژه خانه مسافره‌های غیر مجاز در اجرای بخشنامه ستاد کرونای استان نظارت داشتیم.

● کرونا بر وضعیت کسب و کارهای مرتبط با حوزه گردشگری در سال ۹۹ چه تاثیری داشته است؟

واقعیت این است که حوزه گردشگری به هنگام شیوع کرونا آسیب فراوان دید. به عنوان مثال عدم برگزاری تورهای گروهی و تفریحی خارجی باعث شد تا بیش از ۴۰۰ نفر از راهنمایان گردشگری گیلان بیکار شوند. واحدهای اقامتی به دلیل عدم پذیرش مسافر، نیمه تعطیل شدند. عدم همکاری بانک‌ها در خصوص امهال تسهیلات کرونایی، عدم همکاری ادارات گاز، مالیات، آب، تامین اجتماعی در خصوص امهال، مشکلات مضاعف دیگری را برای فعالان این حوزه بوجود آورد. در سال جاری بواسطه کرونا دوره‌های آموزشی به صورت حضوری برگزار نشد و برگزار نشدن جشنواره‌ها، سمینارها و مراسم آیینی بومی و رویدادهای گردشگری، ممانعت از بازگشایی تالارهای پذیرایی و قهوه‌خانه‌ها باعث شد تا تعدیل نیروهای تاسیسات اقامتی و از دست دادن نیروهای کار ماهر را شاهد باشیم.

● تعداد واحدهای پذیرایی در گیلان در سال ۱۳۹۹ چه تغییراتی داشته است؟

در مجموع تعداد ۳۵۷ واحد پذیرایی و بین راهی در استان وجود داشته که تعداد ۲۳ پروانه بهره‌برداری جدید بین راهی در سال ۱۳۹۹ صادر شده است، اما تعداد ۶۵ پروانه بهره‌برداری لغو شده است.

● این اداره کل در حوزه گردشگری برای سال ۱۴۰۰ چه برنامه‌هایی دارد؟

اعلام ریزبرنامه‌های پیش‌بینی شده برای سال آتی شاید در حوصله خوانندگان مجله نباشد، اما چون در شرایط خاصی هستیم طبیعتاً بخشی از برنامه ریزی ما برای سال آینده، آمادگی بیشتر برای مواجهه با بیماری کرونا و کاهش پیامدهای آن است. به عنوان مثال برنامه ریزی جهت حمایت همه‌جانبه از کسب و کارهای آسیب‌دیده در بخش گردشگری، پیگیری مجدد در اعطای تسهیلات کم بهره به مشاغل آسیب‌دیده در سال ۱۴۰۰، تا در صورت ادامه دار بودن شیوع ویروس کرونا در سال جدید برنامه‌های حمایتی و پشتیبانی همانند سال جاری با هدف جلوگیری از ورشکستگی و بیکاری شاغلین واحدهای گردشگری اجرا شود. البته برنامه مهم ما در سال آینده تلاش برای تحقق شعار سفر ایمن، هوشمند و برنامه ریزی شده خواهد بود. همچنین اقدام برای توسعه فرهنگ گردشگری و فعال کردن ظرفیت‌های مغفول و کمتر شناخته شده گردشگری، توسعه گردشگری روستایی عشایری با رویکرد توسعه پایدار روستایی و تلاش بمنظور جلوگیری از مهاجرت روستائیان



به شهرها، توسعه گردشگری سلامت با عنایت به مزیت رقابتی گردشگری گیلان از نوع سلامت، درمان و پزشکی با توجه به ظرفیت فراوان اعم از بیمارستان های فوق تخصصی و تخصصی، پزشکان فوق تخصص و شاخص، امکانات و تجهیزات مدرن با توجه به هزینه پایین درمان در مقایسه با سایر کشورها خصوصاً کشورهای حاشیه دریای خزر و... بحث آموزش در حوزه های مرتبط با اداره کل نیز از برنامه های ما در سال ۱۴۰۰ خواهد بود. همچنین احیاء رشته های فراموش شده هنری استان و استفاده از ظرفیت منطقه اروسیا جهت صادرات صنایع دستی استان را در دستور کار داریم.

● **با توجه به گسترش تکنولوژی، در حوزه نرم افزاری چه اقداماتی داشته اید؟**

از جمله اقدامات نرم افزاری که در این حوزه به صورت ملی و استانی انجام شده، عبارتند از:

- نصب و راه اندازی سامانه سادرا جهت صدور، تمدید پروانه های بهره برداری بند ب
- نصب و راه اندازی سامانه جانا (سامانه جامع اطلاعات گردشگری و ضرر و زیان ناشی از ویروس کرونا و متصل به وزارت بهداشت می باشد)
- نصب و راه اندازی سامانه تمدید و صدور پروانه های بهره برداری تاسیسات گردشگری [my.mcth.ir](http://my.mcth.ir)
- نصب و راه اندازی سامانه سدف توزیع فرآورده های نفتی و کپسول و سیلندر های گاز مشترک با شرکت فرآورده های نفتی جهت تامین سوخت تاسیسات گردشگری
- نصب و راه اندازی سامانه صدور و تمدید مجوزهای خانه مسافر [khaneh-mosafar.ir](http://khaneh-mosafar.ir)

● **در حوزه بوم گردی چه مجوزهایی صادر شده؟ آیا بوم گردی در محور کشاورزی هم داشته ایم؟**

تعداد ۵۷ پروانه بهره برداری اقامتگاه بومگردی در سال ۱۳۹۹ صادر شده است که فعال هستند و تعداد ۲۴ موافقت اصولی اولیه و ۸ مجوز ایجاد در این حوزه نیز صادر شده است. همچنین تعداد چهار پرونده گردشگری کشاورزی در معاونت گردشگری تشکیل و در حال بررسی و انجام استعلام جهت صدور پروانه بهره برداری است.

● **در مورد افتتاح موزه ها در سال ۹۹ و فعالیت معاونت میراث فرهنگی و صنایع دستی لطفاً توضیحاتی بفرمایید.**

ما اعتقاد داریم گیلان گنجینه یی با ارزشی از طبیعت و تمدن است. به همین خاطر و در راستای حفظ و اشاعه صنایع دستی و حفظ آثار باستانی و توسعه گردشگری استان گیلان تلاش کردیم تا ظرفیت های نهفته و از یاد رفته را احیا کنیم و موزه ها یکی از بهترین اماکنی هستند که می توانند معرف بخشی از هویت مردم هر سرزمینی باشند. در این خصوص برای تهیه طرح موزه ملی حصیربافی فشتکه، موزه رشتی دوزی رشت، موزه عشایر و شالبافی رضوانشهر اقدام کردیم و تاییدیه احداث سه موزه فوق را از وزارتخانه متبوع گرفتیم. همچنین سه اثر فاخر رشتی دوزی را به معاونت صنایع دستی کشور معرفی کردیم و هر سه اثر رشتی دوزی توسط داوران وزارت خانه، مقام برتر را کسب کردند.

۱۰ دوره ی آموزش شاغلین صنایع دستی را نیز با حضور مجازی ۱۸۲ شرکت کننده ی هنرمند برگزار کردیم

● **بعضی از هنرهای اصیل گیلانی نیز در سال ۹۹ ثبت ملی شدند.**

بله، درحوزه صنایع دستی توانستیم یکی از درخشانترین سال ها را سپری کنیم. ثبت ملی روستای قاسم آباد چابکسر در حوزه چادر شب بافی که سنت دیرینه ای در استان بخصوص شرق گیلان بوده یکی از اقدامات ما در این حوزه بود و تلاش می کنیم تا برند چادر شب را در سطح کشور مجدداً معرفی و احیا بکنیم. خصوصاً برای بروز رسانی و برگزاری کلاس های آموزشی در مورد چادر شب بافی، طراحی و رنگ شناسی اقدام کردیم.

علاوه بر تشکیل دبیرخانه روستای جهانی قاسم آباد، پنج شهر و روستای گیلان را به ثبت ملی رساندیم. شهر رشت مرکز مهم تولید هنر اصیل و برجسته رشتی دوزی، هنرقلاب دوزی ابریشم بر روی پارچه، به عنوان شهر ملی رشتی دوزی، روستای عنبران محله از توابع شهرستان آستارا مرکز گلیم بافی گیلان، با عنوان روستای ملی گلیم بافی، روستای ارده از توابع شهرستان رضوانشهر، که مرکز مهم تولید پارچه پشمی شال در گیلان است نیز به عنوان روستای ملی شالبافی، روستای جیرده از توابع شهرستان شفت، مرکز تولید انواع سفال های سنتی لعاب دار در گیلان به عنوان روستای ملی سفال سنتی و روستای شالما از توابع شهرستان ماسال، مرکز مهم تولید محصولات چوبی اصیل به روش سنتی، به عنوان روستای ملی چوبتراشی به ثبت ملی رسیدند. در واقع استان گیلان توانست با بیشترین ثبت ملی در کشور افتخار کسب کند.

● **هنرمندان صنایع دستی مشکلات زیادی دارند. برای ایجاد انگیزه بیشتر در هنرمندان صنایع دستی چه برنامه های دیگری دارید؟**

با توجه به سیاست های وزارتخانه برای حمایت از صنایع دستی و هنرمندان، ایجاد بازارچه های صنایع دستی در سال آینده از برنامه های اصلی اداره کل در این حوزه است. چون هنرمندان استان برای ارایه آثار هنری خود در سطح استان، مراکز گردشگری و در سطح کشور نیاز به مکان هایی دارند تا بتوانند آثار هنری شان را عرضه کنند. در این زمینه جلسات خوبی با نهادهای مختلف داشتیم، به عنوان مثال برای ایجاد بازارچه های فصلی و دائمی صنایع دستی با شهرداری مذاکراتی داشتیم تا این بستر را برای هنرمندان ایجاد کرده و آنها بتوانند درآمد زایی کنند.

یکی از سیاست های اصلی اداره کل با توجه به محدودیت هایی که در همه بخش ها هست، تعامل با ادارات دیگر در راستای بهره مندی از ظرفیت های ماده ۹۸ قانون ششم توسعه است. ماده قانونی فوق حاکی از استفاده از تمامی ظرفیت های موجود استان در راستای پیشبرد اهداف میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است. به عنوان مثال تعاملی با اداره کل آموزش و پرورش استان برای دراختیار قرار دادن بعضی از مدارس در سطح استان که خالی و بلا استفاده مانده اند، داشتیم تا با انعقاد قراردادهایی هنرمندان گیلانی بتوانند در این مکان ها کارگاه هایی را ایجاد کنند و یا اگر ظرفیت ایجاد بازارچه داشته باشد برای عرضه کارهای هنری فعالین این حوزه بصورت بازارچه موقت صنایع دستی مورد استفاده قرار گیرند. و این عزیزان بتوانند با پرداخت هزینه بسیار ناچیز از این ظرفیت ها استفاده کنند، تا هنر صنایع دستی را در صورت نیاز از خانه خارج کرده و فضاهای کاری را در اختیارشان قرار دهیم. در همین راستا در نمایشگاه آثار مسابقه ملی طراحی و اجرای



صنایع دستی با محوریت رشته های احیا شده و در حال فراموشی در موزه ملی تهران شرکت کردیم، دیدار و تقدیر از پیشکسوتان رشته های چادرشب بافی و نمدمالی در هفته صنایع دستی، برگزاری مسابقات مختلف مرتبط با این حوزه، برگزاری نمایشگاه ترویجی در رشته های رشتی دوزی، سفال و البسه ی محلی در نگارخانه مارلیک مجتمع خاتم الانبیا و نظایر آن از دیگر فعالیت های این بخش بوده است. همچنین برای حمایت از حقوق مالکیت معنوی هنرمندان، ثبت آثار فاخر صنایع دستی، اعطاء نشان مهراسالت ملی برای واجدین شرایط و ثبت اثر نشان جغرافیایی اقدامات دیگر این اداره کل بوده است. از سوی دیگر چون فعالین صنایع دستی بیشتر به صورت خانگی کار می کنند، ما تعداد افراد فعال را در نظر می گیریم که بالغ بر ۱۱۱۰ نفر در کل استان بوده و از اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کارت تولید انفرادی یا کارگاهی دریافت کرده اند.

● **بجز چند موزه ای که افتتاح شد گویا افتتاح موزه های دیگری را هم در برنامه دارید؟**

بله، شعار ما این است که موزه ها دروازه تمدنی بین نسلی هستند و تنها راه انتقال فرهنگ، آداب و رسوم گذشته حفظ و ایجاد موزه های تخصصی است، البته نه متمرکز بلکه در سطح استان. چون حفظ آثار و ابنیه تاریخی جزو وظایف اصلی این اداره کل است. البته با توجه به محدودیت های مالی در اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان و لزوم استفاده بهینه از ماده ۹۸ قانون ششم توسعه که تاکید دارد تمام ظرفیت های استانی و نهادهای ذیصلاح در خدمت حفظ پیشینه و تمدن استانی باشد این اداره کل ضمن تعامل با سایر ادارات دولتی توانسته به موفقیت های بزرگی برسد. برای مثال در راستای تحقق ماده ۹۸ با سپاه قدس گیلان انعقاد تفاهم نامه داشتیم تا بتوانیم تور راهیان نور نهضت جنگل را داشته باشیم. علاوه بر آن استفاده از ظرفیت کاخ سردار امجد که در اختیار این ارگان بوده برای راه اندازی موزه تخصصی مردم شناسی و موزه تاریخ انقلاب اسلامی مورد تایید قرار گرفته است تا علاوه بر آشنایی نسل جوان با پیشینه تاریخی نهضت جنگل از این آثار، اماکن و مناطق بازدید شود. انشالله مبدا این تور هم از خانه موزه میرزا کوچک خان که به تازگی مرمت آن تمام شده خواهد بود و مقصد تور کاخ سردار امجد که موزه تخصصی انقلاب اسلامی قرار است آنجا ایجاد بشود.

● **در مورد ساختمان قدیم شهرداری که قرار بود موزه شود و موزه های جدید دیگر چه اقدامی شده است؟**

برای بهسازی و مرمت ساختمان قدیمی شهرداری رشت و تبدیل آن به موزه مردم شناسی با شهرداری رشت تفاهم نامه ای منعقد کردیم. چون ساختمان تاریخی شهرداری رشت به نوعی هویت اصلی شهر رشت محسوب می شود و با توجه به عدم کاربری که برای آن ایجاد شده و آسیب هایی که طی سالیان اخیر به این بنا وارد شده تلاش کردیم با رایزنی های لازم ظرفیت مادی و مالی خوبی را از طرف سازمان برنامه و بودجه کشور برای مرمت این ساختمان و ایجاد موزه مردم شناسی شهر رشت جذب کنیم. همچنین تفاهم نامه ای با شهرداری پره سر برای ایجاد «موزه صید و صیادی» در این شهر داشتیم. همچنین سال جاری با همکاری اداره کل آموزش و پرورش استان افتتاح «موزه سنجش» در مدرسه قدیمی و خاطره انگیز شهید بهشتی را داشتیم که یکی از پیشروترین موزه ها در این بخش در سطح کشوری بوده است. «موزه تخصصی زیتون و مردم شناسی» در رودبار را هم راه اندازی و افتتاح کردیم. موزه بعدی که یکی از کارهای ماندگار این اداره کل خواهد بود با انعقاد تفاهم نامه بین اداره کل میراث و فرمانداری رضوانشهر صورت گرفته و آن افتتاح «موزه عشایر رضوانشهر» در روزهای آتی است. آشنایی که در این موزه برای مردم علاقمند به نمایش گذاشته می شود از سطح استان و کشور جمع آوری شده و بخشی نیز توسط مردم عزیز، به این موزه اهدا شده است. در سال جاری همچنین افتتاح اولین «موزه مدرسه» جهان را در رشت داشتیم که توسط پست استان گیلان انجام شد.

● **در مورد بنای دانشسرا، هتل فردوسی و ساختمان های مشابه که بسیاری از فرهنگ دوستان علاقمند به حفظ آن ها هستند، چه نظری دارید؟**

حفظ ابنیه تاریخی از وظایف ما است، مثل حفظ بناهایی از جمله دانشسرا و هتل فردوسی چون به عنوان میراث ماندگار شهر ما هستند. البته این نوع اقدامات فقط مختص به رشت نبوده بلکه تلاش می کنیم در کل استان این اقدامات را داشته باشیم. منتهی با توجه به محدودیت های مالی گاه روند کار کند پیش می رود. در خصوص مرمت بناها نیز در رشت بهسازی خانه میرزا کوچک را براساس تفاهم نامه انجام دادیم. بهسازی مساجد و ابنیه تاریخی و مذهبی نیز از دیگر فعالیت های این اداره کل در سال جاری بوده است. بهسازی بقعه پیرعلی لاهیجان را با همکاری شهرداری این شهر انجام دادیم. در مورد مرمت ساختمان تاریخی مسجد صفی در بازار رشت و مرمت مسجد آقا سید ابراهیم که معروف به مسجد اردبیلیان است براساس تفاهم نامه و مذاکراتی که با بنیاد مسکن استان داشتیم منابع مالی این دو مرمت را جذب کردیم و با نظارت این اداره کل کار در حال انجام است و انشالله بزودی تمام می شود. البته با توجه به محدودیت های مالی، برنامه ریزی ها و مذاکراتی انجام شد تا ضمن بهره مندی از ظرفیت های ماده ۹۸ قانون توسعه ششم، بتوان از ظرفیت خیرین نیز در بازسازی این ابنیه ها استفاده کرد.

● **به عنوان سوال پایانی با توجه به شیوع کرونا و کاهش چشمگیر سفرها به نظر می رسد میراث فرهنگی و گردشگری با ضررهای زیادی مواجه بوده، آینده این حوزه را چطور می بینید؟**

مردم دوباره به سفر می روند و گردشگری متوقف نخواهد شد. ولی ماهیت سفرها متفاوت از گذشته خواهد شد، سفرهای انفرادی رونق می گیرد و این میان متأسفانه بعضی از شرکت های گردشگری برای همیشه ورشکست خواهند شد و در نتیجه نیچ مارکت های جدید (بازارهای کوچک موضوعی جدید) در گردشگری شکل گرفته و رشد خواهند کرد. در صورتی که فعالان صنعت گردشگری بخواهند در این بازار و در چنین شرایطی موفق باشند، باید به سمت گردشگری جایگزین حرکت کرده و از گردشگری انبوه خودداری کنند، چون به نظر می رسد که این نوع گردشگری بازار خود را از دست خواهد داد. در حقیقت، آینده گردشگری با محدودیت هایی مواجه است که این محدودیت ها اهمیت رعایت کدهای اخلاقی گردشگری را دوچندان می کند، بنابراین نیاز است که کدهای اخلاقی جدیدی تدوین شود. کدهایی که بیانگر رعایت توصیه های بهداشتی است. از سمت گردشگر در ارتباط با کووید ۱۹ در قبل از سفر و حین سفر است و همچنین رعایت اصول ایمنی در مقاصد گردشگری، نظیر چگونگی رعایت فاصله ها در جاذبه های گردشگری را رعایت اصول بهداشتی در اقامتگاه های گردشگری از سوی فعالان گردشگری و همچنین در زمان سفر چگونگی رسیدن به مقصد است. یعنی حمل و نقل سفر هم باید مورد اهمیت واقع شود. در این شرایط با آموزش این دستورات عملی ها به گردشگران و تلاش برای رعایت آن ها قدمی بزرگ در احیا صنعت گردشگری برداشته می شود. همچنین با گسترش استفاده از واکنس کووید-۱۹ در سراسر جهانف افزایش اعتماد به نفس گردشگران و کمک به کشورها برای کاهش یا رفع محدودیت های سفر انجام خواهد شد، بنابراین گردشگری بین المللی در سه تا چهار سال به تدریج عادی شده و بهبود پیدا خواهد کرد. و من امیدوارم سال پیش رو با تمام محدودیت ها به لحاظ رعایت پروتکل های بهداشتی، سالی سرشار از سلامتی و نیکی ختی برای تمامی مردم عزیز باشد.





## وعده افتتاح کتابخانه مرکزی رشت در بهار ۱۴۰۰

گیلان فردا، ساناز فرزانه - با یک سوال کلیشه ای شروع می کنیم، آخرین کتابی که خوانده اید، کی بوده است؟ کمی فکر کنید، شاید بسیاری از ما کتابی در دست مطالعه داشته باشیم و شاید کتاب های نخوانده مان را در یک ردیف جداگانه در کتابخانه کوچک منزل چیده باشیم تا بخت با آن ها یار شود و به سراغشان برویم، همین کاری که خود من می کنم. اگر ریا نشود باید بگویم اکنون کتابی در دست مطالعه دارم اما با شرمندگی باید عرض کنم تعداد کتاب های در صف انتظار مطالعه ام هر روز دارند زیادتر می شوند! ولی آیا یادتان می آید آخرین باری که به کتابخانه رفته اید، کی بوده است؟ البته خواسته یا ناخواسته وسایل جدید ارتباطی که هر لحظه همه چیز را در اختیارمان می گذارند جای خیلی چیزها را گرفته اند. ولی این وسایل هیچگاه قادر نخواهند بود حظ بصری و روانی ناشی از تورق کتاب کاغذی و به تصویر کشیدن ذهنی مفاهیم و واژه ها و حس آرامش حضور در کتابخانه را به انسان منتقل کنند. شاید اینطور به نظر آید که کتابخانه جای دانش آموز و دانشجو و پژوهشگر است، اما می توان از این ظرفیت مهم و فرهنگی در همه سنین و با هر موقعیتی بهره برد. اصلاً کتابخانه جایی برای آرامش و تفکر است، چیزی که امروزه روز بیش از هر زمان دیگر به آن احتیاج داریم. اما اینکه سرانه فضای کتابخانه ای شهر رشت، شهری با این همه سببه فرهنگی در پایین ترین حد باشد کمی تأمل برانگیز است! البته مسئولان برای بهبود بخشیدن به سرانه فضای کتابخانه ای رشت بی خیال نبودند بلکه استارت کار را زدند تا ما هم کتابخانه ای زیننده برای شهر داشته باشیم و کتابخوان تر شویم. مشکل اینجاست که این استارت پس از شانزده سال هنوز به خط پایان نرسیده است! گاه خارج شدن از اولویت کاری و زمانی کمبود یا نبود اعتبار لازم باعث شد که ساخت و اتمام این پروژه فرهنگی به تأخیر بیفتد ولی این بار وعده ها جدی تر است و انشاءالله در بهار ۱۴۰۰ شاهد افتتاح کتابخانه مرکزی رشت خواهیم بود، البته اگر کرونا بگذارد...

برای اینکه از وضعیت و مشخصات کتابخانه مرکزی رشت اطلاعات بیشتری داشته باشیم به سراغ استاد طراح و معمارش رفتیم. مهندس میربازل استاد طراح و معماری که تاکنون طراحی و معماری پروژه های بزرگی از جمله تالار مرکزی شهر، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان، طراحی سردرب ورودی دانشگاه گیلان و طراحی مناره ی جایگزین مناره قدیم محله ساغریسازان رشت را بعهدده داشته است در خصوص این کتابخانه به خبرنگار گیلان فردا توضیحاتی داد که در ادامه می خوانید:

سخنرانی های تخصصی برای پژوهشگران و دانشجویان در سالن های متعدد بچشم می خورد. طراح کتابخانه مرکزی رشت در مورد مشخصات کتابخانه می گوید: این مجموعه به صورت اختصاصی سالن قرائت برای خواهران و برادران به ظرفیت چهارصد نفر دارد. واحدهای اختصاصی مطالعه انفرادی پژوهشگران و کارشناسان به تفکیک آقایان و خانم ها برای بیست پژوهشگر در دو سالن مجزا در نظر گرفته شده است. مخازن کتاب در حال حاضر قابلیت دویست هزار جلد کتاب را در سالن های مختلف دارد. بخش رایانه و سالن اینترنت به تفکیک خواهران و برادران هر کدام به ظرفیت صد نفر در مجموعه دیده شده است. همچنین فضای سالن اجتماعات به ظرفیت حدود ۲۲۰ تا ۲۵۰ نفر و سالن سخنرانی و همایش و شب شعر به ظرفیت هشتاد نفر است. فضاهای نمایشگاهی و فضاهای تخصصی برای برگزاری گالری های نمایشگاهی و همچنین فضای اختصاصی برای نگهداری نسخ خطی و کتبی که دارای بار تاریخی و معنایی هستند به ظرفیت ۵۰۰ جلد در این مجموعه دیده شده است. فضاهای سمعی بصری و نمایش و سالن های مطالعه برای مجلات و نشریات دوره ای با ظرفیت ۱۰ هزار جلد مجله و موزه اختصاصی برای مجموعه برای کتب خطی و برگزاری نمایشگاهی کتاب های منحصرفرد در مجموعه طراحی شده است. سالن های تحقیقات و کامپیوتر و کارگاه های آموزشی برای علاقمندان به صورت کلاس و آموزش در بخش های مختلف پیش بینی شده و کل مجموعه در هفت طبقه است که در این هفت طبقه حدود هفت هزار و ۲۰۰ متر مربع زیربنای مجموعه است.

میربازل می گوید: کتابخانه مرکزی شهر رشت در کنار پارک شهر یا باغ محتشم سابق می تواند جلوه ویژه ای داشته و ارتباط خوبی با مخاطبین و شهروندان برقرار کند. ساخت کتابخانه در مرکز شهر و نزدیک بودن به مراکز دانشگاهی از جمله دانشکده علوم پایه، پردیس دوره های تکمیلی دانشگاه گیلان و نزدیکی با مراکز جمعیتی مثل مراکز بیمارستانی و پارک شهر یک موقعیت استثنایی و منحصر به فرد به کتابخانه میدهد. در واقع موقعیت پروژه کتابخانه مرکزی طوری است که بتواند پاسخگوی همه سنین نوجوان، جوان و دانشجویان باشد. در واقع کتابخانه مکانی برای برقراری تعاملات و همکاری های علمی، پژوهشی و فرهنگی برای همه اقشار اجتماعی، آقایان، بانوان و همه کتاب دوستان است. اما مرکز جامعی که بتواند پاسخگوی نیازهای علمی، پژوهشی و فرهنگی برای مخاطبان باشد در رشت نداشتیم و این یک موقعیت خیلی خوب است که کتابخانه در مرکز شهر و کنار مراکز دیگر علمی، بیمارستانی و پرتردد قرار دارد به گونه ای که فاصله اش با میدان شهرداری حدود هفتصد متر است.

وی ادامه می دهد: طراحی این کتابخانه نیز با بهره گرفتن از موقعیت طبیعی و چشم اندازهای پارک شهر و استفاده هر چه بیشتر از نور طبیعی در داخل قرائتخانه ها و فضای اصلی انجام شده است. همچنین از جهت فرمی، نمایش فرم های انتزاعی در فرم عملکردی مجموعه مد نظر بوده است. در طراحی این کتابخانه راحتی عملکردی و در دسترس بودن برای تمام مجموعه دیده شده است. به عنوان مثال فضای قرائتخانه برای نابینایان، فضای مطالعه و کتابخوانی برای خردسالان در طبقه هم کف، مکانی برای فعالیت های اجتماعی و فرهنگی از جمله برگزاری



می پرسیم آیا به نظر تان اگر این پروژه در ابعاد کوچکتری طراحی می شد، زودتر به اتمام نمی رسید؟

پاسخ می دهد: وقتی سال ۸۱ مطالعات پروژه و طراحی شروع شده بود کارفرما که اداره کل ارشاد اسلامی بود برای کتابخانه های مراکز استان ها دستورالعملی داشت و آن اینکه فضاها را بالای ۱۰ هزار متر مربع در نظر گرفته بودند. یعنی برای استان های دیگر کتابخانه های خیلی بزرگتر از اینجا ساخته شد. ولی ما به جهت محدودیت زمین در رشت، هفت هزار متر مربع زمین را به این کار اختصاص دادیم. مجموعه کتابخانه مرکزی در تهران نزدیک به ۴۲ هزار متر مربع زیر بنا دارد. میربازل در پاسخ به اینکه مقدار زیربنا یقیناً با توجه به میزان جمعیت برآورد شده است می گوید: بله، با توجه به جمعیت مرکز استان، اما نکته دیگر این است که مراکز اینچنینی باید با کل کتابخانه های سطح استان ارتباط داشته و کتابخانه های کوچک را هم پوشش دهند. فضاهای هم که دارند متنوع و گنجایش مخازن آن برای جذب کتاب ها بیشتر است. این استاد معمار در خصوص طولانی شدن پروژه و احتمال تغییر نیازهای مخاطبان به گیلان فردا می گوید: با توجه به طولانی شدن پروژه که در سال ۸۱ مراحل طراحی آن انجام و در سال ۸۳ عملاً ساخت آن شروع شد، در یک وقفه ۱۵-۱۶ ساله، در بخش تکنولوژی ما تحولات عمده ای داشتیم. بخصوص ارتباط راحت تر شد به گونه ای که با سیستم الکترونیک می توانید با نهاد ها و کتابخانه های دیگر ارتباط پیدا کنید به همین خاطر دو بار یک بار در سال ۹۱-۹۲ تغییراتی را در طراحی دادیم و بار دیگر در سال ۹۸ کلیه فضاهای کتابخانه براساس دستورالعملی که نهاد کتابخانه عمل می کند مورد بازبینی قرار گرفت و بخشی به صورت فضای باز و آزاد دیده شد. و این نگاه که کتابخانه تخصصی از کتابخانه عمومی تفکیک شده و یک کتابخانه تخصصی برای افراد هیجده سال به بالا که حداقل دیپلم داشته باشند بسازیم، تقریباً عوض شد و نگاه کارفرما این بود که با توجه به ارتباط دیجیتال که امروزه مراکز دانشگاهی با بقیه مراکز کتابخانه ای با سراسر دنیا دارند و استفاده از فیبر نوری و ارتباط الکترونیکی و دیجیتالی با مراکز دیگر بهتر است فضاهای عمومی و تخصصی با همدیگر ادغام شود. در این پروژه نیز فضایی مثل طراحی محدوده مطالعه، بازی و استفاده کردن از ابزار و وسایل در امر بازی کودک و خردسال پیش بینی نشده بود که در تغییرات جدید چنین تغییراتی اعمال شده است. و الان این کتابخانه یک مجموعه فرهنگی است، اما بعد کتابخانه ای آن قویتر است و فعالیت های جنبی نیز در راستای تشویق و ایجاد انگیزه برای کتابخوانی مد نظر قرار گرفته است.

خبرهای ماه پیش رسانه های استان حاکی از این بود که بزودی این پروژه تکمیل خواهد شد. به عبارت دیگر ماه پیش که دکتر نوبخت به رشت تشریف آورده و از پروژه بازدید کردند، قول دادند که اعتبارات لازم تامین شود و کارفرما و پیمانکار نیز قول داد که پروژه در بهار ۱۴۰۰ به بهره برداری برسد. آیا این قول ها در حال انجام است؟

میربازل می گوید: به نظر می رسد که بخشی از قول ها محقق شده چون پیمانکار می گفت بخشی از مطالبات و اعتبار داده شده واز فردا برای ادامه و تکمیل پروژه کارها انجام می شود. (لازم به ذکر است این گفت و گو روز .....انجام شده است.)

تا امروز چندین بار قول داده شد که پروژه به بهره برداری برسد ولی هنوز این اتفاق نیفتاد. اما امیدواریم این وعده به موقع محقق شود. این استاد هنرمند می افزاید: اگر مطالبات پیمانکار و بقیه پولی که پروژه نیاز دارد از سوی دولت تامین شود، انجام و اتمام پروژه تا بهار ۱۴۰۰ واقعا شدنی است اما به شرط اینکه تخصیص اعتبار جدی باشد. البته طی یکی دو هفته اخیر فقط شش میلیارد تومان اعتبار پرداخت شد و با این رقم فقط می توان طلب پیمانکار را پرداخت کرد. وی ادامه می دهد: برای این پروژه براساس برآورد مشاور که بتوانیم کارهای ابنیه، معماری و کارهای باقیمانده پروژه از جمله سیستم های روشنایی، موتور خانه و تاسیسات، محوطه سازی و نظایر آن را انجام دهیم جمعاً ۳۵ میلیارد تومان نیاز است. برای خرید تجهیزات از جمله مبلمان، سیستم کامپیوتر، دوربین و نظایر آن نیز ۱۵ میلیارد تومان برآورد شده که این بخش ربطی به ساختمان ندارد و ساختمان کتابخانه با ۳۵ میلیارد تومان دیگر کامل و آماده می شود. چون تجهیزات به عهده کارفرما و نهادی است که می خواهد بهره برداری کند.

وی با بیان اینکه برای پروژه های بزرگ اینچنینی که کار درست پیش برود مجموعه ای از کارشناسان و مشاوران باید ناظر انجام درست کار پیمانکار باشند، می افزاید: در این پروژه مسئولیت نظارت با شرکت مشاور آباد بوده است که البته به غیر از من به عنوان عضوی از شرکت مشاور، مهندس تجهیزات، مهندس برق، مهندس سازه و مهندسان دیگری در مجموعه نظارت حضور دارند تا پروژه طبق نقشه و مشخصات اجرا شود. وی در مورد سبک معماری کتابخانه مرکزی و اینکه آیا هیچکدام از المان های سنتی و بومی منطقه گیلان حتی به صورت نمادین در این مجموعه مورد توجه بوده یا نه، پاسخ می دهد: در این مجموعه تقریباً از سبک معماری مدرن بهره گرفته شده است و فرم هایی که به صورت انتزاعی در طراحی لحاظ شده، مجموعه ای است به صورت یکپارچه و باز و تامین کننده فضاهای مورد نیاز. در این مجموعه سعی کردیم از معماری بوم آورد اینجا هم استفاده کنیم. به عنوان مثال در مدخل ورودی سایبان وسیعی داریم که نشاندهنده ایوان های ورودی معماری گیلان است. اما مجموعه از عملکرد مدرن برخوردار است. از طرف دیگر طراحی مجموعه به گونه ای بود که ما سعی کرده بودیم بخشی از ساختمانی که قبلاً موجود بود (به نام ساختمان استاندار قدیم) در کنار این مجموعه جدید حفظ شده و تخریب نشود، چون آن ساختمان دارای بخش هایی از الگوی معماری منطقه بود، ولی بعد براساس تصمیم مسئولان مرتبط در زمان ساخت و اجرا، آن ساختمان حذف شد و عملاً بخشی از نمای آن ساختمان قدیمی در کنار این مجموعه پاک شد. یعنی در آغاز هدف ما این بود که این معماری جدید به عنوان معماری عملکردی و آن ساختمان قدیم به عنوان نمایی از معماری بومی کنار هم باشند و همدیگر را کامل کنند. در واقع آن بخش از معماری چون حذف شد عملاً به لحاظ ایده پردازی تا حدی به طراحی معماری این مجموعه ضربه خورد ولی در هر صورت باز هم سعی شده با ترکیب عناصری از جمله همان ایوان ورودی یا سقف شیب دار در بخش هایی از ساختمان کتابخانه مرکزی تلفیقی از معماری بوم آورد منطقه و معماری مدرن مد نظر قرار گیرد.

## افزایش سرانه فضای مطالعه در رشت با افتتاح کتابخانه مرکزی



**گیلان فردا** - پریسا کریمی، مدیرکل کتابخانه های عمومی گیلان با بیان اینکه اینجا یک مجموعه فرهنگی با محوریت کتابخانه است، می گوید: یکی از شاخصهای فرهنگی هر جامعه ای توجه به کتاب و کتابخوانی است. برای مردم فرهنگ دوست گیلان نیز داشتن چنین کتابخانه ای بسیار حایز اهمیت است. خوشبختانه با حضور سال گذشته آقای دکتر نوبخت در رشت و تاکیدی که آقای دکتر روحانی نسبت به این پروژه داشتند، کار در حال پیشرفت هست. انشالله اگر موانع مالی برطرف شود بزودی این پروژه به پایان خواهد رسید. وی با بیان اینکه ۵۸ کاربری استاندارد برای یک کتابخانه مرکزی در این کتابخانه در نظر گرفته شده است، در مورد ضرورت تغییرات در پاسخ به نیاز روز مخاطبان، می افزاید: نقشه های کتابخانه سال ۹۶ بروز رسانی و با توجه به فضای رسانه ای و مباحث دیجیتال، خیلی از فضاها حذف شده، یا تغییر کاربری پیدا کرده است. وی می گوید: ابتدا قرار بود با دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان این پروژه به بهره برداری برسد. ولی با توجه به تورمی که داریم این کار سخت تر شده است. به گونه ای که حتی سال گذشته با سفر آقای دکتر نوبخت به استان قرار بود با ۱۷ میلیارد تومان این پروژه به اتمام برسد. ولی الان با ۲۴ میلیارد تومان

هنوز پروژه تمام نشده و خیلی از کارها مانده است. اما با توجه به قول آقای دکتر نوبخت و همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی و صحبت های پیمانکار و مشاور، چنانچه مشکل نقدینگی برطرف شود، کتابخانه تا اردیبهشت ۱۴۰۰ قابل بهره برداری خواهد بود. به گفته مدیرکل کتابخانه های عمومی گیلان، سرانه فضای مطالعه رشت نسبت به کشور بسیار کم است. این رقم در رشت ۴۶ سانتی متر مربع است که با افتتاح کتابخانه مرکزی به یک متر و ۲۶ سانتی متر مربع خواهد رسید. همچنین در استان ۸۳ کتابخانه عمومی نهادی، ۱۹ کتابخانه مشارکتی و یک کتابخانه مستقل داریم که امیدواریم با بهره برداری از کتابخانه مرکزی رشت ضمن افزایش سرانه فضای مطالعه، سرانه مطالعه و کتابخوانی نیز در گیلان افزایش یابد.

# پایداری مشاغل؛ یکی از مزایای کسب و کار بر پایه علم و فناوری



گیلان فردا - طی سال های اخیر و با گسترش فضای مجازی، شیوه های معمول و مرسوم کسب و کار دستخوش تغییرات زیادی شده است.

بخواهیم یا نخواهیم باید خودمان را با شیوه های جدید کسب و کارها وقف دهیم. البته مواجه شدن با هر پدیده تازه ای، مقاومت هایی نیز به همراه دارد.

اما کرونا باعث شد ضرورت همراه شدن با این تغییرات بیش از پیش جلوه گر شود. به عنوان مثال علاوه بر مشکلات ناشی از تحریم که طی چند سال اخیر آن را تجربه کردیم، شیوع ویروس کرونا نیز در سال ۹۹ آنچنان بر بسیاری از فعالیت های اقتصادی و کسب و کارها تاثیر منفی گذاشت که برون رفت از رکود موجود سخت به نظر می رسد. آیا کسب و کار شما هم تغییر کرده است؟

البته به نظر می رسد بعضی از صاحبان کسب و کارها قابلیت بیشتری برای به روز آوری فعالیت خود داشته اند. چون با گسترش دیجیتال مارکتینگ خیلی از بیزینس ها توانسته اند حتی در این شرایط سخت خود را سرپا نگهدارند و تعدادی نیز به سودهای بسیار هنگفت دست یابند. اما در مقابل خیلی از کسب و کارهای سنتی قادر نیستند در مقابل رقبا، حرفی برای گفتن داشته باشند. البته مشاغلی که بر پایه علم و فناوری بوده اند توانستند ضمن ایجاد ارزش افزوده، با انعطاف پذیری در کسب و کار خود موفق باقی بمانند. به عنوان مثال شرکت های فناوری و دانش بنیان توانستند در شرایط موجود جایگاهشان را حفظ کرده و حتی ارتقاء دهند. نقش این موسسات و کارکردهای متنوع آنان به عنوان

بخشی از زیرساخت های نوآوری و فناوری در هر کشوری روزبه روز آشکارتر می شود، به همین جهت تاسیس مراکز رشد و پارک های علم و فناوری در دنیا شتاب قابل ملاحظه ای داشته است. این پارک با هدف کلی توسعه فناوری و کسب و کارهای دانش محور تشکیل و موجب ایجاد شغل و رشد درآمد شده اند. به اعتقاد صاحب نظران پارک های علم و فناوری، نهادهای اجتماعی و جایگاهی برای توسعه نوآوری های دانش محور از طریق مساعدت در تشکیل و تقویت نگاه های اقتصادی کوچک و متوسط (SMEs) هستند که بخشی از راهبرد اندیشمندانه و هماهنگ برای توسعه ملی محسوب می شوند. در همین رابطه آقای دکتر علی باستی، رییس پارک علم و فناوری استان گیلان در گفت و گو با گیلان فردا ضمن بیان اقدامات این پارک در سال ۹۹، می گوید: «یکی از اهداف پارک های علم و فناوری این است که ریسک شکست در مشاغل را نسبت به کسب و کارهای سنتی کمتر کنند». در ادامه این گفت و گو به نظر شما خوانندگان ارجمند می رسد.

خلاق، صناعی هستند که اساس آنها ایجاد و انتشار دانش و اطلاعات است. ریشه این مفهوم به صنایع فرهنگی بازمی گردد که طی زمان و با انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات، امروزه در قالب صناعی چون سینما، نرم افزار، موسیقی، پویانمایی، بازی رایانه ای و... معرفی می شوند. باستی می گوید: «با توجه به ظرفیت بومی استان که در زمینه صنایع خلاق توانمندی زیادی دارد این مرکز به عنوان دومین مرکز صنایع خلاق کشور افتتاح شد و همانطور که انتظار داشتیم تقریباً تمام فضایی که برای مرکز صنایع خلاق در نظر گرفته بودیم تکمیل شد. در زمان شیوع ویروس کرونا نیز برای شرکت هایی که در حوزه فناوری اطلاعات و تولید محتوا کار می کردند ظرفیت جدیدی بوجود آمد و خیلی از شرکت ها توانستند وضعیت خودشان را بهبود بدهند». وی ادامه می دهد: «با توجه به سیاست های معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، شرکت های خلاق به عنوان شرکت های دانش بنیان نوع سه شناخته می شوند. در همین راستا ما تلاش می کنیم تقریباً هر ماه یک شرکت از مرکز نوآوری صنایع خلاق استان را که فعال تر و پویا تر عمل کرده به عنوان شرکت خلاق معرفی کنیم. خوشبختانه سال گذشته براساس ارزیابی که داشتیم طی مدت محدود، فعالیت این مرکز به گونه ای بود که شرکت های حوزه خلاق بیشترین درآمد را بین شرکت های مراکز دیگر جذب کردند و این نشان دهنده ظرفیت صنایع خلاق استان است».

باستی در مورد اقدامات پارک علم و فناوری استان در سال ۹۹ به تجهیز چهار سوله جدید به مساحت ۱۴۰۰ مترمربع برای استقرار چهار شرکت فناور اشاره می کند و به گفته وی در همین مدت کوتاه دو شرکت، کار صادراتی را نیز انجام داده اند. وی همچنین اعلام می کند که پنج شرکت شتاب دهنده بومی در سال ۹۹ در پارک علم گیلان پذیرش شده اند که در سال جاری سه شتاب دهنده فعالیت خود را در کنار پارک علم و فناوری آغاز کرده اند. به گفته وی راه اندازی «بنیاد حامیان علم و فناوری» در سال ۹۹ از دیگر اقدامات شاخص پارک علم و فناوری گیلان بود که امیدوار است از سال آینده این بنیاد با گستردگی بیشتری کار خود را شروع کند. وی می افزاید: «برگزاری چندین رویداد سرمایه گذاری برای اولین بار در پارک علم و فناوری استان توسط صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی گیلان و با همکاری صندوق های دیگر کشور در سال ۹۹ انجام و منجر به سرمایه گذاری برای چند شرکت فناور شده است».



این دانشیار دانشکده مهندسی مکانیک، دانشگاه گیلان، می گوید: «در سال ۹۸، ۴۱ شرکت در گیلان، دانش بنیان بودند ولی این تعداد در سال ۹۹ به ۶۶ شرکت رسید. تا نیمه اسفند ۹۹ نیز غیر از آمار مربوط به پذیرش کانون شکوفایی و خلاقیت، ۱۰۵ پذیرش جدید در استان گیلان انجام شده که عبارتند از ۶۰ هسته فناور، ۳۷ واحد فناور و هشت موسسه فناور».

وی معتقد است تعداد بیشتری از شرکت های فعال در استان می توانند دانش بنیان بشوند ولی هنوز برای دریافت نشان دانش بنیان درخواستی نداده اند. باستی اظهار امیدواری می کند با گسترش فعالیت های صندوق پژوهش و فناوری غیر دولتی گیلان که از شرکت های دانش بنیان حمایت می کند تعداد این شرکت ها در سال آینده افزایش چشمگیری داشته باشند. (گفتنی است ارایه تسهیلات، صدور ضمانت نامه، لیزینگ محصولات، ارزیابی، توانمندسازی و سرمایه گذاری از خدماتی است که به طور کامل توسط صندوق پژوهش و فناوری غیر دولتی ارایه می شود).



و اما یکی از اقدامات پارک علم و فناوری گیلان در اواسط سال ۹۸، افتتاح مرکز صنایع خلاق در رشت بود. صنایع





● می‌گوییم بعضی‌ها اعتقاد دارند با حضور شما در پارک علم و فناوری استان، فعالیت‌های جدیدی انجام شده است. به نظر خودتان چند درصد توانسته‌اید به اهداف و برنامه‌ریزی‌هایی که در شروع قبول این مسئولیت مد نظر داشتید، برسید؟

باستی پاسخ می‌دهد: «سعی کردیم براساس برنامه‌هایی که تنظیم شد فعالیت‌های پارک را پیش ببریم. البته شرایط تحریم‌ها خصوصاً در دو سه سال اخیر که خیلی سنگین‌تر بود فرآیندها و یا بعضی از برنامه‌های ما را تحت تأثیر قرار داد. یکی از برنامه‌هایی

که مد نظر داشتیم و جزئی از اقتصاد دانش‌بنیان تلقی می‌شود استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی است. براین اساس پارک

علم و فناوری گیلان به عنوان بنیانگذار صندوق پژوهش و فناوری غیر دولتی با راه‌اندازی این صندوق در گیلان توانست سرمایه‌های زیادی را از تهران جذب کند. علاوه بر آن عمده سهامداران این صندوق، غیر دولتی هستند که نشان‌دهنده استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در این حوزه است. فن بازار دائمی و منطقه‌ای هم ارتباط بین عرضه و تقاضا را مرتبط می‌کند و توسط کارگزار بخش خصوصی صورت می‌گیرد و در واقع ما همیشه یک جریان دائمی فناوری را توسط بروکر فناوری داریم. همچنین کمک کردن به بخش خصوصی برای ایجاد یک سری مفاهیمی که شاید در گذشته در استان وجود نداشت مثل راه‌اندازی کارخانه نوآوری که قبلاً در گیلان نبود و در همین راستا دکتر ستاری سال ۹۹ در گیلان حضور داشتند. کمک به راه‌اندازی شتاب‌دهنده‌ها در گیلان فعالیت دیگری بود که هدفگذاری کرده بودیم و خوشبختانه پنج شتاب‌دهنده در استان مجوز گرفتند و الان سه شتاب‌دهنده دارند کار پذیرش را انجام می‌دهند. علاوه بر این‌ها استفاده از ظرفیت خیرین با راه‌اندازی بنیاد حامیان علم و فناوری استان گیلان، همچنین تلاش می‌کنیم تا فضاهای کالبدی پارک را به نحو مناسب ارتقا بدهیم. موتور محرکه ما نیز شرکت‌های دانش‌بنیان استان هستند که در سال‌های آینده به نحو مناسبی افزایش می‌یابند و به اجرایی شدن سیاست‌های فناوری در گیلان کمک خواهند کرد.»



● چگونگی تعامل پارک علم و فناوری گیلان با دانشگاه‌های استان، حوزه صنعت و متقابل آن‌ها با پارک علم موضوع دیگری است که در مورد آن سوال می‌کنم. از نظر این عضو هیات‌علمی دانشگاه گیلان، تعامل پارک علم و فناوری با دانشگاه‌های استان و با حوزه صنعت بسیار خوب است. وی یادآوری می‌کند که در سال جاری مرکز رشد دانشگاه گیلان به عنوان مرکز رشد مشترک بین پارک علم و فناوری استان و دانشگاه گیلان طبق تفاهم‌نامه‌ای که منعقد شده به ثبت رسیده است. باستی داشتن مرکز رشد مشترک با دانشگاه آزاد، داشتن دفتر شکوفایی و خلاقیت در دانشگاه‌ها و همچنین حضور نمایندگان از پارک



باستی، رییس پارک علم و فناوری استان گیلان: گزینش فناوری ظرفیتی است که در راستای پیاده‌سازی سیاست جدید وزارت علوم، پارک علم و فناوری گیلان به عنوان مجری استانی در اختیار اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی قرار می‌دهد. بدین گونه که دانشگاه در کنار تولید علم، دانش و مقاله سیاست جدیدی را با کمک پارک‌های علم و فناوری در راستای ایجاد کسب و کار و تحقق دانشگاه کارآفرین هم دنبال کند. اهدای گزینش فناوری فعال در فاز اول در حوزه فناوری اطلاعات شروع شده است، یعنی اساتید و دانشجویانی که رساله‌ها و پایان‌نامه‌های خود را در حوزه‌های مختلف ولی با کاربرد فناوری اطلاعات پیش می‌برند می‌توانند از این حمایت استفاده کنند. امیدواریم گزینش که با رقم مناسب و بلاعوض در نظر گرفته شده (برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد تا ۳۰ میلیون و برای رساله دکتری تا ۶۰ میلیون) بتواند کسب و کار استان را در حوزه‌های فناوری اطلاعات ارتقا بدهد.

دانشگاه را در شوراهای متعدد مرتبط و اجرای «طرح گزینش فناوری» را نمونه‌ای از این تعاملات ارزیابی کرده و می‌افزاید: براساس «طرح گزینش فناوری» که اخیراً انجام شده از پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد تا سقف ۳۰ میلیون تومان و رساله‌های دکتری که بازارگرا هستند و حداقل یک محصول تولید می‌کنند تا سقف ۶۰ میلیون تومان حمایت می‌کنیم. البته در فاز اول، این طرح مربوط به پروژه‌های فناوری اطلاعات است ولی توسعه خواهد یافت. وی هدف از این کار را ایجاد ارتباط بیشتر پارک علم و فناوری با دانشجویان عزیز و اساتید محترم دانشگاه عنوان کرده و می‌گوید: «بخشی از این ارتباطات نیز مربوط به تعاملات پارک علم با صنایع استان و شرکت‌های مستقر در شهرک‌های صنعتی است.»



● اما آیا ارزیابی‌ای از تأثیر شرکت‌های فناوری و دانش‌بنیان و کلا فعالیت پارک علم بر اقتصاد محلی استان وجود دارد؟ در سال‌های اخیر برای گسترش فعالیت‌های پارک علم توصیه شده است ولی آیا اشتغالزایی در این حوزه نیز مانند اشتغالزایی در بسیاری از کسب و کارهای سنتی موقتی و ناپایدار است؟ یا از ثبات نسبی برخوردار و پایدار است؟

رییس پارک علم و فناوری گیلان براین باور است که یکی از مزایایی که فناوری و دانش در ایجاد کسب و کار دارد، پایداری مشاغل است. وی می‌گوید: «یکی از اهداف پارک علم و فناوری این است که ریسک شکست در مشاغل نسبت به کسب و کارهای سنتی کمتر باشد. به همین دلیل پذیرش فناوری‌ها عموماً براساس بررسی سه شاخص صورت می‌گیرد. اول داشتن تیم کاری مناسب، دوم نوآوری و فناوری ایده و سوم داشتن توجیه اقتصادی است. و با توجه به پیش‌اولیه و بررسی بازار فناوری انتظار می‌رود تیمی که پذیرش می‌شود به لحاظ ساختاری از حداقل بازار مورد نظر برخوردار باشد. به عبارت دیگر بازاری برای محصول وجود داشته باشد. بنابراین با توجه به وضعیت عدم ثبات اقتصادی و یا نوع فناوری (شاید محصول نوبی باشد که هنوز به بازار ارایه نشده، یا نمونه مشابه داخلی و خارجی داشته یا نداشته و اینکه آیا از این محصول جدید استقبال خواهد شد یا خیر و نظایر آن) امکان فعالیت را فراهم می‌کند چون ممکن است در دراز مدت بتواند با وجود رقبا، سهم مناسبی را از بازار بدست آورد. البته برای همه کسب و کارها این ریسک وجود دارد که با عدم موفقیت روبرو شوند. اما یکی از رسالت‌های پارک این است که با مشاوره و نظارت طی استقرار شرکت‌ها در پارک علم میزان ریسک و شکست خوردن شرکت‌ها را کاهش دهد و در این راستا اقداماتی مانند برگزاری رویدادهای آموزشی، توانمند کردن شرکت‌ها، برگزاری کارگاه‌های مرتبط با کسب و کار، حضور در نمایشگاه‌ها به عنوان تسهیل‌گری برای پایداری بیشتر مشاغل و کاهش خطر شکست انجام می‌شود.» به گفته باستی میزان تراکنش شرکت‌های پارک علم و فناوری استان در سال ۹۹، براساس اظهارنامه مالیاتی و برپایه ایده محوری خود شرکت‌ها، نزدیک به هشتاد میلیارد تومان بوده و همچنین بیش از ۳۰۰ هزار یورو نیز این شرکت‌ها صادرات داشته‌اند.



با اینکه پارک علم و فناوری گیلان با توجه به عملکرد، یکی از مراکز موفق علمی فناوری استان و کشور به نظر می‌رسد، اما قطعاً مشکلاتی نیز در این حوزه وجود دارد. به همین دلیل کنجکاو می‌شوم تا مشکلات پارک‌های علم و فناوری را از زبان رییس پارک علم و فناوری گیلان بشنوم.

وی می‌گوید: «یکی از رسالت‌های پارک‌های علم و فناوری توانمندسازی شرکت‌هاست. به نظر من یکی از مشکلات بزرگی که پارک‌های علم و فناوری با آن دست و پنجه نرم می‌کنند در همین زمینه است. البته در بخشی از توانمندسازی شرکت‌ها برای دسترسی به بازارهای گسترده‌تر و بازاریابی مناسب‌تر و همچنین تعامل با صنایع جهت احصاء نیازها کمک می‌شود. براین اساس در سال ۹۹ علاوه بر راه‌اندازی فن بازار دائمی و منطقه‌ای استان گیلان، کارگزاری را هم از بخش خصوصی تعیین کردیم به عنوان بروکر فناوری (کارگزار فن بازار) تا بتواند بین عرضه و تقاضای فناوری، ارتباط برقرار کند که این بروکر فناوری به صورت تمام



گاه ممکن است در فرآیند دآوری، داور الزاماتی را از فناور انتظار داشته باشد که موجب شود تاخیر از سوی خود مراجعه کننده باشد. اما سعی ما در کاهش زمان پذیرش و تسریع در انجام فرآیند است.



یکی از اقدامات پارک علم و فناوری گیلان برای کاهش مشکلات شرکت های پذیرش شده و استقرار افراد حقیقی و حقوقی در صف انتظار، تلاش برای افزایش فضای کالبدی، بوده است.

وی در خصوص ساخت و تجهیز زمین ۳۰ هکتاری اختصاص داده شده به پارک علم و فناوری گیلان می گوید: «بعد از اینکه این طرح جامع در هیات امنای منطقه یک فناوری کشور در سال ۹۹ پذیرفته شد، بجز آغاز ساخت ساختمان ستادی که ۶۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد، فاز اول عملیاتی این طرح را به وسعت هشت هکتار شروع کردیم که انشالله بعد از اتمام زیرساخت در اختیار شرکت های فناور و دانش بنیان استان قرار می دهیم. همچنین تلاش کردیم از ظرفیت بخش خصوصی در اقتصاد دانش بنیان استان استفاده کنیم، به عنوان نمونه مقدمات راه اندازی کارخانه نوآوری و فناوری استان آماده و بزودی راه اندازی خواهد شد.»



بعد از مشکلات ناشی از تحریم، شیوع ویروس کرونا نیز بر همه کسب و کارها تاثیر گذاشته است، البته تاثیر کرونا بر بعضی مشاغل کمتر و بعضی بیشتر بوده است. به عنوان مثال به نظر می رسد به رغم پدید آمدن مشکلات عدیده در بسیاری از کسب و کارها به دلیل شیوع کرونا، در شرکت های وابسته به پارک علم و فناوری به لحاظ نوع کار، تولید و خدماتی که بر پایه فناوری ارایه می کنند، این مشکلات خیلی کمتر باشد.

رئیس پارک علم و فناوری استان گیلان می گوید: «کرونا در کنار مشکلاتی که تحریم برای کشور بوجود آورد، باعث بروز مشکلات اقتصادی برای همه کسب و کارها شد.» وی اما اعتقاد دارد با توجه به اینکه اکثر فعالیت های پارک علم بر پایه دانش و فناوری است و دانش و فناوری هم ارزش افزوده ایجاد می کند، لذا تاثیر کرونا نسبت به کسب و کارهای سنتی در این حوزه تا حدی کمتر بوده ولی با این حال بی تاثیر نبوده است.



● **وی در پاسخ به اینکه چطور آسیب های ناشی از کرونا را کاهش دادید؟ می گوید:** «سعی کردیم در حد توان تاثیر خسارت ناشی از کرونا را بر فعالیت های پارک

وقت کنار پارک علم و فناوری در حال فعالیت است و برای دسترسی به بازارهای گسترده تر و تعامل با صنایع کمک می کند. مشکل دیگر پارک های علم و فناوری کمبود فضای کالبدی مورد نیاز برای شرکت ها است که در اکثر نقاط کشور به چشم می خورد. هرچند یکی از نکاتی که برایمان بسیار با اهمیت است تجمیع فعالیت های پارک علم و فناوری استان گیلان در یک فضای مشخص است، چون با توجه به گستردگی پارک و تعدد مراکز، تجمیع اینها می تواند ارزش افزوده بیشتری را برای پارک و شرکت ها ایجاد کند.»



● **در ادامه نکته دیگری نظرم را جلب می کند و آن اینکه با توجه به پیشرفت بسیار سریع تکنولوژی، آیا اهداف و محورهای اولیه طراحی شده در زمان آغاز به کار پارک های علم در کشور نیازمند تغییر و بازنگری نیست؟ اگر بله، بیشتر حول چه محورهایی به روز رسانی برنامه ها و چشم انداز احساس می شود؟**

این استاد دانشگاه می گوید: «با توجه به پیشرفت های سریع تکنولوژی، یقیناً اهداف و محورهای اولیه نیازمند تغییر و بازنگری هستند. به عنوان مثال یکی از برنامه هایی که داشتیم و عملاً تغییر دادیم در حوزه صنایع خلاق بوده است. این حوزه گسترده است و بسیار در گیلان ظرفیت دارد و در حوزه های اپلیکیشن، تولید محتوا و پادکست، هنرها، سینما، علوم انسانی، انیمیشن، گیاهان دارویی و ... تعریف می شود. قبل از راه اندازی مرکز نوآوری صنایع خلاق، برای این محورها پذیرش نداشتیم ولی با توجه به نیازی که احساس شد توانستیم با راه اندازی این مرکز، فناور و نوآور جدید جذب کنیم. بنابراین با توجه به تغییر شرایط و پیشرفت سریع فناوری، ما این تغییرات را انجام می دهیم. یکی از حوزه هایی هم که مد نظر ما است بحث فین تیک ها (فناوری مالی) است. فین تیک ها یکی از موارد جذاب در بحث اقتصاد هستند و امیدواریم مجموعه هایی که در این حوزه کار می کنند را بیشتر وارد پارک علم و فناوری استان کنیم.»



● **بعضی از متقاضیان ورود به پارک علم که عموماً جوانان هستند، گاه مراحل انجام کار، پذیرش، تایید و ثبت را طولانی عنوان می کنند. آیا واقعا فرآیند پذیرش در پارک علم طولانی است؟**

باستی پاسخ می دهد: «اینکه بعضی از مراحل انجام کار برای ورود فناوران به پارک ممکن است طولانی باشد را قبول دارم. اما سعی کردیم فرآیندها را رصد و بهینه کنیم تا بسیاری از موارد اضافه را حذف کرده یا کاهش دهیم. در همین راستا فرآیندها تا حد زیادی الکترونیکی شده است. هدف ما نیز پاسخگویی سریع به مشکلات و موارد مرتبط است. فرآیند برنامه ای که برای پذیرش در نظر گرفتیم حداکثر باید یک ماه طول بکشد. چون



در استان گیلان طراحی، ساخته و حتی به استان های دیگر ارسال شد. دستگاه تصفیه کننده هوا و ضد کرونا ساخته شد که حتی صادرات نیز شد. همچنین شرکت هایی که در حوزه فناوری اطلاعات کار می کردند توانستند اپلیکیشن هایی طراحی کنند تا مردم کمتر در جامعه حضور فیزیکی داشته باشند مثل فروشگاه های آنلاین، آموزشگاه های آنلاین و نظایر آن. به عبارت دیگر چابکی این شرکت ها باعث شد تا نسبت به کسب و کارهای سنتی از مشکلات کرونا، کمتر آسیب ببینند.



● **خب حالا که شرکت های مستقر در پارک علم و فناوری گیلان توانسته اند طی سال ۹۹ که بسیاری از کسب و کارها بخاطر کرونا از رونق افتادند، خودشان را سرپا نگهدارند و موفق شوند چه تعاملاتی با استان های دیگر داشته اند؟ و تا چه حد برای انجام امور به آن ها رجوع شده است؟**

باستی در پاسخ به این سوال، می گوید: «شرکت های مستقر در پارک علم و فناوری گیلان با شرکت های استانی دیگر ارتباط زیادی دارند و حتی خارج از کشور پروژه هایی را انجام داده اند. به عنوان مثال شرکتی در پارک علم و فناوری گیلان حضور دارد که برای تجهیز یکی از کارخانه ها در اقلیم کردستان عراق دستگاهی ساخت و صادر کرد. شرکت دیگری از پارک علم گیلان توانست «دستگاه تصفیه کننده هوا ضد کرونا» را بسازد که نه تنها در بیشتر استان های کشور نمایندگی دارد بلکه توانست به پنج کشور دنیا این دستگاه را صادر کند. همچنین شرکتی که روی دستگاه تولید ماسک کار می کرد، تعداد زیادی از این دستگاه ساخت و به استان های مختلف ارسال کرد. شرکت های زیادی هم داریم که به پروژه های علمی-فناوری خارج از استان، خدمات ارایه می دهند و حتی در سال ۹۹ به تعدادی از شرکت ها کمک کردیم در راستای تعاملات بیشتر با توجه به موقعیت کاریشان در پارک علم و فناوری استان های دیگر دفتر بگیرند تا پروژه های علمی-فناوری استان های دیگر را که به این شرکت ها محول شده راحت تر انجام دهند».



● **از سهم پارک علم و فناوری گیلان در بودجه سال ۱۴۰۰ سوال می پرسیم. وی تصریح می کند: «بطور متوسط بودجه پارک های علم و فناوری برای لایحه بودجه سال آینده حدود ۳۵ درصد افزایش پیدا کرده و گیلان هم در همان محدوده است و پارک علم و فناوری گیلان به لحاظ بودجه وضعیت مناسبی نسبت به پارک های استان های دیگر دارد».**



● **با توجه به ادامه شرایط کرونایی، پارک علم و فناوری گیلان چه برنامه هایی را برای سال ۱۴۰۰ پیش بینی کرده است؟**

وی با اظهار امیدواری از اینکه با رعایت پروتکل ها وضعیت کرونایی که مشکلات زیادی را برای همه حوزه ها بوجود آورده کاهش یابد، می گوید: «این آمادگی را داریم در بستر فناوری اطلاعات و فضای مجازی، مثل سال ۹۹ خدمات ارایه کرده و نمایشگاه ها را برگزار کنیم. در سال ۹۹ نیز نمایشگاه دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن بازار به صورت مجازی برای اولین بار هم در استان و هم در کشور برگزار شد که متولی آن پارک علم و فناوری گیلان بوده است. در صورت ادامه وضعیت ناشی از شیوع ویروس کرونا، جلسات را نیز مانند سال ۹۹ به صورت وبینار برگزار خواهیم کرد. با اتوماسیون اداری و کوتاه کردن فرآیندها، بستر خوبی را نیز فراهم کرده و در اختیار شرکت ها قرار دادیم تا با توجه به این شرایط مشکلات کمتری در این بخش داشته باشیم».



● **و اما سخن پایانی...**

«متشکرم از شما. امیدوارم مشکلات کرونا هر چه زودتر تمام شود و شاهد رونق همه کسب و کارها باشیم. پیشاپیش فرا رسیدن عید نوروز و بهار ۱۴۰۰ را به مخاطبان محترم مجله کیلان فردا تبریک می گویم و آرزو می کنم سالی سرشار از سلامتی و آرامش در انتظار همه مردم عزیز باشد».

گفت و گو: شهلا ابراهیم زاده اصلی



جبران کنیم. بدین ترتیب که نزدیک به دو ماه و نیم اجاره فضایی را که در اختیار مجموعه های فناور ما بود بخشودگی دادیم و با افزایش حمایت هایی مثل تسهیلات سرمایه در گردش و تسهیلات تدریجی سعی کردیم این مشکلات برای شرکت های مستقر در پارک علم و فناوری کمتر شود. تعدادی از شرکت های ما نیز با توجه به ماهیت بیماری کرونا و نیاز جامعه، تغییر کسب و کار دادند.

به عنوان مثال ۲۵ شرکت که در حوزه های فناوری کار می کردند با توجه به بیماری کرونا محصولاتی را تولید و در فرصت خیلی کوتاه به بازار عرضه کردند که توانست در کاهش شیوع کرونا و رعایت پروتکل ها تاثیر گذار باشد. مثلاً دستگاه های تولید ماسک

# احداث محور سراوان-سنگر-سیاهکل در جهت کاهش بار ترافیکی



ابتدای ورودی شهر سیاهکل از طرف شهرداری سیاهکل، محل این تقاطع در انتهای مسیر جدیدالاحداث راه اصلی سنگر-سیاهکل در ۲۲+۰۰۰ متری و به فاصله ۱۳۰۰ متری از ابتدای شهر سیاهکل، بر روی جاده موجود سیاهکل-بازکیاگوراب قرار دارد. طول کلی این پروژه ۲۲ کیلومتر است و این محور به صورت دو خط رفت و برگشت به عنوان راه اصلی با عرض ۱۳ متر است. وی با بیان اینکه تاریخ آغاز عملیات اجرایی پروژه در سال ۱۳۸۶ بوده می افزاید: «پیشرفت فیزیکی پروژه تا این تاریخ ۹۰ درصد است و تاکنون ۵/۱۸ کیلومتر از این پروژه تکمیل و زیر بار ترافیک رفته است. البته زمان پیش بینی شده برای اتمام و بهره برداری این پروژه بزرگ شش ماهه اول سال ۱۴۰۰ است.

مدیرکل راه و شهرسازی استان گیلان در مورد اهداف و نیازمندی طرح اضافه می کند: با توجه به در حال احداث بودن مسیر راه اصلی سنگر-سیاهکل و بهره برداری از این مسیر، تردد وسایل نقلیه از تقاطع غیرهمسطح رشت-فومن به سمت شرق استان به دلیل کوتاه بودن این مسیر نسبت به مسیر سنگر-کوچصفهان، آستانه، لاهیجان انجام خواهد شد. لذا با توجه به ترافیک زیاد این محور و اتصال انتهای مسیر در ۲۲+۰۰۰ متری به جاده سیاهکل-بازکیاگوراب و موقعیت شهر سیاهکل و دیلمان از نظر گردشگری از یک سو و احداث کارخانه سیمان دیلمان از سوی دیگر و عبور کامیون و تریلی های حامل سیمان به سمت شرق و غرب گیلان که از مسیرهای سیاهکل-بازکیاگوراب و سیاهکل-سنگر استفاده خواهند کرد، همچنین به لحاظ کاهش حجم ترافیک و هدایت ایمن و تامین ارتباطات لازم میان محورهای سیاهکل، بازکیاگوراب و سیاهکل-سنگر، این راه دسترسی در ابتدای شهر سیاهکل طراحی و مطالعه شده است.

وی با اعتقاد به اینکه به غیر از احداث بزرگ راه ها و کمربندی ها و کنارگذرها، لزوم ساخت چنین تقاطع های غیرهمسطحی برای کاهش حجم ترافیک و هدایت ایمن آن به علت تداخلات بزرگ راه ها و کمربندی ها و راه های گوناگون با هم، راهکار مناسبی بنظر می رسد، در خصوص اهداف این طرح بزرگ و مهم می گوید: ایجاد ارتباطات کامل در حد امکان در تقسیم ترافیک، هدایت بار ترافیکی شرق و غرب گیلان و کاهش بار محور سراوان-رشت-لاهیجان از اهداف مهم این پروژه هستند که صرفه جویی در مدت زمان سفر و انرژی (سوخت) و همچنین سرعت عمل در ارتباط تجاری و اقتصادی منطقه را به همراه خواهد داشت.

گیلان فردا-براساس آمار و اطلاعات موجود استان گیلان، دارای ۱۰ هزار و ۶۲۲ کیلومتر راه است که هفت درصد از کل راه های کشور را شامل می شود. اما بعضی جاده ها و راه ها از ایمنی لازم برخوردار نیستند. گاه برخی از رانندگان نیز مقررات لازم ایمنی را به هنگام تردد در جاده های بین شهری و یا جاده های روستایی رعایت نمی کنند. آنوقت یک لحظه غفلت و بی احتیاطی یک عمر حسرت و پشیمانی به همراه می آورد. صاحب نظران اعتقاد دارند آموزش، مهمترین روش ارتقای فرهنگ ترافیک در جامعه است. اما ضمن آگاهی رسانی

به عموم مردم برای لزوم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی، باید تلاش کرد تا جاده ها نیز بهسازی، تعریض و استاندارد شوند. به بیان دیگر برای کاهش تلفات جاده ای، باید عوامل بروز حوادث رانندگی را شناسایی و برطرف کرد. یعنی راه بخشنده تر باشد. مسیر جاده ای سنگر به سیاهکل در استان گیلان یکی از جاده هایی است که همواره پر مخاطره بوده است. به عنوان مثال راه اصلی سنگر-سیاهکل یکی از مسیرهای جاده ای استان گیلان است که معمولاً حادثه آفرین بوده است. به گونه ای که تردد شبانه روزی کامیون ها و ماشین های باری سنگین و کشیده شدن این ترافیک به خیابان های اصلی شهر، مشکلات زیادی را برای شهروندان سنگری به وجود آورده است. از این رو احداث کنار گذر سراوان-سنگر-سیاهکل یکی از مهمترین مطالبات چند سال اخیر شهروندان سنگری بوده است و خوشبختانه این جاده مهم در حال احداث است.

در این خصوص نظر مهندس ماکان پدram، مدیرکل راه و شهرسازی استان گیلان را جویا شدیم.



وی با اشاره به اهمیت احداث محور سراوان-سنگر-سیاهکل در کاهش بار ترافیکی، از آن به عنوان پروژه ای حیاتی یاد کرده و می گوید: «بهره برداری از این راه نقش مهمی در توزیع بار ترافیکی استان دارد». پدram می گوید: با توجه به طرح هادی مصوب شهر سیاهکل و مشخص شدن کمربندی شهر و طراحی تقاطع غیر هم سطح (میدان) در

**سیاهکل**

با دو بخش مرکزی و دیلمان، در ۵۵ کیلومتری شرق مرکز استان گیلان قرار دارد. مسیر سنگر به سیاهکل یکی از مهمترین راه های ارتباطی این شهرستان است که شرق گیلان را به مناطق مرکزی استان متصل می کند.

**سنگر** نیز یکی از بخش های شهرستان رشت است که در مسیر ترانزیت ورودی به استان از سمت جنوب قرار گرفته و به عنوان میانبری برای رسیدن از تهران به سمت سایر شهرهای شرق استان قلمداد می شود.

استان گیلان دارای ۱۰ هزار و ۶۲۲ کیلومتر راه است که ۷ درصد از کل راه های کشور را شامل می شود. این راه ها به تفکیک دارای: ۵۳ کیلومتر آزاد راه (شامل ۳ درصد از کل آزاد راه های کشور)، ۵۳ کیلومتر بزرگراه (شامل ۶ درصد از کل بزرگراه های کشور)، ۳۰۹ کیلومتر راه اصلی (شامل ۱ درصد از کل راه های اصلی کشور)، ۸ هزار و ۸۱۹ کیلومتر راه روستایی (شامل ۱۱ درصد از کل راه های روستایی کشور) است.

# راه آهن رشت - کاسپین - انزلی یک موقعیت بی نظیر و فوق العاده

ویژه ای است.

وی می افزاید: قطعه شش راه آهن رشت-کاسپین-انزلی از کیلومتر ۰۰۰ + ۱۸۵ (جاده چیرده) آغاز و سپس از جاده رشت-فومن گذشته و با عبور از روستاهای کمسار، پس ویشه و کفتروند (نرسیده به جاده پیربازار) خاتمه می یابد. طول این قطعه نزدیک به ۱۷ کیلومتر است و ۹۴ آبرو به طول ۳۱۲ متر و نیز هشت پل خاص به طول ۲۷۳ متر در این قطعه کار می شود. و قطعه هفت راه آهن رشت-کاسپین-انزلی نیز به طول ۰۹۷/۱۸ کیلومتر است.

پدرام با بیان اینکه راه آهن رشت-کاسپین-انزلی به عنوان بخشی از طرح راه آهن قزوین-رشت-انزلی بوده است، اضافه می کند: عملیات اجرایی این پروژه بزرگ از محل اعتبارات عمرانی ملی شروع شد و با اتمام طرح، مرکز استان گیلان به منطقه آزاد کاسپین متصل می شود.

وی تاکید می کند: پروژه راه آهن-قزوین-رشت علاوه بر اهمیت در تسریع و ارتقای کمیت و کیفیت حمل و نقل داخلی، بار و مسافر استان گیلان، از نظر ایجاد یک کریدور ریلی جدید برای صادرات و واردات کشور و همچنین ترانزیت کالا از مناطق شمالی کشور به خلیج فارس، آب های آزاد بین المللی و دیگر کشورهای همسایه ایران نیز بسیار مهم است. وی ادامه می دهد: کشورهای آذربایجان و روسیه و منطقه قفقاز و هم اروپا میتوانند از این مسیر به شبه قاره هند و خلیج فارس متصل شود.

در واقع این طرح شبه قاره هند را به اروپا متصل می کند. ضمن اینکه هند، ایران و دیگر کشورهای منطقه می توانند کالاهای خود را با سرعتی سه برابر بیشتر نسبت به مسیر کانال سوئز، به اروپا حمل کنند.

کریدور شمال-جنوب، سالانه توان جابه جایی ۲۰ میلیون تن کالا را داراست. با فعال شدن این کریدور مدت زمان حمل کالا از هند به کشور فنلاند ۲۱ تا ۲۳ روز طول می کشد در حالیکه این کالا از طریق کانال سوئز ۳۵ تا ۴۰ روزه به فنلاند می رسد. با ساخت این راه آهن ظرفیت حمل و نقل ۱۰ میلیون تن افزایش می یابد.

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در رشت:

## اتصال خلیج فارس به خزر با راه آهن رشت - کاسپین - انزلی



دکتر محمد باقر نوبخت وقتی روز ۲۲ بهمن ۹۹ در مراسم آغاز ریل گذاری راه آهن رشت-کاسپین-انزلی از اتصال خلیج فارس به دریای خزر خبر می داد، گفت: در حال حاضر ایران اسلامی به کارگاه بزرگ سازندگی تبدیل شده است و با اجرای پروژه راه آهن رشت-کاسپین-انزلی خلیج فارس به دریای خزر وصل می شود. البته از مردم به جهت شرایط سختی که وجود دارد عذر خواهی می کنم و برای این احساس ناراحتی می کنم اما طعم شیرین این پروژه ها را خواهیم چشید. چون با وجود تحریم ها و دسیسه های دشمن برای متوقف ساختن چرخ توسعه کشور، با تلاش دولتمردان و همراهی ملت این خدعه ها موثر واقع نشد.



گیلان فردا - بسیاری از افراد عقیده دارند کم هزینه ترین و شاید بهترین روش برای جابجایی کالاهای زیاد، سیستم حمل و نقل ریلی است. از سوی دیگر مسافران زیادی نیز ترجیح می دهند با قطار سفر کرده و ساعات رسیدن از مبدا به مقصد را علاوه بر تماشای مناظر طبیعی با آرامش و البته امکانات بهتری بگذرانند. چنانچه این خطوط ریلی در مسیرهای سرسبز و زیبایی چون گیلان باشد بی شک جاذبه سفر با قطار دوچندان خواهد شد. اما این جاذبه زمانی بیشتر می شود که قادر باشید از سمت دریای شمال به سمت دریای جنوب عازم سفر شوید و گردشگری تان را به اقتصاد پیوند بزنید.

قرار گرفتن راه آهن رشت-کاسپین-انزلی در یک موقعیت بی نظیر و فوق العاده این امکان را برای گیلانیان و البته همه ایرانیان فراهم می سازد که شاهد اتصال کریدور شمال-جنوب بوده باشند که با این اتفاق بزرگ، تحولی در اقتصاد رخ داده و بسیاری از ظرفیت های نهفته گیلان شکوفا شوند.

احداث این راه آهن یکی از پروژه های بزرگ کشور می باشد که خوشبختانه بخش اعظمی از پروژه انجام شده است.

بی شک این خط ریلی نه تنها موجب تحول در اقتصاد استان خواهد شد بلکه فرصت های جدید سرمایه گذاری و صادرات را نیز بر روی کشور می گشاید. برای کسب اطلاعات بیشتر و دقیق تر از این پروژه مهم و زیربنایی، نظر مدیرکل راه و شهر سازی استان گیلان را جویا شدیم.



مهندس ماکان پدرام، مدیرکل راه و شهرسازی استان با بیان اینکه اواخر سال ۹۷ پروژه راه آهن رشت-قزوین با حضور رئیس جمهوری افتتاح شد، در این زمینه به گیلان فردا می گوید: راه آهن رشت-انزلی به طول ۴۰ کیلومتر در ادامه مسیر راه آهن قزوین-رشت، مرکز استان گیلان را به بندر کاسپین متصل می کند که از نظر مبادلات تجاری و بازرگانی با کشورهای منطقه و نیز کشورهای اروپایی، ترانزیت کالا و بار دارای اهمیت

راه آهن قزوین-رشت به صورت یک خطه، با سرعت ۱۶۰ کیلومتر برای قطارهای مسافری و ۱۲۰ کیلومتر در ساعت برای قطارهای باری، از ایستگاه سیاه چشمه استان قزوین آغاز شده و با گذر از روستاهای کوهین و شیرین سو در محدوده شهرهای لوشان، منجیل، رودبار، رستم آباد و امامزاده هاشم ادامه مسیر داده و به ایستگاه رشت می رسد. این مسیر ریلی در ایستگاه رشت دو شاخه می شود که یک شاخه با عبور از شهر پیربازار به بندرانزلی متصل شده و شاخه دوم آن به شهر مرزی آستارا در غربی ترین نقطه گیلان می رسد.

همچنین تعداد ۹ ایستگاه شامل دستجرد، کوهین، شیرین سو، لوشان، منجیل، رستم آباد، امامزاده هاشم، رشت و پیربازار در این مسیر ساخته شده است.

این طرح افزون بر آن که از لحاظ حمل و نقل داخلی بار و مسافر برای استان های قزوین و گیلان اهمیت دارد، از حیث ایجاد کریدور ریلی جدید برای صادرات و واردات و همچنین ترانزیت کالا از مناطق شمالی کشور به خلیج فارس و آب های آزاد بین المللی و دیگر کشورهای همسایه ایران بسیار مهم است.

ساخت پروژه راه آهن قزوین-رشت از اواخر سال ۱۳۸۵ آغاز و در قالب هشت قطعه کار شده است. این راه آهن قادر خواهد بود سالانه ۱۰ میلیون تن بار حمل و سه میلیون و ۸۰۰ هزار مسافر جابه جا کند. راه آهن قزوین-رشت ۵۳ دستگاه تونل به طول ۲۲ کیلومتر دارد، همچنین یکی از بزرگترین پل های راه آهن کشور به طول یک هزار و ۴۳۰ متر در مخزن سد منجیل ساخته شده است.

برای احداث راه آهن قزوین-رشت بیش از ۲۲ کیلومتر تونل، حدود ۹ کیلومتر پل بزرگ، ۲۲ میلیون متر مکعب خاکبرداری و خاکریزی انجام و افزون بر یک هزار و ۸۵۰ میلیارد تومان در سال های ساخت پروژه هزینه شده است



# آب بخوریم یا نخوریم

گیلان فردا- آیا شما هم مردم هستید که از چه آبی برای آشامیدن استفاده کنید؟ مدیران می گویند آب شرب شهری سالم است و مشکلی ندارد. بعضی از کارشناسان اما به سلامت آب شرب شک دارند و می گویند حتی اگر آب شرب شهری و روستایی سالم هم باشد به جهت فرسوده بودن لوله های انتقال و جنس این لوله ها ممکن است مشکلاتی وجود داشته باشد. گروهی آب های بطر شده که تحت عنوان آب معدنی در بازار موجود است را پیشنهاد می کنند. گروه دیگر سلامت این آب های معدنی یا آشامیدنی را هم تایید نمی کنند. دسته ای پیشنهاد می کنند که از آب جوشیده برای آشامیدن استفاده شود، در مقابل تعدادی جوشاندن آب را مساوی با از بین بردن مواد مغذی و املاح آب می دانند! خلاصه تکلیف معلوم نیست کدام آب برای نوشیدن و سلامت انسان بهتر است!



## آب آشامیدنی گیلان از ۶۴۸ حلقه چاه و ۵۵۹ دهنه چشمه تامین می شود



گیلان فردا- ۶۴۸ حلقه چاه و ۵۵۹ دهنه چشمه، تامین کننده آب شرب ۵۲ شهر و یک هزار و ۷۱۲ روستای تحت پوشش شرکت آب و فاضلاب گیلان است.

\*\*\*

مهندس سید محسن حسینی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گیلان پیش تر به خبرگزاری ایرنا گفته بود که در پی یکپارچه سازی شرکت های آب و فاضلاب شهری و روستایی به منظور تامین آب شرب پایدار و مطلوب مشترکان گیلانی، ۳۹ حلقه چاه و ۱۳ دهنه چشمه بهسازی شد.

وی اضافه کرد: از ابتدای یکپارچه سازی آب های شهری و روستایی؛ سه حلقه چاه جدید در خم، خشکبیجار و رشت و ۵ حلقه چاه کمکی در بندرانزلی، فومن، شفت و سیاهکل وارد مدار بهره برداری شد. روی به احیاء و راه اندازی مجدد ۱۲ حلقه چاه در شهرهای رشت، لاهیجان، شفت، رودسر، صومعه سرا و فومن نیز اشاره و تصریح کرد: طی این مدت، ۴ باب مخزن ذخیره و تعدیل فشار آب شرب روستایی در شهرستان های سیاهکل و رودسر احداث و عملیات ویدئومتری ۲۱ حلقه چاه نیز به منظور افزایش آبدی چاه ها انجام شد. حسینی همچنین با اشاره به بهبود کیفیت آب ۲۰۰ روستای استان از ابتدای سال ۹۹ و همزمان با یکپارچه سازی شرکت های آب های شهری و روستایی استان، افزود: در سال جاری به منظور تقویت کمیت و کیفیت آب شرب این روستاها ۳۸۹ لیتر بر ثانیه، آب شرب تولیدی از تاسیسات شهری برای بهره مندی ۱۵۳ هزار و ۹۰۰ نفر جمعیت ساکن روستاها انتقال داده شد. روی بهره برداری از مدول دوم تصفیه خانه بزرگ آب گیلان را یکی از مهم ترین طرح های شرکت آب و فاضلاب جهت تقویت آب آشامیدنی روستاهای استان خواند و گفت: تاکنون یکصد لیتر بر ثانیه از دبی تولیدی مدول دوم تصفیه خانه بزرگ آب گیلان به روستاها اختصاص یافته است. به گفته وی بیش از ۹۹ درصد جمعیت شهری و ۷۷.۳۲ درصد جمعیت روستایی استان گیلان از خدمات آب شرب بهداشتی بهره مند هستند. به گزارش ایرنا، با یکپارچه سازی شرکت های آب و فاضلاب شهری و روستایی و برنامه ریزی برای استفاده از تاسیسات آبرسانی مشترک در راستای بهبود خدمات به روستاییان همزمان با راه اندازی فاز دوم تصفیه خانه بزرگ آب گیلان، مقرر شده است در وهله اول روستاهای واقع در مسیر خطوط انتقال از آب تصفیه خانه به جای آب چاه، که بعضا به واسطه آهن و منگنز بالا دارای کیفیت پایین تری بودند، بهره مند شوند.



## آب آشامیدنی یا آب معدنی مسئله این است!!!



محمدر حمانی\*

گیلان فردا- سالها قبل وقتی این فکر به ذهنمان می رسید که برای خرید آب باید پول پرداخت شود یا هر دوست و آشنایی که از فرنگ می آمد در میان خاطراتش به خرید بطری آب از یک مارکت اشاره می کرد، در ذهن مان کمی خنده دار بنظر میرسید. اما اکنون پس از گذشت حدود سه دهه یکی از صنایع پر جنب و جوش کشور با حضور برندهای مختلف آب در ابعاد، اشکال و اندازه های مختلف با جذابیت های زیاد در بسته بندی و رنگ بندی های متنوع را تجربه می کنیم که محصول نهایی این صنعت را تبدیل به یکی از حساس ترین و استراتژیک ترین صنایع موجود در بازار کرده و بی شک یکی از خاص ترین صنایع در رسته بسته بندی است.

اما بحث اساسی و جذاب این روزها در کنار تفکیک کارخانه جات تولیدی آب معدنی و آب آشامیدنی قیمت سرسام آور آن است!

با توجه به قیمت مواد مصرفی برای تولید این محصول اعم از پرفیورم، درب، لیبیل، شیرینگ و هزینه های کارگری این کالای همیشه در دسترس و ارزان و قابل استفاده برای تمامی افراد جامعه فارغ از هر سطح در آمدی را تبدیل به یک کالای لوکس و گرانبه کرده که خرید آن فی الحال بیشتر برای خانواده هایی با سطح در آمد متوسط به سمت بالای جامعه صورت می پذیرد. اما آن چیزی که پس از سه برابر شدن قیمت آب ها از اسفند ۹۸ تا اسفند ۹۹ بیشتر مشهود است، افزایش قیمت مواد اولیه است که تامین آن توسط تولید کنندگان آب های معدنی و آشامیدنی را به چالش بزرگی تبدیل کرده است. چرا که نه تنها این افزایش قیمت سود بیشتری برایشان ارمان نیاورده بلکه تاثیر مستقیمی بر فروش شرکت ها گذاشته و آن ها با مشکلات زیادی برای بازگشت سرمایه مواجه شده اند. البته این هزینه های ثابت تولید برای همه شرکت های آب معدنی و آب آشامیدنی یکسان است. اما سوال اصلی این است که آیا اقبال مردم برای خرید آب های معدنی (Mineral water) بیشتر است یا آب های آشامیدنی (potable water) و این انتخاب مهم بر اساس چه نشانه هایی صورت می پذیرد؟

آب های معدنی عمدتاً از منابع آب، مانند چشمه ها و نقاط حفاری شده از سفره های آب زیر زمینی مستقیماً و بدون هیچ تغییر و تحولی بسته بندی می شوند و بسته به شرایط جوی در فصول مختلف سال دارای درصد املاح متفاوت هستند. اما آب های آشامیدنی پس از استحصال از منابع آب مانند چاه های نیمه عمیق و آب های زیر زمینی و قنات، فرآوری، املاح و مواد موجود در آن کنترل و املاح زاید آن گرفته شده و پس از طی چند مرحله عاری از هرگونه باکتری و میکروب می شوند. بی شک اکثر قریب به اتفاق برندهای تجاری معروف جزو گروه آب های آشامیدنی هستند. از آنجایی که مصرف دایم آب های معدنی توصیه نمی شود، بیشتر مردم گرایش به آب های آشامیدنی دارند که با اعمال روش های تصفیه آب، نظیر استفاده از اوزن و گذراندن آب از مقابله اشعه ماورای بنفش تحت شرایط خاص در بطری های پاکیزه و نفوذ ناپذیر و مناسب بسته بندی می شوند. هر چند بدیهی است که آب های معدنی و آشامیدنی هر دو جزو خانواده آب های سالم هستند. اما جذابیت هایی در رنگ بندی و اشکال مختلف و نوع بسته بندی تبلیغات محیطی حتی ترفند های بیشتر در فروش، اعم از پیشنهادات و آشناتین های ملموس تر و کم و بیش توصیه های پزشکی سمت و سوی خرید مردم را به سمت آب های آشامیدنی برده است.

امید است با تثبیت قیمت مواد اولیه، تولید کنندگان آب های سالم اعم از معدنی و آشامیدنی بتوانند با مدیریت صحیح هزینه ها و قیمت گذاری مناسب و مصوب یارای عرضه فراوان و با قیمت متعارف را داشته باشند، تا همه اقشار جامعه در صورت تمایل بتوانند از این آب ها استفاده کنند. چرا که بی شک مردمان سرزمینمان سزاوار توجه و احترام هستند.





فاطمه صابری

# آن‌ها فقط یک مشت عدد نیستند

و حالا دسترسی به آموزش آنلاین هم برایشان آرزویی دست‌نیافتنی است. تعدادی از آن‌ها حتی به تلویزیون هم دسترسی ندارند. هرچند مدیران آموزش و پرورش می‌گویند که این دانش‌آموزان با استفاده از درس‌نامه‌های کارشناسان به تحصیل ادامه می‌دهند.

## نفاوت کیفیت آموزشی شهر و روستا

حتی اگر بپذیریم که برای تعدادی از دانش‌آموزان چنین تمهیداتی صورت گرفته است ناگفته پیداست که شمار زیادی از این کودکان و نوجوانان با توجه به سطح سواد اطرافیان برای یادگیری در شرایط بسیار سختی قرار دارند و احتمال اینکه به جمع ۹۰۰ دانش‌آموز از تحصیل بازمانده‌ی دیگر بپیوندند بیشتر از شانس ادامه تحصیل‌شان است.

نباید فراموش کرد که تا پیش از کرونا هم به دلیل ضعف بودن نظارت کمی و کیفی آموزش و پرورش روی شرایط تحصیلی برخی مناطق روستایی و بیلاقی، کیفیت تحصیلی و یادگیری شمار قابل توجهی از آن‌ها با کودکان هم‌درس‌شان در مناطق شهری نازل‌تر بود.

## ۳۰ درصد دانش‌آموزان ایرانی امکان آموزش آنلاین ندارند

حالا آمارهای نگران‌کننده‌ای از سوی مدیران ارشد آموزش و پرورش و برخی گروه‌های مدنی فعال در حوزه‌ی کودکان

گیلان فردا- «زور کرونا هم به ما بیشتر از پولدارا می‌چربه» گوینده این جمله نرگس زنی ۴۲ ساله با ۲ فرزند دانش‌آموز است. با گذشت ۵ ماه از سال تحصیلی، فرزندانش نه رنگ مدرسه را دیده‌اند و نه پولی در بساط داشت که برای آن‌ها گوشی هوشمند یا تبلت خریداری کند.

نرگس با همسری درگیر اعتیاد تا پیش از کرونا با کارهای خدماتی و حمایت‌های گروه‌های خیریه تلاش می‌کرد تا بر سفره‌ی فرزندانش بگذارد. حالا می‌گوید کرونا همان روزی گنجشکی را هم از ما دریغ کرده و به جز غم نان حالا درد دوربودن بچه‌هایم از مدرسه را هم دارم.

این مادر توضیح می‌دهد که بارها به مدرسه فرزندش رفته و از آن‌ها تقاضای کمک کرده است. اما آن‌ها گفته‌اند توان و امکانی برای قرار دادن لوازم آموزشی هوشمند به دو فرزندش که در این مدرسه تحصیل می‌کنند را ندارند و به خاطر کرونا امکان بازگشایی مدارس هم ممکن نیست.

مدرسه فرزندانش نرگس نه در ارتفاعات رودبار قرار دارد و نه بیلاقات تالش و رودسر. دو فرزند ۹ و ۱۱ ساله‌اش در حال تحصیل در یکی از مناطق حاشیه‌ای رشت هستند.

قصه‌ی این زن و فرزندانش طی یک سال گذشته گستره‌ای دارد به وسعت گیلان و ایران. جایی که میلیون‌ها دانش‌آموز، امن‌ترین و متعارف‌ترین حقوق دوران کودکی و نوجوانی‌شان یعنی رفتن به مدرسه و تحصیل را از دست رفته می‌بینند.

## بدرسپرستی، فقر و کرونا دشمنان تحصیل

«۹۰۰ دانش‌آموز در شهرستان تالش از تحصیل بازمانده‌اند.»

گوینده این جمله سید مرتضی مختاری مدیر آموزش و پرورش تالش در جلسه هشتم دی‌ماه ۹۹ شورای آموزش و پرورش است.

به گفته او این دانش‌آموزان به دلایلی چون بدسپرستی، کار و ازدواج از تحصیل بازمانده‌اند. البته این تعداد دانش‌آموز به جز کودکان و نوجوانان این شهرستان هستند که بعد از شیوع ویروس کرونا تحصیل برایشان دشوارتر از قبل شده است. کودکانی که به دلیل زندگی عشایری و بیلاقی نشین بودن والدین هرگز شانس آموزش حداقلی را هم نداشته‌اند





عکس: ایسنا | مزده موذن زاده

و نوجوانان پیرامون خطر بازماندن از تحصیل شمار زیادی از دانش آموزان بعد از شیوع ویروس کرونا منتشر می شود. اظهاراتی مانند آنچه بیست و سوم دی ماه از زبان معاون وزیر آموزش و پرورش مبنی بر اینکه حدود ۳۰ درصد دانش آموزان ایرانی از وسایل هوشمند برای حضور در آموزش آنلاین بی بهره هستند.

طبق همین آمارها جمعیت این دانش آموزان حدود سه میلیون نفر است. سیدجواد حسینی معاون وزیر آموزش و پرورش توضیح داده به جز این سه میلیون دانش آموز که از اواسط شهریورماه تاکنون علاوه بر فراموشی مفهوم مدرسه، امکان دسترسی به آموزش آنلاین را هم از دست داده اند حدود دو میلیون کودک هم به علت کمبودهای مالی در خانواده تنها می توانند تا یک ساعت محدودی از گوشی و تبلت والدین شان استفاده کنند.

### فقر، مرز ندارد

تعدادی از همین دانش آموزان بازمانده از تحصیل و یا محروم از مدرسه و تجهیزات ارتباط جمعی در همین گیلان ما زندگی می کنند. به جز دانش آموزان ۱۰۳ مدرسه در ۸۴ روستای گیلان که عمدتاً در تالش، رودبار، رودسر، املش و لنگرود روزگار می گذرانند و به شبکه ملی اطلاعات و اینترنت دسترسی ندارند، در ششمین ماه سال تحصیلی کلاس های زیادی حتی در رشت، مرکز استان گیلان در شبکه ی شاد تشکیل می شود که در آن شماری از دانش آموزان هر کلاس هنگام تدریس آنلاین معلم غایبند. مواردی که پس از بررسی مدیر و معلم روشن کرده، دانش آموز به دلیل فقر مالی خانواده به تکنولوژی آموزشی دسترسی ندارد. این دانش آموزان کم بضاعت یا کسانی که به دلیل شرایط زندگی والدین خود در جغرافیایی زندگی می کنند که از امکانات حداقلی محرومند ماههاست از حق تحصیل و یادگیری دور مانده اند. اینکه قرار است این ماجرا تا چه زمانی ادامه پیدا کند روشن نیست. چون زمان رسمی برای واکسیناسیون سراسری کرونا در ایران تعیین نشده است.

### دانش آموزان که همچنان از تحصیل دورند

در شهریور ۹۹ و همزمان با بازگشایی زودهنگام مدارس به دلیل شیوع ویروس کرونا، اعلام شد که ۳۹۳ هزار و ۴۰۰ دانش آموز گیلانی برای حضور در سه هزار و ۸۵۷ مدرسه با ۱۸ هزار و ۶۵۵ کلاس درس ثبت نام کرده اند. کمی بعد اعلام شد که حدود ۳۰ درصد دانش آموزان روستاهای گیلان به دلیل نداشتن گوشی هوشمند و تبلت امکان آموزش مجازی را ندارند. از آن زمان تاکنون که حدود ۶ ماه از سال تحصیلی گذشته است همچنان خبرهایی مبنی بر اهدای تعدادی گوشی یا تبلت هوشمند به دانش آموزان محروم، در فضای مجازی دیده می شود.

### تلاش برای کم کردن حق تحصیل با آمارسازی

ناگفته پیداست که با اهدای چند تبلت تنها مشکل تعداد کمی از دانش آموزان حل می شود که البته در جای خود ارزشمند است. اما اینکه هزاران دانش آموز از رشت مرکز استان تا روستاهای مختلف گیلان بعد از شیوع ویروس کرونا به مشتی آمار و ارقام و درصد تبدیل شده اند نگران کننده است. چون تعدادی از مقامات با تاکید بر نرخ استفاده دانش آموزان از فرصت آموزش مجازی، دانش آموزان محروم مانده از این موضوع را به حاشیه ی فراموشی کشانده اند.

درحالی که سرنوشت هر کودک و نوجوان بازمانده از تحصیل بر آینده خود، خانواده و محیطی که در آن زندگی می کند و یا در آینده رهسپار آن خواهد شد، تاثیرگذار است. دانش آموزان بازمانده از تحصیل به دلیل ویروس کرونا یا مشکلات مختلف و ریشه دار،

فرزندان این آب و خاکند و طبق اصل سی ام قانون اساسی ایران به عنوان میثاق ملی «دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.» تردیدی نیست که شرایط ایران هم مانند جهان به دلیل شیوع ویروس کرونا غیرعادی شده است. اما کودکان خانواده های کم درآمد یا ساکنان مناطقی از ایران که به شبکه اینترنت دسترسی ندارند، نباید به ورطه ی فراموشی سپرده شوند.

در این بین نگرانی ویژه تر برای دختران کم سن و سال در بعضی مناطق است که در صورت عدم امکان تحصیل به سمت ازدواج سوق داده می شوند. موضوعی که آینده ی مبهمی روی روی این کودکان و نوجوانان قرار خواهد داد.

### کودکانی که به جای مدرسه به محضر می روند

طبق آماري که از سوی ثبت احوال گیلان رسانه های شد از فرودین تا آذر سال ۹۸ در گیلان، ۲۹۵ ازدواج برای دختران زیر ۱۵ سال و ۲۹۹ ازدواج برای پسران زیر ۱۹ سال ثبت شده بود. تصور اینکه، کودکان ازدواج کرده باز هم ادامه تحصیل می دهند کمی دور از ذهن است. چون در شرایط طبیعی، کودکی که طبق قانون و عرف چند دهه اخیر باید تحصیلات مقدماتی را پشت سر بگذارد پای سفره عقد می نشیند، به پشت نیمکت های مدرسه بر نخواهد گشت.

### وقتی بازمانده از تحصیل، تفسیر می شود

حالا فعالان اجتماعی بیم آن دارند که در سال تحصیلی آینده از شمار دانش آموزان کلاس ها کاسته شود. دانش آموزانی که عمدتاً خانواده هایی درگیر فقر دارند و تا اینجای کار گفته شده است جمع شان به حدود پنج میلیون دانش آموز می رسد که به دلایل مختلف از وسایل هوشمند آموزش بی بهره هستند.

آمار رسمی دانش آموزان بازمانده از تحصیل در حالی است که سال گذشته و وقتی هنوز خبری از کرونا نبود آموزش و پرورش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل را فقط ۲ درصد کل دانش آموزان اعلام کرده بود که رقم ۱۴۷ هزار نفری را شامل می شد. اما همان ایام انجمن حمایت از حقوق کودکان تاکید کرد که آمار واقعی کودکان بازمانده از تحصیل در ایران یعنی کودکان از سن عوینم تا ۱۸ سال حدود یک میلیون دانش آموز را شامل می شود. یکی از موارد استنادی منتقدان آمار آموزش و پرورش، سرشماری سال ۹۵ کل کشور است. براساس این سرشماری ۴۳۱ هزار و ۵۱۳ نفر در حالی به عنوان بیسواد ثبت شده اند که در سن تحصیل هستند.

حالا این موضوع را در کنار ادعای سال ۹۶ مهدی حاجتی مدیر کل وقت آموزش و پرورش استان گیلان قرار دهید که اعلام کرده بود در سال تحصیلی ۹۶ در هیچ جای استان گیلان دانش آموز بازمانده از تحصیل نداریم.

در چنین شرایطی شاید یادآوری حقوق انسانی دانش آموزان استثنایی استان گیلان، برای مدیران فاقد اولویت بررسی و رسیدگی باشد. این دانش آموزان که عمدتاً به دلیل شرایط خاص شان از دسترسی به آموزش مجازی محروم هستند قرار است با بسته های آموزشی در فضای مدرسه باقی بمانند.

### بازگشایی مدارس: شاید وقتی دیگر

چشم انداز سال ۱۴۰۰ و چالش هایی که بر سر تهیه واکسن کرونا در ایران وجود دارد به ما نشان می دهد که انتظار بازگشایی مدارس نه تنها تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ دور از ذهن است که حتی برای بازگشایی مدارس در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ هم اما واگرهایی وجود دارد.

این که تا آن موقع تکلیف دانش آموزان بازمانده و دورمانده از تحصیل چه می شود فقط قصه ی پرغصه ی کودکان و خانواده هایشان نیست. بلکه آینده ی این دانش آموزان و گره گشایی از مشکلات شان باید به امر ذهنی و عینی مدیران و جامعه هم تبدیل شود. چه این قبیل آسیب ها فردی نیست و در آینده ای نه چندان دور زبان های زیادی متوجه جامعه هم می شود.







دکتر سید هاشم موسوی\*

# فرهنگ، طرز رفتار و خلیات و تعاملات ما با یکدیگر است

به نام او که گنج پنهان است و مجنون دلها

می گویند: «هر جا که قلب تان هست آنجا گنج تان را پیدا خواهید کرد» من سال های زیادی از عمرم به دنبال گنج بودم، بیخود نبود که بعضی دوستان روزهای کودکی از سر شوخ طبعی اسم من را گنج بانو<sup>۱</sup> گذاشته بودند. من زاده شهر نبودم، روستازاده ای بی نام و نشان بودم که شوق وزیر شدن هم در سر نپرورده بودم. به حکم این سخن سعدی شیراز که در کتاب گلستان نگاشته است:

روستازادگان دانشمند به وزیری پادشاه رفتند  
پسران وزیر ناقص عقل به گدایی به روستا رفتند  
من در دل جنگل و کوهستان زاده شدم، تمام تپه ماهورهای مارلیک را جستجو کرده و زیر درختان زیتون را گشته بودم، اما هرگز آنچه را که می خواستم نیافته بودم. آخر به دنبال گنج بیرون نبودم، من در پی گنج درون بودم.

با ادبیات مانوس شدم، مولانا که همیشه صدرنشین ذهن من بوده است با این سخن مسحورم کرد:

ای نسخه نامه الهی که تویی  
وی آینه جمال شاهی که تویی

بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست  
در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

بعدها که علوم اجتماعی و مردم شناسی خواندم و کارل گوستاو یونگ را شناختم، این سخن او را آویزه گوش قرار دادم که گفته بود: «آنگاه به روشنایی خواهی رسید که به درون قلب خود بنگری، آن که به بیرون می نگرد وهم و اوهام می بیند و آنکه به درون می نگرد به گنج بیداری و روشنایی می رسد». آنجا بود که راهم را شناختم و با گنج یاب قلبی که در سینه داشتم و نقشه راه و گنج نامه و با شور و اشتیاقی زایدالوصف سفری ماجراجویانه را آغاز کردم.



روح همچنان در خیال تحقیق و پویای فرهنگ گیلان در کوی و برزنها و کوره راههای دور پرسه می زد.

**وادی چهارم** که بر سر راه دیدم همراهی و همکاری در اجرای پروژه «موزه میراث روستایی» گیلان بود که آن خود فرصتی مغتنم بود تا با مفاهیم و یافته های جدید و سازه های بنیادین و نمادین سنت و فرهنگ و میراث بر جا مانده روستاهای گیلان آشنایی نزدیکتر و ملموس تر بیدانم.

**وادی پنجم** که به آن گام نهادم همراهی با شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بود که همراه شد با زایش و تولد فرزندی برومند به نام فصلنامه وزین و فاخر «فرهنگ گیلان» که آن را با همکاری یاران غار منتشر کردیم، گرچه بعد از ما که حکم پدرخوانده ای آن فرزند رعنا و رشید (فصلنامه فرهنگ گیلان) را داشتیم از بدسگالی روزگار و بدعهدی ایام، گویا به دست فراموشی سپرده و به ایتم خانه نسیان فرستاده شده بود!!

**وادی ششم** که بر آن گذر کردم حشر و نشر با مجله «گیلهوا» و رفتن به دفتر نشریه و دیدار با مدیر مسوول آن جناب جکتاجی که خود رند خرابات بود و مرد سطح و طامات؛ و سردبیر سربدار آن هوشنگ عباسی که خرابات نشین بود و مردی دلنشین، برای ما که سالکان طریقت فرهنگ گیلان بودیم و کشتی نشستگان بحر گیل و دیلم.

**خان ششم** همسایگی ما با آرامگاه میرزا کوچک خان، هم از یک سو برایمان مایه مباحثات و برکات بود و هم از دیگر سو مسوولیت آور، چنانکه در سفرمان به فرنگ دیدیم

**نخستین وادی** که بر آن گذر نمودم حضور در دانشگاه تهران و شاگردی بزرگان مردم شناسی ایران همچون دکتر محمود روح الامینی که پیر دیر مغان بود و من که از دیو و دد ملول بودم و انسان آرمانی ام آرزو بود، سالها «گرد شهر با چراغ»<sup>۲</sup> گشته بودم تا انسانی همانند او را پیدا کنم و بعد از آن که او در گوشم خوانده بود سر بنه آنجا که باده خورده ای، در اولین سمینار «بررسی فرهنگ و ادبیات گیلان» که در روزهای اول و دوم شهریور ۱۳۷۲ در تالار دکتر معین دانشگاه گیلان برگزار شد، ملاقات با پیران طریقت، بزرگان، مفاخر و مشاهیر فرهنگ گیلان را نصیبم ساخت. بادم می آید آن روزها چنان از دیدار این رندان خرابات و مرشدان کوی فرهنگ و ادب این سرزمین به وجد آمده بودم که به همین مناسبت مقاله ای در جریده کادح به تاریخ ۱۹/۱۳۷۲ / آبان / شماره ۳۴ نوشتم و از ضرورت ایجاد پژوهشکده گیلانشناسی سخن به میان آوردم.

**وادی دوم** که بر آن پا نهادم حضور یافتن در نشست های هفتگی خانه زنده یاد دکتر فائق نازنین و انجمن مهرورزان بود، آن خانه، خانه رویاهای خیال انگیز من بود و در آن خانه بود که فرهنگ گیلان دل از من ربود و قلب گنج یابم را به سمت خود به نوسان درآورد و این عشق جانسوز امروز هم که به پیرانه سری رسیدم دست از سرم برنداشته است و آنجا بود که کشتزار روح و روانم شخم خورد و دانه فشانای شد و بعدها به بار نشست.

**وادی سوم** که به آن داخل شدم به مشورت پیر مغانم، پوشیدن ردای طریقت و خرقه ای معرفت خانقاه دانشگاه از دست پیر آن، دکتر فاروق خرابایی که خود صوفی درد کشیده و دُرد چشیده این طریقت بود و سر سلسله صوفیان و سر حلقه پیرمغان؛ در روزهایی که من شاگردی درویش بودم و او شیخی عمارت نشین و شاه نشین! و این اتفاق میمون مصادف بود با سال ۱۳۷۳ و در آمدن من در جرگه دانشگاه گیلان و شروع فعالیت آموزشی ام. هر چند باید اعتراف کنم در آن سالها تنها جسم و ذهنم در کلاس درس حضور داشت قلب و

به نام من عاشق زندان! و مسؤولیت تشکیل پژوهشکده گیلانشناسی را بر عهده‌ام قرار دادند و آنجا بود که باید از تمام تجارب و ره توشه وادیها بهره می‌جستم و آستین‌ها را بالا می‌زدم و قدم به میدان کارزار می‌نهادم. پژوهشکده گیلانشناسی در ابتدای خیابانی منتهی به مجموعه آرامگاه میرزا کوچک در محله سلیمان‌آباد قرار گرفته بود که به دلیل ازدحام دستفروشان در دو طرف آن، چشم‌انداز ناخوشایند و نامطلوبی بوجود آورده بود؛ احساس کردم.



**خان اولی** که باید از آن عبور نمایم سر و سامان دادن به این وضعیت ناخوشایند بود. به عنوان اولین کار، شهردار وقت رشت، دکتر محمدعلی ثابت قدم که جوانی خوش ذوق و نوگرا و خوش محضر بود را برای چای عصرانه‌ای به پژوهشکده گیلانشناسی دعوت کردم و دو خواسته‌ام را با او در میان گذاشتم.

**اول** - ساماندهی وضعیت دستفروشان ابتدای خیابان پژوهشکده گیلانشناسی تا آرامگاه میرزا کوچک،  
**دوم** - ساخت پیاده‌روی سنگفرش و نامسازی آن به سبک رشت قدیم، چنان که شایسته و در خور این مجموعه فرهنگی باشد. ایشان خلاف وعده و وعید دادن برخی مسوولان، در کوتاه‌ترین زمان ممکن این خواسته را چون غول چراغ جادو برآورده نمودند.

**خان دوم** در بدو ورود احساس کردم چنین پژوهشکده‌ای نمی‌تواند بدون یک کتابخانه تخصصی چندان در کار تحقیق و پژوهش، عروس بخت را به کابین تخت در آورد! این بود که در کنار کتابهای اهدایی کتابخانه دکتر معین، استاد عباسیه کهن، دکتر فاروق خرابی، عبدالعظیم یمینی، استاد محمدتقی میرابوالقاسمی، مهندس کوچکی‌زاد و... خرید کتابهای گیلانشناسی و مردم شناسی و موضوعات مرتبط را اولویت نخست کارمان قرار دادیم و در این راه توفیقات فراوان حاصل کردیم.

**خان سوم** هایدگر می‌گوید: «آزادی در این است که باز باشید و هر پدیده را بدون قضاوت ببینید»، ما این سخن هایدگر را دیپلماسی خودمان برای شروع فعالیت در پژوهشکده گیلانشناسی قرار دادیم و سیاست درهای باز را در پیش گرفتیم و آدمها را بدون قضاوت کردن و لیبیل و برجسب چسباندن با روی گشاده پذیرا گشتیم. نخبگان و فرهیختگان و صاحب قلمان بسیاری بودند که به دلیل بی-مهری‌ها و نادیده انگاشتن‌ها و ناشکیبایی‌ها، روی از خلق تافته و در عزلت خود گوشه‌ای اختیار کرده و در به روی جمع بسته بودند، صلاح کار در آن دیدیم به اندرونی عزلت‌خانه‌های یکایک‌شان سر بزنیم و از طبع لطیف و حساس آنها استمالت و دلجویی نماییم و آنها را آبرو و اعتبار این مملکت و این دیار برشماریم و اهمال به کار رفته در سالیان پیش را نکوهیدیم و لاجرم اقبال و اشتیاق آنها را برای همدلی برانگیختیم.

**خان چهارم** روزی در دفتر پژوهشکده نشستیم و درباره موضوعی

با حضرت حافظ از سر تفنن تفاعل می‌زدیم: گفتیم که خواجه کی به سر حجله می‌رود؟ گفت: آن زمان که مشتری و مه «قران» کنند دو روز بعد، آنگاه که مشتری و مه «قران» کردند بخت سعید نیز در راه بود و من بی‌خبر از همه جا که:

ز اخترم نظری سعد در ره است که دوش میان ماه و رخ یار من «مقابل» بود و ستاره سعد من در راه بود و دکتر محمدباقری استاد برجسته دانشگاه تهران (سرمدیر مجله وزین تاریخ علم دانشگاه تهران) که دورادور آوازه پژوهشکده گیلانشناسی به گوشش رسیده بود در هیأت خواجه‌ای پر حشمت و جاه ما را به ملاقات سر زده



خود مفتخر نمود و به رسم کریمان دست خالی هم نیامده و پیشنهاد سخاوتمندانه‌ای با خود آورده بود. ایشان فرمودند: در طول سال‌ها توانسته‌ام اسناد و مدارک ارزشمندی از کوشیار گیلانی ستاره‌شناس نام‌آور گیلانی به دست آورم و اکنون با شنیدن نام و آوازه پژوهشکده گیلانشناسی با خود گفتم چه جایی بهتر از اینجا که هم فال است و هم تماشا ...  
چه خوش بود که به یک کرشمه دو کار

زیارت شه عبدالعظیم و دیدن یار

من که از کرم و سخاوت حضرت استاد سر از پا نمی‌شناختم پیشنهاد او را با دل و جان پذیرا گشتم و با آن که به دلیل شرم ذاتی و محجوب بودن هرگز روی درخواست از کسی را نداشتم اما نمی‌دانم چگونه با سماجت و بدون خجالت به ایشان عرض کردم: من مرکز کوشیارشناسی را در پژوهشکده راه‌اندازی می‌کنم اما به یک شرط (لا بد حضرت استاد در دل‌شان گفته بودند این دیگر کیست؟! دندان اسب پیش کشی را هم مگر می‌شمارند؟! ) و ایشان با تعجب پرسیدند، چه شرطی؟  
گفتم به این شرط که در روز افتتاح مرکز کوشیارشناسی قول بدهید یک ساعت آفتابی در محوطه پژوهشکده گیلانشناسی نصب نمایم و استاد با روی گشاده قبول کردند. دو روز قبل از افتتاح مرکز گیلانشناسی در بهمن ماه ۱۳۹۳ ایشان ساعت آفتابی زیبایی در محوطه پژوهشکده نصب کردند که اشک شوق ما و رشک رقیبان را برانگیخت. خان پنجم به یاد دارم در غروب غم‌انگیز تفرج کنان با یکی از دوستان در بوستان نشسته بودیم و پا بر چمن نهاده که یاد این دو بیتی خیام افتادم و خواندم:

هر سبزه که بر کنار جویب رُسته است  
پا بر سر سبزه تا به خواری نهدی  
جویی ز لب فرشته خوبی رُسته است  
کان سبزه ز خاک لاله رویی رُسته است

و این بر به خیالی دور و دراز فرو برد که به روزگاری که حلقه‌نشین خانقاه و قیل و قال درس و مدرسه و دانشگاه مراد از چشمه‌سار معرفت دکتر عسگری خانقاه می‌نوشیدم و انسان آرمانی‌ام را می‌جستم؛  
**خانم پنجم** اول‌بار او بود که آن سوی پرده انسان و انسان‌شناسی را بر من گشود تا نادیده‌ها و ناشنیده‌ها را دریابم و انسان را نه پی و استخوان که معدن ملاحظت و کان حلاوت بدانم. از دیرباز رویای ایجاد آزمایشگاه انسان‌شناسی زیستی در ذهن و ضمیرم خانه کرده بود و مقارن آن یکی از دوستان قدیم که رفیق گرمابه و گلستان هم بودیم از بخت روزگار مستوفی و مستشارالدوله بودجه‌بندی و بودجه‌ریزی گیلان شده بود ما نیز که هنری جز سخن‌دانی و شکرریزی نداشتیم به فرموده جمالزاده که "فارسی شکر است!" که اگر فارسی شکر است، گیلکی دوشاب و شراب است! به رسم قدیم کاسه خالی لاجوردی خود را نزدش بردیم و از رویای بزرگمان برایش داستانها گفتمیم و او که چون من خود از دلدادگان و دلشدگان فرهنگ گیلان زمین بود، کاسه لاجوردی ما را از جود و کرم خود لبریز و سرریز نمود تا مهبای این مهم شویم. پس از تهیه مقدمات کار توفیق رفیق راهمان شد تا در شهریور ۱۳۹۵ برای نخستین بار آزمایشگاه انسان‌شناسی زیستی را در پژوهشکده گیلانشناسی افتتاح نماییم و شانس بر در خانه‌مان یک دم دق‌الباب می‌کرد که انسانی عاشق و عالم چون دکتر محمدرضا اقدامی با رویی گشاده در را به روی ما گشود و این مسوولیت را قبول نمود.

**خان ششم** همسایگی ما با آرامگاه میرزا کوچک‌خان، هم از یک سو برایمان مایه مباحثات و برکات بود و هم از دیگر سو مسوولیت‌آور، چنانکه در سفرمان به فرنگ دیدیم در همه کشورها آرامگاه چنین مردان وطن‌پرستی با موزه‌های زیبا و مجموعه اسناد مزین شده است، اما آرامگاه میرزا فقیرانه در گوشه‌ای مانده و فاقد چنین مرکز اسنادی بود. هر روز که می‌خواستیم به پژوهشکده پای گذارم احساس می‌کردم میرزا در گوشه آرامگاهش ایستاده و با آن هیبت جنگلی‌اش و چشم‌های سبز عسلی‌اش (کاس چوم) به من خیره مانده است!

دوستان من با تشخیص این مهم، مرا در بازگشایی مرکز اسناد جنبش جنگل مورد التفات قرار دادند، و با جمع‌آوری مدارک و اسناد داخل و خارج کشور موفق شدیم مرکز اسناد جنبش جنگل را در سال ۱۳۹۳ افتتاح نماییم و دکتر عباس پناهی مدیر گروه تاریخ دانشگاه گیلان مسوولیت این مرکز را عهده‌دار گشتند.

**خان هفتم** که هنوز در رویای وصال‌شان هستیم تهیه و تدوین نخستین اطلس جامع مردم شناسی برای گیلان است، و راه‌اندازی کتابخانه مجازی، تهیه و تدوین اطلس آناتومی گیلانیان در آزمایشگاه انسان‌شناسی، راه‌اندازی سایت کتابخانه و تارنمای پژوهشکده گیلانشناسی و آزمایشگاه انسان-شناسی زیستی و...

پر واضح است که من به سر منزل این توفیقات به تنهایی ره نبرده‌ام و همکاران و دوستان شفیق بسیاری در این راه پر تلاطم و پرنشیب و فراز، در کنار من بودند که اگر یاری و حمایت و کرامت آنان نبود من در همان خان اول در جا زده بودم.

سروران من از جمله ریاست محترم دانشگاه گیلان (که پژوهشکده

گیلان‌شناسی در زیر نگین پادشاهی اوست) معاون محترم پژوهشی دانشگاه، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، که اقامت دایم قلب‌مان را اخذ نموده‌اند! تیم همکار من در پژوهشکده گیلاتشناسی و ...

من به سر منزل عقان نه به خود بردم راه قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم

امروز آوازه پژوهشکده گیلاتشناسی دانشگاه گیلان نه فقط در گیلان و ایران بلکه در ورای مرزهای ایران، در آن سوی آنها نیز شنیده می‌شود و مورد رجوع و وثوق محققان و پژوهندگان کشورهای پیشرفته اروپایی نیز است و محققان برجسته‌ای همچون کریستیان برومبزه که برجسته‌ترین گیلاتشناس حال حاضر دنیاست به عنوان عضو پیوسته پژوهشکده و مشاور، با پژوهشکده گیلاتشناسی همکاری تنگاتنگ و مستمری دارند. ما در پژوهشکده گیلاتشناسی برخلاف مراکز استان‌شناسی که اغلب مطالعات و تحقیقات نظری انجام می‌شود، هم در حوزه مطالعات و تحقیقات نظری و هم در مطالعات میدانی فعالیت داشته‌ایم و در حوزه تولید علم بومی حرف‌های نویی برای گفتن داریم.

ما همچنین از گفتمان هویت و سنت نیز غافل نبوده‌ایم و بسیاری از آیین‌های سنبلیک با خاستگاه ملی و محلی را وارد گفتمان خود نموده‌ایم، از جمله آنها آیین نوروز (ملی)، نوروز شبانی (بومی)، شب یلدا و ... است.

البته که همیشه باد شمال و موافق نوزیده و گاهی ابرهای سیاه آسمان سینمان را به سیطره خود در آورده! زمان‌هایی که از منجیق فلک سنگ فتنه می‌بارد و از پریشانی روزگار به جان می‌آیم وقتی پا به پژوهشکده می‌نهم گویی کودکی هستم که تنها در آغوش گرم مادر به آرامش و آسایش می‌روسم. در این زمانه که لشکر بیداد سر می‌شکنند! و رقیبان دل می‌شکنند! چه جایی بهتر از آغوش گرم تحقیق و پژوهش و کتاب و قلم؟!

در چنین روزگاری آیا جز فرهنگ و ادبیات، هنر، تحقیق و مطالعه چه چیز دیگری می‌تواند پناهگاه و مأمن ما انسانهای شوریده حال باشد؟ جز این به کجا می‌توان پناه برد و ساعتی به دور از غم ایام آسود؟! به قول نیما: به کجای این شب تیره بیاویزم قبابی زنده خود را؟

در تمام طول این سالها جوهر جان و جنم من چه به عنوان یک مردم‌شناس و چه به عنوان یک معلم، عشق ورزیدن بدون شرط و بی چون و چرا به مردم سرزمینم و فرهنگ آن بوده و هر اقبالی هم به دست آورده‌ام! «دولت عشق» بوده، نه تنها عشق به نخبگان و فرزاتگان و فرهیختگان که عاشق مردم فرودست و گاه حتی فرومایه نیز بوده‌ام و طعن حریفان و رقیبان را به جان خریدم!

چرا که شخصاً معتقدم داشتن اجداد و پیشینیان و مشاهیر اسمش فرهنگ نیست، این را تاریخ غنی می‌گویند «فرهنگ طرز رفتار و خلقیات و تعاملات ما با یکدیگر است».

اکنون که در دوره گذار به عصر دیگر هستیم بسیاری از یادمانها و کهن‌الگوها و آیین‌ها و مناسک در حال نسیان و فراموشی‌اند. امواج جدیدی در راه است. به تعبیر الوین تافلر در کتاب «موج سوم» و طوفان‌های سهمگین نیز از پی آن دوان! ما می‌توانیم در برابر این امواج خروشان و طوفانهای عظیم، هم سد و دیوار بسازیم و هم آسیاب بادی و آبی! انتخاب با ماست؟!

اجازه بدهید به عنوان یک مردم‌شناس بگویم: براساس نظر کارل گوستاو یونگ در کتاب «کهن‌الگوها» ما انسانها با وجود تفاوت‌های نژادی و مجموعه تفاوت‌های زبانی و فرهنگی - همه دارای یک جوهر مشترک ناخودآگاه جمعی هستیم؛ به تعبیر یونگ این ناخودآگاه جمعی ویژگی مشترک بشریت است و به تمام تفاوت‌های نژادی و برتری جویی‌های نازیستی و مازوخیستی بی‌اعتناست.

پرداختن ما به فرهنگ‌های بومی، محلی، منطقه‌ای و ملی نباید و نمی‌تواند ما را از حافظه جمعی جهانی مجزا و متمایز کند. امروز بشریت به دنبال صلح جهانی، یکدلی، هم‌زبانی و یکرنگی است.

جهان در حال عبور از دوران استیلای کهن‌الگوهای قدیم و پا نهادن به ساحت نوین آگاهی، هشیاری و بیداری است.

ما وظیفه داریم در کنار احترام گذاشتن و بزرگداشتن مواریت گذشته، نگاهی رو به جلو و آینده نیز داشته باشیم و با آغوش باز، تحولات جدید پیش رو را رصد نماییم.

**\*رییس پژوهشکده گیلاتشناسی دانشگاه گیلان**

پی‌نوشت:

۱ - گنج بانو، راسویی کوچک است که بر اساس باورداشت‌های مردم گیلان، لانه اش را در جایی که گنج پنهان شده درست می‌کند.

۲ - «گرد شهر با چراغ» درباره انسان‌شناسی نویسنده دکتر محمود روح‌الامینی

# گیلان به تنهایی قادر است سیصد میلیون جمعیت را به درستی تامین کند



انوش نصر ماسوله\*

**گیلان فردا** - قریب پنجاه سال پیش آن زمان که مستخدم دولت بودم در محل کارم در یک سالن به تعداد پنج نفر همکار وظایف محوله را انجام می‌دادیم.

یکی از روزها جوانی بلند قد و رشید و سیه چرده ای را به ما معرفی کردند به نام شرفی، که بعدها با هم بسیار صمیمی شدیم. مدت‌ها بعد با هم از هر دری سخنی می‌گفتیم. یادم است در یکی از روزها همکارم شرفی، تعریف می‌کرد «من بچه جنوبم، تا قبل از آمدن به گیلان «رشت» هیچگاه این استان را ندیده بودم. روزی که به استخدام شرکت آب منطقه ای درآمدم بلافاصله با یک چمدان عازم رشت شدم.

ساعتی را که با اتوبوس در جاده شمال در حرکت بودیم از پشت شیشه ماشین، طبیعت و مناظر جاده مسیرم را تماشا می‌کردم که یر از جنگل، کوه، پرندگان، شالیزار و صداهای گوش نواز حیوانات بود و پرواز پرندگان در آسمان را می‌دیدم.

این صحنه‌های اعجاب آور فقط یک نشان را در مخیله من نقش بست و آن اینکه وقتی در کتاب‌ها و گفتارها آن زمان که تعریفی از بهشت می‌کردند با تمام چشم اندازهای روح نواز آن یقین کردم که خداوند این سعادت را نصیب من کرد که محل خدمتم در بهشت موعود باشد.

شک نکنید که این حس آن روز من بود که برای اولین بار به سمت جاده گیلان-رشت در حرکت بودم و طی سال‌های بعد پذیرفتم محل خدمتم جایی نیست جز بهشت موعود».

من که شنونده بخشی از خاطرات همکارم بودم که بچه جنوب بودند، رو به ایشان گفتم: «بعضی‌ها بر این باور هستند که مرتضی علی پس از صرف غذا سفره اش را به سمت گیلان تکانید. این گونه شد که امروز وجب به وجب خاک گیلان عزیز همه نوع برکت و نعمت فراوان است، تا این درجه از فراوانی که حسب نظر کارشناسان ارشد جملگی بر این باور هستند که اگر مدیران کارآمد را در راس امور بگمارند گیلان عزیز ما آن توانمندی را دارد که به تنهایی قادر است سیصد میلیون جمعیت را به درستی تامین کند.

با نگارش این دستخط بدین وسیله به پیشواز سال نو می‌روم و با گویش گیلکی به تمامی خوانندگان عزیز مجله گیلان فردا می‌گویم «شیمی عید شیمی ره مبارک ببه، با دلخوشی و جان ساقی»، یعنی عید شما مبارک با دلخوشی و سلامتی.

**\*دکترای هنرهای نمایشی**

مهندس میربازل، طراح و معمار تالار مرکزی رشت:

# تالار مرکزی رشت را به حال خود رها نکنید



**گیلان فردا، سازان فرزانه-مهندس میربازل طراح و معمار تالار مرکزی رشت می گوید:** «با توجه به هزینه سنگینی که برای تالار مرکزی انجام شده نگهداری این مجموعه کار بسیار مهم و حساسی است.

چون در منطقه گیلان بخاطر رطوبت بالا اگر ساختمان درست نگهداری نشود به مرور و زودتر از مناطق دیگر بنا تخریب می شود. وی تاکید می کند: «مسئولین مرتبط در این بخش باید توجه بیشتری داشته باشند. اگر قرار است بخاطر شرایط کرونایی در استفاده از فضای تالار مرکزی محدودیت داشته باشیم، نگهداری مجموعه به صورت کاملاً فنی و مهندسی باید انجام شود.

به این شکل که چند روز در ماه، فضاهای تاسیساتی روشن شود، هوا در مجموعه جریان داشته باشد.

قسمت هایی که ممکن است بیشتر رطوبت پذیر باشد با دقت نظافت شود. دور تا دور ساختمان تالار مرکزی باید زیبا بماند و درست نگهداری شود. در حالی که خودم چند روز پیش رفته بودم آنجا دیدم دور تا دور محوطه تالار از علف های هرز پوشیده شده و کسی آن ها را جمع آوری نکرده است.

## می پرسم چرا تالار را تعطیل کرده اند؟

میربازل می گوید: «آنجا تحویل کارفرما شده و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان نیز چند نیرو در آنجا مستقر کرده است ولی الان بخاطر شرایط کرونایی است که محدودیت ایجاد شده اما این دلیل نمی شود که چنین مجموعه با ارزشی را به حال خود رها کنیم. در واقع در تالار مرکزی همه فضاها آماده بهره برداری است و هیچ مشکلی ندارد و اقداماتی در بخش اعلام حریق نیاز است که آن هم در حال انجام است و کارفرما هیچ منع فنی و ساختمانی برای بهره برداری ندارد.

وی که علاوه بر طراحی و معماری فضاهای فرهنگی و آموزشی شهر در حوزه فضاهای درمانی و بیمارستانی از جمله طراحی بیمارستان فوق تخصصی سوختگی رشت، طراحی بخش اورژانس بیمارستان پورسینا و طرح جایگزین بیمارستان پورسینا که یک مجموعه بزرگ به وسعت ۴۰ هزار متر مربع است که در مراحل طراحی است نیز کار کرده است در پاسخ به اینکه شنیده شده است تالار مرکزی به بخش خصوصی از استانی دیگر واگذار شده است، می گوید: «اینطور نیست.

ممکن است بخشی از فعالیت ها به بخش خصوصی واگذار شود، یعنی با توجه به اینکه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در مجموعه حضور دارد ممکن است بخشی از سالن ها و فعالیت ها به بخش خصوصی واگذار شود، ولی شرایط این واگذاری ها باید براساس قانون مشخص باشد. در هر صورت امیدوارم افرادی که از این مجموعه فرهنگی با ارزش استفاده می کنند واقعا آنجا را مثل خانه خودشان نگهداری کنند.»



COVID-19 PANDEMIC

# اگر دیگران توانستند ما هم می توانیم



محمد تقی مرتاض هجری

**گیلان فردا- سوال عمده و مطرح این روزها که جامعه ایرانی با معضل کرونا روبرو است این خواهد بود که پس از رفع بحران، سمت و سوی جامعه به کدام جهت و در چه محوری پیش خواهد رفت؟ آیا با تغییر نگرش و روش ها و باورهای فردی و عمومی روبرو می شود؟ یا با دگرگونی در بعضی از ساختارهای ناکارآمد، تحول و گشایش در زندگی مردم ایجاد خواهد شد؟ پرسشی از این نمونه زیاد است.**

اما کم نیستند افرادی که با تامل به پدیده ها، رویدادها و با توجه به شرایط زمانی دورنمای آینده را آن گونه که خود

تصور می کنند به تصویر می کشند. دنیایی که هنوز نشانه های روشنی در چشم انداز و افق آن دیده نمی شود. تازه بفرض هم اگر چیزی قابل درک و رویت باشد، آنقدر مبهم و نارساست که مشکل بتوان تغییراتی در شئون زندگی مردم پیش بینی نمود و به تحولی در آینده امیدوار بود. تجربه تاریخی جوامع انسانی در کشورهای پیشرفته نشان از واقعیت هایی دارد که در بسیاری از تحولات و دگرگونی های تاثیرگذار ابتدا به ساکن و بدون پیش زمینه قبلی نبوده است. بلکه انگیزه تغییر در رابطه با مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجود داشته است که توانست در بزنگاه حساس و در موقعیت مناسب، عناصر و معیارهای جدیدی را در هماهنگی با دیگر الزامات، انتخاب و جایگزین مفاهیم گذشته نماید و مسیر جامعه را در جهت اهداف مورد نظر پیش ببرد. جوامع امروزی در مواجه با مسایل و مشکلات پیش روی، برای رفع بحران های ناشی از پدیده های نو پیش از آنکه به سراغ علوم و فناوری بروند، بیشتر به سرمایه اجتماعی می اندیشند و به آن روی می آورند تا در راستای هم اندیشی و همکاری فردی و اجتماعی نه فقط از بهره وری علم و دانش کمک بگیرند، که با استفاده از امکانات علوم انسانی (جامعه شناسی، روانشناسی، فلسفه و...) برای ایجاد مناسبات جدید در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و هنر نیز بهره مند شوند. بی سبب نیست که جوامع مدرن، توانمندی و تجربه سرمایه انسانی را به نوعی علاج و حلال مشکلات می دانند و در جهت شناخت و آگاهی بیشتر مدام به بازاندیشی و ابداع شیوه های مناسب برای زندگی بهتر اقدام می کنند. اهمیت سرمایه اجتماعی از آن روی مهم به نظر می رسد که با داشتن ویژگی های لازم می تواند بر روند تحول اجتماعی در عرصه (نظری و عملی) و شناخت حوزه های تصمیم گیری در رابطه با جامعه موثر واقع شود.

شکی نیست که هر جامعه شرایط متناسب زمان خود را در نظر می گیرد و با علوم انسانی و با دیگر عوامل فرهنگ، دانش و هنر دوران خود شناخته می شود. اگر جایگاه و اعتباری در خور توجه کسب می کند، مربوط به دوره و عصری است که زندگی در آن جریان داشته و توانست به حل عمده مسایل مطرح بپردازد. اصولاً کارایی علوم انسانی را باید برای اکنون و زمان حال سنجد که بتواند به پاره ای از امور مربوط به انسان ها بپردازد، نه برای آینده که با فراهم شدن زمینه علمی جدید و تغییر مناسبات اجتماعی، با تغییر نگرش ها روبرو خواهد بود. اما آنچه ذهن ها را به خود مشغول می سازد در قیاس با دوره های مختلف و شرایط زمانی است که در تحول مناسبات جامعه، علوم انسانی بی تاثیر از آن نخواهد بود. به گونه ای که در دوران معاصر و با تغییرات اساسی در عرصه علوم و فناوری و دانش اطلاعات، علوم انسانی نیز با رویکردی جدید وارد مرحله ای از اندیشه های نو شد. بی تردید زندگی امروزی برای عده ای با سرگرمی های فناوری و اطلاعات رسانه ای در دنیای مجازی فراهم می شود تا لحظات خود را با هیجانان زدگذر نرمانند. طبیعی است که فاصله گرفتن از علوم انسانی برای آنها امری بدیهی محسوب شود. اگر نگوییم همه، حداقل بخش قابل توجهی از توانمندی سرمایه اجتماعی که می توانست صرف امور فرهنگ و هنر و دانش عمومی شود به حاشیه رانده شده است. به عبارتی افراد همان اندازه که از امکانات دنیای رسانه ای استفاده می کنند، مشکل بتوانند از ویژگی های علوم انسانی بهره کافی ببرند. بفرض ممکن هم اگر نیاز به چنین چیزی بود بیشتر از طریق روزنامه، ارسال پیامک ها، اطلاعات رسانه ای دنیای مجازی بود که به آن دسترسی داشتند. می توان گفت سیاست روزمرگی، زبان اصلی افرادی است که از دو سه دهه قبل با کامپیوتر آشنا شده بودند و جای خالی علوم انسانی را با آن پر می کردند. ولی امروزه با نسلی روبرو هستیم که با اینترنت، شبکه های ماهواره ای و رسانه ای و دنیای مجازی بزرگ شده و کمتر به ضرورت نثر و الزامات علوم انسانی در زندگی خود می اندیشد. بی گمان سرمایه اجتماعی در راستای منش ها، رفتارها و خواسته های آحاد افراد جامعه معنا پیدا می کند. اینکه چگونه از علوم انسانی در جهت ارتباط با دیگران در احساس همدردی و مراودات عاطفی و انسانی استفاده نمود و با ارایه راهکارهایی از مصائب و مشکلات مردم کاست و از رویدادها و پدیده های مخرب فاصله گرفت و موقعیت بهتری را برای افراد رقم زد، که انجام همه این امور بالطبع به سرمایه اجتماعی، خرد و اندیشه انسان هایی بستگی دارد که با فراهم کردن ساختارهای جدید و کارآمد، رفاه و آسایش و نهایتاً سلامتی جامعه انسانی را ترویج نمایند. البته کاری است سخت، اما شدنی و امکان پذیر، همانگونه که دیگران و کشورهای مطرح در جوامع مدرن توانستند، چرا ما نتوانیم؟

# داستان یک آغاز به کار

گیلان فردا - سال ۱۳۸۰ بود که فعالیت خبرنگاری ام را بطور افتخاری با بعضی از روزنامه های سراسری شروع کردم. پس از آن در سال ۱۳۸۱ به سراغ نشریات استانی رفتم.

از اولین روزی که بطور رسمی و برای روزنامه گیلان امروز خبر تهیه کردم سال های زیادی می گذرد. یاد می آید اردیبهشت سال ۱۳۸۱، با توجه به دعوت نامه ای که به دفتر روزنامه فکس شده بود به مجتمع فرهنگی خاتم الانبیای رشت رفتم تا از همایشی که سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان برگزار کرده بود خبر تهیه کنم. باید اقرار کنم که آن روز کمی استرس داشتم. قبل از آن اولین گزارش خبری ام را از مدرسه تیزهوشان میرزا کوچک خان تهیه کرده بودم. آن روز وقتی به سالن همایش رسیدم و خودم را به یکی از مسئولین برگزاری همایش معرفی کردم، ایشان خیلی مهربانانه و مودبانه بروشورهایی را برایم آورد و گفت: «بیا خواهر جان، بیا اینجا بشین». آن روز نمی دانستم که این جمله ساده سنگ بنای یک همکاری چندین ساله را پایه ریزی خواهد کرد. از آن روز زمان زیادی می گذرد و همکاری خبری من با سازمان بدون هیچ وقفه ای ادامه پیدا کرده است. اما همکاری من فقط محدود به کار خبری نبود بلکه بارها در طرح های آماری سازمان به عنوان داده آما و کارشناس بازرسی شرکت کردم. در این روند با دوستان و همکاران خوب زیادی آشنا شدم که همواره جزو سرمایه های اجتماعی من محسوب شده و می شوند.

یادم می آید دامنه همکاری ام به عنوان یک خبرنگار و روزنامه نگار گسترده تر شد و در سال ۱۳۸۶ با توجه به صحبت هایی که شد قرار بود کارم را در واحد روابط عمومی سازمان شروع کنم. اما رییس جمهور وقت اعتقادی به نقش مستقل سازمان نداشت و ترجیح داد سازمان را به معاونت استانداری تبدیل کند! طبیعتا شیرازه خیلی چیزها از هم پاشید. بنابراین وضعیت کاری من که هنوز نطفه رسمی آن منعقد نشده بود بلا تکلیف ماند. شاید اگر شخص دیگری جای من بود هزار بار زمین و آسمان را بهم می دوخت تا به مراد خود برسد ولی من شخصیتا اینگونه نبودم. از طرفی آن جایگاه با این جا دو چیز متفاوت بودند. همانطور که بسیاری از مدیران فرهیخته به سوابق کار معلمی و استادی خود می بالند، برای من نیز جایگاه خبرنگاری با هیچ چیز دیگر قابل قیاس نبود. و من همچنان با عشق و علاقه و جدیت به کار خبری و گهگاه کار پژوهشی ام ادامه دادم. ساعت ها تا نیمه شب بیدار می ماندم و مطلب می نوشتم و این کار را عاشقانه انجام می دادم. اما در سال ۹۷ توسط یکی از عزیزان سازمان دعوت به کار شدم ولی این بار خودم جدی نگرفتم، تا اینکه در دی ماه ۹۸ بطور مستقیم برای همکاری در روابط عمومی دعوت به کار شدم. مدارک لازم ارایه و روال اداری انجام شد. اما درست وقتی که می خواستم کارم را شروع کنم سر و کله مهمان ناخوانده کرونا پیدا شد! خیلی عجیب بود، سال ۸۶ آنطور شد و در سال ۹۸ بعد از حدود دوازده سال دوباره وقفه ای ایجاد شد و اسفند ۹۸ و فروردین ۹۹ بخاطر رعایت پروتکل ها بلا تکلیف ماندم.

البته هر حوزه کاری الزامات و شاخصه های خاص خود را دارد ولی اعتقاد دارم که در هر حوزه اگر کار را متعلق به خود بدانیم و تلاش کنیم به بهترین شکل به انجام برسانیم، نه تنها احساس مطلوبیت خواهیم داشت، بلکه شعار انجام درست کار به شیوه درست را نیز محقق خواهیم کرد. من خیلی خوش شانس بوده و هستم که پیوسته با روسا، مدیران و همکاران بسیار خوبی همکاری کرده و می کنم و مانند همیشه که قدران همه چیز بوده ام، براسی این بار نیز قدران تمام اعتمادها، محبت ها و واگذاری مسئولیت ها هستم.



حسین آزامی\*

## از دریا به دریا

در باب شباهت ها و تفاوت های شمال و جنوب

در آبانماه ۱۳۸۰ در جلسه معارفه به عنوان رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان گفتیم که «حکایت حال ما، حکایت از دریا به دریا، عنوان کتابی از علامه محمد تقی جعفری است». دریا با وجود عناوین هم خانواده زیادی که دارد مثل دریادل، دل به دریا زدن، دریایی بودن و ... واژه های هم معنا مثل وسعت دید، افق نگری، خطر پذیری، سعه صدر، دیگربپذیری و ... هم دارد.

براستی از دریای ..... بوشهر تا دریای آبی گیلان می توان ره به کدام شباهت ها و کدام تفاوت ها برد برای غایت اجمال مطلق را فهرست وار ادا می کنم:

**اهل هنر و ادب بودن:** هم گیلان مهد ادب و هنر است و گیلانیان دوستدار ادیب و هنرمند و هم بوشهر مهد ادب و هنر است و بوشهری ها ادب دوست و هنرمند نواز.

ریشه بسیاری از ادیبان و هنرمندان این مرز و بوم در گیلان قرار دارد و فقط از باب نمونه به شادروان دکتر معین و استاد ناصر مسعودی اشاره می کنم. از دیار نخل و نجابت، بوشهر نیز فقط از باب نمونه به زنده یاد متوجه اشرفی و محسن شریفیان اشاره می کنم. گویی روح و روان مردمان در منطقه جنوب و شمال با شعر و موسیقی آمیخته شده است. اهالی بوشهر دو بیته های مفتون و فایز را زمزمه می کنند و شروه خوانی رایج ترین آیین موسیقایی ادبی در بوشهر است. به همین نحو که بویژه در سال های اخیر به تناسب تحولات روزگار، طلوع و طراوتی تازه یافته است. گیله مردان و گیله زنان نیز آهنگ های زیادی برای زمزمه دارند و از همان دست آهنگ ها که استاد ناصر مسعودی و زنده یاد پوررضا تمام مردم ایران را با آن ها به زمزمه وا داشتند.

**خونگرم و زودجوش بودن:** بعد مسافت باعث نشده که این وجه اشتراک بروز نکند. هم اهالی گیلان و هم اهالی بوشهر، خونگرم، زودجوش، مهربان و با صفا هستند و این را طی سال های مختلف می توان از انعکاس در بیان آنان که مهمان شده اند در شمال و جنوب نشانه گرفت. تقریبا همه کسانی که به این دو دیار رفته اند یا در موقعیتی با آنان حشر و نشر داشته اند به این مهربانی صفا و جوشش مردمان این دیار اعتراف داشته اند.

**گشاده دستی و کرامت:** هم گیلایی ها و هم بوشهری ها گشاده دست هستند. بدین صورت که مال و مکتب را ابزار زندگی می دانند نه زندگی را ابزار مال و منال. از این رو در خرج کردن آنچه دارند برای خود و دیگران بویژه دوستان ابایی ندارند و خست بخرن نمی دهند. دستی گشاده، رویی فراخ و روانی راحت دارند در برخورد با زندگی، جامعه امروز و فردا

**تلاش زیاد و انجام کار سخت:** در گیلان کار صیادی و شالیکاری از جمله رایج ترین فعالیت هاست و از قضا هر دو سخت، پرخطر و طاقت فرسا. در بوشهر نیز صیادی و نخلداری از فعالیت های غالب مردم بوده و می باشد و هر دو فعالیت صعب و آمیخته به خطر فراوان. و شاید موسیقی و ادبیات روزنه ای بوده است برای تحمل این شرایط کاری سخت و منبع کسب انرژی برای ستیز با روزگار یا حتی برعکس سازش با سرنوشت.

باری ایام نوروز جای تفضیل و اطناب نیست. تفاوت ها را می گذاریم برای فرصتی دیگر.

ایام خوش آن بود که با دوست گذشت **باقی همه بی حالی و بی حوصلگی بود**

سالی پر از آرامش، آرامش و باز هم آرامش برای مردم خوب گیلان آرزومندم.

\*رییس اسبق سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان





ساناز فرزانه

## بیشعوری

نویسنده: خاویر کرمنت

مترجم: محمود فرجامی



کتاب بیشعوری، راهنمای عملی شناخت و درمان خطرناک‌ترین بیماری تاریخ بشریت، اثری با درون‌مایه روانشناسی، خودشناسی، اختلالات شخصیتی و رفتارشناسی، و جرعه‌امیدی برای آن‌هایی که با بیشعوری خو گرفته‌اند، محسوب می‌شود.

آیا از اینکه همسایه‌تان زباله‌هایش را در جوی آب می‌ریزد عصبانی هستید؟ آیا تا به حال پیش آمده که در ادارهای برای گرفتن یک امضا روزها و ساعت‌ها در آمد و شد باشید؟ آیا احساس می‌کنید برخورد‌های رئیس‌تان با شما توهین‌آمیز است؟ تا به حال دلتان خواسته یک صندلی را بر فرق پزشکی بکوبید که وقتی بعد از ساعت‌ها انتظار و پرداخت حق ویزیت کلان موفق به دیدارش شده‌اید، بدون آنکه اجازه بدهد در مورد بیماری‌تان توضیحی بدهید شروع به نوشتن نسخه کرده است؟ آیا از دیدن مجری‌های تلویزیون عصبی می‌شوید؟ آیا با شنیدن حرف‌های سیاستمداران دچار رعشه و ناسازگویی می‌شوید؟ آیا وسوسه‌خفه کردن بزرگ‌ترهای فامیل که دائم مشغول فضولی و نصیحت و بزرگتری‌اند، زیاد به سراغتان می‌آید؟ با همکاران از زیر کار دررو و زیرآب‌زن زیاد دست به یقه می‌شوید؟ آیا هر هفته دوستانی به سراغتان می‌آیند که بخواهند شما را به فعالیت تجاری یا آیین مذهبی جدیدی دعوت یا دست‌کم چاکرایتان را باز کنند؟ رابطه‌تان با همسرتان چطور است؟ به فکر جداشدن از او هستید یا آنقدر شورو است که حتی جرئت جدا شدن از او را هم ندارید؟ بچه‌های تخس و شروری هم دارید که همیشه باعث سرافکنندگی‌تان شوند؟

اگر پاسخ‌تان به این پرسش‌ها مثبت است، کتاب بیشعوری (Asshole no more) برای شماست؛ زیرا شما با بیشعورها سروکار دارید و این کتاب درباره پدیده بیشعوری در جوامع کنونی است که راهنمای عملی ارزشمندی برای شناخت و درمان بیشعوری، خطرناک‌ترین بیماری تاریخ بشریت و نحوه رفتار با مبتلایان به این بیماری است. اما اگر پاسخ‌تان به پرسش‌های بالا منفی است، احتمالاً خطر جدی‌تری شما را تهدید می‌کند!

خاویر کرمنت (Xavier Crement) در این کتاب آورده است: آشکار کردن ضعف‌ها و اشتباهات خود، برای هیچ‌کس کار آسانی نیست. من تا مدت‌ها از نوشتن این کتاب و حتی صحبت کردن درباره موضوعات آن ابا داشتم، زیرا دوست نداشتم تمام دنیا بفهمد که من آدم بیشعوری بوده‌ام.

شاید بیشعوری یک «بیماری» است و مثل تمام بیماری‌ها برای پیشگیری و درمانش باید آن را درست شناخت. هر چقدر یک بیماری خطرناک‌تر و شایع‌تر باشد، شناخت و مقابله با آن ضروری‌تر است، اما بیشعوری مهلک‌ترین عارضه کل تاریخ بشریت است که تاکنون راهکاری علمی برای مقابله با آن ارائه نشده است. بیشعوری حماقت نیست و بیشتر بیشعورها نه تنها احمق نیستند، که نسبت به مردم عادی از هوش و استعداد بالاتری برخوردارند. خودخواهی، وقاحت و تعرض آگاهانه به حقوق دیگران که بن‌مایه‌های بیشعوری‌اند، بیشتر از سوی کسانی اعمال می‌شود که از نظر هوش، معلومات، موقعیت اجتماعی و سیاسی و وضع مالی، اگر بهتر از عموم مردم نباشند، بدتر نیستند.

واقعیت دردناک آن است که در طول تاریخ، مسببان بیشترین آسیب‌هایی که بشریت متحمل شده است آدم‌های بیشعور بوده‌اند و نه آدم‌های نادان. جنایتکاران بزرگ تاریخ، اکثراً آدم‌هایی باهوش و سخت‌کوش بوده‌اند که حاصل‌ضرب استعدادهای شخصی متعدد مثبت آن‌ها با خودخواهی، تعرض به حقوق دیگران و رذالت‌های منفی‌شان، از آن‌ها بیشعورهای بزرگ و ترسناکی ساخته که دنیایی را به آتش کشیده‌اند.

چه بیشعور باشید و چه درگیر با بیشعورها، با انتخاب این کتاب دست‌کم راهنمای خوبی انتخاب کرده‌اید و راه را عوضی نرفته‌اید.

هیچ‌کدام از وقایع و نام‌های یادشده در متن کتاب واقعی نیست، اما وجود مابه‌ازاهای فراوان در میان جامعه برای توصیفاتی که در هر بخش از بیشعورهای خاص شده است می‌تواند تأمل‌برانگیز، اثرگذار و شاید ناامیدکننده باشد.

## تکه‌هایی از یک کل منسجم

نویسنده: پونه مقیمی



### درباره کتاب:

کتاب تکه‌هایی از یک کل منسجم اثری جذاب از پونه مقیمی است که توسط نشر بینش نو روانه بازار شده است. این کتاب به قدری نظر مخاطبین را به خود جلب کرده است که در کمتر از یک ماه به چاپ پنجم رسید. مضمون اصلی این کتاب مسائل روانشناختی و روابط بین افراد است. اینکه چطور می‌توانیم معنای جدیدی را در خودمان جست و جو کنیم و اینکه گاهی اوقات نیاز داریم که با درونمان تنها شویم تا بتوانیم نگاهی بهتر به رابطه خودمان با درونمان داشته باشیم. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

شاید زندگی پیدا کردن بخش‌هایی از خودمان در تکه‌تکه‌هایی از یک کل منسجم است. پیدا کردنی که به اندازه‌ی یک عمر طول می‌کشد. و تکه‌هایی که همه‌جا حضور دارند و فقط کافی است ما در مسیرشان قرار بگیریم، آن وقت اگر هوشیار باشیم، شاید بخش‌هایی از خودمان را ببینیم. بخش‌هایی از خودمان را در رابطه‌ها و در آدم‌هایی که تجربه می‌کنیم، در موقعیت‌هایی که قرار می‌گیریم، در فیلم‌هایی که می‌بینیم، در تاریخی که مرور می‌کنیم و حتی در کوچهای که هیچ عابری ندارد و باد درخت‌هایش را بدون حضور تماشاچیان نوازش می‌کند. شاید زندگی همین است. ما زندگی را نه به صورت یک کل که به صورت جزئیاتی روزمره می‌بینیم. در واقع ما در «لحظه‌ای» از یک زمان اکنون همیشگی هستیم و شاید آن لحظه تمام همان چیزی است که «هدف» نام دارد؛ هدفی به نام زندگی کردن. برخورد کردن با تکه‌ای از زندگی و سپس پیدا کردن تکه‌های ناهوشیار از درون خودمان. شاید زندگی تلاشی برای منسجم‌شدن و پیدا کردن بخش‌های بیشتری از خودمان است و در این تلاش مدام با اتفاقات زندگی مواجه می‌شویم. این کتاب تکه‌هایی از یک کل منسجم است. کلی که هنوز تکمیل نشده اما در مسیر پیدا شدن و بیرون آمدن از ابهام است. شاید این کتاب بتواند بخش‌هایی از درون شما را بیدار کند و به پیدا شدن بخش‌های گمشده‌تان کمک کند. همچنین در بخشی دیگر از کتاب می‌خوانیم:

**صمیمیت یعنی درک کردن و حس کردن یک فرد با تمام وجود و بدون هیچ قضاوت و مقایسه‌ای؛ یعنی حضور داشتن در سکوت.** این یعنی رشته‌ای باریک و نازک از صمیمیت که در لحظه‌ای کوتاه ایجاد می‌شود. آنچه رابطه را سالم نگاه می‌دارد، تکرار همین صمیمیت‌های کوتاه مملو از حضور و مشاهده است. در واقع همین صمیمیت‌های کوتاه و ساده، رابطه را عمیق و معنادار می‌کند و می‌تواند مرهمی بر تنهایی درونی ما باشد. ما برای قبول اینکه باید با بعضی آدم‌ها، موقعیت‌ها و شرایط خداحافظی کنیم، به زمان احتیاج داریم. زمان باید بگذرد. ذهن ما باید هزاران داستان متقاعد کننده بسازد تا آرام آرام به لحظه خداحافظی نزدیک شویم. به‌رحال چه تصمیم بگیریم چه همچنان خودمان را معلق نگه داریم، لحظه‌های خداحافظی فرا می‌رسند. امروز اگر نه، چند سال دیگر. حقیقت این است که فرار کردن به ما کمکی نمی‌کند. در خداحافظی‌ها، دردی وجود دارد، دردی پنهان، اصلاً مگر می‌شود خداحافظی دردناک نباشد؟ اگر خیلی وقت است که متوجه شده‌ایم به خداحافظی خاصی نزدیک شده‌ایم بهتر است خودمان را گول نزنیم. بهتر است درد را به رنج تبدیل نکنیم.

## زندگی دومت زمانی آغاز می‌شود که می‌فهمی فقط یک زندگی داری

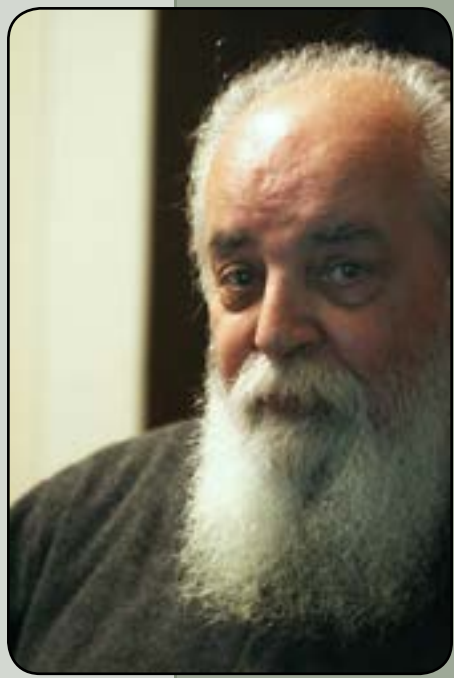
نویسنده: رافائل ژوردانو



مترجم: معصومه خطیبی بایگی

### درباره کتاب:

«زندگی دومت زمانی آغاز می‌شود که می‌فهمی فقط یک زندگی داری!» جمله‌ای است که اگر هرکدام از ما بشنویم ممکن است چند حس همزمان به سراغمان بیاید، امید و ترس، دو حس مثبت و منفی! حتماً می‌پرسید چطور؟ این روزها اغلب انسان‌ها درگیر روزمرگی زندگی هستند و چشمان خود را به روی بسیاری از لحظه‌های شگفت‌انگیز زندگی بسته‌اند. این مساله می‌تواند امید و انگیزه را از فرد سلب کند و به سختی شاد بودن را تجربه کند. بسیاری از ما فراموش کرده‌ایم که فقط یک بار فرصت برای زندگی کردن داریم و به همین جهت است که گرفتار روزمرگی شده‌ایم. در این مواقع نیاز به یک موتور محرک برای برگرداندن انگیزه و امید به خودمان و رهایی از روزمرگی داریم. این موتور گاه می‌تواند یک شخص، یک ویدیو یک جمله و یا حتی یک کتاب باشد. کتاب‌های بسیاری برای ایجاد انگیزه در افراد توسط نویسندگانی معروف نوشته شده است. در بین تمامی کتاب‌هایی که در این باره نوشته شده‌اند، در سال ۲۰۱۸ نام کتابی از یک نویسنده‌ی جوان و تازه کار فرانسوی به چشم می‌خورد که موفقیت‌های بسیاری را از آن خود کرده است. زندگی دومت زمانی آغاز می‌شود که می‌فهمی فقط یک زندگی داری، نام کتابی است که رافائل ژوردانو نویسنده‌ی فرانسوی در آن زنی را به تصویر می‌کشد که قصد دارد با سفری هیجان‌انگیز، روال معمول زندگی و هرآنچه که شاد بودن را از وی دور می‌کند را تغییر دهد. این کتاب فرانسوی اولین کتاب ژوردانو است. در دنیای ادبیات و نویسندگی تعداد افرادی که با اولین رمان به موفقیت چشمگیری دست یافته‌اند، ممکن است انگشت شمار باشد. اما جالب است بدانید که این رمان تا کنون ۳ میلیون نسخه از آن در جهان به فروش رسیده است. فروش نسخه‌های بسیار از این نویسنده نوید درخشش بیشتر رافائل ژوردانو در آینده‌های نزدیک خواهد بود. اولین نسخه ترجمه‌ای این کتاب توسط معصومه خطیبی بایگی در اختیار هم وطنان فارسی زبان اهل مطالعه‌مان قرار گرفته است. در این کتاب، زنی ۳۸ ساله به نام کامی، همانند بسیاری از افراد جامعه به ظاهر خوشبخت است اما وی از درون این حس را ندارد. کامی به سادگی از کنار این قضیه نمی‌گذرد و مصمم است تا راهی برای رسیدن به خوشبختی پیدا کند. این کتاب برای افرادی که همه‌ی لوازم را برای خوشبخت بودن دارند اما از درون این احساس را ندارند بسیار اثربخش خواهد بود. این افراد می‌توانند خود را در قالب نقش اول رمان قرار داده و در سفرها همراهش باشند. نویسنده این کتاب انتظار دارد، در انتها افراد به رشد شخصیتی درخور توجه برسند.



روزگار عجیبی شده است،  
حتی وقتی می‌خندیم  
منظورمان چیز دیگر است،  
وقتی همه چیز خوب است می‌ترسیم،  
ما به گنبدن یک جای کار عادت کرده ایم!

هوشنگ ابتهاج



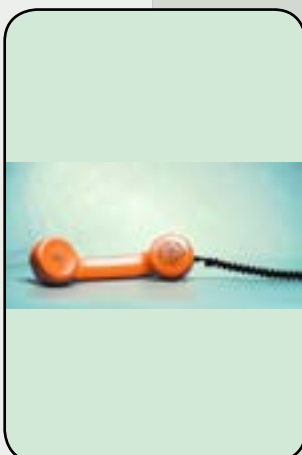
هنری: اگر گفتی آن چیست که برای هر کسی واجب است، حتی واجب تر از نان شب؟  
الین: ایمان به خدا؟ امنیت نیست؟ سلامتی چی عزیزم؟  
هنری: یکی که آدم باهاش درد دل کنه کسی که آدم را درک کنه! همین...  
کورت و نه کات

## داستان‌های خیلی کوتاه اما پر مفهوم

آنقدر پولدار نشدم  
که ارزان بخرم



یک صدای آشنا گفت:  
«شماره اشتباهه»...



فقیر بود، جز پول چیزی  
نداشت...



هیچ حواسم نبود  
دو فنجان قهوه ریختم...





# شعر و ادب



## ده نتانم می کمر راست کنم

شعر: شیون فومنی  
خواننده: پرواز همای

آخودا سلام علیکم، آخودا ایپچه تی امر کار دارم  
کل گب نیه، می دیل خیلی غم دره  
ده نتانم می کمر راست کنم  
آخودا، من تی خودا ره بیمیرم  
ایتا روز صب تا غروب باغ و بولاغ مردوم ره جارو زنم، ایتا روز جولف  
بیجاران مین پارو زنم  
آخودا یقران ره هر کس و ناکس فرسم رو زنم  
چقدر صب تا غروب مردوم ره تاش بزنم، مرز بوکونم، ورز بوکونم،  
ده نتانم  
کمر بیجیر تیشین چول بیگیره، کمر بوجور تیشین چول بیگیره  
سومبورن تی پر و پای وچوکن، میخ بزبن خون بوخورن  
آخودا، من تی خودا ره بیمیرم



## تالشی بداهه باروگه تلی تغیر

«حسین صفری سیدآبادی»

کاشکی که بجای درد، درمون بیی مون  
دیله و بیرون ایجور و یکسون بیی مون

کاشکی که روز مردک و پینکی جیگا  
بندینه ای روز، آدم و اینسون بیی مون

«داوود انوری مقدم»

ایکاش بجای درد، درمان سازیم  
بیرون و درون همیشه یکسان سازیم

ایکاش که روز مرد و زن جمع کنیم  
یک روز به نام روز انسان سازیم



## محسن آریاپاد

زیباترین گزینه ی انگیزه پروری  
در آسمانِ باورِ من خوب میبری

من، رامِ گفتگوی نگاهِ (تو)ام؛ بگوا  
این رامِ همنشین شده را چند میخری؟

انگار، پادشاهِ جهانم؛ که می شود-  
منشور، با شعاعِ رخات، هر تبلوری

آن قدر خوش تنیده به ذهن ام شدی که شد-  
پیوند؛ حسِ من به شگون های دلبری

سکوی اعتمادِ تو، آرامشِ من ست  
این آزمون، به شیوه ی تو شد سراسری

اسطوره شد مقامِ تو از این که پیشِ عشق-  
مهرِ زلالِ جاریِ دل، هدیه میبری

در بیکرانِ پهنه ی دریایِ دُرِ تو-  
آموختم فنونِ درنگ و دورنگی

باید ستود ذاتِ پدیدآوری که داد-  
روحِ فرآوری به تو از نوعِ برتری

تعظیم، در برابرِ تو پاسخی کم ست  
وقتی که با خدای درون ام برابری!



## فصل زایش زمین

استاد ناصر وحدتی

صدومین زمستان قرن ۱۳۰۰ رو به اتمام  
است و اولین بهار قرن ۱۴۰۰ بزودی فرا  
می رسد.

زمستان های پیش از پیدایش نفت و  
بخاری نفتی و سپس گاز را مردم ما به  
سختی سپری می کردند.

برای این آغاز زمستان را در ابتدای ماه  
دی «چله» نام نهاده اند و چهل روز چله  
نشینی، آنوقت بیست روز باقیمانده دی را  
نیز چله گفته اند البته «چله کوچیک».

تا اسفند بیايد و زمین رو به بهار نفس  
بکشد و زمین و زمان، فصل سترون نازا  
پیر و کودکش رخت بر بندد و برسیم  
به روز نو که آغاز بهار است فصل زایش  
زمین در اعصار گذشته انسان وابسته و  
دل بسته به زمین بود.

و عالی ترین فصل زمین بهار،  
فصلی که انسان برای زنده ماندن دوباره  
زمین را از دانه های خوراکی پر می کرد  
تا حیاتی که در زمستان به خطر افتاده  
بود بار دیگر ادامه یابد.

در نیمه ی دوم اسفند که به نوروز نزدیک  
می شدند

انسان های راست قامتی ردا پوشیده، به  
حیاط خانه های گیلاتیان وارد می شدند  
و با خواندن منظومه ای فرا رسیدن بهار و  
نوروز را نوید می دادند و مقداری سکه یا  
کاسه ای برنج انعام می ستانند

آنها می خواندند( اغلب طالقانی بودند و  
آوازشان بیشتر در دستگاه چارگاه بود):

باد بهاران آمده

نوروز نوسالان آمده

مژده دهید ای دوستان

عید سلطان آمده

ای مردم با وفا

ای مردم با صفا

من هستم نوروز خوان

گشتم مهمان بر شما

باد بهاران آمده

نوروز نوسالان آمده

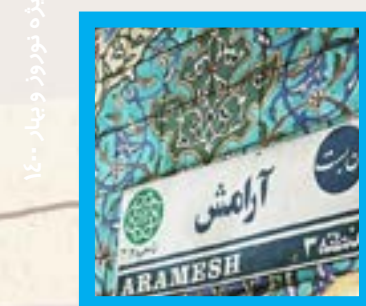
## شعر کوچه از فریدون مشیری

بی تو، مهتاب شبی، باز از آن کوچه گذشتم،  
همه تن چشم شدم، خیره به دنبال تو گشتم،  
شوق دیدار تو لبریز شد از جام وجودم،  
شدم آن عاشق دیوانه که بودم،  
در نهانخانه جانم، گل یاد تو، درخشید  
باغ صد خاطره خندید.

عطر صد خاطره پیچید:  
یادم آمد که شبی باهم از آن کوچه گذشتیم  
پر گشودیم و در آن خلوت دل خواسته گشتیم  
ساعتی بر لب آن جوی نشستیم،  
تو، همه راز جهان ریخته در چشم سیاهت،  
من همه، محو تماشای نگاهت،  
آسمان صاف و شب آرام  
بخت خندان و زمان رام  
خوشه ماه فروریخته در آب  
شاخه‌ها دست بر آورده به مهتاب  
شب و صحرا و گل و سنگ

همه دل داده به آواز شباهنگ  
یادم آید، تو به من گفتی:  
- " از این عشق حذر کن!  
لحظه‌ای چند بر این آب نظر کن،  
آب، آیینۀ عشق گذران است،  
تو که امروز نگاهت به نگاهی نگران است،  
باش فردا، که دلت با دگران است!  
تا فراموش کنی، چندی از این شهر سفر کن!  
با تو گفتم: " حذر از عشق؟! - ندانم  
سفر از پیش تو؟ هرگز نتوانم،  
نتوانم!  
روز اول، که دل من به تمنای تو پر زد،  
چون کبوتر، لب بام تو نشستم  
توبه من سنگ زدی، من نه رمیدم نه گسستم ..."  
باز گفتم که: " تو صیادی و من آهوی دشتم  
تا به دام تو درافتم همه جا گشتم و گشتم  
حذر از عشق ندانم، نتوانم!"  
اشکی از شاخه فروریخت  
مرغ شب، ناله تلخی زد و بگریخت ...  
اشک در چشم تو لرزید،  
ماه بر عشق تو خندید!  
یادم آید که: دگر از تو جوابی نشنیدم  
پای در دامن اندوه کشیدم،  
نگسستم، نرمیدم،  
رفت در ظلمت غم، آن شب و شب‌های دگر هم،  
نه گرفتی دگر از عاشق آزرده خبر هم،  
نه کنی دیگر از آن کوچه گذر هم ...  
بی تو، اما، به چه حالی من از آن کوچه گذشتم ...

گیلان فردا - بُن بست خیابان یا کوچه‌ای است که انتهای آن بسته و راه دررو نداشته باشد. در کاربرد زبان به هر شرایط یا حالتی که راه باز و دررو از آن وجود نداشته باشد نیز بن بست گفته می‌شود. ولی مگر می‌شود کوچه آرامش و آرزو بن بست باشد؟! مگر می‌شود کوچه شانس و روزگار بن بست باشد؟! آیا می‌توان کوچه شادی و محبت را بن بست دانست؟! مسلماً خیر، چون چرخ‌های زندگی با دست‌های نامرئی امید می‌چرخند و هیچ بن بستنی نخواهد توانست راز زیبایی و عشق را از انسان دریغ کند...



بازه نوروز و بهار ۱۴۰۰

## پروردگارا...

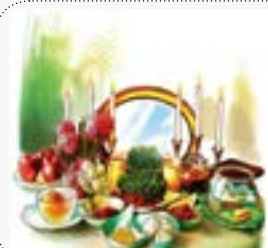
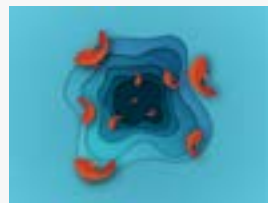


فرزین پور محبی



- بایدن را به برجام و ایام را به کام برگردان!
- سه قوه ما را کمی بیشتر از این‌ها شارژ بفرما!
- ساسی مانکنی را که آروم نمی‌گیگردد در آنی تایم همچون عادل فردوسی‌پور از مدار خارج بفرما!
- ویروس کرونا را در «مراکز فرهنگی مختلف» همچون سحر قریشی در «استادیوم‌های مختلط» منقلب بفرما!
- اختلافات قومیتی را در داخل به شیرینی تفاوت‌های فرهنگی در خارج بگردان!
- نزولات جوی را همچون صعود قیمت‌ها بیش از پیش مستمر و پابرجا بفرما!
- کاری کن گاومان فقط و فقط در ۹۹/۹۹ بزاید و والسلام!
- شرایطی مهیا نما تا زنده‌ها هم بتوانند مانند مرده‌های غسالخانه با خوشحالی به هم چشمک بزنند!
- میزان «دروغ‌های - برخی - مسئولان خدمتگزار» را مانند «مرغ‌های در بازار» کم بفرما!
- میزان خطاهای انسانی را در فاز سوم تست انسانی و یا حداقل فاز اول تست حیوانی واکسن ایرانی کم بفرما!
- پرده از مکر دشمنان همچون روسی از سر برخی بازیگران و مجریان بردار!
- برای بوسیدن یکدیگر و لیسیدن در و دیوار فضا را مساعد بفرما!
- تکلیف جنسیت رجل سیاسی در ریاست‌جمهوری را مانند جنسیت آن بازیگر معروف مشخص بفرما!
- توجه ما به سرنوشت کشورمان را به اندازه دقت‌مان به پست‌های تلو و ریچانه پارسا جلب بنما!
- سرنوشت دشمنان‌مان را مانند عاقبت پیام‌رسان سرورش برگردان!
- ترتیبی اتخاذ فرما تا مسئولینی که همسران‌شان را به «نام بزرگ» صدا می‌زنند خود و کارهای‌شان را هم با نام و القاب کوچک صدا بزنند!
- چشم دشمنان را به ما مانند ویروس‌یاب از راه دور به کرونا کور برگردان!
- همچون سفینه ناسا در مریخ حرف مردم را هم بر کرسی بنشان و آن‌ها را به گوش سنگین مسئولین برسان!
- کردار و پندار و گفتار ما را مانند تغییرات کتاب‌های درسی دم به ساعت ارزشی و متحول بفرما!
- روی مسئولین و تعداد بیکاران حاصل از کرونا را کم بفرما!
- بلایای طبیعی سخت را از سی سخت به سوی محتکران، قاچاقچیان و اختلاس‌گران جان‌سخت سوق بفرما!
- عوارض جانکاه کرونا را فیلتر و بر عوارض کمرشکن خانه، خودرو و اتوبان فیلترشکن نصب بفرما!
- شهرهای ما را به جای رنگ‌های زرد و نارنجی و قرمز همواره رنگین کمان بفرما!
- به روایت وزیر عزیز نیرو پوشش ما را فقط و فقط در تخت خواب لخت بفرما!
- سرانجام فرار مغزها را همچون عاقبت توصیه خرید املاک در دبی (توسط بازیگر ارزشی) مشمول پشیمانی و معذرت‌خواهی بفرما!
- در دهان ترامپ عنبرنسا، در دماغش دود مازوت نیروگاه و بر جاهای دیگرش روغن بنفشه وارد بفرما!
- به اخلاق حسنه ما واکسن روسی و به خلیقات شر ما واکسن فایزر تزریق بفرما!
- مسئولین بی‌کفایت با حقوق‌های نجومی منحوس را در قرنطینه خانگی محبوس و بر دهان‌شان ماسک مخصوص عنایت بفرما!
- همچون قانون‌گذاران سیلی‌زن به مجریان قانون، بندگان متقلب و جرزنت را از میان جر بفرما!
- غر زدن ما برای کمبودها همچون قر دادن ما در شب یلدا را به چشم مسئولین، مهم و پراهمیت بفرما!
- آمار مبتلایان به کرونا را به اندازه سرانه مطالعه‌مان برگردان!
- به ما پول (ب‌ز) و به دشمنان، عقل (ب‌ز) عطا بفرما!
- ثمرات برگشت به برجام را هم مانند مصیبت‌های دور زدن تحریم نصیب‌مان برگردان!
- کاری کن همان‌طور که معتادان کرونا نمی‌گیرند نمایندگان جوگیر ما کمی آرام بگگیرند!
- به مسئولین بفهمان روش برای حل مشکلات کشور به جز کشیدن شیره مردم به اندازه راه‌های رسیدن به خدا بسیار است!
- سیستم ایمنی بدن ما را مانند سیستم دفاعی چندلایه سرهنگ علیفر در فوتبال استوار برگردان!
- نگاه مسئولین را به بوت و چکمه مانند نگاه‌شان به «بوتین» تلطیف بفرما!
- وضع ما را همچون وعده کاندیداهای ریاست‌جمهوری برگردان!
- شادی روح انصاریان و میناوند را از ما دریغ نفرما!
- به همه هنرمندان و کلیه درگذشتگان مردم ایران از کرونا در آن دنیا صوت جلیل شجریان و به ما در این دنیا «موز» نصیب برگردان!

منبع: (ایسنا)



# کوچه های پر ترافیک

## خیابان های بدون پیاده رو



گیلان فردا، تهمینه کوهساری - ترافیک شهر رشت بسیار آزار دهنده شده است. طی سال های اخیر با ایجاد پیاده راه فرهنگی رشت که براساس نظر کارشناسان موابه زیادی دارد، بسیاری از مسیرهای دسترسی در شهر سخت تر و طولانی تر شده است. اما یکی از سوالات و موضوعاتی که ذهن آدم را مشغول می کند این است که چرا در بسیاری از مسیرهای همیشگی تردد خودروها، با نصب علائم راهنمندی، مانع عبور مستقیم ماشین ها شده و مسیرهای دسترسی را طولانی تر می کنند؟! چون این موانع پلاستیکی کله قندی که موجب دوربردگان های چند متری می شوند نه تنها از بار ترافیکی یا احتمال بروز تصادفات کم نمی کند بلکه بیشتر باعث ترافیک و هدر رفت وقت و سوخت می شوند. به عنوان مثال خودروها در خیابان سعدی که یکی از خیابان های اصلی و مرکزی شهر رشت است همیشه با طی پنج سعدی، خیلی راحت به چهارراه گلزار می رسیدند. اما مدت ها است که این حجم از ماشین ها به جای ادامه مسیر مستقیم، به کوچک سمت راست که در واقع یک راه ماینر برای رسیدن به چهارراه گلزار است هدایت می شوند. به عبارت دیگر کوچه بانک صادرات به یک خیابان فرعی، پرترافیک و بدون پیاده رو تبدیل شده است. و این ترافیک همچنان تا بخش های زیادی از کوچه نومیبارک ادامه داشته و یکپهلو به پل بوسار سرریز می شود.

مثل این می ماند که هنگام خوردن غذا، قاشق را دور سرمان بچرخانیم! حال سوال این است که آیا با هدایت ماشین ها به این کوچه و ایجاد ترافیک سنگین برای ساکنان و سختی برای عابران و رهگذران محلی، چیزی از بار ترافیکی خیابان سعدی کاسته شده است؟ آیا تصور می شود اگر ترافیک از مسیر اصلی و خیابان، به کوچه ها هدایت شود مثلاً کار حرفه ای انجام شده است؟! البته از این نمونه ها در سطح شهر رشت زیاد است. به عنوان مثال باز هم در همین خیابان سعدی رشت در اول بازارچه سعدی چرا با نصب همین علائم مخروطی، رانندگان را مجبور می کنند به جای مسیر مستقیم و کوتاهتر، یک مسیر منحنی را دور بزنند و به اول خیابان برسند؟

آیا کارشناسان محترم و زحمتکش راهنمایی و رانندگی رشت فکر می کنند با این کار باعث کاهش سرعت و یا تصادف می شوند؟ نمونه ای دیگر در مسیر خیابان بیستون که یکی دیگر از خیابان های اصلی و مرکزی رشت است به چشم می خورد. در قسمتی از خیابان بیستون به خیابان معلم باز هم رانندگان خودروها مجبورند به جای تردد مستقیم، چند متر را به عنوان دوربردگان طی کنند، که بجز ایجاد ترافیک بیشتر هیچ خاصیت دیگری ندارد. اگر واقعا کارشناسان محترم مرتبط فکر می کنند ایجاد چنین موانعی تنها کاری است که از دستشان برمی آید لطفاً آماری هم منتشر کنند تا شهروندان بدانند ایجاد این موانع در چنین خیابان هایی تا چه حد توانسته به کاهش بار ترافیکی و کاهش سرعت و رضایت رانندگان و عابران منجر شود؟

شاید گفته شود که یکی از کاربردهای این علائم برای همین جداکنندگی ها باشد، اما به نظر می رسد نصب این علائم مخروطی در خیابان های کوچک و قدیمی با عرض کم نه تنها هیچ مشکلی را حل نمی کند بلکه خود موجب بروز تصادفات ناشی از اعصاب خوردی رانندگان می شود که همراه با پرخاش و ناراضی است.



گفت و گو با روبرت واهانیان، استاد معمار و شهرساز:

## رشت

## شهر تجار و بیزینسمن ها

شهلا ابراهیم زاده اصلی

تاریخ رشت و گیلان همواره نقطه ی عطفی در دوران معاصر ایران شمرده می شود و رشت شهر خلاق خوراک شناسی و دروازه ی اروپا، روزگاری شهر اولین ها بوده است.

وقتی از «روبرت واهانیان» استاد معمار و شهرساز در مورد تاریخ ساختاری رشت و اینکه از کی و از چه نقطه ای شروع شد و هویت این شهر چه بوده است، سؤالاتی می پرسم با علاقمندی و دقت وافر به سؤالاتم جواب می دهد. وی با تاکید بر اینکه من رشتی هستم هرچند رشتی الاصل نیستم، با نگاهی گذرا تصویری از رشت سده های پیش را برایم ترسیم می کند که بسیار جالب و شنیدنی است و مرا بیاد خاطراتی که در بچگی از بزرگترها می شنیدم می اندازد. آنچه در ادامه می خوانید ماحصل یک گپ و گفت خودمانی با این استاد پیشکسوت و هنرمند است.

**رشت دروازه اروپا:** روبرت واهانیان در گفت و گو با مرور با بیان اینکه شهرها هویت های مختلف دارند، می گوید:

شهرهایی منشا بندرگاهی دارند و طی زمان این فعالیت ها گسترش پیدا کرده و شهر بوجود آمده مثل بندرانزلی، بوشهر، بندرعباس، و نیز، یعنی اینها در آغاز، یک شهر باراندازی بودند. یا شهرهایی هویت مذهبی و زیارتی دارند که کم کم جمعیت جذب آنجا شد و شهر گسترش پیدا کرد. مثل مشهد، قم یا آستانه اشرفیه که جاذب توریست و زائر هستند.

این استاد معمار در مورد رشت با بیان اینکه اگر جستجو کنیم که این شهر چرا و چگونه شکل گرفته و در چه دوره هایی چه هویت هایی داشته است و بر پایه چه تحولات اقتصادی و تاریخی قرار گرفته باید به گذشته برگردیم، ادامه می دهد: با این تفاوت که شهر رشت مثل تبریز و بوشهر علاوه بر هویت مکانی و ملی اهمیت سر پل در ارتباط با خارج از کشور را هم داشته است. یعنی سر پل ارتباطات اقتصادی و فرهنگی، رشت و محور رشت-انزلی و تبریز بوده اند.

چون اینها زمانی ترمینال تجارت خارجی کشور بودند و ورود فرهنگ های خارجی نیز در این شهرها بیشتر صورت گرفته، مبادلات اقتصادی هم مبادلات فرهنگی به همراه داشته است. در این بین شهر رشت و انزلی در ارتباط با اروپا واقع شد. یعنی از موقعی که عثمانی راه ترکیه را بر روی ایران بست، کوتاهترین راه ارتباطی کشور ما که از طریق تبریز به اروپا بود، بسته و ارتباط با اروپا از طریق رشت-انزلی-روسیه انجام می شود. در واقع رشت دقیقاً یکی از مبادی ورودی فرهنگ اروپا از طریق روسیه به رشت می شود و این روی هویت فرهنگی شهر تاثیر می گذارد. بعد از فتح رشت توسط روس ها در سال ۱۷۲۲ تا ۱۷۳۴ که نادرشاه قدرت را بدست گرفت، تمام دشمنان ایران را بیرون ریخت و در همان زمان عهدنامه ای بین ایران و عثمانی منعقد شد و آنها نیروهایشان را بردند و عهدنامه ای نیز در رشت منعقد شد.

روبرت واهانیان در یک خانواده تقریباً مرفه و نامدار ارمنی در ۱۳۱۶ش در تبریز به دنیا آمد. مادر او تبریزی و پدرش از ارمنه مهاباد بود. پدر او در یک تجارتخانه آلمانی در تبریز کار می کرد و مادرش در دبستان اسدی تبریز به تدریس دوره ابتدایی مشغول بود. وی استاد معمار و شهرساز شاید از معدود منابع مستند و معتبر معماری و نقشه های رشت در عصر قاجار و پهلوی هاست که طی سه دهه اخیر، با تهیه و انتشار نقشه های شهر رشت و مرمت دو بنای تاریخی شهر -ساختمان قدیمی شهرداری رشت در دهه ۶۰ و منزل مسکونی آقا رضا رفیع - اولین شهردار رشت - در دهه ۷۰، حالا به یکی از گنجینه های مستند تاریخی این شهر تبدیل شده است.



## رشت شهر تجار و بیزینسمن ها:

وی با بیان اینکه در سال ۱۷۳۴ میلادی ۱۰ سال پهنه رشت در اختیار روس ها بود، می گوید: یعنی در زمان پتر کبیر مصادف با شاه طهماسب دوم که افغان ها آمده بودند و اصفهان را گرفته بودند، باعث شد طهماسب قلی خان به گیلان و رشت بیاید و با نادرقلی خان همنشین شود که منجر به اوج گرفتن نادرشاه شد. ظرف این مدت ۱۰ سال قسمتی از فرهنگ روس ها وارد اینجا شد. مانند فرهنگ ساخت و ساز، فرهنگ خورد و خوراک که دچار تحول گردید. مثلاً غذا خوردن با قاشق و چنگال، استفاده از میز و صندلی، تغییراتی در نوع معماری، موزیک، استفاده از دریا و ... بخاطر همین ارتباط رشت با اروپا شکل گرفت. تعدادی از ارامنه و یونانی ها و گرجی ها هم در رشت و انزلی مستقر شدند، چون اینها رابط بودند بین فرهنگ غرب و شرق. از زمانی که شاه عباس ارامنه را از سرزمین های خودشان اصفهان، همدان و بختیاری کوچ داد، اینها به گیلان و مازندران آمدند و شروع کردند به فعالیت در صنعت ابریشم و تجارت خارجی که در آن زمان بیشتر صادرات ابریشم توسعه پیدا کرد. در راس اینها تجار ارمنی و تعدادی گرجی حضور داشتند. در نتیجه این قسمت رشت و انزلی یک مقدار فرهنگ گیلانی-اروپایی پیدا کرد. حتی شهر رشت قدم به قدم شد «شهر تجار و بیزینسمن ها» و بازار رشت که در زمان شاه عباس احداث شده بود، بیزینس سنتر شد.

## رشت خان خانی:

وی می افزاید: ولی رشت قبل از آن هم بوده است و از پاسکیاب شروع می شد. البته صدها هزار سال پیش اینجا یک جنگل انبوه، بارانی، بکر و غیرقابل نفوذ و غیرقابل سکونت و مثل جنگل های آمازون پر از حیوانات و درخت بود. به همین خاطر اولین نقطه سکونت دائم در گیلان در گسکر تشکیل شد، بعد از آنجا فومن مرکز شد و سپس رشت پاسکیاب شکل گرفت. تاریخ رشت حدود ۶۰۰-۷۰۰ سال است. در پاسکیاب نقطه زیبایی است به نام پارک مفاخر و کنارش باغ سالار مشکات که هنوز هم بخشی از آن جنگلی و بکر باقی مانده است وجود دارد. اولین کسانی که در این منطقه که الان به نام رشت می شناسیم ساکن شدند شکارچیان و صیادان بودند. از آن جنگل های خیلی قدیمی نیز هنوز هست (از آستانه به طرف کیشهر سه چهار کیلومتر که برویم به سمت راست از همین جنگل بکر باقی مانده است-بیه پس هزارسال پیش) بنابراین افراد شکارچی و صیاد احتمالاً بالای درختان برای خود پناهگاهی می ساختند و خیلی به عمق جنگل نمی رفتند. گیلان حتی ببر، پلنگ و یوز پلنگ داشت (قبل از صفویه). همانجایی که الان چشمه چمارسرا است تا سال ۱۳۳۶ آب آشامیدنی شهر رشت از آن چشمه تامین می شد و هنوز هم خیلی ها از آن آب استفاده می کنند. بنابراین آنهایی که اولین بار آنجا ساکن شدند، آن منطقه برایشان مثل یک بهشت کوچک بود، چون استخر عینک با میلیون ها ماهی را در اختیار داشتند و با سنگ انداز هم پرندگان را شکار می کردند. اما یکی دو بار سیل آمد و آن خانه ها را برد. مردم هم کم کم کوچ کردند و آمدند به طرف جایی که الان بقعه دانای علی قرار دارد. البته وقتی آن طرف بودند یک سری حکام خان خانی بوجود آمد. یعنی از دوره قبل از صفویه به نام «رشت خان خانی» یاد می شود.

## بازار رشت، بارانداز کالا:

واهانیان در مورد اینکه آیا رشت ترمینال صادرات و واردات ایران، در زمان صفویه شد؟ پاسخ می دهد: بله، البته در بازار رشت ارزاق نبود بلکه کاروانسرا و تجارتخانه بود. از ورودی اصلی، کاروان ها کالاهای صادراتی را می آوردند و مانند بارانداز در وسط بازار می گذاشتند و در طبقات هم کف و در حجره ها کارگرها و تحویل گیرندگان بار حضور داشتند و طبقات بالا نیز تاجرباشی ها بودند. آن موقع ارزاق مورد نیاز روزمره مردم در راسته بازارهای محله ها ارایه می شد. مثل پیوسرا، چله خانه (شیطان بازار) بنابراین ارزاق عمومی در بازار مرکزی نبود و بازار بزرگ مجتمع عظیمی از کاروانسرا بود که نقش بارانداز را ایفا می کرد.

## رشت در زمان صفویه:

واهانیان اضافه می کنند: در واقع اولین مکان رشت به دست یک سری خان ها که به جان هم می افتادند، شکل گرفت و اتفاقاً ریشه اینها را صفویه از بین برد. یعنی وقتی شاه عباس آمد اول خان احمد خان گیلانی را از لاهیجان پاکسازی و کاخ او را در لاهیجان تخریب و آنجا میدان چوگان بازی درست کرد و از همان موقع برای اولین بار گیلان وصل شد به سرزمین ایران. تا آن موقع اصلاً گیلان جزو ایران نبوده است. یعنی از زمان صفویه و با روی کار آمدن شاه عباس که خان های اینجا را ریشه کن کرد، گیلان جزو ایران شد و شاه عباس به جای فومن، رشت را به عنوان مرکز انتخاب و بازار را احداث کرد، چون برای تجارت خارجی و صدور ابریشم به بازار نیاز داشت. از آن زمان رشت اهمیت پیدا کرد. در دوره بعد از صفویه

تاثیر روس ها شروع می شود و روس ها خیلی مایل بودند سواحل جنوبی دریای خزر را به روسیه ضمیمه کنند. از زمان کمونیستی شدن روسیه، که آن زمان مرزها بسته و راه ایران به اروپا از طریق رشت-انزلی قطع شد، هویت بازرگانی و تجارت بین المللی رشت از بین رفت. پس از آن رشت تلاش کرد برای خودش هویت جدیدی را تعریف کند اما تا دهه ۴۰ پلاکتلیف ماند. البته حمله پتر کبیر و اینکه رشت را گرفتند باعث شد رشت

۱۰ سال دست آنها باشد. روس ها در این مدت یک کار جالبی انجام دادند و آن این بود که تمام درختان اطراف رشت را بریدند، چون رشت در دل جنگل قایم شده بود. آنها برای اینکه بتوانند از شهر محافظت کنند و حملات رشتی ها در امان باشند، درختان اطراف شهر را با اره های بلند بریدند و رشتی ها شروع کردند به برنجکاری در حاشیه شهر و تداوم این برنجکاری باعث شد که جنگل دوباره برنجکاری شود. این کار علاوه بر تامین غذای مردم از جنگلی شدن دوباره اراضی جلوگیری می کرد. چون اگر اینجا یکی دو سال یک زمین را به حال خودش رها کنند جنگلی می شود و درخت می روید و این منظره در مغازه ها یا خانه هایی که مخروبه شده اند دیده می شود. بنابراین برنجکاری باعث گسترش، ایقا و ادامه حیات شهر رشت شد.



## گلسار در رشت:

به گفته ی این استاد معمار پیشکسوت، در واقع از زمان پهلوی دوم (دهه آخر) در رشت اتفاقات خوبی رخ داد. واهانیان می گوید: به عنوان مثال در دهه پنجاه برای اولین بار با همکاری یک بانک سرمایه گذاری توسعه و عمران به نام شهرک گلسار، توسط مهندس اسدالله رشیدیان شهرک گلسار ساخته شد (۱۸ تیر ۱۳۵۱) و الان گلسار تقریباً شده نصف رشت و سرمایه گذاری زیادی آنجا انجام می شود. وی با اشاره به تاریخچه شکل گیری گلسار، می افزاید: مهندس مشاور «علی آبادی» که شاهین شهر اصفهان را طراحی کرده بود، این طراحی را هم به عهده داشت و بنیاد پهلوی ۲۰ درصد در این سرمایه گذاری با آقای رشیدیان شریک بود، البته گاه مردم به اشتباه می گویند گلسار مال بنیاد پهلوی بوده است در حالی که اینطور نبود.

### فراری دادن بخش خصوصی:

وی با بیان اینکه یکی از مشکلات اساسی امروز ما در کشور، گیلان و رشت نبود بخش خصوصی پیرانگیزه است، اضافه می‌کند: در بخش خصوصی رقابت وجود دارد. نتیجه این رقابت بهبود کیفیت کالاهای تولیدی و خدمات ارائه شده خواهد بود. اما وقتی بخش خصوصی را گاهی فراری می‌دهند، معلوم است که کارها به مشکل بر می‌خورد. چون بخش خصوصی اشتغال ایجاد می‌کند. هیچ دولتی بی‌زیستمن خوبی نیست و رقابتی هم در بخش دولتی نیست. هیچ یک از مشکلات امروز کشور ما بدون باز کردن میدان فعالیت ایمن برای بخش خصوصی بهبود نخواهد یافت و متأسفانه وضع ما روز به روز بدتر از این خواهد شد تا زمانی که دولت درک نکند که این ره که تو می‌روی به ترکستان است. در دهه ۴۰ بخاطر رونق اقتصادی که کارخانه‌های متعدد در رشت و گیلان ایجاد کرده بودند حتی کارگر کم داشتیم و احتیاج به کارگر آنچنان بود که کارگر از جای دیگر می‌آمد. بنابراین از بین بردن یا تضعیف بخش خصوصی مثل این است که روی شاخه بنشینید و همان شاخه را ببرید.

### ظرفیت عظیم رشت:

واهانیان ادامه می‌دهد: شهروند کسی است که خودش را در سرنوشت شهر محل سکونتش سهیم و مسئول دانسته و بداند این شهر باید از ثمره همکاری شهروندان پیشرفت کند. بنابراین نبود بخش خصوصی باعث بروز مشکل در سراسر کشور شده است. در رشت نیز کم‌کم صنایع ما از بین رفت و باعث فراوانی بیکاری شد. مثلاً قبلاً سرزمینی به نام دامپرووری سفیدرود بود که هم داخل استان و هم خارج از استان را پوشش می‌داد. البته گیلان و رشت هنوز هم قابلیت تبدیل شدن به قطب عظیم صنایع غذایی را دارد. بحث شهر خلاق خوراک که اخیراً مطرح شده حتی در همین حد کم هم خیلی خوب است و امیدواریم توسعه پیدا کند. در رشت الان رستوران‌های زیادی وجود دارد که ایجاد اشتغال می‌کنند و چه عجب که برای شهر خلاق مشکل ایجاد نکردند! چون ما توان بسیار عظیمی در همه رشته‌ها در گیلان داریم. این استاد معمار می‌افزاید: در سطح تولید انبوه مثل توسعه کشاورزی زیتون یا پرورش انواع ماهی، مرغداری، همچنین زراعت چوب که اخیراً انجام می‌شود و یا صنعت کلوچه و نظایر آن ظرفیت‌های بسیار زیادی در رشت و گیلان وجود دارد. و اینها یعنی اشتغالزایی توسط بخش خصوصی و کارآفرینی که واژه بسیار زیبایی است و امیدواریم اتفاق بیفتد. چرا با این همه ظرفیت باید بیکاری زیاد باشد که وقتی مقامات به استان و شهرها می‌آیند خیل عظیم متقاضیان کار حضور داشته باشند. اقتصاد دولتی نمی‌تواند موفق باشد و لازم است به این همه ظرفیت توجه شود و با ترغیب سرمایه‌گذاران رقابت و کیفیت را افزایش داد. من رشتی هستم اگر چه رشتی الاصل نیستیم ولی تأکید می‌کنم توان شهر رشت بسیار عظیم است و اگر جلوی بخش خصوصی را باز بگذارند و مانع نشوند می‌توانیم شاهد تحولات بسیار خوبی در رشت و استان باشیم.

رشت از پاسکیاب شروع می‌شد. البته صدها هزار سال پیش اینجا یک جنگل انبوه، بارانی، بکر و غیرقابل نفوذ و غیرقابل سکونت و مثل جنگل‌های آمازون پر از حیوانات و درخت بود. به همین خاطر اولین نقطه سکونت دایم در گیلان در گسکر تشکیل شد، بعد از آنجا فومن مرکز شد و سپس رشت پاسکیاب شکل گرفت. تاریخ رشت حدود ۶۰۰-۷۰۰ سال است.

### شهر اشرافی رشت:

وی با تأکید بر اینکه رشت یک شهر اشرافی بوده، می‌گوید: در همان زمان تجارت خارجی رشت توسعه پیدا کرد و اغلب رشتی‌ها میلیونر شدند و شهر رشت در دوره قاجار یک شهر اشرافی شد. به طوری که عوارض گمرکی و درآمد حاصل از تجارت بازار رشت، ۴۰ درصد بودجه کشور ایران را در زمان قاجار تأمین می‌کرد و رشتی‌ها همه آدم حسابی و تاجربودند. رشت شهر کنسولگری‌ها بود، کنسول روس و انگلیس و رفت و آمد با کالسکه چهره دیگری به رشت می‌داد.

### احداث کارخانه‌های عظیم در رشت:

وی می‌گوید: با روی کار آمدن پهلوی اول و سپس حضور خانم دیبا و لایب‌گری‌هایی که با بسیاری از صنایع رشتی شد کم‌کم دهها کارخانه عظیم در رشت احداث شد از جمله صنایع بزرگ پوشش، توشیبا، شبکه آبرسانی سد منجیل و نظایر آن. از سوی دیگر روی مسایل فرهنگی کار شد که یکی از بزرگترین آنها یعنی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شکل گرفت که هنوز هم از موثرترین موسسه فرهنگی کشور است.

در آن زمان تجارت خارجی رشت توسعه پیدا کرد و اغلب رشتی‌ها میلیونر شدند و شهر رشت در دوره قاجار یک شهر اشرافی شد. به طوری که عوارض گمرکی و درآمد حاصل از تجارت بازار رشت، ۴۰ درصد بودجه کشور ایران را در زمان قاجار تأمین می‌کرد و رشتی‌ها همه آدم حسابی و تاجربودند. رشت شهر کنسولگری‌ها بود، کنسول روس و انگلیس و رفت و آمد با کالسکه چهره دیگری به رشت می‌داد.

# اولین نقشه رشت



یکی از ارزشمندترین اسناد فرهنگی تاریخی و علمی شهر رشت نقشه این شهر است که در سال ۱۲۴۹ هجری شمسی به دست ذوالفقارخان مهندس، سرهنگ توپخانه، در زمان حکمرانی میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله در گیلان، به دستور ناصرالدین شاه تهیه شده است. نقشه شهر رشت در سال ۱۲۸۷ هجری قمری معادل ۱۲۴۹ هجری شمسی، به دستور ناصرالدین شاه قاجار به دست ذوالفقار مهندس یا همان ذوالفقار کرمانی ترسیم شده است. وی در بالای نقشه در مورد فرمان ناصرالدین‌شاه چنین نوشته است: «نقشه معموره دارالمرز شهر رشت برحسب امر اقدس سرکار اعلیحضرت قوی‌شوکت همایون شاهنشاه اسلام‌پناه ناصرالدین‌شاه قاجار روحی و روح‌العالمین فدا به دست کمترین خانه‌زاد دولت جاویدمدت سمت اتمام پذیرفت. ذوالفقارخان نقشه را آنطور که در پایین آن نوشته در طول نه ماه و هشت روز به پایان برده است: «طول زمان کشیدن نقشه از روزی که شروع در عمل نمود تا روزی که به اتمام رسانید، سواى ایام تعطیل، نه ماه و هشت روز بود.» هر میلی‌متر روی نقشه مذکور برابر سه ذرع است. ذوالفقارخان مهندس در پایین نقشه در کنار مقیاس خطی آن چنین می‌نویسد: «این مقیاس از روی متر برداشته شده و هر میلی‌متر سه ذرع است. پس نسبت این مقیاس به سه هزار و یکصد و بیست است.» روبرت واهانیان، معمار و گیلان‌شناس، این سند را در مرکز اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران می‌یابد که نخستین نقشه رشت در دوره ناصری بود و بعد از مطالعه و بررسی جزئیات این نقشه می‌گوید: ذوالفقارخان، با کمک گرفتن از فرزندان اعیان و اشراف، ۱۴۰ سال پیش در رشت، با دستگاه تئودولیت و با وسواس ویژه، رشت را نقشه برداری کرد و یافته‌های خود را با وسواس تمام، در مدت نه ماه و چند روز، با ذکر کلیه جزئیات در نقشه آورده بود. امروزه شاید باورپذیر نباشد که نقشه‌های هوایی، با تمام ابزارهای علمی، نمی‌توانند آن کنند که ذوالفقارخان مهندس با نقشه برداری میدانی از شهر رشت تهیه کرده است»

# گشت و گذاری در گرمابه‌های قدیمی رشت



رسول سعیدی زاده

مهر ۱۳۸۳ خورشیدی با شماره ثبت ۱۱۱۵۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است. به دلیل عدم استفاده از حمام تاریخی گلزار رشت، چندین سال است این بنا به صورت متروکه و خارج از انتفاع باقی مانده است. در کتیبه بالای سردر که در میان دو نماد شیر و خورشید قرار دارد ابیاتی دیده می‌شود. دو طرف سردر از پایین تا میانه ضلع بالای آن با تصویر پرتره مانند ۱۸ پهلوان و پادشاه اساطیری که نام‌شان اغلب در شاهنامه آمده است، خودنمایی می‌کند. نام برخی از این افراد عبارت است از: کیتقباد، ضحاک، فریدون، جمشید، منوچهر، اسکندر، سیامک و کیکوئوس. در میان این تصاویر و نقطه ثقل آن، تصویر احمدشاه قاجار (پادشاه وقت) ترسیم شده است. همچنین در دو طرف سردر، بالای تصاویر پهلوانان، تصویر دو مج دست که با انگشت سبابه به سمت شاه اشاره کرده اند، نمایان است. اشاره این دست‌ها بر اهمیت و مرکزیت تصویر شاه قاجار می‌افزاید. در دو طرف قسمت بالایی سردر نماد شیر و خورشید که نماد ملی زمان قاجار بوده، نمایان است. در طرفین قسمت میانی سردر و زیر تصویر دومی که از احمدشاه قاجار ترسیم شده است، دو فرشته بالدار نیمه عریان وجود دارد. یکی دیگر از عناصر سردر، دو گلدان در قوس ورودی سردر می‌باشد که گل‌های آن از پایین حرکت کرده و در نقطه نزدیکی به هم، تصویری دیگر از احمدشاه قاجار که در دو طرف او پرچم سه رنگ ایران قرار دارد، را هم چون پرتره ای در بر گرفته‌اند. درست زیر پای فرشتگان و پایین تصویر احمدشاه، کتیبه‌ای مزین به آیه «و ان یکاد الذین...» نگاشته شده است. در طرفین ورودی بنا، تصویری از یک سرباز اسلحه به دست قاجاری ترسیم شده است (افزادی، ۱۳۹۵: ۳۶).

این ابیات نیز در بالای سردر آن، دیده می‌شود:

هزار و سیصد و سی و چهار از هجرت	گذشته بود که شد اختتام این حمام
باشترک از بحر سخا سه صاحب فضل	سه کنز و جود سه کان هنر سه نیکو نام
یکی ز دوده‌ی احمد ز دوحه‌ی حیدر	که باقر است و را نام باقری فرجام
دو فخر حاجی یکی بد حسن یک عبدالله	که هر دو زبده‌ی عصرند و شهره‌ی ایام
اگر سؤال نمائی ز نام معمارش	شدی به دست تقی ختم این خجسته مقام
ز وضع کاشی حمام اگر ز من خواهی	تمام کرد محمد پور یوسف نام
عمل مشهدی محمد ولد مرحوم حاج یوسف کاشی ساز، سنه ۱۳۳۴ (ستوده، ۱۳۴۹: ۱۱ - ۲۸۰ - ۲۸۱).	

گیلان فردا - در گذشته دور، در زمان ساخت منازل هیچ گونه تدبیری برای حمام اندیشه نمی‌شد و منازل فاقد گرمابه بودند. مردم برای استحمام به گرمابه‌های محلات می‌رفتند و برو بیای خاصی در گرمابه‌ها برپا بود. کثرت جمعیت، دو برابر شدن دلاک‌ها و دیدار دوستان، از ویژگی‌های گرمابه‌ها بود. گرمابه‌های شهر رشت به دو دسته قدیمی و جدید تقسیم می‌شوند. گرمابه حاج آقا بزرگ در محله آفخرا که به گفته مطلعین محلی بیش از ۱۲۰ سال قدمت دارد؛ گرمابه گلزار در محله پیرسرا، گرمابه حاجی محمدجعفر حج فروش در ساغری سازان، گرمابه خصوصی گلستان در سبزه میدان، گرمابه شاهزاده در شهرداری، گرمابه چکش لار در کوچه عاقلی و پشت کلانتری که سه امروز تبدیل به چهارراه شد، گرمابه نایب و گرمابه برلیان در محله ساغری سازان، از جمله حمام‌های قدیمی و بسیار معروف رشت بوده‌اند. گرمابه بازار در میدان بزرگ، گرمابه امینی مجاور درب جنوبی بقعه خواهرامام، گرمابه احتشام و گرمابه یوسف آقا در محله زرچوب، گرمابه بهار نبش کوچه اعتماد محله امین الضرب، و گرمابه حاجی غلامعلی خادمی در کوچه مشهوری پشت پمپ بنزین سابق بلوار خیابان شهدا (خیابان لاهیجان) از جمله حمام‌های جدیدتر به شمار می‌رفتند که امروزه از بعضی از آنها اثری وجود ندارد.



**گرمابه حاج آقا بزرگ:** بنای گرمابه حاج آقا بزرگ متعلق به دوره قاجاریه و در محله آفخرا (آقاسیدفخرالدین که اهالی آن را آفوقورا تلفظ می‌کنند) است. بنای این حمام شخصی به نام جبار عظیمی معروف به حاج آقا بزرگ، از مالکان و تاجران قدیم شهر رشت بوده است. زمان ساخت این گرمابه را سال ۱۲۳۹ ق. می‌دانند. این گرمابه از سه قسمت عمومی مردانه، زنانه و نمره تشکیل شده و دارای استخر رو باز است. قسمت‌های مردانه و زنانه این حمام عمومی توسط کاشی‌کاری‌های زیبا ترین شده است که در قسمت مردانه جلب توجه زیادی می‌کند. وسعت زمین این حمام حدوداً دو هزار متر مربع و سقف آن به صورت گنبدی شکل طراحی شده است. در قسمتی از دیوارهای داخلی این حمام، کاشی‌های منقوش در رنگ و اشکال گوناگون دیده می‌شود که نقاشی‌های دوره قاجاریه را در اذهان تداعی می‌کنند (تحقیق میدانی، پندی، ۱۳۸۷: ۱۲۷ - ۱۳۸). در قدیم سوخت آن از طریق هیزم تأمین می‌شد، اما امروزه با پیشرفت تکنولوژی، سوخت آن از طریق گاز شهری تأمین می‌شود. بنای این حمام آن قدر قوی است که در زلزله شدید سال ۱۳۶۷ ش. کوچک ترین آسیبی به آن وارد نشد. با این تفصیلات امروزه از این گرمابه استفاده‌ای نمی‌شود، اما می‌توان این حمام قدیمی را تبدیل به موزه مردم شناسی کرد.



**گرمابه گلزار:** گرمابه گلزار یا حمام پیرسرا، در محله پیرسرای رشت از آثار اواخر دوره قاجار یعنی سال ۱۳۳۴ ق. است. این حمام توسط سه تن از خیرین به نام‌های حاجی باقر، حاج حسن و حاج عبدالله و توسط معماری به اسم «تقی» ساخته شده است. سازنده کاشی‌های حمام شخصی به نام مشهدی محمد کاشی ساز فرزند حاج یوسف بوده و این گرمابه تا اوایل دهه پنجاه خورشیدی دایر بود. این اثر در تاریخ ۱۱



سردر ورودی گرمابه پیرسرا





## گرمابه حاجی محمدجعفر حج فروش: گرمابه حاجی محمدجعفر یا حمام اکبریه، در سال

۱۳۰۸ش، در محدوده بافت قدیمی محله ساغری سازان و در محل برخورد کوچه تحویلی و گذر بادی‌الله (بدیع الله) ساخته شد. این بنا در میان ساختمان‌های قدیمی خانه رحمت سمیعی در شرق آن و ساختمان فعلی حوزه علمیه (مربوط به دوره قاجاریه) در غرب، قرار گرفته است. شهرت این حمام بیشتر به دلیل کاشی کاری زیبای سردر آن است که در دو طرف سردر دیده می‌شوند. در سردر آن صحنه نبرد رستم با دیو سپید بر روی کاشی نقش بسته است (ستوده، همان: ۱/ ۲۹۱). در دو طرف سردر، کاشی های گل و بته دار رنگین، و بالا صحنه جنگ رستم با دیو سفید و زیر آن مناظری از باغ و بوستان و خانه و افراد مختلفی دیده می‌شود. این حمام دو در مخصوص مردان و زنان دارد، که ورودی مردان دارای در چوبی کرم رنگی به ارتفاع ۸۰/۱ متر و پهنای یک متر می‌باشد. در هر طرف سردر این حمام، دو فرشته بالدار و تاجدار در حالی که لباس های مرسوم عهد قاجار را به تن دارند، به صورت نیمه پنهان و از پشت ستون های نازک، سیدی پر از گل را نگه داشته اند. در بالای هلالی ورودی بنا، منظره ای پرسپکتیوگونه از یک شکارگاه با نبوهی از درختان، گیاهان و پرند هارا نشان می دهد، که یک شاهزاده مذکر و یک شاهزاده مؤنث در مقابل هم در حالی که سوار بر اسب های سُرخ رنگ هستند، کمان خود را به سمت آهوهای در حال فرار نشانده رفته اند. در مرکز این تصویر، دورنمایی از یک کوشک نمایان است. در بالاترین قسمت سردر هم تصویری از نبرد رستم با دیو سفید نقش بسته است. یکی دیگر از عناصر موجود در سردر که از قسمت پایین سردر و از دو جانب آن آغاز می شود، گلدان هایی پر از گل های بزرگ رنگارنگ است که تا انتهای بالایی سردر امتداد یافته است (افراد، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۵). این حمام اکنون جزو آثار ملی ایران به شمار می‌رود؛ ولی متأسفانه تبدیل به مخروبه شده و امکان بازدید از داخل آن فراهم نیست.



کاشی کاری سردر گرمابه حاجی محمدجعفر محله ساغری سازان

حمام شامل ورودی، رختکن یا سربینه، شاهنشین، محل آویزان کردن لنگ، میان در و گرمخانه است. فرم کلی ساختمان مستطیلی می باشد. سردر بنا دارای تزیینات کاشی کاری و کتیبه تاریخی است. کاشی‌های این سردر کار مشهدی یوسف کاشی ساز است. ورودی مردانه حمام درب چوبی دارد که با پنجره‌های متقارن چوبی در دو طرف آن، نمای جنوبی را تشکیل می‌دهند. دیوار شرقی و جنوبی بنا مشرف به کوچه است. بنا دارای دو ورودی است که ورودی اصلی آن در ضلع جنوبی مشرف به خیابان بادی‌الله (بدیع الله) و ورودی دیگر در ضلع شرقی در کوچه تحویلی می باشد، که در واقع ورودی مردانه است. یک در ورودی دیگر هم در امتداد کوچه تحویلی قرار داشته که ورودی قسمت زنانه بوده و در حال حاضر تخریب شده و امکان دسترسی به قسمت های آن وجود ندارد. در فضای داخلی، حمام شکل مستطیلی وجود دارد که به محض ورود به بنا، با آن روبرو می‌شویم. رختکن حمام با دو سکوی یک متری در دو سمت از قسمت میانی جدا شده است. در مرکز این فضا و به فاصله سه متری از فاصله ورودی، حوضی قرار گرفته است. میان در نیز راهرویی است که با یک طاق گهواره‌ای پیوسته پوشانیده شده است. آبریزگاه ها و مستراح ها در این قسمت قرار دارند. در راهروی میان سربینه و گرمخانه نیز حوض لنگ در قسمت غربی آن قرار داشت.

فضای داخلی حمام را دو دریچه سقفی نور تأمین می‌کنند. گرمخانه فضایی هشت ضلعی است که به چند محل جهت کیسه کشی و خزینه تقسیم شده است. واحدهای حمامی نیز از جمله

فضاهایی هستند که به این فضا الحاق شده است. فضای اصلی گرمخانه با یک گنبد اصلی که دارای نورگیر بوده، مسقف است. گنبد اصلی گرمخانه بر روی دو طاق کوچکتر به صورت قرینه قرار گرفته و هر کدام از این طاق‌ها در جبهه شرقی و غربی با یک عقب نشینی، فضایی را خلق کرده‌اند که در گذشته حوض هایی وجود داشته است. در این قسمت ها دلاک ها به استحمام و نظافت مشتری می پرداختند. بدین ترتیب که وی را در حوض می خوابانیدند و به نظافت وی می پرداختند (پایگاه اینترنتی گیلان من؛ پایگاه اینترنتی ایسنا).



**گرمابه خصوصی گلستان:** گرمابه خصوصی گلستان در تقاطع سبزه میدان به میدان شهرداری، یکی از حمام های قدیمی رشت بوده است. عموم مردم از آن نمی توانستند استفاده کنند و فقط ارباب و اشراف در این گرمابه پذیرش می شدند. امروزه گرمابه گلستان در نش سبزه میدان به طور کامل تخریب و به مرکز خریدی به نام «زُز» تبدیل شده است (پایگاه اینترنتی ایسنا).



**گرمابه شاهزاده:** حمام شاهزاده در مجاورت ساختمان استانداری (شهرداری)، قرار داشت و حمام قدیمی دارالحکومه بود که تا سال ۱۳۴۹ش. برقرار بود (ستوده، همان: ۱/ ۲۴۹).



**گرمابه چکش لار (Chakoshlar):** واژه چکش لار که به زبان عامیانه به ضمه حرف اول تلفظ می شود؛ مرکب از دو واژه چکش و پسوند لار (که برای جمع بستن کلمات در زبان ترکی به کار می رود) است. بنابراین؛ معنی چکش لار، چکش ها و یا به تعبیر عده ای بچه ها خواهد بود. شاید نام گذاری این حمام به این اسم، دلالت بر آن دارد که قبل از احداث حمام، در آن محله ابزار چکش ساخته می شد؛ و یا اینکه بچه ها برای استحمام به آنجا رفت و آمد می کردند. البته احتمال سومی هم وجود دارد و آن اینکه واژه چکش لار واژه ای ترکمنی و اسم شهری در ترکمنستان فعلی است که در حمله روس ها از ایران جدا شده به هر حال، چکش لار نام یک کوچه قدیمی در خیابان تختی (کوروش سابق) در رشت است که به کلاتتری سه و اداره آگاهی راه داشت. نام این کوچه از اسم حمام تاریخی که در آن واقع بود و امروز از بین رفته است، گرفته شد. این کوچه بعدها به کوچه «عاقلی» نیز معروف گردید. از معتبرین این کوچه می توان به آیت الله سیدحسین موسوی خلخالی (م ۱۳۵۲ش) نام برد (تحقیق میدانی).



### منابع:

افراد، کاظم. «شناسایی وجه اشتراک پیام موجود در سردر هفت بنای عمومی دوره قاجار ...»، نگره، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۵.  
پندی، کیوان (۱۳۸۷). رشت در آیینی تاریخی، کتیبه گیل، رشت.  
تحقیق میدانی (شامل مشاهدات قدیمی، پیمایش و مصاحبه نویسنده با معمرین است)

«حمام های قدیمی رشت»، پایگاه اینترنتی گیلان من،

ستوده، منوچهر (۱۳۴۹). از آستارا تا استارباد، انجمن آثار ملی ایران، تهران  
«هرمت حمام حاجی از سر گرفته شد»، پایگاه اینترنتی خبرگزاری دانشجویان

ایران (ایسنا)

بنیاد پژوهش های اسلامی

# خانواده های دوتکه، باباهای مجازی!!



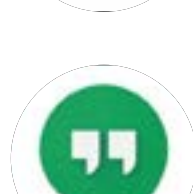
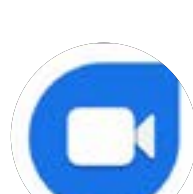
فردین علیخواه\*

## مورد اول:

همسر و سه فرزندش را به کشور گرجستان فرستاده است تا در آنجا امکان دریافت اقامت یک کشور پیشرفته تسریع شود. مدتی قبل خودش هم چند روزی به گرجستان رفت و به دشواری توانست برای خانواده اش آپارتمانی کوچک بخرد. او موقعیت شغلی خوبی دارد و در مرز پنجاه سالگی؛ داشت از امکانات زندگی بهره می برد ولی پس از سخت گیری های خیابانی در خصوص پوشش زنان، «سندروم تنفر از ایران» به سراغ یکی از دخترانش آمد و در نتیجه اصرار؛ که باید به هر شکلی از ایران رفت. این روزها آرامش این مرد از دست رفته است. تنها غذا می خورد، تنها با خودش می خندد، تنها می خوابد، و البته تقلا می کند تا بتواند برای خانواده اش ارز تأمین کند. او نخست به ارز فکر می کند و بعد به خانواده اش، چون بقاء دومی منوط به اولی است!

## مورد دوم:

مرد دیگری هم همین وضع را دارد. او همسر و دو فرزندش را به مالزی فرستاده است تا شاید در آنجا بتوانند اقامت کشور استرالیا را دریافت کنند. او هم در میان سالی قرار دارد که نه راه پس دارد و نه راه پیش! فرزندش نتوانست رتبه مناسبی در کنکور کسب کند و همین امر بهانه ای شد تا به تحصیل در خارج از کشور فکر کنند که در نهایت ایده مهاجرت مطرح شد. او خودش را به آب و آتش می زند تا برای خانواده اش ارز تأمین کند.



شبها کابوس می بیند.

در خانه بی هدف قدم می زند و سپس می نشیند.

وقتی در حال مسواک زدن است لحظاتی فراموش می کند که در حال انجام چه کاری است.

در آینه به خودش خیره می شود و فکرهای پراکنده و عجیب و غریبی از ذهن اش عبور می کنند.

بدون تردید بحران های اقتصادی، ناامیدی به آینده، و تحمل نکردن سلیقه های متفاوت فرهنگی، آثار و پیامدهای اجتماعی دارد که افزایش انگیزه مهاجرت، یکی از آن هاست. کم نیستند ایرانیانی که در دو سه سال اخیر، به همین شکل به ترکیه، امارات و کانادا رفته اند. موقعیت این گونه است: پدري که بين ۴۵ تا ۶۰ سال سن دارد، در ایران تجربه ای اندوخته و کسب و کاری ساخته، فرزند یا فرزندان نوجوان یا جوان دارد، همسر یا فرزندان او علاقه ای به ماندن در ایران ندارند، پدر نمی خواهد و نمی تواند کسب و کارش را رها کند، چندرغاز درآمد خود را تبدیل به دلار می کند و آن را برای خانواده ای حواله می کند که در خارج از کشور ساکن اند.

این نوع خانواده های نوظهور را «خانواده دوتکه ای» و این نوع پدران را «پدران مجازی» یا «پدران صفحه نمایشی» می نامیم.

به دلیل عدم مجاورت مکانی و جغرافیایی پدر و سایر اعضای خانواده، به تدریج کارکرد این پدران تا حد تأمین کننده احتیاجات مادی کاهش می یابد.

در کشور مقصد، همسر و فرزندان موقعیتی را تجربه می کنند که پدر خانواده با آن بیگانه است و این فاجعه ای بزرگ است! خانواده ایرانی در شرایط عادی شاهد شکاف نسلی بین والدین و فرزندان شده است.

این نوع سکونت، نه تنها این شکاف را تشدید می کند بلکه شکافی بین زن و شوهر نیز به وجود می آورد.

آنچه زن از (جامعه مقصد) تعریف می کند برای مرد غریب به نظر می رسد و آنچه مرد از (جامعه مبدأ) تعریف می کند برای زن.

ارتباط این پدران با همسر و فرزندان عمدتاً از طریق صفحه نمایش تلفن همراه است. به صفحه نمایش خیره می شوند و باهم حرف می زنند و استیکر ردوبدل می کنند. به همین دلیل این پدران را پدران مجازی یا پدران صفحه نمایشی می نامیم. این پدران در آن واحد هم حاضرند و هم غائب!

«غریبگی» یکی از ویژگی های خانواده های دوتکه ای نوظهور است. به تدریج شوهر با همسر، و پدر با فرزندان غریبه می شوند.

به همین دلیل برخی شواهد نشان می دهد که پس از پیوستن برخی از این پدران به خانواده، یا جدایی رخ داده است و یا پدر، در آن گوشه های پرت خانواده، جایی برای حضور؛ یافته است. نقشی کاملاً حاشیه ای و در سایه!

هدف این مطلب سرزنش این نوع والدین نیست. قطعاً ابتدا باید سیاست گذاران و تصمیم گیرانی را سرزنش کرد که با سیاست های غلط خود زمینه ترک وطن را فراهم می کنند.

وظیفه حرفه ای جامعه شناسی اقتضاء می کند که با دیدن شواهد هرچند اندک در اکنون، نسبت به گسترش این شکل از خانواده در آینده هشدار لازم داده شود.

نکته قابل تأمل آن است که معمولاً در کشورهایی که شرایط اقتصادی نامطلوبی دارند عمدتاً نخست مردان مهاجرت می کنند و پس از فراهم کردن شرایط زندگی، خانواده را به کشور مقصد منتقل می نمایند. در ایران برعکس، مردان نخست خانواده را می فرستند و سپس خودشان نمی روند!!

در کشورهای دیگر مردان مهاجر از کشور مقصد به موطنشان ارز می فرستند، در ایران، پدران ارز را در موطن خود جمع کرده و روانه کشور مقصد می کنند!!

.....

# رنجی که پایان ندارد



مهتاب ره

گیلان فردا - روزی که قلم در دست گرفتم و نام خبرنگار بر خود نهادم، عهد کردم از درد و رنج مردمانی بنویسم که صدایشان به جایی نمی‌رسد، از رنج برنج کارانی بنویسم که با داستانی پینه بسته روزگار را به سختی می‌گذرانند، از مادر پشت خمیده ای بنویسم که سال‌ها یتیم داری کرده، از سختی کار کارگرانی بنویسم که با کمترین درآمد روزگار می‌گذرانند و از بیمارانی بنویسم که ضمن تحمل درد بیماری در فکر تامین هزینه‌های هنگفت درمان هستند، اما هیچ وقت تصور نمی‌کردم که قرار است روزهای سختی را با سرطان بگذرانم، بارها شاهد اشک بیماران سرطانی بودم و آن‌ها را دعوت به آرامش می‌کردم، اما هرگز تصور نمی‌کردم که روزی دیگران امید به آینده را به من نوید دهند.

البته معتقدم که خداوند با این کار، مسیر زندگی ام را تغییر داد. سال‌ها قلم زدم و لنز دوربینم را بر مسائل جامعه زوم کردم، دیدم هنوز می‌توانم بیشتر از این کارساز باشم و دو سال پیش موسسه ای با هدف توانمندسازی زنان و خانواده در شهرستان راه اندازی کردم و امروز خوشحالم که حدود ۴۰ نفر از بانوان شهرستان که غالباً بی‌سرپرست هستند و یا درآمد پایین دارند توانمند شده‌اند. من عهدی با خدای خود بسته‌ام که در هر شرایطی بی‌منت به خلق کمک کنم و از همه توانم در این مسیر بهره‌گیرم و در این راه نه بیماری سرطان، نه شیمی‌درمانی و نه درد، مانعی برای رسیدن به اهدافم نباشد. پس از خداوند بزرگ می‌خواهم مرا یاری کند تا ضمن مبارزه با بیماری، توانایی خدمتگزاری بیشتر به مردم را هم به من عطا فرماید.

طی مدت بیماری از عنایت ویژه آقای دکتر فاضلی، مدیر کل محترم فرهنگ و ارشاد استان گیلان، آقای ابراهیمیان، سرکار خانم باقری پور، ریاست محترم دانشگاه علوم پزشکی گیلان، مدیر عامل محترم هلال احمر گیلان، فرماندار محترم شهرستان رضوانشهر، نماینده مردم شهرستان، ریاست محترم اداره ارشاد و بهزیستی شهرستان، شورای شهر و شهرداران رضوانشهر و پره سر و همکاران بسیار خوبم برخوردار شدم و مهمتر از همه همسر مهربان و خانواده‌ام که مرا در روزهای سخت همراهی کردند. امیدوارم پس از طی دوره درمان شایستگی خدمت مجدد را داشته باشم. انشالله



# قرار است بیاید، بیارد و ببرد



مژگان شفاعتی

گیلان فردا - به روزهایی که گذشت، فکر میکنم. روی صندلی حصیری در ایوان خانه ویلایی مادرم نشسته‌ام و به گلدان‌های شمعدانی‌ای که مرتب روی پله‌ها چیده شده، نگاه می‌کنم. هنوز چند روزی تا آمدن بهار فرصت هست. سینه‌ام را پر می‌کنم از عطر شمعدانی‌های رنگی مادر. ریه‌ام شاد می‌شود بعد از مدتها...

مدت‌های زیادی است که «خودم» و «خودم» درگیر بوده‌ایم. از همان نوع «خود درگیری». من در هفته‌ها، ماه‌ها و حتی همین روزهای آخر زمستان، هم شادی داشته‌ام و هم غم. غم از دست دادن عزیزانی که «کرونا» سرافشان آمد. دست‌هایشان را گرفت و برد به سرزمینی بهتر. سرزمینی که نشانی از کره‌خاکی ما ندارد.

به گمانم آنجا دیگر «ریه‌هایشان» نمی‌سوزد و درگیر نیست. درگیر فقر، گرانی، بی‌عدالتی، تبعیض، ظلم و ... همه این کلمات خود شرمنده «کرونا» هستند، زیرا می‌دانند که لباس عاریه پوشاندن بر قامت آن‌ها، تا مردم خسته از همه دردها، به لب فرو بستن، راغب باشند. همان‌هایی که به هر بهانه‌ای دست در جیب مردم می‌کنند تا خود به «نان» و «نوایی» برسند. و عجیب نانشان در روغن «ریه‌های سوخته» مردمی است که به نان شیششان محتاج هستند. راستی آسمان خانه ما ابری است؛ ولی از باران خبری نیست. در شهرستان مجاور مان، شنیده‌ام «سیل» آمده و دار و ندار مردم زیر آب است. ولی عجیب است که در این شهر عده‌ای «زیرآبی» می‌روند برای به دست آوردن «نام» و «نان». اشتباه نکنید!

آنها سیل زده نیستند. آنها سیل راه می‌اندازند برای رسیدن به آبی که بهتر بتوانند در آن «شنا» کنند. الحق و الانصاف که شناگران ماهری هم هستند. راستی آسمان شهر شما، بارانی است؟ اینجا که «سیل» است...

چند روزی فرصت هست تا «بهار» از را برسد. منتظرش هستم تا در بزند. منتظرم تا آب‌های سرگردان شده از سیل را به سمت او راهی کنم. چون او بهتر می‌داند حال روز خاک‌های تشنه و تَرک‌خورده بی‌آب را. بهار که از راه برسد، فصل رویش است و دگرگونی. برای آمدن بهار، شمعدانی‌ها بی‌قرارتر شده‌اند. برای آمدن و رسیدنش، آب و جارو کرده‌ام، همه راه‌ها و کوچه‌های دلم را. قرار است که بیاید، بیارد و ببرد همه باقی مانده پستی‌دل‌های غمگین را. آماده‌ام. شو.

برای نو شدن. برای نو دیدن و برای «از نو شنیدن» «نو شدن هایتان شیرین»



# رها پرنده ای در قفس

پیاده نوشت

گیلان فردا، تهمینه کوهساری - پیاده نوشت؛ دنوشته های کوتاهی است از زندگی روزمره در کوچه و خیابانی که هر روز می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم.

## همه محبت ها ظاهر سازیه

ساعت دو و نیم عصر، خیابان امام رشت - مرد جوان که مشغول چیدن هویج و کاهو و کلم در بساط خودش، همینطور که مشغوله کاره میگه: «همه محبت ها ظاهر سازیه، این روزها پدر به پسر رحم نمی کنه، آخه چرا اینطوری شده؟ چرا همه دروغ میگن؟» در همین حین یکی میاد می پرسه آقا هویج کیلویی چند؟ میگه ۱۰ هزار تومن و برمی گرده طرف همکارش که بساط باقلی و سیر محلی داره، ادامه میده «همش ظاهر سازی، کسی

با کسی رو راست نیست...» می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم...

## ساقی شهر

ساعت سه عصر، میدان شهرداری رشت - نمی دونم چرا فکر می کنم که اون یکی از ساقی های شهره با اینکه میانساله ولی خیلی از اوقات پوشش جوانانه به تن و کتانی مد روز به پاداره، بارها دیدم که خیلی شیک و مجلسی جوانانی میان کنارش و پولی میدن و چیزی می گیرن و میرن. البته اون هم معرفت میداره و گاهی تعارف می کنه که مهمون باش!!!! می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم...

## با خودش حرف می زنه

ساعت دوازده ظهر، میدان شهرداری رشت - از کنار اولین نفری که داره تنها و با صدای بلند با خودش حرف میزنه رد میشم، اما چند دقیقه بعد مرد جوان دیگری رو میبینم که با ظاهری موجه، اما با صدای تقریباً بلند داره با خودش حرف میزنه! فکر میکنم شاید مشغول حرف زدن با گوشه باشه، اما نه چیزی توی دستشه و نه چیزی توی گوشش! با خودش حرف می زنه، طوری که راحت میشه صداشو شنید! متأسفانه تازگیها از این اتفاقات توی شهر زیاد دیده می شه که جای تامل داره! این افراد نه زنده پوش هستن و نه بی خانمان! حرف زدن این یکی با آن لباس مرتب و قد و هیكل و قیافه موجه خیلی برام عجیب و ناراحت کننده س. این اختلال های روحی و روانی پیامد علت های بسیار زیاد اجتماعی که به صورت معلول بروز می کنه و کسی هم به فکر رفع کردن علتش نیست! می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم...

## یک روز کار

ساعت هفت و نیم صبح، میدان شهرداری رشت - کارگران روز مزد هاست که در این میدان می ایستن تا شاید کسی برای کار به اونا مراجعه کنه. میانگین سنی شان بین سی تا پنجاه سال به نظر می رسه، ولی جوانتر و مسن تر هم بین اونا دیده میشه. واقعاً زندگی این گروه ها چه جوری میگذره؟ می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم...

## رها پرنده ای در قفس

ساعت شش عصر، خیابان حافظ رشت - از کنار کافه ای رد میشم که قفس پرنده ای رو آورده جلو در کافه گذاشته تا حیوونی هوا بخوره. چون پرنده ها رو دوس دارم چند لحظه مکث می کنم. یه کاسکو در قفسه، که صداهایی هم از خودش درمیاره. دو سه کلمه به زبان آدمیان با پرنده حرف می زنی و بعد نامش رو از صاحبش می پرسم. می گه: «اسمش رها ست». زیر لب با خودم زمزمه میکنم رها، رها، (به قول بعضی ها چتوبه. آخه!) پرنده بیچاره توی قفسه، ولی اسمش رهاست، واقعاً چه دنیاییه! می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم...

## تلاش برای زنده ماندن

ساعت هفت صبح، خیابان سعدی رشت - بارها صبح های زود این زن رو دیدم. زنی تقریباً میانسال که با گوشه لب چادر رو بر روی سرش نگه میداره و با دو دستش کیسه های پر شده از وسایل بازیافتی و کارتن خالی رو روی زمین می کشه تا از سمتی به سمت دیگه بره. هزارتا سوال در ذهنم ایجاد میشه، چرا الان خونه نیست؟ آیا خانواده داره؟ در چه وضعیته داره زندگی میکنه و دهها سوال دیگه. البته نمونه های دیگه مثل اون چه زن و چه مرد زیاد دیده میشن! می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم...



## عکاسی در میدان شهرداری

ساعت چهار عصر، میدان شهرداری رشت - با اینکه بخاطر رعایت پروتکل ها سفارش شده مردم به سفر نرن، ولی چهره های جدید زیادی حتی در اسفند ماه در شهر دیده میشن و معلومه که مسافر هستن. خب وقتی در شهر رشت مسافر باشی چه جایی قشنگتر از میدن شهرداری برای عکاسی. دختران و پسران نوجوان با ژست هایی که در سال های اخیر در اینستاگرام مد شده مشغول عکاسی هستن. پوشش بعضی از این بچه ها از مد اروپا هم جلوتره. خانواده های دیگری هم هستن که با لجه استان های دیگر همدیگر رو خطاب قرار میدن که از فلان زاویه نمای میدان قشنگتره. می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم...

## زنان دستفروش

ساعت هفت غروب، خیابان علم الهدی رشت - با وجود کرونا خیابان خیلی شلوغه، بساط دستفروش ها تقریباً بیش از نصف مسیر عبور و مرور عابران رو پر کرده. مدت هاست که بخاطر وضعیت اسفبار اشتغال خیلی از خانم های جوان و میانسال هم به خیل دستفروشان پیوستن و بساط پهن می کنن و در سرما و گرما به انتظار مشتری می نشینن. این زنان دستفروش شهری غالباً تحصیل کرده و متاهل هستن می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم...

## مشکلات کشور از آقازاده هاس

ساعت یک ظهر، چهار راه گلزار رشت - دو مرد میانسال به همراه یک خانم و آقای جوان جلوتر از من در حرکت هستن. با هم صحبت می کنن و من و رهگذران دیگه بدون اینکه بخوایم صداشونو میشنویم. از ناسامانی های جامعه و اقتصاد خراب می گن و دو نفرشون تاکید می کنن که مشکلات کشور ناشی از آقازاده هایه که برای خودشون مافیا درست کردن. یکی از آن ها می پرسه «آخه این آقازاده ها کیا هستن...!» و می بینیم و می شنویم و عبور می کنیم...

## هر ایرانی یک صفحه فیک

ساعت هشت شب، میدان شهرداری رشت - دقایقی روی یکی از سکوهای میدان شهرداری می نشینم و بیاد میارم که قبل از کرونا این میدان تا چه حد مملو از افرادی بود که برای انجام هر کاری بالاخره از میدان شهرداری رد می شدن، یا برای تفریح و خرید می آمدن. ولی الان بخاطر کرونا میدان خلوت و خیری از آن همه هیاهو و سر و صدا نیست. در همین حین چند دختر و پسر جوان که بعضی هاشون پوشش متفاوتی دارن کمی اون طرف تر و نزدیک به من دور هم جمع میشن و شروع می کنن به حرف زدن. از صفحات مجازی، و اپ های مختلف حرف می زنی، اینکه کی چقدر فالور داره و صفحه کی بلاک شده و اینکه چطور با صفحه فیک دیگران رو چک می کنن! اونوقت می خندن و میگن «هر ایرانی یک صفحه فیک در اینستاگرام!» و من میشنوم و عبور می کنم...

# چرا این اندازه تنگ نظر و بخیل هستیم

گیلان فردا - چه اتفاقی افتاده که ما از خوشبختی دیگران آزار می‌بینیم و چرا تا این اندازه تنگ‌نظر و بخیل هستیم؟

به گزارش ایسنا، مرد کنار جدول ایستاده و چرخ‌های جلو و عقب پراید رنگ و رو رفته‌اش را نگاه می‌کند. همان طور که سوئیچ را بلاتکلیف در مشت گرفته، برمی‌گردد و نگاهی هم به عقب اتومبیل می‌اندازد. دستی به سپر می‌کشد و باز کمی آن طرف‌تر در تاریک روشن غروب ماشینش را برانداز می‌کند. یک نفر از مغازه سر نبش بیرون می‌آید و می‌گوید: «یه شاسی‌بلند پشت شما پارک کرده بود، پراید شما رو هل داد جا باز کنه بره بیرون. همین پنج دقیقه پیش بود. تقریباً نیم‌متری ماشینت رو پرت کرد جلو!

زن نیمه‌های راه متوجه می‌شود کارت سوختش را در پمپ بنزین جا گذاشته. برمی‌گردد ولی خبری از کارت نیست و متصدی هم چیزی ندیده. زن حالا کاملاً مطمئن است کارت را برداشته. مدیر جایگاه می‌پرسد چه ساعتی؟ زن تلفن همراهش را نگاه می‌کند و می‌گوید دقیقاً پنج و ۴۵ دقیقه. بررسی دوربین‌ها در ساعت پنج و ۴۵ دقیقه نشان می‌دهد آقای خوش تیپ پشت سری، اول کارت خانم را در جیب می‌گذارد، بعد با کارت مبارک خودش بنزین می‌زند. پلاک ماشین کاملاً پیداست. همسر زن برای پیدا کردن شماره تلفن صاحب پلاک با کمک همکاران و آشنایان یکی - دو روز وقت لازم دارد تا این که بالاخره تماس با آقای خوش تیپ برقرار می‌شود.

کارت رمز داره مرد حسابی به چه درد تو می‌خوره. داره که داره. اصلاً نمی‌خوام بدم. مثلاً می‌خوای چکار کنی؟ توی میوه‌فروشی دعوی خانم‌ها بالا می‌گیری. یکی داد می‌زند: «مگه من علفم که با دست کنارم می‌زنی؟ شاخه درختم؟ هر طرف می‌چرخم میاد هلم می‌ده. عجله داری که داری به جهنم که عجله داری.» آن یکی داد می‌زند: «مگه اومدی نمایشگاه؟ مردم کار دارن، عجله دارن.» و باز: «عجب گیری کردیم ها! بله من اومدم نمایشگاه، به شما چه مربوط؟ می‌بینی دارم سبب‌زمینی برمی‌دارم، برو اون طرف پیاز بردار دیگه، باید از روی کله من رد بشی؟ از کرونا می‌ترسی برو بیرون خلوت بشه، عجله داری به

مردم چه؟ نیم ساعته داره مشت و لگد به ما می‌زنه هیچی نمیگم. کار تو کاره کار بقیه باره» تقریباً ذهن همه ما پر است از رویدادهایی مشابه آن چه خواندید. مثنوی هفتاد من که می‌شود به جای چند پاراگراف کتابی قطور و چند جلدی باشد. شما اگر بخواهید این مسأله را صورت‌بندی کنید و برایش یک عنوان ساده در نظر بگیرید، چه خواهید کرد؟ به منفعت‌طلبی فردی فکر می‌کنید یا تنگنای اقتصادی و به تبع آن به هم ریختن اعصاب مردم؟ آیا منفعت‌طلبی فردی به خودی خود یک بیماری اجتماعی است یا نمودی از یک بیماری که ریشه در مسائل دیگری دارد. اگر چنین است ریشه آن را کجا باید جست و جو کرد؟

اردشیر گراوند، جامعه‌شناس، معتقد است این وضعیت را باید در اصلاح‌نشدن نظام اخلاقی در جریان انتقال جامعه ایرانی به زندگی شهری دید: «من اوایل فکر می‌کردم با سقوط ارزش پول ملی، اخلاق اجتماعی ما هم در سراسیمه سقوط قرار گرفته اما حالا به روشنی می‌توانم به شما بگویم که سقوط ارزش‌های اخلاقی باعث سقوط ارزش پول ملی شده است. دو بار در ایران درباره سرمایه اجتماعی مطالعه شده و هر بار هم به پیشنهاد من بوده؛ هم سال ۸۳ و هم ۹۴. این دو پیمایش قرار بود میزان سرمایه خرد و کلان اجتماعی را بسنجد و متأسفانه نتیجه

کلی این بود که ما خیرخواه یکدیگر نیستیم. با این نتیجه باید پرسید چه اتفاقی افتاده که ما از خوشبختی دیگران آزار می‌بینیم و چرا تا این اندازه تنگ‌نظر و بخیل هستیم؟ شما در هر اداره‌ای که کار می‌کنید بروید ببینید تا حالا چند تا گزارش علیه شخص شما دریافت کرده‌اند؟ اصلاً روزی چند تا گزارش همکاران علیه یکدیگر به دست‌شان می‌رسد؟ سؤال اساسی این است که چرا حراست ما، شعبات دادگاه ما و پلیس ما تا این اندازه فریه شده؟»

این جامعه‌شناس به سخنرانی سال ۱۳۹۱ مقام معظم رهبری در بجنورد اشاره می‌کند که به اخلاقیات اجتماعی پرداختند و به مسائل مهمی از جمله رواج دروغ، شانه زار بر مسئولیت خالی کردن، اسراف و مصرف‌گرایی، پرخشگری در محیط کار، بی‌صبری و ... اشاره کردند و لزوم آسیب‌شناسی این موارد را یادآور شدند. به اعتقاد بسیاری از جمله اردشیر گراوند این سخنرانی بسیار مهم است و هنوز کاری جدی در این زمینه

صورت نگرفته. در بخشی از این سخنان می‌خوانیم: «می‌شود یک تمدن را به صرف این که ماشین، صنعت و ثروت دارد، قضاوت و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست. آنها ابزاری هستند برای این که این بخش تأمین شود تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند ... بعد از آن که علت‌ها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به این که چگونه می‌توانیم اینها را علاج کنیم. اینها به عهده کیست؟ به عهده نخبگان - نخبگان فکری، نخبگان سیاسی - به عهده شماست.»

گراوند می‌گوید باید کلاه خودمان را قاضی کنیم و ببینیم با ۱۴ میلیون پرونده قضایی و ۶ میلیون معناد و سالی یک میلیون سرقت به کجا می‌رویم؟ به گفته او خیلی از جوامع فقیرتر و ندرت‌تر از ما هستند اما مگر هر کسی که نداشت باید دزدی کند؟ در خیلی از جوامع وفور گدایان را می‌بینیم، گدایی هزار مرتبه از دزدی و کیف‌قاپی بهتر است: «تا حالا صد بار از من خواسته‌اند مسئولیت قبول کنم اما من قبول نکرده‌ام و گفتم من آدم حسود و تنگ‌نظری هستم، از جامعه کوچکی به این کلاتشهر آمده‌ام و هنوز پروسه شهروندی را طی نکرده‌ام و ادعایی هم در این زمینه ندارم. شاید بچه‌های من و نوه‌های من بتوانند از تنگ‌نظری‌های من خلاص شوند. مسأله این است که ۷۵ درصد جامعه ایرانی در شرایط مدرن زندگی می‌کنند اما ذهنیت مدرنی ندارند. برای این که نظام فرهنگی ما تلاشی در زمینه شهروند کردن آنها و انتقال آنها به جامعه مدرن انجام ندهد و مهم‌تر از آن این که خود مدیران هم آموزشی در این زمینه ندیده‌اند. اساساً حسادت و تنگ‌نظری مسأله شهروندان در یک زندگی مدرن نیست اما چنین انتقالی به‌درستی صورت نگرفته، و گرنه من نباید ماشین شما را خط بیندازم یا زیرآب شما را بزنم.»

از او درباره این تناقض تاریخی می‌پرسیم که از یک سو ما را به فرهنگی درخشان با سرچشمه‌هایی زایا از فلسفه و حکمت و اخلاق و عرفان متصل می‌کند و از سوی دیگر به خلقیاتی ناپسند که زاینده تجربه‌های طولانی از زندگی در جامعه‌ای نامن و استبدادزده است؛ جنگ‌ها و غارت‌های پیاپی و شاهان و سلاطین مستبد و ... که در

طول قرن‌ها جامعه ایرانی را در لاک تدافعی منفعت‌طلبی فردی فرو برده است. گراوند می‌گوید: «همان سعدی و حافظ و مولانا هم از استبداد می‌نالیدند و گرنه مولانا نمی‌گفت:

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر اکز دیو و دد مولوم و انسنام آرزوست  
زین هم‌رهان سست‌عناصر دلم گرفت / شیر خدا و رستم دستنام آرزوست

ما این تجربیات تاریخی را داریم ولی برای اصلاح و مدرن کردن آنها کاری نکرده‌ایم. مشکل اصلی همان چیزی است که گفتم؛ این که در دوره انتقال به مدیرانی نیاز داریم که خودشان رفتار مدنی و شهروندی را بلد باشند. نظام فرهنگی و آموزشی و تربیتی ما تلاش موثری در این زمینه نکرده، خوب معلوم است که من به شما حسادت می‌کنم و ماشین‌تان را خط می‌اندازم یا صف را دور می‌زنم. بزرگی یک ملت به میزان تحصیل‌کردگی نیست، به سطح اخلاقیات آن جامعه است. نظام فرهنگی ما برای ارتقای انسانیت و بزرگ‌سازی ابعاد روحی و روانی ما کار چندانی نکرده. ما هر چه خرج نظام تربیتی و آموزشی کرده‌ایم انگار دور ریخته‌ایم. اغلب به من می‌گویند فلائی تو خودزنی می‌کنی. نه خودزنی نمی‌کنم، من خودم را می‌شناسم و می‌دانم چه آدم تنگ‌نظر و حسود و بدبختی هستم. خوب من نباید مدیریت کنم و بقیه را هم مثل خودم تنگ‌نظر

و زیرآب‌زن کنم. حالا هم راهی جز این نداریم که درست طبق آن چه رهبری در سخنرانی خراسان شمالی اشاره کردند، همه حاکمیت، رئیس‌جمهوری، رسانه‌ها، آموزش و پرورش و ... همه با هم در این زمینه کار کنیم آن وقت بعد از پنج سال می‌توانیم وضعیت را تثبیت کنیم، ۱۰ سال دیگر به قوام برسیم و ۱۵ سال دیگر بگویند آفرین چه جامعه اخلاقی ساخته‌اید. گام مهم‌تر این که به خانواده برگردیم و از خانه شروع کنیم. ما اگر دنیا را هم بگیریم و برگردیم ببینیم خانواده را از دست داده‌ایم و فرزندان شایسته‌ای تربیت نکرده‌ایم، هیچ چیزی نداریم، همه چیز را باختیم اما اگر خانواده را درست کنیم با جامعه‌ای اخلاقی می‌توانیم دنیا را هم از آن خود کنید.»

گراوند معتقد است فرد یا جامعه تحصیل‌کرده یا ثروتمند غیر اخلاقی بارها خطرناک‌تر از فرد و جامعه بی‌سواد و فقیر اما اخلاقی است. شما چطور فکر می‌کنید؟



**فرد یا جامعه**  
تحصیل‌کرده یا ثروتمند غیر اخلاقی بارها خطرناک‌تر از فرد و جامعه بی‌سواد و فقیر اما اخلاقی است



# یادداشت هایی کوتاه از شهلا اصلی بیست درصد شصت درصد درصد

## دیگر چه قولی می خواهید بدهید

این روزها که کم کم به زمان انتخابات نزدیک می شویم افراد علاقمند برای بدست آوردن مجدد کرسی های نمایندگی در مجلس و شورا و دیگر امور مربوطه، زیادی احساس تکلیف می کنند! به همین خاطر برای ثبت مردم داری خود حتی دقیقه ای را هم از دست نمی دهند و مدام عکس یادگاری می گیرند! تا قبل از این برای اینکه ریا نشود در همه مجالس عروسی و عزا حضور پیدا می کردند! اما کرونا تا حدی بازارشان را کساد کرده است چون دوره می های مردمی به حداقل رسیده، ولی احساس تکلیف این عزیزان نمی گذارد که از خدمت گذاری دست بکشند. حتی ممکن است استفاده دایم و بی چون و چرای فضای مجازی را برای عموم مردم نپسندند ولی خودشان را از برکات این تکنولوژی محروم نمی کنند. اما برآستی چه شعاری می خواهند بدهند که تا کنون نداده اند! چه قولی می خواهند بدهند و اصلا چند درصد کاندیداها به وظایف قانونی خود اشراف دارند؟ آنهایی هم که جدیدالورود هستند کدام نمایندگان را می خواهند الگوی خود قرار دهند؟ اما تاسف بارتر فراگرفتن رانت بازی و دلالی از سوی وابستگان تعدادی از اینهاست که بیش از برخی عطش رسیدن به پول و پست را دارند...

## می خواهیم خودم را خاموش کنم

عادت حضور در فضای مجازی و استفاده افراطی از گوشی هایی که فراتر از همراه در تمام اوقات کنارمان هستند موجب شده در همه ساعات شبانه روز در تیررس اطلاعات و اخبار باشیم. هر چیز درست و نادرست را در فضای مجازی ببینیم و اگر اهل تامل و تدقین نباشیم در همان لحظه بدون اینکه از اصل ماجرا خبر داشته و از منبع آن آگاه باشیم آن را بازنشر دهیم. با ساعت بیداری کشورمان بیداریم و با ساعت بیداری دیگر کشورها هم بیداریم تا مبادا از چیزی عقب بمانیم! تا بدانجا که بعضی از کاربران فضای مجازی و گوشی های اندروید و مشابه آن از این همه انفجار اطلاعات به ستوه آمده و دچار دلزدگی می شوند. مثلاً یکی از همین کاربران می گوید: «می خواهم خودم را خاموش کنم». البته منظورش این است که می خواهد گوشیش را خاموش کند و چند روز اصلاً به گوشی دست نزنند! واقعاً شاید لازم باشد با چالش جدید چند روز از غوغای فضای مجازی دور شده، به خودمان استراحت بدهیم و کمی به دنیای واقعی برگردیم...

## تولید انبوه دلال

بعضی ها می گویند در دهه های اخیر تولید ما از بین رفته و یا به حداقل رسیده است. این بعضی ها مدام دولت های مختلف را مسئول این ضعف دانسته و وانمود می کنند که قبل ترها تولیدات کشاورزی و صنعتی ما به مراتب بیشتر و قوی تر بوده است. ولی به نظر می رسد این حرف خیلی درست نبوده و غیر منصفانه باشد. چون در مقابل گروهی اعتقاد دارند که اتفاقاً دولت های مختلف بسیار هم در بخش تولید موفق بوده اند، چون تا جا داشته دلال و واسطه گر تولید کرده اند! تا بدانجا که حتی هر کارمند و کارگر و زن خانه دار و محصل و دانشجو در فکر این است که چکار کند یک تومانش بشود دو تومان! حتی اگر یک محصول و کالا بیست دست هم بچرخد و در نهایت با قیمتی کاذب و بسیار گران به دست مصرف کننده برسد اصلاً مهم نیست، مهم این است که در این فرآیند تولید دلال، همه دلال ها و واسطه ها سود کرده اند و به معنی واقعی جمله هر ایرانی یک دلال تحقق پیدا کرده است! آنوقت بعضی از آدم های ناآگاه با قضاوت های غیرمنصفانه خود می گویند دولت ها به تولیدات بها نداده اند! اما جامعه ای که هر لحظه در حال تولید دلال و واسطه است را نمی توان یک جامعه عاری از تولید قلمداد کرد!

## هر سال در پنجاه سال اخیر بی سابقه بوده

نمی دانم حرف این یکی را کجای دلم بگذارم. می گوید هر سال در پنجاه سال اخیر بی سابقه بوده است! آخر چطور ممکن است چیزی هر سال تکرار شود و آنوقت بی سابقه هم باشد! خدایی بعضی از مدیران گاهی حرف هایی می زنند که در دکان هیچ عطاری پیدا نمی شود...

## یادم نیست چی خریدم



خریده های اینترنتی اش را که به پایان می برد دوباره به صفحات دیگر فضای مجازی سر می زند. مثل اینکه اجناس مشابه ای را با قیمت کمتر در صفحه دیگری پیدا کرده است. کمی مغمو می شود ولی سریع می گوید اشکال ندارد چون کلا سیستم خرید من خرید لحظه ای و آنلاین است. اگر همان لحظه خرید کردم که کردم در غیر اینصورت دیگر حوصله نمی کنم برای خرید چیزی که می خواهم به بازار بروم و یا به صفحات فروش اینترنتی مراجعه کنم. می پرسم خب حالا چی خریدید؟ چند لحظه مکث می کند و سپس خیلی جدی از خودش می پرسد من واقعاً چی خریدم! فکر می کنم شوخی می کند ولی او جدی است و خودش هم از اینکه در لحظه فراموش کرده چی خریده متعجب است و می گوید مثل اینکه حافظه من از ماهی قرمز هم کمتر است چون یادم نیست چی خریدم...

## هر کس اسمی برای من انتخاب کرده



از اینکه افراد خانواده و فامیل هر کدام اسم های مختلفی برایش انتخاب کرده اند گله می کند و می گوید: «هر جا می روم باید کلی فکر کنم که کدام اسمم را بگویم!» می پرسم چرا؟ مگر چند تا اسم دارید؟ می گوید: «وقتی سی و پنج سال پیش بدنیا آمدم، مادرم نامی برایم انتخاب کرد و پدرم نامی دیگر. همان زمان عمه و خاله نیز هر کدام با اسم های دیگری مرا صدا می زدند و البته در دوران تحصیل نیز با اسمی که خودم دوست داشتم در بین دوستان شناخته می شدم. در محیط کار همکاران به یکی از نام هایی که داشتم مرا صدا می زدند و در مدارک و برگه های اداری یکی دیگر از اسم هایم نوشته می شود! خلاصه که خودمم گاهی گیج می شوم که در جاهای مختلف باید کدام اسمم را بیان کنم!»

## بهره برداری از یک دستگاه منگنه کش



وقتی می گوید امروز مراسم افتتاحیه داریم، حرفش را باور می کنم. می پرسم مراسم افتتاحیه مربوط به چه طرح و پروژه ای هست و چه ساعتی شروع می شود؟ می گوید: «همین الان» و قبل از اینکه نگاه متعجبم را ببیند، ادامه می دهد: همین الان بهره برداری از یک دستگاه منگنه کش را آغاز می کنیم و امیدواریم که باعث گشایش در کارها بشود و بتوانیم برای چند نفر اشتغالزایی کنیم...

## بیست درصد شصت درصد در صد

همینطور که تند و تند صحبت هایش یادداشت برداری می کنم تا خبر را تهیه نمایم، می شنوم مدیر مربوطه در خصوص موضوعی که صحبت می کند اعداد و ارقامی می گوید «بیست درصد شصت درصد در صد در صد...» به جای اینکه جملات را کامل کنم می در ذهنم حساب کتاب می کنم که بیست درصد شصت درصد، صد در صد چقدر می شود؟! رکورد را جلو عقب می کنم تا صدای ضبط شده را دوباره بشنوم. خلاصه در دستران نهم اینقدر اعداد گزارش را ضرب و تقسیم می کنم تا بالاخره بفهمم بیست درصد شصت درصد در صد چقدر می شود که سردرد می گیرم و به خودم می گویم حقت است که سردرد بگیرم، تو چکار داری که بیست درصد شصت درصد در صد در صد چقدر می شود...



### چهل - پنجاه ساله‌های امروز!

**گیلان فردا -** در روزگاری نه چندان دور، چهل پنجاه سالگی، سن قرار و آرام بود.

چهل - پنجاه ساله جزو بزرگان فامیل و خانواده بود.

برای خودش احترام و برو و بیایی داشت.

زندگیش کاملاً تثبیت شده بود و امنیتی داشت و ثباتی!!

امروز اما چهل پنجاه ساله‌های ایرانی وضع دیگری دارند!! نه مانند چهل پنجاه ساله‌های جوامع سنتی و سالیان قبل احترام بزرگتری و ریش سفیدی دارند و نه همچون چهل - پنجاه ساله‌های جوامع پیشرفته ثبات مالی و امنیت اجتماعی.

چهل - پنجاه ساله‌ی امروز ایرانی، چند سالی است در حال دست و پنجه نرم کردن با گرفتاری‌های مهاجرت است.

هنوز دارد زبان خارجی یاد می‌گیرد

در حالیکه ذهنش دیگر ذهن بیست سالگی نیست.

در کشور غریب امتحان شغلی و امتحان رانندگی می‌دهد و همچنان با قوانین جدید کشور بیگانه دست به گریبان است.

همچنان به چیزهایی که پشت سرش گذاشته و آمده، فکر می‌کند و گاهی افسوس می‌خورد.

نگران شرایطش در کشور جدید است

نگرانی‌های یک آدم بیست ساله را در جسم و روح یک چهل - پنجاه ساله به دوش می‌کشد.

چهل - پنجاه ساله‌ی امروز آنقدر خوش شانس است که برخلاف پنجاه ساله‌های پنجاه سال پیش، پدر و مادرش هنوز در کنارش هستند.

اما او با قلب و روح یک آدم چهل پنجاه ساله، هر روز صبح باید با این فکر بیدار شود که مادر و پدرش امروز خوبند؟

چهل پنجاه ساله‌ی امروز، هم پدر و مادر است برای فرزندانش، و هم گاهی برای پدر و مادرش.. باید ستون محکم بزرگترها و کوچکترها باشد. سفت و محکم بایستد و اصلاً احساس ضعف نکند. خیلی هم احساساتی نشود. در روزگاری که نه فرزندش خیلی تره برایش خرد می‌کند و نه پدر و مادرش، او باید حواسش به همه‌ی آنها باشد. مشکلات همه را سر و سامان دهد و مشکلات خودش را هم. چهل - پنجاه ساله‌ی امروز، باید مسائل سن بلوغ فرزندش را حل کند. باید برای آینده‌ی فرزندش آنها را در این اوضاع آشفته، تدبیر بخرج دهد. گرچه هنوز جسمش و روحش هزار طلب دارد، باید با تنهایی کنار بیاید، چرا که حتی اگر بتواند رابطه‌ی پیچیده‌ی زناشویی را زنده و شاداب نگه دارد. باز هم تنهاست!!

چون وقت ندارد و امکانش نیست به این چیزها فکر کند. چون همه منتظر اویند و متوقع از او.

چهل - پنجاه ساله‌ی روزگار ما همچنان باید چهار اسبه کار کند.

چون روزگارش ثبات اقتصادی ندارد و آینده‌اش نیز هنوز مبهم است و دیگر بدنش طاقت اینجور کار کردن را ندارد. گاهی فشار بالا می‌رود و گاهی پایین. گاهی تپش قلب می‌گیرد!!

چهل - پنجاه ساله‌های این روزگار همان‌هایی هستند که در بالاترین‌ترین دوران این سرزمین رشد کردند، تمامی آزمون و خطاهای آنها صورت گرفت، بدترین رفتارها با آنها شد. بدبختی‌ترین تفریحات دوران نوجوانی و جوانی برای آنها جرم محسوب می‌شد، و حتی به خاطر آن در بند افتادند. دلپره و ترس و نگرانی به داخل سلول‌هایشان رخنه کرد، جزئی

وجودشان شد و با آن بزرگ شدند، در بچگی

مطیع بودند و در بزرگسالی نیز مطیع.

همیشه منتظر سرایی به نام آینده‌ی بهتر

بودند و...

چهل - پنجاه ساله‌ی عزیز!

اگر بخت با تو یار بود و زنده ماندی! قوی باش!

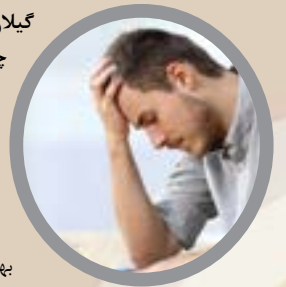
خیلی قوی باش!

تو چهل - پنجاه ساله‌ی این روزگاری در این سرزمین،

و نباید انتظار قرار و آرامشی مانند چهل پنجاه ساله‌های

پنجاه - شصت سال قبل را داشته باشی.

چون زندگی هنوز با تو خیلی کار دارد.



گیلان فردا - برخی ها معتقد هستند در

چنین شرایطی اگر افسرده نباشیم باید به

سلامتی‌مان شک کنیم!

آمار وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران

نشان می‌دهد که تقریباً ۳۰ درصد جمعیت

ایران دچار اختلال روانی هستند.

به گزارش اعتماد آنلاین، طبق آمار وزارت

بهداشت جمهوری اسلامی، حدود ۲۱ میلیون

نفر یعنی تقریباً ۳۰ درصد مردم ایران دچار

اختلالات روانی هستند. ایرج حریرچی، سخنگوی اسبق وزارت

بهداشت نیز گفته است از هر چهار نفر یک نفر دچار اختلالات روانی است.

همچنین آمار وزارت بهداشت شمار زنانی را که دارای اختلالات روانی

هستند بیش از مردان نشان می‌دهد. طبق این آمار، در یک سال گذشته

۲۳.۴ درصد بالغان در ایران دچار یک اختلال روانی بوده‌اند که ۲۷.۶ درصد

آنان را زنان و ۱۹.۴ درصدشان را مردان تشکیل می‌داده‌اند.

دکتر مجید صادقی، نایب رئیس انجمن روانشناسان ایران، می‌گوید که آمار

بیماری‌های روانی از بسیاری از بیماری‌های جسمی هم پیشی گرفته و از هر

چهار خانواده یک خانواده درگیر بیماری روانی است و دو سوم بیماری‌های

روانی را اختلال اضطراب و افسردگی تشکیل می‌دهند.

آمار وزارت بهداشت همچنین نشانگر آن است که در حال حاضر دوره

جوانی اصلی‌ترین دوره سنی است که افراد در آن به اختلالات روانی مبتلا

می‌شوند.

همچنین کودکان نسل جدید بیش از گذشته دچار اختلال روانی می‌شوند.

در عین حال باید در نظر داشت که آمارهای مربوط به بیماران دارای

اختلال روانی نشانگر ابعاد واقعی گسترش این اختلال‌ها نیستند، چون

تنها بخشی از افرادی که از چنین اختلالاتی رنج می‌برند به روانپزشک و

روانشناس مراجعه می‌کنند. اعتماد آنلاین می‌نویسد "با وجود پیشرفت ایران

در زمینه‌های علمی، مردم هنوز هنگام داشتن بیماری‌های روانی به آسانی

برای درمان به متخصص مراجعه نمی‌کنند."

مشکل دیگر این است که بیماران روانی از قرار گرفتن تحت پوشش

بیمه درمانی محروم هستند. به گفته دکتر ایرج خسرونی، رئیس جامعه

متخصصان داخلی ایران، کشور با کمبود جدی بیمارستان‌های روانی

روبووست. او می‌گوید: «وقتی ۳۰ درصد افراد جامعه بیماری روانی دارند

باید ۳۰ درصد از بیمارستان‌ها نیز به درمان این بیماران اختصاص یابد».

اشاره می‌کند به اینکه بسیاری هستند که اختلال روانی دارند و این اختلال

را به صورت خشم نشان می‌دهند: «چند درصد از این افراد شاید بتوانند

اختلالات روانی خود را پنهان یا کنترل کنند، اما روزانه در سطح شهر

شاهدیم که افراد به خاطر یک تصادف ساده با یکدیگر گلاویز می‌شوند و

حتی در مواردی قتل رخ می‌دهد».

جلال یونسی، روانشناس، درباره علت افزایش بیماری‌های روانی در ایران

به "فضای جامعه" اشاره می‌کند و می‌گوید: «گاهی پیش می‌آید که برخی

از افراد مشکلات اقتصادی را عاملی بر افزایش آمار بیماری‌های روانی در

کشور اعلام کنند.

اگرچه وضعیت اقتصادی جامعه هم یکی از عوامل موثر بر روح و روان مردم

است، اما این تمام دلیل نیست.

کما اینکه در حال حاضر افرادی که در شمال شهر تهران دچار اختلال

روانی هستند، تعدادشان کمتر از ساکنان جنوب شهر نیست، اما به طور

کلی، فضای جامعه اعم از بحران‌های اقتصادی، وضعیت فرهنگی، معیشت،

چالش‌های اجتماعی و سیاسی همه و همه عواملی تاثیرگذار بر قالب روان

مردم خواهد بود».



مهندس الیاس بشری \*

شبکه‌های اجتماعی چگونه از اطلاعات شما سوءاستفاده می‌کنند

# پلانکتون‌های چاه‌های عمیق داده نباشید!

## چکیده

گیلان فردا - شبکه‌های اجتماعی (social media) یکی از پراستفاده‌ترین ابزار ارتباطی موجود در عصر جدید است. کمتر انسان بالغ و تحصیل کرده‌ای را می‌توان یافت که حداقل عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی نبوده یا از پیام‌رسان‌های مبتنی بر وب استفاده نکرده باشد. روزانه میلیون‌ها کاربر از زمانی که بیدار می‌شوند تا لحظاتی پیش از خواب، در حال چک کردن شبکه‌های اجتماعی یا برقراری ارتباط بر بستر پیام‌رسان‌ها هستند. حتی زمانی که به خواب فرومی‌روید، پست‌ها و پیام‌های جدید را دریافت می‌کنید. اما تاکنون فکر کرده‌اید، پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی که روزانه میلیون‌ها تصویر، پیام، صوت، فیلم و به‌صورت کلی داده (Data) را به‌صورت رایگان ردوبدل کرده و در فضاهای ذخیره‌سازی خود نگهداری می‌کنند، از چه طریقی کسب در آمد می‌کنند؟ در حقیقت کاربران برای مدیران شبکه‌های اجتماعی نقش پلانکتون‌ها در تشکیل چاه‌های داده که نفت جدید شناخته می‌شود را دارند. هر رکورد داده‌ای که در فضای مجازی تولید می‌کنیم برای تشکیل پروفایلی جهت شناسایی تفکرات، احساسات، علایق و حتی پیش‌بینی رفتار ما ذخیره شده و مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. از روی لایک‌ها کامنت‌ها و پیام‌هایی که ردوبدل می‌شود و حتی سابقه جستجوی شما در وب، برای نمایش تبلیغات هوشمند استفاده شده و حتی تلاش می‌شود تا با استفاده از محتوای هدفمند مختص شخصیت شما، تفکرات شما به سمت دلخواه سوق داده شود. این ادعا در نظر اول شاید به یک توهم توطئه شبیه باشد، اما شواهد آن قدر روشن هستند که نتیجه‌گیری در پایان، کار دشواری به نظر نمی‌رسد!



## مقدمه: نحوه کسب در آمد سرویس‌های رایگان در وب

نحوه کسب در آمد در سرویس‌های مختلف مبتنی بر وب متفاوت است، برخی از سایت‌ها برای استفاده از خدمات شما را وادار به پرداخت وجه یا خرید محصولات می‌کنند و برخی دیگر نیز با نمایش تبلیغات، درج رپرتاژ، وابسته بودن به یک برند تجاری و یا ترویج سیاست‌های یک گروه و... در آمد به دست می‌آورند. اما این همه ماجرا نیست. موتور جستجوی گوگل بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین جستجوگر در جهان است، هر روز صدها میلیون نفر در سراسر جهان با زبان خود به جستجو در این سایت می‌پردازند و یا از خدمات دیگر آن مانند سیستم‌عامل اندروید، سرویس Gmail، Google play و... استفاده می‌کنند بدون اینکه هزینه‌ای را برای آن پرداخت کنند. البته گوگل نمایش تبلیغات را به‌صورت محدود در جستجوهای کاربران گنجانده و برای فضای ذخیره‌سازی ابری رایگان خود محدودیت حجمی آپلود فایل قرار داده است. اما اینها نمی‌تواند هزینه‌های این غول بزرگ نرم‌افزاری را که در سراسر دنیا مرکز داده و سرورهای گران‌قیمت با تعداد زیادی کارمند مستقر کرده است را تأمین کند.

در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها اوضاع پیچیده‌تر است، برخی از پیام‌رسان‌ها مانند تلگرام، واتس‌آپ و... حتی بخش‌های غیر رایگان و نمایش تبلیغ نیز ندارند. یا در فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام نمایش تبلیغ به حدی ناچیز است که نمی‌توانند هزینه‌های زیاد این شبکه‌های اجتماعی را جبران کنند.

برخی از کاربران به‌اشتباه گمان می‌کنند هزینه‌ای که برای خرید بسته‌های اینترنتی پرداخت می‌کنند، به شبکه‌های اجتماعی ارتباط دارد که این باور کاملاً اشتباه است. حالا این سؤال دوباره مطرح می‌شود، شبکه‌های اجتماعی از چه راهی هزینه‌های گزاف خود را جبران می‌کنند. در این جا نیاز است با مفهومی به نام داده‌کاوی که یکی از زیرشاخه‌های علم هوش مصنوعی است، آشنا شویم.

## داده‌کاوی و شبکه‌های اجتماعی

داده‌کاوی (Data Mining) علمی است که با استفاده از آن می‌توان دانش نهفته در میان داده‌ها را استخراج کرد. گردآوری، تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی از مزیت‌های داده‌کاوی است. ما در اینجا می‌خواهیم در خصوص داده‌کاوی شبکه‌های اجتماعی یا (Social Data Mining) صحبت کنیم. {۱}

با دو مثال ملموس می‌توانیم تأثیر علم داده‌کاوی را در زندگی روزمره خود بیشتر درک کنیم. آیا تاکنون فکر کرده‌اید سازمان‌های هواشناسی در جهان چگونه وضع هوا را تقریباً دقیق پیش‌بینی می‌کنند؟ میلیون‌ها رکورد از وضعیت جوی طی سال‌های مختلف و در شرایط مختلف به‌وسیله الگوریتم‌های هوش مصنوعی پردازش می‌شود تا یک سیستم تولید شود که با دادن ورودی‌های فعلی بتوان بر اساس آنچه در گذشته رخ داده است، شرایط جدید را پیش‌بینی کرد.

مثال دیگر می‌تواند در مورد یک شبکه اجتماعی مانند اینستاگرام باشد، اگر مدتی در قسمت اکسپلور این شبکه اجتماعی شروع به پیگیری و یا جستجو در خصوص موضوع خاصی مثل ورزش، موسیقی، حیوانات، اخبار و... کنید، توجه می‌شوید رفته‌رفته به‌صورت ناخواسته اکثر پست‌هایی که در اکسپلور برای شما نمایش داده می‌شود منطبق با سلیقه شماست، در واقع پست‌های نمایش داده‌شده در اکسپلور هر کاربر با کاربر دیگر متفاوت است. این یعنی شبکه اجتماعی اینستاگرام در حال بررسی و تجزیه و تحلیل سلیقه، افکار و علاقه‌مندی‌های شماست و بر اساس داده‌هایی که از شما جمع‌آوری می‌کند، سعی می‌کند شخصیت شما را تشخیص و پست‌های مطابق میل شما، در اکسپلور به نمایش در بیاورد. روی خوش این قضیه این است که یک هدف اینستاگرام راحتی و جلب رضایت بیشتر مخاطبان است، اما این سکه روی دیگری هم دارد.

اغلب شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و حتی سایت‌های اینترنتی با تشکیل پرونده‌هایی دیجیتال برای کاربران، تمامی رفتار و حرکات آنها را زیر نظر گرفته، ذخیره کرده و تجزیه و تحلیل می‌کنند تا از آن برای اهداف تجاری و شخصی‌سازی به‌منظور بازگشت کاربر استفاده کنند.

وارد هر سایت اینترنتی که می‌شوید مدیر آن سایت بدون اجازه شما می‌تواند بداند آدرس IP شما چیست، از چه دستگاهی و چه مدلی استفاده می‌کنید، مرورگر اینترنتی شما کدام است، زبان و کشور شما چیست و حتی در برخی از موارد با روشن بودن مکان‌نما، محل دقیق که حضور دارید کجاست.

این‌ها ساده‌ترین اطلاعاتی است که به‌محض ورود شما به فضای مجازی دیگر خصوصی نیست. در موتورهای جستجو اطلاعات ذخیره شده گسترده‌تر هستند. جستجوگری مثل گوگل علاوه بر همه این اطلاعات، سوابق جستجوی شما و مطالبی که به دنبال آن بوده‌اید، زمان حضور در هر سایت، فهرست کاربران شما در سیستم‌عامل اندروید، تصاویری که احتمالاً روی فضای ابری خود ذخیره





کرده‌اید و... را ذخیره و پایش می‌کنند. اما در شبکه اجتماعی فیسبوک یا اینستاگرام، این فرصت فراهم است تا به محض ساختن یک اکانت، شرکت فیسبوک برای شما یک پروفایل دیجیتال بسازد که در آن علاوه بر نام، تاریخ تولد، عکس‌های شما، فهرست دوستان، مدت زمانی که روی هر پست درنگ می‌کنید، نوع پست‌هایی که مورد علاقه شماست و صدها رکورد اطلاعاتی دیگر را ذخیره کند. آیا امکان دارد از روی پست‌هایی که یک کاربر در طی سال‌ها پسندیده، روی آن برای لحظاتی درنگ کرده، به اشتراک گذاشته و... شخصیت آن شخص را شناسایی کرد؟ پاسخ علم داده کلوی به این سؤال مثبت است. پست‌ها، لایک‌ها و کامنت‌ها و... اطلاعات حاضر و آماده‌ای محسوب می‌شوند که به راحتی قابل ذخیره‌سازی، طبقه‌بندی و پردازش هستند و سرعت، دقت، ارزانی و ابعاد تحلیل بر مبنای آنها در مقایسه با روش‌های پیشین، مانند نظرسنجی تلفنی و حضوری و امثال آن بسیار کارآمدتر است.

در پیام‌رسان‌هایی مانند تلگرام و واتس‌آپ چگونه؟ آیا آنها نیز اطلاعات شما را ذخیره می‌کنند؟ جواب این سؤال هم مثبت است. هرچند که پیام‌رسان‌ها ادعا می‌کنند پیام‌های شخصی کاربران کاملاً ایمن هستند و هیچگاه توسط شخص دیگری خوانده نمی‌شود، اما لازم نیست پیام‌های شخصی افراد تک‌تک مورد استفاده قرار بگیرد. فرض کنید در یک گروه تلگرامی شما کلیدواژه‌ای را مانند "دلار" جستجو کنید، نتایج جستجو شامل تمام پیام‌هایی است که توسط کاربران مختلف ارسال شده و حاوی این کلمه است، آنگاه شما دسترسی سریع به نظرات کاربران یک جامعه آماری کوچک در خصوص یک موضوع را دارید. این نمونه کوچک استفاده از داده‌های متنی برای کاربران است. شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها علاوه بر متن‌کاوی (Text Mining)، با استفاده از ایموجی‌ها و یا شکلک‌ها می‌توانند عواطف و احساسات شما را نیز نسبت به مسائل مختلف پایش کنند و به صورت یک مجموعه برای اهداف تجاری، سیاسی و یا تبلیغاتی به فروش برسانند. فرضاً می‌توان بررسی کرد واکنش مردم یک منطقه رشت نسبت به افزایش قیمت دلار در یک تاریخ مشخص چه بوده است و یا مردم منطقه دیگر معمولاً چه علایقی دارند و بیشتر از کدام کلیدواژه‌های استفاده می‌کنند و عواطف آنها نسبت به یک موضوع خاص با کدام شکلک‌ها توصیف شده است؟

### داده‌کاوی و کوکی‌رایی به سبک سایت‌های ایرانی

اگر از سایت‌های خرید اینترنتی کالا، خدمات، نرم‌افزار و... ایرانی بازدید کنید و مدتی دنبال یک دسته‌بندی خاص مثل ساعت هوشمند باشید، پس از ترک آن سایت و مراجعه به سایت‌های دیگر مانند، خبری، تفریحی و... که از تبلیغات هوشمند استفاده می‌کنند به بنرهای نمایش داده‌شده برای شما دقت کنید، متوجه می‌شوید که این تبلیغ‌ها دقیقاً چیزی را برای شما به نمایش درآورده‌اند که شما دنبال آن بوده‌اید و یا برعکس پس از خواندن چند مقاله در مورد موضوعی خاص، کالاهایی مرتبط به آن موضوع در تبلیغات برای شما به نمایش درمی‌آید. اما این امر چگونه ممکن است؟ کوکی فایل متنی است که یک سایت توسط نرم‌افزار مرورگر بر روی کامپیوترتان ذخیره می‌کند. یک کوکی به سایت‌ها اجازه می‌دهد تا اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شما در اینترنت را ذخیره کنند. این اطلاعات عبارت است از: صفحات و مطالبی که شما بازدید کرده‌اید، زمانی که شما از مطالب بازدید کرده‌اید، آن چیزی که شما جستجو کرده‌اید و حتی تبلیغاتی که بر روی آن کلیک کرده‌اید. داده‌هایی را که کوکی‌ها جمع‌آوری می‌کنند، با یکدیگر در یک جا جمع می‌شوند تا یک پروفایل از فعالیت‌های شما در اینترنت ایجاد شود.

نوع دیگر، کوکی‌هایی هستند که به جای آن که سایت مورد بازدید شما این فایل را بر روی کامپیوتر ذخیره کند، شخص دیگری این کار را انجام می‌دهد. این مدل از فایل‌ها را برخی از شرکت‌ها یا شبکه‌های تبلیغاتی می‌توانند تهیه کنند. این شرکت‌ها یا شبکه‌های تبلیغاتی به تهیه آگهی‌هایی که شما می‌بینید، کمک می‌کنند. آنها می‌توانند از این فایل‌ها برای تهیه آگهی‌های تبلیغاتی استفاده کنند که با سلیقه و ذائقه شما همخوانی دارند. برای مثال: اگر شما در اینترنت مقاله‌ای دربارهٔ دویدن بخوانید، یک کوکی می‌تواند برای ذخیره کردن موضوع مورد علاقه شما و اضافه کردن این موضوع به پروفایلی که از قبل تهیه شده است، استفاده شود و شما آگهی‌های مربوط به برندهای تخفیف برای خرید کفش‌های مخصوص دویدن را می‌بینید. با مراجعه به بسیاری از سایت‌های خارجی متوجه نمایش پیغامی با دو گزینه می‌شوید که از شما اجازه می‌خواهد تا اطلاعات کوکی‌های شما را ذخیره و از آن استفاده کنند، در برخی از موارد می‌توانید بدون دادن این دسترسی از سایت بازدید کرده و در برخی از موارد هم بدون تأیید این پیغام امکان ادامه مطالعه مطلب مورد نظر خود را ندارید. اما در سایت‌های ایرانی خصوصاً در مورد سایت‌های فروش اینترنتی بدون اطلاع کاربر کوکی‌های وی ردیابی و برای ساخت پروفایل تبلیغاتی برای او مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این بار اگر احساس کردید تبلیغات نمایش داده‌شده در سایت‌های ایرانی و خارجی مطابق سلیقه شماست و یا کالایی را تبلیغ می‌کنند که به آن نیاز دارید بدانید، مورد رصد و پایش اطلاعاتی قرار گرفته‌اید.

### پژوهش‌های علمی برای تبلیغات هدفمند مبتنی بر داده‌کاوی در توئیتر

امروزه از ترکیب داده‌های کلان (big data) به دست آمده از شبکه‌های اجتماعی برای تبلیغات هدفمند و اختصاصی استفاده می‌شود که به آن شبکه اجتماعی کاوی (Social Media Mining) می‌گویند. به عبارت ساده‌تر، استخراج رسانه‌های اجتماعی هنگامی اتفاق می‌افتد که یک شرکت با سازمان داده‌هایی را در مورد کاربران شبکه‌های اجتماعی جمع‌آوری کرده و آنها را برای پیدا کردن الگوهای خاص، تجزیه و تحلیل کند. نتایج این کار اغلب برای فعالیت‌های بازاریابی هدفمند برای بخش‌های خاص بازار استفاده می‌شود. یک مطالعه که در نشریه Journal of Advertising منتشر شده است، از روش‌های استخراج رسانه‌های اجتماعی برای اندازه‌گیری درک کاربران از انواع نام‌های تجاری رایج استفاده کرده است. {۲}

این مطالعه به طور خاص شبکه اجتماعی توئیتر را مورد هدف قرار داد و توئیتهای مربوط به برندهای مختلفی را در پنج صنعت را بررسی کرد: رستوران‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، شرکت‌های مخابراتی، محصولات الکترونیکی مصرفی و شرکت‌های تولید کفش. محققان از ابزاری به نام (Twitter Streaming Application Programming Interface (API استفاده کردند. این ابزار که توسط توئیتر ارائه شده است، به کاربران امکان می‌دهد توئیتهای را با توجه به کلمات کلیدی خاصی از توئیتر استخراج کنند.

در این مورد، محققان از نام شرکت‌ها به عنوان کلمات کلیدی برای ترسیم حدود ده میلیون توئیتهای در مورد هر یک از شرکت مورد مطالعه در یک دوره شش ماهه استفاده کردند و نتایجی که به دست آمده بود بسیار جالب بود و نشان می‌داد احساس منفی و مثبت کاربران نسبت به محصولات و برندها به چه دلیل و در کجا بیشتر یا کمتر است.

مطالعات دیگر که در نشریه Annals of GIS منتشر شد {۳}، درصد تعیین نحوه استفاده بهینه از تبلیغات دیجیتال خارج از خانه (DOOH) در مترو لندن بود. یک نمونه از تبلیغات DOOH می‌تواند یک بیلورد دیجیتالی یا تبلیغات متغیر باشد که برای نمایش در زمان خاص برنامه‌ریزی شده است. محققان برای دستیابی به هدف خود از همان API پخش جریانی Twitter که در مطالعه قبلی توصیف شده استفاده کردند. با این حال، این بار آنها از عملکرد پرچسب‌گذاری جغرافیایی توئیتر استفاده کردند قابلیت‌هایی که به کاربران توئیتر اجازه می‌دهد هنگام ارسال توئیتهای



مکان خود را برجسب گذاری کنند. محققان با جمع‌آوری بیش از ۱۰۵ میلیون توییت، این عمل را برای مدت یک سال ادامه دادند. این داده‌ها جمع‌آوری و پردازش شد تا مشخص شود مردم در هر ایستگاه مترو لندن در ساعات مشخصی از روز و در روزهای هفته و آخر هفته در مورد چه چیزی توییت می‌کنند. به‌عنوان مثال، تقریباً ۳۵ درصد از توییت‌های ایستگاه جاده هالووی مربوط به ورزش بود و تقریباً ۴۰ درصد از توییت‌های منتشر شده بین آخر هفته تا نیمه‌شب در ایستگاه North Greenwich مربوط به موسیقی بود. نتایج این مطالعه طی سال‌های گذشته برای تبلیغات هدفمند DOOH استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، یک تبلیغ مربوط به موسیقی در یک بیلبورد دیجیتالی متغیر شب‌ها آخر هفته در ایستگاه North Greenwich احتمالاً موفقیت بیشتری نسبت به تبلیغ برای یک تیم ورزشی خواهد داشت.

### داده‌کاوی فیسبوک چگونه پیروزی ترامپ و برگزیت را رقم زد

در سال ۲۰۱۴ فیسبوک یک مسابقه طراحی کرد که در طی آن از کاربران خواسته بود تا با پاسخگویی به سؤالات شخصی در مورد خود و دوستانشان به روان‌شناسی شخصیتشان دست یابند. موارد زیادی از این قبیل مسابقات و بازی‌ها از سوی فیسبوک ارائه می‌شوند، اما فیسبوک موظف به حفظ اسرار کاربران و همچنین نابود کردن آنها پس از پایان زمان این قبیل مسابقات و بازی‌ها است. کریستوفر وایلی، یکی از کارمندان کمبریج آنالیتیکا فاش کرد که فیسبوک اطلاعات کسانی را که در این مسابقه شرکت داشته‌اند، بدون اجازه آنان به شرکت کمبریج آنالیتیکا فروخته و بدین ترتیب این شرکت موفق شده است تا از طریق این اطلاعات به خصوصیات شخصی و روانی ۵۰ میلیون کاربر فیسبوکی دست یابد. کمبریج آنالیتیکا (Cambridge Analytica) یک شرکت فناوری سیاسی است که با ترکیب داده‌کاوی و تحلیل داده‌ها در فرایندهای انتخاباتی و سیاسی، خدماتی مربوط به ارتباطات راهبردی ارائه می‌دهد. این شرکت در سال ۲۰۱۳ به‌عنوان زیرمجموعه شرکت لابراتوارهای ارتباطات راهبردی گروه اس‌سی‌ال و با هدف شرکت در انتخابات آمریکا تأسیس شد. از سال ۲۰۱۴ کمبریج آنالیتیکا در ۴۴ انتخابات در آمریکا دخالت داشت. نکته جالب در مورد این شرکت این است که استیو بنن، مشاور سابق دونالد ترامپ، زمانی معاون مدیرعامل در این شرکت بوده است. در سال ۲۰۱۵ مشخص شد که سناتور جمهوری خواه آمریکا "تد کروزر" در کارزار انتخاباتی‌اش برای ریاست‌جمهوری آمریکا از خدمات تحلیل داده این شرکت استفاده کرده است. در سال ۲۰۱۶ و پس از آنکه ترامپ گزینه جمهوری خواهان شد، شرکت کمبریج آنالیتیکا به خدمت کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ درآمد و پیروزی او در انتخابات را رقم زد. این شرکت تجزیه و تحلیل داده که با تیم انتخاباتی دونالد ترامپ و مبارزات انتخاباتی Brexit کار کرده است میلیون‌ها پروفایل فیسبوک از رأی دهندگان آمریکایی را در یکی از بزرگ‌ترین نقض داده‌های این غول فناوری جمع‌آوری کرده و از آنها برای ساخت یک برنامه نرم‌افزاری قدرتمند برای پیش‌بینی و تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها استفاده کرده است. از این سیستم برای هدف قراردادن کاربران با استفاده از سلیق و افکار آنها و فرستادن تبلیغات هدفمند برای وادار کردنشان برای رأی دادن به یک نامزد خاص استفاده شده است. {۴}

جمع‌آوری داده‌ها از طریق برنامه‌ای به نام *thisisyourdigitallife*، با اهداف به‌ظاهر پژوهشی انجام شد ولی در واقع اطلاعات به شرکت کمبریج آنالیتیکا داده شد تا در انتخابات اثرگذار باشد. {۵} در آن زمان، بیش از ۵۰ میلیون نمایه یعنی تقریباً یک‌سوم کاربران فعال آمریکای شمالی در فیسبوک و حدود یک‌چهارم رأی دهندگان بالقوه ایالات متحده جمع‌آوری شده بود که در نهایت بر اساس تفکرات و ویژگی‌های هر شخصی، وی در گروه‌های خاصی دسته‌بندی و اطلاعاتی مرتبط با دونالد ترامپ که مختص همان گروه فکری بود برای کاربر به نمایش درمی‌آمد تا در جهت‌گیری فکری وی مؤثر باشد. کمبریج آنالیتیکا تنها دانش پژوهی نمی‌کرد، بلکه تیمی از روان‌شناسان، طراحان گرافیک، عکاسان، فیلمسازان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان داشت که پس از شناسایی مخاطب هدف، انبوهی از محتوا را تولید می‌کردند که می‌توانست این مخاطب را در جهت موردنظر تحت تأثیر قرار دهد و این محتوا را بدون آنکه در ظاهر ارتباطی با تبلیغات ترامپ داشته باشد منتشر می‌کردند. کمبریج آنالیتیکا و فیسبوک یکی از محورهای تحقیق در مورد اطلاعات و سیاست‌های دفتر کمیساریای اطلاعات انگلیس هم بودند. این شرکت علاوه بر انتخابات آمریکا در همه‌پرسی جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا (برگزیت) به‌صورت جدی وارد عمل شد و کمپین برگزیت در نهایت موفق شد جدایی انگلستان را از اتحادیه اروپا رقم بزند.

### نتیجه‌گیری:

به‌طور کلی حضور شما در شبکه‌های اجتماعی امکان شناسایی، تحلیل و پیش‌بینی رفتار شما را فراهم می‌کند. از روی لایک‌ها، کامنت‌ها، کسانی که دنبال می‌کنید و پست‌هایی که می‌بینید و روی آنها تأمل می‌کنید و برای کسی ارسال می‌کنید، در ترکیب با جستجوهای شما در وب و پیام‌های شما در پیام‌رسان‌ها، می‌توان شما را ترغیب به خرید یک کالا، دریافت یک خدمات و یا تفکر منفی و یا مثبت در خصوص یک شخص یا گروه کرد. داده کاوان تنها با بررسی لایک‌ها قادرند حدود بسیار دقیق سن، جنسیت، نژاد، گرایش سیاسی و تمایلات جنسی کاربران را با دقت بالا پیش‌بینی کنند. در یک پژوهش دانشگاه کمبریج حتی اینکه والدین یک کاربر پیش از ۲۱ سالگی او طلاق گرفته‌اند یا نه، در نزدیک به نیمی از موارد به‌درستی قابل تشخیص بود!

اینکه از لایک‌های ما گرفته تا سوابق جستجوها در گوگل و پیام‌های خصوصی ردوبدل شده‌مان برای تشکیل یک پروفایل از شخصیت ما استفاده و انباشت می‌شود، یک واقعیت ناگفته برای عموم را آشکار می‌کند که در دنیای آینده، داده مهم‌ترین و ارزشمندترین چیز در دنیا خواهد بود. سرمایه‌گذرانی در گذشته به دنبال استخراج نفت، معادن، ساخت تکنولوژی‌های جدید، جمع‌آوری ارز دیجیتال و... رفته‌اند، اما افراد باهوش‌تری مانند مارک زاکربرگ (مالک فیسبوک)، اینستاگرام و واتس‌آپ) و پاول دروف (مالک تلگرام) به‌جای استخراج نفت به دنبال استخراج داده‌ها از اعماق پلتفرم‌های ظاهراً رایگانی رفته‌اند که کاربران ذوق‌زده پلانتون‌های آن هستند. شبکه‌های اجتماعی کاربران خود را وارد رقابت زیبایی، تحمل، خاص بودن، و... می‌کنند تا وادار شوند اطلاعات بیشتری تولید کرده و چاه داده خود را با رسوب زمان و شخصیت آنها پر کنند. اگر از خواندن این مقاله شوک زده و دل‌سرد هستید باید بدانید موضوع این مقاله در خصوص یک توطئه برای بشریت نیست! آنچه گفته شد تنها مباحث علمی است که سال‌هاست حول محور هوش مصنوعی مطرح بوده اما در دایره دانش عموم مردم، بالأخص مردم ایران جای نگرفته است. قرار نیست در پایان این مقاله نتیجه بگیریم که استفاده از شبکه‌های اجتماعی خوب یا بد و یا مضر و یا مفید است، هدف تنها آگاهی‌بخشی نسبت به واقعیتی است که پشت پرده وجود داشته و کمتر کسی به آن می‌پردازد. اینکه تصمیم بگیرید بیشتر در دنیای واقعی باشید یا در شبکه‌های اجتماعی محتاط‌تر عمل کنید هم یک انتخاب شخصی است. اما اینکه چگونه می‌توان در عین استفاده از فضای مجازی، حریم خصوصی خود را حفظ کرده و مورد سوءاستفاده اطلاعاتی قرار نگیریم، می‌تواند موضوع مقاله‌ای مفصل در شماره‌های بعدی این مجله باشد. در پایان تنها توصیه این است: همیشه به یاد داشته باشید در دنیای فناوری، هیچ گربه‌ای محض رضای خدا موش نمی‌گیرد!

### مهم‌ترین مراجع:

1. (REZA ZAFARANI ET AL., SOCIAL MEDIA MINING: AN INTRODUCTION 16 (2014).
2. (Xia Liu et al., An Investigation of Brand-Related User-Generated Content on Twitter, 46 J. ADVERT. 236 (2017).
3. (Juntao Lai et al., Improved Targeted Outdoor Advertising Based on Geotagged Social Media Data, 23 ANNALS GIS 237 (2017).
4. (Abby McCourt., Social Media Mining: The Effects of Big Data In the Age of Social Media, Yale Law School (April 3, 2018).
5. Carole Cadwalladr & Emma Graham-Harrison, Revealed: 50 Million Facebook Profiles Harvested for Cambridge Analytica in Major Data Breach, (GUARDIAN (Mar. 3, 2018

\* کارشناس ارشد هوش مصنوعی و ژورنالیست

# لزوم ایجاد نظام یکپارچه خدمات و نظام یکپارچه تعهد



گیلان فردا- وضعیت اقتصادی نابسامان از یک سو، بیکاری و هزار جور پیامد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی از سوی دیگر، تصویری پیش روی مان ترسیم می کند که لزوم حمایت از کسب و کارهای کوچک و توجه به نیازهای کارآفرینان و صاحبان ایده بیش از پیش جلوه گر می شود. معمولا مدیران از تعداد شغل هایی که به قول خودشان ایجاد کرده اند آمار می دهند ولی کمتر پیش می آید بگویند چه تعداد از افراد مشاغل خود را از دست داده اند! البته تسهیلاتی نیز به متقاضیان اشتغالزایی داده می شود که داستان خود را دارد. به عنوان مثال یکی از مأموریت های صندوق کارآفرینی امید کشور حمایت از کسب و کارهای کوچک است و عمده وجه تمایز آن با بانکها، تأمین مالی برای افراد در مشاغل خرد است. در این مورد با آقای مرتضی شهبازی، مدیر صندوق کارآفرینی امید استان گیلان گفت و گو کردم. وی که پیش از این ریاست صندوق کارآفرینی بوشهر را برعهده داشت می گوید: «یکی از معضلات اشتغالزایی ما عدم پایداری مشاغل است چون پس از اشتغالزایی نباید افراد را به حال خود رها کنیم، مدیران نباید فقط به ارایه بیلان دلخوش باشند». این گفت و گو در ادامه به نظر تان می رسد:

داشته باشید برای اشتغالزایی به سراغ بخش خصوصی می روید؟ ۶۷ درصد افراد گفتند به دلیل مسایل بروکراسی اداری خیر.

### ● آیا این تعداد مایل به کار در بخش دولتی بودند؟

خیر، بخش زیادی از این افراد مشغول کارهای دلالی و واسطه گری می شوند، به سمت خرید و فروش دلار و طلا و ... می روند. به عبارت دیگر بخاطر پیچیدگی های بروکراسی اداری، کاغذ بازی ها، مراحل دریافت مجوز و تسهیلات، علاقه خود را برای فعالیت در بخش خصوصی از دست داده اند، یعنی بخاطر مشکلات اداری و ترس از شکست نمی آیند پای کار.

● بروکراسی اداری که روند کارها را سخت کرده و موانع ایجاد می کند یک طرف، بی ثباتی و عدم امنیت اقتصادی در برهه کنونی یک طرف دیگر، بانک های خصوصی مثل قارچ رشد کردند و سرمایه های مردم را گرفتند بعد آن اتفاق افتاد! مردم به ناچار کوچ کردند رفتند سراغ بورس، اما سرمایه هایشان در بورس هم به دلایل عدیده ای نخست با رشد غیر واقعی و سپس با افت شدید مواجه شد! در واقع امنیت اقتصادی برای عموم مردم وجود ندارد. بنابراین سیاستگذاری درست اقتصادی خیلی مهم است. براساس آماری که چند وقت پیش اعلام شده بود ما در حوزه کسب و کار رتبه بالای ۱۳۰ را داریم. به نظر تان چه عواملی برای بهبود فضای کسب و کار مهمتر است؟

بهبود فضای کسب و کار فقط پول نیست، اتفاقا پول و تسهیلات در رده های بعدی قرار می گیرد. ما باید به خودمان انتقاد کنیم. در چند دولت گذشته (از زمان آقای خاتمی تا کنون) بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پول به حوزه اشتغال تزریق کردیم، ولی اصلا به نتیجه نرسیدیم. چون اگر به نتیجه می رسیدیم نرخ بیکاری ما باید تک رقمی واقعی می شد، ولی نیست.

● آیا صندوق واقعا توانسته در کاهش بیکاری نقش داشته باشه؟ البته جواب شما حتما بله است.

خیلی محکم بله نمی گویم، باید خود انتقادی هم داشته باشیم. هیچ دستگاه اجرایی از جمله صندوق کارآفرینی به تنهایی نمی تواند کاری بکند، اشتغال یک موضوع چند بخشی و مهم است.

● به نظر تان برای راه اندازی یک کسب و کار در سال جاری حداقل چه مبلغی لازم است.

هزینه ایجاد شغل در حوزه های مختلف فرق می کند. در سال ۹۹ سرانه ای که برای بخش صنعت در نظر گرفتند ۱۵۰ میلیون تومان بوده که ما به آن انتقاد داریم. چون این رقم مربوط به اشتغال روستایی در سال ۹۸ و ۹۷ بوده و الان با ۱۵۰ میلیون نمی توان این کار را کرد. ممکن است اشتغال ایجاد شود ولی پایدار نیست. باید تمام دستگاه ها در حوزه اشتغال خدمات یکپارچه ارایه دهند.

### ● چرا برای ارایه خدمات یکپارچه قانونی مصوب نشده است؟

زمان صدور کد ملی قرار بود همین اتفاق بیفتد، ارایه خدمات یکپارچه دولت به متقاضی و در قبالت مسئولیت یکپارچه مردم بسیار مهم است. یعنی اگر شخصی وام گرفت و نتوانست یا نخواست شغل مورد نظر را اجرا کند حتی برق خانه اش هم قطع بشود. ولی اگر روزی فرد خواست از دولت حمایت بگیرد بهتر است همه بدنه دولت در اختیار فرد باشد و این قانون همه جا هست، خدمات عالی ارایه می دهند و اگر فرد نتوانست پاسخگو باشد و یا به عمد خواست تخلف بکند جرایمش هم یکپارچه و سنگین است، به عبارت دیگر هزینه خطا افزایش یابد، ولی الان اینطور نیست. حدود سه سال پیش یکی از دانشگاه های کشور تحقیقاتی انجام داد در مورد کسانی که می خواهند شغل داشته باشند و از این افراد پرسیدند که اگر سرمایه

● البته این وسط حفره های زیادی وجود داشته و دارد، نظارت برای طبقات پایین خیلی سخت گیرانه عمل شده مثلاً اگر کسی یک میلیون تومان و یا حتی صدهزار تومان قسط معوق داشته باشد بارها به وی التیامت داده می شود ولی در مقابل افرادی که وام های کلان گرفتند و باز پرداخت نکردند به حال خودشان رها شدند!

چون بانک هایی که در شبکه اشتغال خدمات رسانی می کنند باید تخصص اشتغال داشته باشند و بانک های تجاری نباید به این حوزه ورود کنند. بانک های تجاری به فرد تسهیلاتی می دهند و فقط برایشان مهم باشد آن تسهیلات را پس بگیرند. در واقع وقتی آن پول و تسهیلات با سود و جرایم دیرکرد به این بانک ها برگشت، آن ها به نتایج کار خود رسیده اند، چون هدفگذاری آن ها اینطور تعریف شده است. ولی برای صندوق کارآفرینی مهم است تسهیلاتی که به فرد می دهد در زمینه اشتغال هزینه شود زیرا هدفگذاری اش این است.

● صندوق در مواردی که وام های کلان داده مثلاً در حوزه بومگردی آیا منجر به نتیجه شده؟

طرح هایی که بزرگترند درصد خطای کمتری دارند. به عنوان مثال همین طرح های بومگردی که اشاره کردید قابل بررسی، رویت و نظارت هستند. با توجه به بازدهی هایی که داشتیم به اعتقاد من در زمینه بومگردی در گیلان اتفاقات خوبی افتاده است. فقط برای ۷۳ طرح بومگردی، تسهیلات دادیم و نسبت به گردشگری و بانک های دیگر بیشترین حمایت را ما در این حوزه کردیم. البته این تسهیلات بزرگترین طرحی است که دولت و بدنه نظام در زمینه اشتغال دارد و از صندوق توسعه ملی است.

● اگر بخواهید یک عدد به ما بدهید به نظرتان صندوق از نظر اشتغالی چند درصد موفق بوده است؟

در طرح اشتغال روستایی که طرح شاخص و بزرگی هم هست و از ۹۶ تا کنون همه از جمله استانداری، فرمانداری، دستگاه های اجرایی و بانک ها درگیر آن هستند به نظرم هنوز وارد فاز پایداری مشاغل نشدیم ولی از نظر ایجاد شغل موفق بودیم. یعنی بیش از ۹۵ درصد تسهیلات صندوق کارآفرینی از سال ۹۶ تاکنون به لحاظ ایجاد شغل موفق بوده ولی باید صبر کنیم تا به پایداری برسند. برای پایداری یک شغل باید پنج سال بگذرد، گرچه الان هم چشم اندازهای خیلی خوبی در برخی از طرح ها از جمله بومگردی ها داریم. برای بیش از چهار هزار طرح اشتغال روستایی از طریق صندوق کارآفرینی تسهیلات پرداخت کرده ایم.

● دولت در نیمه سال ۹۶ تصمیم گرفت سامانه کارا را برای اشتغال روستایی راه اندازی کند و تسهیلات شهری را قطع کرد، نظرتان در این مورد چیست؟

طرح اشتغال روستایی با هدفگذاری رونق در روستاها و فراهم شدن مهاجرت معکوس بوده است. در واقع طرح ناشی از این تحلیل بوده که ۷۶ درصد جمعیت ایران شهروشنین شده اند (در گیلان این رقم نزدیک ۶۶ درصد است)، آن ۲۴ درصد روستایی هم فقط یک اسم یا عدد نیست. بلکه به همان میزان تولید مواد غذایی ما کم شد. حتی خود روستاییان هم مصرف کننده شدند. ولی اگر به دهه ۶۰ برگردیم، ۷۰ درصد جمعیت ما روستائین و تولید کننده بودند و ۳۰ درصد شهری و مصرف کننده، به عبارت دیگر یک روستایی علاوه بر تولید مایحتاج خود، برای چهار نفر دیگر نیز غذا تولید می کرد. این مسایل باعث شد دولت به فکر تشویق برای مهاجرت معکوس بیفتد.

● آیا این اتفاق افتاده و مهاجرت به روستا شکل گرفته است؟

بله، از ۳۱ مرکز استان، ۲۶ استان نرخ مهاجرت منفی دارد، یعنی از جمعیت مراکز استان ها خیلی آرام کاسته می شود و این اتفاق بزرگی است چون همیشه جمعیت مراکز استان ها با شیب زیادی افزایش می یافت ولی الان در مراکز استان با شیب خیلی ملایم جمعیت کمتر شده و به شهرهای کوچک یا به روستا مهاجرت می کنند. البته در تهران و چند شهر بزرگ هنوز روند مهاجرت مثبت است ولی با شیب خیلی کم؛ طبق آخرین آماری که خواندم تهران در پنج سال گذشته حدود ۴۰۰ هزار نفر افزایش جمعیت داشته است. کسانی که اصالتاً روستایی بوده و چند سالی در شهر ساکن شدند اما نتوانستند فعالیتی انجام دهند در طرح اشتغال روستایی توانستند تسهیلات بگیرند و به روستای خود برگردند، همانجا زندگی و کار کنند.

● البته معمولاً برنامه ها و هدفگذاری ها روی کاغذ خوب پیش می روند ولی با ناقص اجرا می شوند یا درست اجرا نمی شوند! و کارکردی که مورد انتظار است محقق نمی شود.

چون ما تا آخر کار باید همراه این افراد باشیم ولی متأسفانه اینطور نیست.

● اعتبار صندوق در سال ۹۸ و ۹۹ چقدر بوده است؟

کلاً اعتبار اشتغال روستایی از زمان آغاز تا پایان محدود به سال نیست چون از محل بودجه دولتی نیست و از محل تلفیق صندوق توسعه ملی و بانک ها است. در این طرح که از سال ۹۶ شروع شد تا زمستان ۹۹ حدود ۱۹۰ میلیارد تومان پرداخت کردیم (حدود ۱۰۱ میلیارد اشتغال روستایی به اضافه اعتبارات متفرقه خردمان در سال ۹۸) و اگر جداگانه بگویم در سال ۹۸ بیش از ۴۰ میلیارد تومان اعتبار ما بود که خوشبختانه همه آن جذب شد. در سال ۹۹ نیز

تا الان حدود ۴۰ میلیارد تومان جذب و پرداخت کردیم به غیر از تسهیلات روستایی، شامل تفاهم نامه هایی است که اشاره کردم.

● اگر اعتباری که برای تسهیلات در گیلان مصوب شده جذب نشود یا به موقع تسهیلات داده نشود آن اعتبار برخواهد گشت؟

معمولاً در چنین حالتی اعتبار باقیمانده که در استان به موقع هزینه نشده به استان دیگری که بهتر کار کرده است اختصاص می یابد. اما خوشبختانه تا الان نشده ما یک ریال را برگردانیم چون همه اعتبار را با برنامه ریزی و با توجه به طرح های متقاضیان تسهیلات داده ایم و حتی اعتبارات اضافه هم گرفتیم. همین الان در خصوص اعتبار روستایی چهار میلیارد به مرکز بدهکار هستیم و مرکز در دور بعدی این رقم را کم خواهد کرد و ما برای استان باید چانه زنی بیشتری داشته باشیم.

● حداقل و حداکثر وامی که صندوق می دهد چقدر است؟

پنج میلیون تومان تسهیلات قرض الحسنه تحت عنوان وام ضروری، البته در تلاش هستیم تا این میزان را افزایش دهیم. بالاترین وامی که پرداخت کردیم چهار میلیارد تومان در آستانه اشرافیه بود برای بسته بندی چای، البته بستگی به طرح متقاضی و واجد شرایط شدن فرد دارد.

● به نظرتان برای راه اندازی یک کسب و کار معمولی و ساده در شرایط کنونی چقدر سرمایه لازم هست؟

به نظر من برای راه اندازی شغل در حوزه صنعت حدود سیصد میلیون نیاز است. از سوی دیگر معتقد هستم حتی با سی میلیون تومان هم می توان یک شغل ایجاد کرد. به عنوان مثال با خرید یک دوربین عکاسی می توان یک شغل ایجاد کرد. یک دوربین نقشه برداری، یک دستگاه جوشکاری، یک جعبه ابزار برای تعمیرات به صورت سیار نیز همینطور است یعنی این نمونه ها ظرفیت اشتغالی در مقیاس کوچک را دارند و چه بسا خیلی از افرادی که با همین امکانات دارند کار می کنند لزوماً درآمدشان کم هم نباشد. در مشاغل خانگی هم با توجه به نوع کار با حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون می توان فعالیتی را شروع کرد. به عنوان مثال با یک دستگاه میوه خشک کنی می توان یک شغل ایجاد کرد.

● درست می فرمایید، اما فرد از این فعالیت ها چه میزان باید درآمد داشته باشد تا بتواند زندگی خود و خانواده اش را بگذراند یا حداقل معیشت روزانه اش تامین شود؟

فکر می کنم موضوع شغل بیشتر یک موضوع «فرد-محور» است و تجهیزات به تنهایی مشکلی را حل نمی کند. فرضاً یک دستگاه خشک کن میوه در اختیار فردی برای کسب درآمد گذاشته شود. حال بستگی دارد آن شخص روزی چند ساعت با آن دستگاه کار کند و چطور بازاریابی انجام دهد. اگر این فرد در کار خود جدی بوده و بازاریابی مناسبی داشته باشد درآمد حاصل از این فعالیت پاسخگوی بخش زیادی از مخارجش خواهد بود.

● البته این فرد نیاز به نیرو دارد. بخش بازاریابی یک کار تخصصی است. از سوی دیگر در اشتغالی باید پایگاه اجتماعی افراد در نظر گرفته شود.

بله، ولی با گسترش اینترنت بخش زیادی از بازاریابی به صورت شبکه ای انجام می شود. باید از امکاناتی که در اختیار فرد قرار می گیرد به بهترین نحو استفاده شود. یعنی فرد در کسب و کار خانگی برای خودش بازار ایجاد کند مثلاً از طریق اینستاگرام یا محصولاتش را به بازار روز برده و شخصاً بفروشد. البته ترجیح ما مدل شبکه ای است. چون یک تولید کننده خوب الزماً فروشنده خوبی نیست. یک قالیباف درجه یک ممکن است هیچ توانمندی در بخش فروش نداشته باشد. بنابراین سعی می کنیم این دو حوزه را کنار هم قرار بدهیم. البته خیلی از مشاغل خانگی از قبل در روستاها و شهرهای ما بوده است. ما در مورد مهارت های فنی تولید مشکل زیادی نداریم، باید روی بازاریابی بیشتر کار کنیم. فرض کنید در بخش تولید کفش اگر بازار فروش و صادرات فراهم باشد، تولید کننده با سرشکن کردن هزینه ها و تولید بدون کارخانه می تواند در یک روستا با هزینه های کمتر این کار را انجام دهد.

● دوباره برگردیم به صندوق، نظرتان در مورد متقاضیانی که چند سال در نوبت وام از صندوق هستند، چیست؟

قبول دارم، اما دلایل مختلفی دارد، یک دلیل آن ساختارهای اداری پیچیده که تبدیل به یک سرطان شده، هنوز فرآیندهای قدیمی هستند که انجام کار سخت تر می شود و بخشی نیز ممکن است به نظام ناسالم اداری از جمله رشوه و نظایر آن برگردد، بخشی هم فرهنگی است. فرض کنید اعلام شود اعتباری برای اشتغالی آمده، با نگاه خیلی خوش بینانه باید بگویم نصف کسانی که متقاضی این تسهیلات می شوند اصلاً نیازی ندارند یعنی برای اشتغال نیست و ممکن است فرد قصد داشته باشد یخچال خانه اش را عوض کند و نظایر آن.

● البته همین کار از نظر جامعه شناختی دهها علت دارد که این معلول را بوجود می آورد و افراد فکر می کنند باید از این فرصت استفاده کنند!

بله، همینطور است. ولی با این کار آن افرادی که واقعا وام را برای اشتغالی می خواهند پشت در می مانند. نمی گویم مردم مقصر هستند بلکه ناشی از مشکلات فرهنگی است و ما نتوانستیم فرهنگ درست را نهادینه کنیم. در زمان تحصیل از همه علوم به ما آموزش هایی دادند ولی کارآفرینی را به ما یاد ندادند. کارآفرین اول باید ارزش و اعتبار ایجاد کند و بعد



شده، هدف حمایت از طرح های اشتغالزا، افراد کارآفرین و ایجاد اشتغال پایدار است .

یکی از طرح های جدید صندوق کارآفرینی امید مربوط به روستائیان و تولید کنندگان محصولات کشاورزی است که برای تامین سرمایه و اعتبار مورد نیاز خود در توسعه محصول به روش های مختلفی از جمله استفاده از پس انداز شخصی و دریافت تسهیلات از منابع مالی و اعتباری عمل می کنند. صندوق های خرد محلی از جمله منابع تامین سرمایه و اعتبار مورد نیاز تولید کنندگان روستایی هستند که راه اندازی آنها در چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته و با ایجاد و گسترش فعالیت های درآمدزا توسعه جوامع محلی تسهیل می شود. زادگاه این برنامه در کشورهای جنوب شرق آسیا، بنگلادش و هند بوده که به تدریج در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و صنعتی گسترش یافته است. در کشورما نیز طی دودهه اخیر به تناسب شرایط اقتصادی و اجتماعی بومی سازی شده و موفق بوده است. ماهیت صندوق های خرد زنان روستایی، توسعه ای است که علاوه بر تامین منابع مالی سایر خدمات توانمندسازی اجتماعی را نیز ارائه می کنند. صندوق استان گیلان تا کنون با همکاری دستگاه های دست اندرکار (جهاد کشاورزی و بسیج) توانسته است تعداد ۱۹۱ صندوق زنان خرد روستائی را شناسایی کرده و تعداد ۲۲ طرح با اعتباری بالغ بر ۲۲ میلیارد ریال مورد حمایت قرار دهد و بقیه نیز در شرف انجام است .

همچنین صندوق کارآفرینی امید به منظور گسترش فرهنگ بانکداری الکترونیکی، پایانه های فروشگاه های را با اعطای تسهیلات ۴٪ تا سقف ۳۰۰ میلیون ریال و با پشتیبانی کامل به متقاضیان واگذار می کند.

#### ● متقاضیان چگونه می توانند از این تسهیلات استفاده کنند؟

شرط استفاده از این خدمات صرفاً داشتن یک حساب قرض الحسنه متمرکز نزد صندوق است. دستگاه پوز ثابت بصورت رایگان تحویل فعالین اقتصادی می شود و دستگاه های سیار را مشتریان می توانند به دو صورت خرید دستگاه با تسهیلات ۱۲ میلیون ریالی و یا ودیعه ۱۰ میلیون ریالی دریافت نمایند. از ابتدای سال ۹۹ تاکنون حدود ۵۰۰ فقره پایانه فروشگاه های تحویل مشتریان عزیز شده است . همچنین به منظور ترویج سنت پسندیده قرض الحسنه در فرهنگ جامعه و بهره مندی از منابع مردمی و امکان توسعه خدمات صندوق با همکاری مردم با هدف ایجاد و توسعه کسب و کارهای کوچک و پایداری اشتغال های خرد و حفظ و افزایش ظرفیت واحدهای شغلی تولیدی، خدماتی و نیز ارتقاء کمیت و کیفیت محصول یا خدمات واحد های کسب و کار این صندوق نسبت به پرداخت تسهیلات مشارکتی در قالب طرح های «همیار» تا سقف ۱ میلیارد ریال، «امید» تا سقف ۵۰۰ میلیون ریال و «زین» گانه « کسب و کار تا سقف ۲۵۰ میلیون ریال اقدام می کند و در این راستا به خوبی توانسته است منابع داخلی خود را به سوی اشتغال استان و کشور هدایت نماید .

#### ● و سخن پایانی

ممنونم از شما و فرا رسیدن سال ۱۴۰۰ را به همه مردم عزیز تبریک میگویم. امیدوارم امسال با ایجاد اشتغال پایدار شاهد بهبود شرایط اقتصادی باشیم.

دنبال پول باشد. از طرف دیگر جایی هم باید باشد تا به کسانی که برای کارهای دیگری مثلا خرید لوازم منزل نیاز به وام دارند با سود کم وام بدهد و فرد مجبور نباشد با سود بالا وام بگیرد، یعنی آن هم در جای خود نیاز هست. بنابراین ساختار باید راستی آزمایی کند و در این حالت بعضی از پرونده های درخواست وام طولانی می شود. البته خیلی از افراد نیز با ارایه کامل مدارک در کمتر از یک ماه تسهیلات می گیرند.

#### ● فکر می کنید برای بهتر شدن اوضاع چکار باید کرد؟

پیشنهاد می کنم یک نظام یکپارچه خدمات و نظام یکپارچه تعهد ایجاد شود. یعنی خدمات را با شرایط سهل تر با یک اظهار به افراد بدهیم ولی اگر خلاف آن ثابت شد با نظام یکپارچه تعهد، امکانانش قطع شود.

#### ● شما در شروع مصاحبه گفتید باید خود انتقادی داشته باشیم.

همینطور است، همه باید کمک کنیم. هیچ مدیری نباید بیلان محور باشد. اینکه در جلسات بشینیم و فقط آمار بدهیم خیلی مهم نیست چون کسی نمى آید تمام این اعداد را بررسی کند. خرج کردن، کار سختی نیست، باید دید از هزینه کردها چه چیز بدست آمده، به اعتقاد من حتی ایجاد شغل هم نتیجه کار در این حوزه نیست، بلکه باید سه یا پنج سال دیگر چه من اینجا باشم چه نباشم از من بپرسند چقدر از این مشاغل پایدار شده اند، و تعدادی که پایدار نشده چرا؟ آیا خطا از من بوده، یعنی باید آسیب شناسی شود. تجربه خوبی در مورد بنگاه های زودبازده که به نظر می رسد شکست سنگینی خورده این است که الان ما تسهیلات را مرحله ای پرداخت می کنیم. یعنی با توجه به پیشرفت فیزیکی و ۲۰ درصدی که خود متقاضی در شروع باید آورده داشته باشد، تسهیلات را بتدریج و به صورت اعتباری می دهیم تا تجهیزاتی را که فرد اعلام کرده لازم دارد خریداری کند. سرمایه در گردش هم آخرین مرحله کار است. وقتی فرد تمام مراحل را درست انجام داد سرمایه در گردش به او داده می شود.

#### ● آیا صندوق طرح های جدیدی هم دارد؟

تفاهم نامه های خوبی داریم از جمله با اداره ورزش و جوانان، کانون بازنشستگان، مصوبه سفر رئیس جمهور و بیمه معلم. الان نسبت به سال قبل طرح های صندوق تقریباً دو برابر شده است.

تفاهم نامه با منطقه آزاد با موضوع حمایت از طرح های روستایی در قالب طرح روستای بدون بیکار گلشن-سازمان زندانها با محوریت حمایت از اشتغال مددجویان پس از آزادی از زندان- تفاهم نامه حمایت از مددجویان کمیته امداد با موضوع پرداخت تسهیلات به ۱۰۴ مددجوی کمیته امداد به منظور خرید خوری دوگانه سوز زامیاد-سازمان بهزیستی ، بسیج و جهاد در راستای طرح زنان خرد روستایی-تفاهم نامه با دفتر امور بانوان وزارت کشور به منظور حمایت از بانوان کارآفرین-تفاهم نامه با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به منظور حمایت از طرح های اشتغالزا-تفاهم نامه با صندوق اعتباری هنرمندان- تفاهم نامه با سازمان صنایع دریایی- تفاهم نامه با سازمان مدارس غیردولتی- تفاهم نامه با بنیاد شهید و امورایثار گران و بهزیستی- تفاهم نامه با سازمان عمران و شهرسازی و... در تمامی تفاهم نامه های منعقد



# توسعه هدفمند گردشگری پایدار طبیعت محور، عامل توسعه پایدار جوامع بومی و محلی



همايون کاوه\*

**گیلان فردا** - در دنیای امروز همگام با همه کشورهای جهان، توسعه گردشگری پایدار می‌تواند یکی از پیشران‌های کلیدی در توسعه جوامع محلی در همه استانهای ایران نیز باشد و اگر برنامه‌ریزی صحیح و طراحی امور مربوط به توسعه گردشگری به درستی به انجام برسد و نظارت دقیق و مسولانه وجود داشته باشد، بازگشت اثرات اقتصادی مثبت ناشی از آن می‌تواند برای حفظ و بهبود استانداردهای زندگی و رفاه اجتماعی و نیز برای ارتقای کیفیت زندگی جامعه میزبان یعنی جامعه بومی و محلی سودمند باشد. اقدامات گوناگونی می‌تواند این منافع را برای جوامع محلی و بومی ایجاد و تامین کند که به بهبود زیرساخت‌ها و امکانات ارتباطی، آموزش عمومی و حرفه‌ای و نیز بهداشت و سلامت می‌انجامد و بهبود معیشت و رفاه عمومی جوامع می‌تواند از جمله آنها باشد.

**بی‌تردید، توسعه و ترویج گردشگری پایدار بخصوص در نواحی حفاظت شده روستایی و محیط‌های طبیعی می‌تواند ضامن رشد و توسعه پایدار در جامعه میزبان باشد، این امر با تاکید بر ارزشهای فرهنگی و هنرهای محلی و نیز تاکید بر اهمیت مکان‌های بکر طبیعی و حیات وحش، که همگی جزو اصلی‌ترین جاذبه‌ها برای جذب گردشگران طبیعت محور به شمار می‌رود، امکان‌پذیر خواهد بود. یکی از اصول بنیادین زمین‌منظر گردی و بوم‌گردی، همین بهره‌مندی و حمایت از جوامع بومی و محلی و تضمین منفعت و برخورداری اقتصادی، اجتماعی و حتی توسعه فرهنگی و معیشتی آنها از این نوع فعالیتهای گردشگری پایدار است.**

مقاصد موفق برای گردشگری پایدار با هر نامی مثل بومگردی و یا ژئوکمپ و ... برگرفته از الگوهای گردشگری طبیعت محور مانند زمین‌منظر گردی و بومگردی قاعدتا باید در موقعیت‌ها و نقطه‌های تا حدی در دسترس و دارای جوامع بومی و محلی برای بهره‌مندی از توسعه گردشگری بر پایه دیدگاه‌های توسعه پایدار قرار داشته باشند. به همین دلیل، مسئولان برنامه‌ریزی و مدیریتی استان‌ها و همچنین دست‌اندرکاران حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی و بخصوص مسئولان توسعه گردشگری پایدار باید روی برنامه‌ریزی پایدار و اصولی زیرساخت‌ها و شبکه‌های ارتباطی جوامع محلی و اطراف آن تمرکز و سرمایه‌گذاری کنند. این سرمایه‌گذاری‌ها در بردارنده فعالیت‌هایی نظیر تعمیر و بهبود جاده‌ها، بهبود وسایل حمل‌ونقل تردد کننده به مناطق حفاظت شده، ایجاد زیرساخت شبکه‌های ارتباطی نظیر تلفن ثابت، دکل‌های تلفن همراه، دسترسی به اینترنت و اموری از این دست خواهد بود. اهمیت همه این زیرساخت‌ها در ایجاد ارتباط واقعی و نیز مجازی گردشگران و دنیای بیرونی با این جوامع محلی و بخصوص در نواحی حفاظت شده است. افزون بر اینها، در اغلب کشورهای جهان، موسسات حوزه گردشگری معمولاً با سازمان‌های غیردولتی همکاری دارند و یا اینکه خودشان تشکیل‌هایی با هدف جمع‌آوری سرمایه و کمک‌های مادی و معنوی برای حمایت از پروژه‌های اجرایی توسعه جوامع محلی با حمایت و همکاری مجدانه دولتی در این جوامع محلی تشکیل می‌دهند. پروژه‌های افزایش دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهبود شیوه‌های نوین توسعه پایدار روستایی و کشاورزی پایدار، توسعه کارآفرینی روستایی و عشایری و بهره‌برداری اصولی از

زمین‌های قابل کشت، ایجاد تعاونی‌ها و مراکزی برای تعاملات اجتماعی و یا توسعه اقتصادی و تامین منابع مالی و معیشتی از فروش خدمات و محصولات کشاورزی و دامپروری و نیز صنایع دستی و هنرهای روستایی به گردشگران اعم از زمین‌منظرگردان و یا بومگردان و حتی دست‌اندرکاران تورها و شاغلین حوزه خدمات گردشگری و نیز افرادی از مناطق دیگر کشور به توسعه و رونق اقتصاد محلی می‌انجامد و قطعاً در تامین معیشت و رفاه محلی و تهیه مواد و محصولات ضروری و مایحتاج اولیه زندگی مورد نیاز برای دانش‌آموزان مدارس، زنان سرپرست خانواده و کودکان و خانواده‌های نیازمند جامعه محلی بسیار موثر است. فراهم ساختن این خدمات و منابع، قطعاً یکی از شیوه‌های تاثیرگذاری مثبت گردشگری پایدار بر توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی روستایی و بومی است. امکانات زمین‌منظر گردی و بوم‌گردی موجب ارایه بیشتر خدمات روستایی و محلی و افزایش سطح اجاره مکانهای اقامتی از مردمان محلی شده و این به نوبه خود به کارآفرینی خلاق روستایی و افزایش درآمد جامعه محلی و نیز اشتغال پایدار محلی می‌انجامد.

در بسیاری از موارد، کارآفرینان و کارفرمایان بومی خودشان امکانات آموزش‌های لازم نظیر آموزش مکالمات ساده و ابتدایی به زبان خارجی و نیز سواد خواندن و نوشتن را برای کارکنان محلی فراهم می‌سازند که این خود به افزایش میزان سواد عمومی و ارتقای فرهنگی در جامعه محلی روستایی و بومی می‌انجامد. آموزش‌های عمومی و تخصصی و فراگیری این مهارت‌ها علاوه بر ارتقای کمی و کیفی خدمات حوزه گردشگری در امور دیگر از جمله کسب و کارهای سنتی محلی و هنرهای خلاق بومی در جوامع محلی نیز قابل استفاده خواهد بود. به طور کلی، کارآفرینی و کسب و کارهای حوزه گردشگری پایدار بخصوص با تاکید بر اصول پایداری محیط و اجتماع می‌تواند فرصتی برای آموزش سایر مهارت‌ها نظیر شیوه‌های درست کشاورزی پایدار، فناوری‌های تولید انرژی‌های پاک، بهداشت مواد غذایی، مهارت‌های فنی و مکانیکی و بازیافت و بسیاری امور دیگر را فراهم سازند. این مهارت‌ها غالباً کاربردی بوده و می‌توانند براحتی منتشر شوند و بهبود یابند و سینه به سینه در کل جامعه محلی گسترش یافته و مورد استفاده عمومی و حتی نسل‌های بعد قرار گیرد. یکی از محبوب‌ترین مقاصد گردشگری پایدار اعم از ژئوتوریسم یا زمین‌منظر گردی و اکوتوریسم یا بومگردی، بازدید از مناطق حفاظت شده فضاهای روستایی و عشایری حتی در دور افتاده‌ترین نقاط محیط‌های طبیعی و روستایی استان‌ها محسوب می‌شود. این مناطق که امکان بازدید گردشگران از حیات وحش و مناظری تقریباً بکر را همزمان نیز فراهم می‌کنند، معمولاً در نواحی دورافتاده و کمتر برخوردار قرار دارند. در برنامه‌ریزی و توسعه هدفمند کارآفرینی روستایی و توانمندسازی جوامع محلی با الگوی گردشگری پایدار این دور بودن مقاصد و جاذبه‌های زمین‌منظر گردی و بومگردی سبب می‌شود که امکانات پزشکی و بهداشتی و رفاهی لازم در این مناطق که معمولاً در ابتدای‌ترین سطح رفاهی و برخورداری است، موجود و یا کافی و قابل قبول نباشد. برنامه‌ریزی برای توسعه و تامین این نیازهای اولیه معمولاً با توسعه گردشگری همراه و همزمان است و از زیرساخت‌های اولیه توسعه گردشگری پایدار و از الزامات توسعه همگام و پایدار جوامع محسوب می‌شوند. زیرا گردشگران پایدار به رعایت اصول پایداری محیطی پایبندند و خواهان محیطی سالم و ایمن برای خود و جوامع میزبان و حتی آیندگان هستند. به همین دلیل است که گردشگری پایدار و اصولی می‌تواند زمینه‌ساز استقرار امکانات مربوط به دسترسی مطلوب، بهداشت و



سلامت و ایمنی در نواحی حفاظت شده طبیعی و بخصوص روستایی را در همه جای استان ها فراهم و عملی سازد. روی دیگر سکه در توسعه گردشگری پایدار، نگرانی از عوامل تهدید توسعه زمین منظر گردی و بومگردی است و یکی از مهمترین مخاطرات ناشی از توسعه گردشگری طبیعت محور در مناطق دور و یا حفاظت شده اثرات سوء توسعه و افزایش احتمال آلودگی ها و آسیب های محیط زیستی و همچنین در جوامع محلی برای جامعه میزبان دور از دسترس، کم رنگ شدن فرهنگ و ارزش های محلی به خاطر ورود فرهنگ های غیر بومی و حتی خارجی به آن مناطق است. برنامه ریزی توسعه پایدار فرهنگی در جوامع محلی میزبان، همگام با توسعه گردشگری پایدار با اقدامات گوناگون و هدفمند به منظور حفظ آداب و سنن و ارایه مناسب و مطلوب آن ها برای گردشگران و صیانت از فرهنگ بومی و محلی، صنایع دستی و هنرهای بومی و روستایی می تواند تا حدی قابل قبول و شایسته از این تهدید بکاهد و آن را به فرصت هایی به عنوان جاذبه های ارزشمند گردشگری فرهنگی و هنری تبدیل و معرفی کند. حصول اطمینان از در دسترس بودن منابع مورد استفاده برای توسعه تولید صنایع دستی و هنرهای روستایی و محلی، ثبت آداب و رسوم فرهنگی و میراث ناملموس و معنوی و حتی فراهم کردن زمینه هایی برای آموزشهای فرهنگی، امکان کاهش حداکثری چنین مخاطراتی را با اطمینان فراهم می سازد.

اگر یک مجموعه بومگردی و یا ژئو کمپ یعنی کمپ اقامتی زمین منظر گردی که معمولا امکانات کمتری دارد، آموزش هایی مناسب را در مورد ارزش های اجتماعی و میراثی و فرهنگ بومی منطقه مورد بازدید به گردشگران بدهد و نیز راه هایی برای تعامل سازنده و دوسویه آنها با مردم بومی و محلی ارائه کند، این روند به بهبود درک متقابل و تعامل میان فرهنگ ها و گفتگوی سازنده فرهنگ ها کمک کرده و اطمینان بیشتری از اینکه هویت فرهنگی محلی برای نسل های آینده همچنان حفظ و صیانت شود فراهم می کند و قطعاً همه این ارزشهای فرهنگی و هنری پابرجا خواهد ماند و به نسلهای بعد منتقل خواهد شد.

تجربه های بین المللی نشان داده که هر دو گونه گردشگری طبیعت محور یعنی زمین منظر گردی یا ژئوتوریسم و همچنین بومگردی یا اکوتوریسم از ظرفیت های بالایی برای آموزش عمومی به بازدیدکنندگان حتی در سطح بین المللی و نیز ارتقای دانش عمومی و افزایش حساسیت های ارزشی افراد در جوامع محلی در مورد حفاظت و رعایت اصول پایداری محیطی در مناطق اصیل و بکر زیست محیطی و حفظ حیات وحش برخوردار هستند. ارائه آموزش در مورد ارزش زیستگاه های طبیعی و دست نخورده و آسیب پذیر، نخستین گام برای تشویق و پشتیبانی از تلاش برای حفظ محیط زیست محلی و نیز جمع آوری همراهان



فکری و جذب کمک های مالی برای حفاظت از چنین مکان هایی که اهمیت بسیار ویژه و ارزش ملی و حتی بین المللی دارند، خواهد بود. این امر می تواند به یافتن راه ها و راهکارهایی جدید برای حفظ روش ها و سنت های تولید و بهره گیری از منابع بومی برای ایجاد خدمات و تولید محصولات پایدار، نظیر صنایع دستی و هنرهای سنتی و بومی ساخته شده از مواد و مصالح بومی و محلی، صید پایدار و اصولی و مطابق قوانین و پشتیبانی از صنایع دستی و هنرهای سنتی مبتنی بر خدمات جامعه محلی و بومی کمک کند. شیوه های مختلفی برای ارزیابی اثرات سوء توسعه و همچنین اثرات مثبت بر توسعه جامعه محلی وجود دارد. اثرات زیرساخت ها و ارتباطات را می توان با افزایش دسترسی به مکان های تفریحی، نواحی حفاظت شده و منابع مرتبط با توسعه و رونق اقتصادی و امرار معاش افراد بومی و محلی مورد ارزیابی و نظارت دقیق تر قرار داد. همچنین اثرات آموزش عمومی، تخصصی و حرفه ای را می توان از طریق افزایش آمار فارغ التحصیلان و نیز کاهش نرخ و میزان بیکاری در این جوامع محلی به وضوح مشاهده کرد. توسعه سطح بهداشت و ارتقای سلامت جامعه محلی به کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان و کهنسالان و همچنین افزایش دسترسی به مراقبت های بهداشتی اولیه برای درمان انواع مشکلات بزرگ و کوچک در زمینه سلامت عمومی جامعه بومی می انجامد. آموزش در مورد حفاظت پایدار محیط زیست می تواند به کاهش آلاینده های محیطی و بهبود وضعیت هوا و آب، افزایش محسوس جمعیت حیات وحش و شمار موجودات و گیاهان بومی در حیات وحش و نیز کاهش اقدامات زیانبار و ناپایدار در زندگی و اشتغال معمول جوامع محلی و بومی (نظیر ماهیگیری بیش از حد، شکار، کشاورزی نادرست و...) بیانجامد. برنامه های هدفمند مدیریتی در سطح استانی و ملی و توسعه و ترویج زمین منظر گردی و بومگردی همگام با توسعه اقتصادی و رونق معیشت جوامع محلی و با به حداکثر رسیدن میزان پولی که از طریق استفاده گردشگران از اقامتگاه ها و کمپ های گردشگری و حتی خانه های روستایی متعلق به جوامع بومی و محلی برای این جوامع باقی می ماند، با توسعه اشتغال این مردمان بعنوان جامعه میزبان و نیز حمایت از خدمات محلی نظیر محصولات کشاورزی پایدار و صنایع دستی و هنری، می تواند بوجه لازم را برای انجام پروژه های توسعه ای و عمرانی در این مناطق معمولاً کمتر برخوردار با سرمایه گذاری محلی و اجرای برنامه هایی مشارکتی که موجب پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این جوامع می شود را فراهم سازد. با این توصیفات و توضیحات پر واضح است که توجه ویژه مدیران و مسئولان به اجرای هدفمند طرح های زمین منظر گردی و بومگردی بر پایه دیدگاهها و رعایت اصول گردشگری پایدار طبیعت محور به حفظ میراث معنوی و فرهنگی و نیز افزایش آگاهی عمومی و احساس مسولیت جامعه میزبان و گردشگران و حفاظت از نواحی حساس طبیعی و محیطهای حفاظت شده کمک می کند همچنین موجب گسترش حس افتخار به فرهنگ بومی و صیانت از آن در میان جامعه محلی شده و از طریق پروژه های ساخت و ساز و آموزش های فرهنگی و اجتماعی به توسعه پایدار محیط های زندگی طبیعی این جوامع در بستر محیط زیست طبیعی و روستایی و حتی عشایری کمک می کند و زنجیره ای ارزشمند از اثرات مثبت هویتی، مراقبتی و حفاظتی را بر روی محیط اطراف نیز به ارمان می آورد.

\* محقق و مدرس دانشگاه

\* رییس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی گیلان

# نفت ارزان، توربین های بادی را کم اثر کرده است

گفت و گو با مهندس یوسف آرمودلی، پدر انرژی های نو ایران درباره ی نیروگاه بادی منجیل

ایران بود که در منجیل با بالاترین ظرفیت، توربین بادی را در کشور ساخت داخل می کرد. این شرکت قرار بود ۱۲۳ توربین باد برای منجیل بسازد. آن موقع کارفرما سازمان انرژی اتمی بود و بخشی با عنوان انرژی های تجدید پذیر هم در آن راه اندازی کرده بودند تا این کار را مدیریت بکند. یادم است آقای دکتر احمدی از انرژی اتمی، مدیریت ساخت و نصب نیروگاه را داشتند که ایشان وهمکارانشان زحمات زیادی متحمل شدند. البته آن موقع شورای اداری با مجوز مجلس تصمیم به ادغام همه پروژه های تجدید پذیر در حال اجرا را در وزارت نیرو و در سازمان انرژی های نو ایران گرفت. بنابراین در سال ۸۳ موظف به ادامه و اتمام نیروگاه بادی منجیل شد.

## ● ظرفیت توربین ها چقدر بود؟

آن موقع ظرفیت توربین های نصب شده در منجیل ۳۰۰ کیلو وات، ۵۰۰ کیلو وات و ۵۵۰ کیلو وات بود. بخشی از توربین ها ساخت خارج و بخشی هم ساخت داخل بودند. از توربین های ۶۶۰ کیلو وات هم چند دستگاه نصب شده و بقیه در حال ساخت بودند.

## ● علت طولانی شدن ساخت نیروگاه منجیل چه بود؟

از آن زمان که ما خدمت این عزیزان بودیم یعنی از سال های ۸۴-۸۳ که کار را به ما تحویل دادند به دلایلی اتفاقاتی افتاد. یعنی از سال ۸۵ شرکت وستاس به علت مشکلات تحریم و مسایل سیاسی، شراکت خود برای تامین قطعات و مواد اولیه و خط تولید و پشتیبانی را تقریباً رد کرد. بنابراین تمام مواد اولیه و امکاناتی را که باید برای نیروگاه می دادند تحریم شد. در نتیجه ما تقریباً از سال ۸۵ مواجه شدیم با شرایط سختی که نه مواد اولیه و نه امکانات به ما می دادند. بنابراین خودمان مواد اولیه را تامین کردیم و بخش کوچکی را از خارج خریدیم ولی بعد همان را نیز تحریم کردند.

## ● پس ساخت توربین ها را مدیون تلاش مهندسان ایرانی هستیم؟

باید حدود ۱۲۳ توربین را ساخت داخل می کردیم. این کار دقیقاً ۱۰ سال طول کشید. حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد توربین هایی را که گرفتیم گیربکس و ژنراتور را به ما ندادند. ما کنترل تابلوی برق شاسی و مواد اولیه پره که عین تکنولوژی هواپیما را دارند را خودمان تامین می کردیم و فقط بخش کوچکی را از خارج می آوردیم. بنابراین در کشور خط تولید مواد اولیه را راه اندازی کردیم. چون اتصالات پره توربین به بدنه آن یکی از فوت های اصلی کار و تکنولوژی آن بود بنابراین آن را به ما ندادند. به عبارت دیگر، نه مواد اولیه را دادند و نه خودش را و نه اتصال پره توربین به بدنه را دادند و مطمئن بودند که ما نمی توانیم توربین ها را بسازیم و حتی اگر خود توربین ها را بسازیم نمی توانیم پره اش را بسازیم و توربین بدون پره هم که قابل استفاده نیست. اما همکاران صبا نیرو که آموزش دیده بودند کمک کردند و با امکانات محدودی که داشتیم و به سختی طی دو سه سال توانستیم اتصال پره توربین به بدنه را ساخت داخل و تمام تکنولوژی و نقشه ها را تهیه و طراحی کنیم.

این توربین ها کوچک هستند. پره های آن ها ۱۷ متر و قطرشان ۳۴ متر است. اما الان توربین هایی که هست پره هایشان بین ۵۰ تا ۱۰۰ متر است. پره یک و نیم تن وزن دارد و با آن سرعت زیادی که می چرخد، تماماً با چسب های مخصوصی به بدنه وصل می شود و های تک است و زحمات زیادی کشیده شده تا ما توانستیم تمام این تکنولوژی ها را دانه به دانه پیدا کنیم و بسازیم، چون نمی توانستیم کار را نیمه کاره رها کنیم.

## ● ظرفیت تولید برق نیروگاه چقدر است؟ آیا می تواند پاسخگوی افزایش مصرف باشد یا نه؟

ظرفیت تولید برق این نیروگاه ۶۹۲ مگا وات است و این نیروگاه در نقطه ای نصب شده که باد منطقه مناسب است، به لحاظ شبکه هم بسیار خوب است. آن موقع که من در گیلان بودم یعنی سال ۷۰، ۷۱، ۷۰ مگاوات پیک مصرف گیلان بود ولی الان مصرف خیلی زیادتر شده. البته این رقم با توجه به میزان پیک مصرف و میزان مگاوات ساعت در تغییرات است. آن موقع در مواقع کمبود برق شبکه، به کمک توربین های بادی بخشی از مصارف برق کارخانه های سیمان را هم تامین می کردیم. از طرف دیگر منجیل خاصیت خوبی که دارد این است که در ساعت پیک روز (ساعت دو) و پیک شب (۸ تا ۹ شب) باد خوبی دارد که برق تولید می شد. نیروگاه در آن زمان با ظرفیت ۶۹۲ مگاوات خیلی موثر بود. یعنی در گیلان تولید خوبی انجام می داد. بتدریج تولید آن افزایش یافت. هم در منجیل و هم هرزویل، رودبار و سیاهپوش به شکر خدا خوب بود. بعد شرکت توانیر شرکتی به اسم شرکت سبز منجیل را داد بهره برداری بکند بعد هم شرکت سبز منجیل را می خواستند بفروشند به بخش خصوصی که سال ۹۶ از طریق خصوصی سازی با مزایده به بخش خصوصی واگذار شد.

## ● همانقدر که چرخش پره های توربین نیروگاه منجیل در کنار مناظر طبیعی و بکر جاده مناظر زیبایی را ایجاد می کند، همانقدر نیز مشاهده پره های شکسته و توربین هایی که فرسوده و از مدار خارج شده اند در چند سال اخیر موجب تأسف بوده است. دلیل این اتفاق چیست؟

در سال ۹۳ پروژه به اتمام رسید و همه توربین ها نصب شد. من پس از نصب توربین ها در سال ۹۳ باز نشستیم. یعنی ۱۰ سال پس از تحویل گرفتن، در این فاصله توربین ها برق تولید کردند و تولید هم خوب بود. اما از سال ۹۳ تا ۹۶ به علت مشکلات مدیریتی، مالی و فنی تعداد زیادی از توربین ها از مدار خارج شدند، که پس از واگذاری نیروگاه در سال ۹۶ از طریق خصوصی سازی اقداماتی برای رفع اشکالات توربین های منجیل مجدداً شروع و حدود ۷۰ دستگاه توربین به مدار تولید وارد شد و مابقی نیز در دست اقدام است. فعلاً ۱۲۰ تا ۱۳۰ دستگاه توربین باید در مدار باشد. علت خروج و کار نکردن توربین های بادی منجیل

گیلان فردا - در ماه های اخیر و با شیوع ویروس کرونا، مصرف آب، برق و گاز نیز افزایش یافته است. به نظر می رسد با توجه به نزدیکی فصل گرما و افزایش مصرف انرژی باید مصارف ما در بخش های آب و برق بهینه شود. در سال های اخیر بحران آب یکی از اصلی ترین چالش های پیش رو بسیاری از استان های گرمسیر و کویری بوده است. هرچند گیلان از بارش کافی و همچنین نیروگاه های تقریباً مناسبی برخوردار است، اما آیا با افزایش این حجم از تقاضا در آینده این نیروگاه ها پاسخگو خواهند بود؟

به عنوان مثال نیروگاه بادی منجیل که اولین نیروگاه بادی و انرژی تجدید پذیر در خاورمیانه بوده و هست این روزها را چگونه می گذرانند و چه ظرفیتی از نیاز استان را تامین می کند؟ به بیان دیگر منجیل شهر انرژی گیلان با هفت توربین بادی معروفش تا چه حد پاسخگوی نیازمان است؟

اگر چه در مدت زمان کوتاهی از مجاری منابع طبیعی مانند نور خورشید، باد، باران، موج، جزر و مد و ... می توان گرمای حرارتی زمین را جایگزین کرد. طبق آخرین آمار جهانی ۵.۲۶ درصد از کل انرژی تولیدی دنیا را انرژی های تجدید پذیر تشکیل می دهد. سهم نیروگاه برق آبی ۴.۱۶ درصد از این رقم است. همچنین سهم نیروگاه بادی، نیروگاه زیست توده و نیروگاه خورشیدی به ترتیب عبارت است از: ۶.۵، ۲.۲، ۹.۱ و ۴.۰ درصد هم مربوط به سایر نیروگاه های تجدید پذیر است. به اعتقاد کارشناسان استفاده از انرژی های تجدید پذیر - پاک در جهان روز به روز در حال افزایش است. طبق پیش بینی ها، ظرفیت پتل های خورشیدی در خاورمیانه از سه درصد کنونی به ۹ درصد کل جهان خواهد رسید. دلیل اصلی این انتقال به انرژی خورشیدی، افزایش تقاضای برق در جهان است و با توجه به این که پتل های خورشیدی هزینه های تولید برق را کاهش می دهد، هر روز قیمت تولید برق از این طریق رقابتی تر خواهد شد و راه اندازی نیروگاه های خورشیدی هر روز مقرون به صرفه تر می شود. به عبارت دیگر، هرچه از میزان تقاضای جهان برای انرژی های فسیلی کاهش یابد، میزان تقاضا برای تجدید پذیرها افزایش می یابد.

البته در ایران، از میان منابع موجود، سهم برق تولیدی از آب بیشتر از بقیه است. چنانکه براساس آخرین گزارش انجمن جهانی انرژی برق آبی، ایران با بهره برداری از ۱۲ هزار مگاوات نیروگاه برق آبی، رتبه نوزدهم دنیا، ششم آسیا و دوم منطقه خاورمیانه را دارد.



در همین راستا با مهندس «یوسف آرمودلی»، مدیر عامل سابق شرکت برق منطقه ای گیلان و پدر انرژی های نو ایران گفت و گویی ترتیب داده ام. وی که زحمات زیادی برای راه اندازی نیروگاه بادی منجیل متحمل شد معتقد است که مدیران با اینکه استفاده از انرژی های تجدید پذیر را تایید می کنند اما کمتر دغدغه آن را نشان می دهند. آرمودلی متولد بندرانزلی، دانش آموخته مهندسی مکانیک، ورودی سال ۱۳۵۱ دانشگاه صنعتی شریف است. وی در سال ۵۹ وارد شرکت آب و برق خوزستان و در سد شهید عباسپور مشغول به کار شد. سپس در سال ۶۳ به گیلان آمد و در جهاد سازندگی مشغول کار شد. همچنین ریاست برق منطقه ای گیلان و مدیرعاملی سازمان انرژی های نو ایران از سوابق کاری ایشان است.



## ● جناب آرمودلی از زمان ساخت توربین های بادی در منجیل کم و بیش سه دهه می گذرد؛ وضعیت این روزهای نیروگاه چطور است؟

بگذارید اول داستان نیروگاه منجیل را برایتان بگویم. زمان زلزله گیلان، دولت تصمیم گرفت با توجه به باد شدید منجیل اولین نیروگاه بادی در کشور را آنجا نصب کند، یعنی حدود سال ۷۰. آن موقع یک سری توربین ها را مستقیم از کشورهای خارجی می آوردند چون کسی در داخل کشور توربین نمی ساخت و حتی ظرفیت ساخت توربین در دنیا هم پایین بود. بنابراین توربین هایی را با هواپیما از دانمارک می آوردند و در شهر رودبار نصب می کردند. قراردادی با شرکت صبا نیرو هم منعقد شد تا خط تولید بالاترین ظرفیت آن روز دنیا را که ۶۰۰ کیلو وات بوده از دانمارک به ایران منتقل کنند و شرکت سدید این پروژه را برعهده گرفت و این خط تولید را خریداری کرد و به کشور آورد. کارگران زیادی هم آنجا آموزش دیدند. این ها مواد اولیه را از دانمارک می آوردند و مابقی کار را در ایران مونتاژ می کردند و خط تولید خوبی داشتند. آن زمان که این کار انجام شد هیچ کشوری در خاورمیانه چنین کارخانه ای نداشت و اولین کارخانه در



در زمان مدیریت دولتی آن مشکلات مدیریتی و تامین مصالح بود که رفع شد.

### ● به روز شدن تکنولوژی توربین‌ها و استقبال برای سرمایه گذاری در این بخش چگونه است؟

توربین ۶۶۰ مشخصاتی دارد که ثابت است یعنی طراحی خودش را دارد و باید همان ساخته شود. خط تولید هم همان است که تکرار می‌شود. مزیت این توربین‌ها این است که کوچک هستند و با جاده‌های کشور همخوان هستند و اگر کسی بخواهد این توربین‌ها را بخرد خیلی راحت می‌تواند سرمایه گذاری کند. البته موقعی که دلار ارزان بود یک میلیارد تومان بود و الان شش تا هشت میلیارد تومان قیمت دارند و اگر بخش خصوصی یکی از اینها را خریداری کند، نصب آن نیز راحت است چون با امکانات داخل کشور تطابق دارد. فروش برق آن به دولت، برای بخش خصوصی‌ای که سرمایه کمتری دارد مقرون به صرفه است و به اندازه یک باغداری کوچک سود ده است و در سال درآمد دارد، بنابراین می‌تواند تسهیلات بگیرد و سفارش بدهد. خودشان می‌آورند نصب می‌کنند و خدمات مهندسی آن را انجام می‌دهند. نیروگاه سیکل ترکیبی گیلان را سال ۷۰ من نصب کردم که نیروگاه بزرگی با ظرفیت ۱۳۵۰ مگا وات بود و با گاز کار می‌کند و تکنولوژی آن را نیز ما ساخت داخل کردیم و به بیان دیگر در منطقه و در دنیا حرفی برای گفتن در این حوزه داریم و می‌توانیم توربین‌های بسازیم و نصب کنیم.

دولت هم برق تولید شده را می‌خرد. در واقع تاسیس و بهره برداری از توربین‌های بادی برای سرمایه گذاران کوچک خوب است. چون الان سرمایه گذار بزرگ در کشور نیست یا حاضر به سرمایه گذاری کلان نیست. ولی با پول کوچک می‌توان این کار را کرد و اگر کسانی در مزارعشان باد خوبی دارند می‌توانند از این مزیت استفاده کنند. یعنی اینها امکانات داخلی کشور ما است که باید به نحو صحیح از آن استفاده شود. درست است که الان ظرفیت آن محدود است. اما حدود سه و نیم مگاوات برق تولید می‌کند و از این توربین حدود ۱۴۰ تا ۱۵۰ تا در بینالود، خوزستان، اصفهان، آذربایجان شرقی و اردبیل نصب شده است. بعد می‌توانند خط تولید را توسعه بدهند و دولت باید کمک کند تا این سرمایه گذاران رشد بکنند. چون با بالا رفتن قیمت ارز و تحریم‌ها الان نمی‌شود از خارج خرید کرد. بنابراین به سرمایه گذاران این بخش باید کمک شود.

### ● ظرفیت استفاده از انرژی بادی در کشور چقدر است؟

الان دقیق نمی‌دانم. حدود شش سال است که آنجا نیستیم و آمار دقیق ندارم. ولی ما در کشور منابع خوب زیادی داریم و برای حدود بیش از ۴۰۰ تا ۵۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی و بادی مجوز داده شده است.

### ● وضعیت ما در مورد استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر نسبت به کشورهای دیگر چگونه است؟

ما نسبت به کشورهای همسایه جایگاه خوبی در این مورد داریم. دو خط تولید و شبکه خوبی داریم. هر چند ترکیه اخیراً جهش خیلی خوبی داشته چون تحریم نداشته و سرمایه‌گذاری خوبی در این بخش کرده است. ولی ما هم نسبتاً وضعیت خوبی داریم. البته تحریم‌ها و مسایل مالی که در صنعت برق است برای سرمایه گذاری، مشکلاتی را فراهم کرده ولی با همه این مشکلات کار بزرگ و با ارزشی انجام شده است. ولی در دنیا نه، مثلاً در آلمان ۳۵ هزار مگاوات نیروگاه بادی دارند. در کشورهای دیگر مانند چین هم خیلی توسعه داده اند.

### ● به نظر تان بزرگترین مشکل و چالش این بخش چه بوده است؟

بزرگترین مشکل ما این بوده که در کشور به لطف خداوند، گاز و نفت فراوان داریم که با سوسپید به نیروگاه می‌آوریم. مسوولان می‌گویند انرژی تجدید پذیر خوب است ولی دغدغه‌شان این نیست و می‌خواهند نیروگاه حرارتی بزنند با ظرفیت بالا.

نیروگاه سیکل ترکیبی گیلان را سال ۷۰ من نصب کردم که نیروگاه بزرگی با ظرفیت ۱۳۵۰ مگاوات بود و با گاز کار می‌کند و تکنولوژی آن را نیز ما ساخت داخل کردیم و به بیان دیگر در منطقه و در دنیا حرفی برای گفتن در این حوزه داریم و می‌توانیم



توربین‌های بسازیم و نصب کنیم. اما تا زمانی که سوخت فسیلی خیلی ارزان است همین‌طور خواهد بود. و ظرفیت باد و خورشید کشور که بسیار ارزشمند است تحت الشعاع قرار می‌گیرد. آن‌ها برق را ارزان تر می‌آورند.

البته در تمام دنیا نیز همین‌طور است. یعنی کشورهایی که سوخت فسیلی دارند توسعه انرژی‌های تجدید پذیر براحتی در آنها انجام نمی‌گیرد. مشکل من هم برای توسعه این کار همین مسایل بود حتی برای اینکه بودجه و امکانات بگیریم و کار را توسعه بدهیم خیلی تلاش کردیم مخصوصاً اینکه برقی که بخش خصوصی تولید می‌کند برایش مقرون به صرفه باشد.

### ● شما راه تقریباً سختی را طی کردید و احتمالاً برای علاقمندان این حوزه راه سختی هم در پیش است.

مجلس و مسوولین همه مدافع انرژی تجدید پذیر هستند ولی در وهله اول سوخت فسیلی برای توسعه است و بعد استفاده از خورشید و باد که طبیعی است. بنابراین افرادی که مسول انرژی تجدید پذیر می‌شوند باید آدم‌های صبوری باشند. چون همیشه باد می‌آید، خورشید هم به لطف حق همیشه هست و ما باید بتدریج سهم استفاده از انرژی تجدید پذیر را در کشور افزایش دهیم. با تلاشی که وزارت نیرو و همکاران انرژی تجدید پذیر دارند، امیدوارم مجلس هم کمک کند. مثلاً در منجیل سختی‌های خیلی زیادی را تحمل کردیم. نیروگاه سیکل ترکیبی را دو سه ساله نصب کردیم ولی نیروگاه منجیل ۱۰ سال طول کشید. یعنی افت و خیز زیاد داشتیم، چون تحریم شدیم. در منجیل ما دانه دانه ساخت گیریکس، ژنراتور و ... را انجام دادیم و ساخت داخل کردیم. مدیران هم کمک کردند. سخت بود ولی خوب بود و نتیجه گرفتیم و باید سرمایه گذاری بکنند. امیدوارم در آینده توربین‌های بزرگتری را بیاورند و بهره برداری کنند.

### ● در خبرها آمده بود «نیروگاه بادی منجیل در ۶ ماهه نخست سال ۹۸، به میزان ۱۴۰ میلیون کیلووات ساعت انرژی برق تولید کرد که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته بیش از ۵۶ میلیون کیلووات ساعت افزایش داشته است.» شما بارها تاکید و تکرار کردید که ما در گیلان منابع خوبی داریم.

بله، همین‌طور است. چون تا اواخر پاییز این نیروگاه با بهترین ظرفیت می‌تواند کار بکند. با سوخت فسیلی نیز کار نمی‌کند و طبیعت را هم آلوده نمی‌کند. ما در گیلان سوخت فسیلی، آبی و بادی داریم. در ورودی گیلان در لوشان توربین بخار و گاز، در منجیل نیروگاه بادی و پایین تر نیروگاه آبی داریم که مجموعه خوبی برای گیلان است و اینها جزئی از مزیت‌های بسیار خوب گیلان هستند. بیش از ۱۵ هزار مگاوات توان اقتصادی و افزون بر ۴۰ هزار مگاوات ظرفیت فنی در کشور در زمینه انرژی بادی شناسایی شده است.



گفتنی است بررسی‌ها نشان داده است که ایران جایگاه ممتازی برای تولید برق تجدیدپذیر خصوصاً انرژی باد و خورشید دارد به گونه‌ای که حسین بنکداری مدیرکل آموزش، تحقیقات و فناوری وزارت نیرو اعلام کرده است ایران با داشتن ۳۰۰ روز آفتابی رده‌های بالای دنیا را در قابلیت تولید انرژی خورشیدی دارد.

لازم به ذکر است سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق «ساتبا» از ادغام سازمان انرژی‌های نو ایران «سنا» و سازمان بهره‌وری انرژی ایران «سایا» شکل گرفته است.

منبع: پایگاه خبری تحلیلی مرور

مهندس داراب زاده، مدیر عامل شرکت برق منطقه‌ای گیلان:

# تولید انرژی پاک نیاز امروز و ضرورت فردا



**گیلان فردا** - چهار پروژه زیربنایی برق در استان گیلان با سرمایه گذاری ۶۱۰ میلیارد ریال و با حضور ویدئو کنفرانسی وزیر نیرو و استاندار گیلان افتتاح شد.

مهندس بهمن داراب زاده، مدیر عامل شرکت برق منطقه‌ای گیلان گفت: در سال ۹۹ اتمام و افتتاح هفت پروژه عمرانی و زیربنایی در شرکت برق گیلان برنامه ریزی شده بود که به شکر خدا تمامی این پروژه‌ها به ثمر نشست و تقدیم مردم شریف استان گیلان شد.

وی افزود: افتتاح و بهره برداری از این پروژه‌ها در شرایط سخت همه گیری ویروس کرونا و مشکلات ناشی از آن، تحریم‌های ظالمانه همیشگی دشمنان اسلام و ایران و نوسانات نرخ ارز و افزایش قیمت‌ها کار بسیار بزرگ و ارزشمندی بود که توسط کارکنان سختکوش شرکت برق گیلان انجام شد و مشکلات مختلف و متعدد نتوانست خللی در عزم و اراده جدی و جهادی خادمان ملت شریف ایران ایجاد کند.

داراب زاده گفت: استان گیلان از لحاظ برخورداری از مواهب خدادادی، شرایط ویژه و استثنایی در زمینه انرژی بادی و خورشیدی دارد و اگر بتوانیم از تمامی ظرفیت استان در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده کنیم، به اندازه تولید فعلی استان از نیروگاه‌های با سوخت فسیلی، خواهیم توانست از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر تولید انرژی برق داشته باشیم.

وی افزود: انشا... با مساعدت‌های مقام عالی وزارت نیرو بتوانیم بستر لازم برای بهره‌وری از نعمت باد و نور خورشید در استان گیلان در راستای تولید انرژی برق را با این نگاه که تولید انرژی پاک نیاز امروز و ضرورت فردا است را فراهم کنیم.

# عجب قایقرانی داشت ملوان



**گیلان فردا** - افران نیست اگر بگوییم همه او را می شناسند، فوتبالی و غیر فوتبالی. او یک اسطوره جوان گیلانی بود که در مدت کوتاه بازی خود خوش درخشید و خاطرات خوبی از خود به یادگار گذاشت. حالا چندین سال است که او نیست، اما هنوز عکسش روی دیوار تمام مغازه های بندرانزلی دیده می شود و یادش در قلب تمام آدم های نجیب شمال و کل کشور ماندگار شده است.

سیروس قایقران، فرزند پرویز در ۱ فروردین سال ۱۳۴۰ در محله کلور بندرانزلی با به عرصه هستی نهاد. سیروس از همان ابتدای کودکی به فوتبال در زمین های خاکی کلور روی آورد و با استعداد درخشانش به عضویت تیم فوتبال منتخب آموزشگاهها درآمد. وی در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۵۶ موفق شد به عنوان یکی از مهرهای اصلی در تیم های نوجوانان و جوانان ملوان استعدادهای خود را به نمایش بگذارد و با مهارت های منحصر به فردش ملوان را به رتبه قهرمانی باشگاه های گیلان رساند. وی در سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳ نقش مهمی در تیم ملوان و فوتبال گیلان داشت که از جمله کارهای مهم او در زمین فوتبال در آن دوران می توان به دو گلی که وارد دروازه پرسپولیس کرد یا گل زیبایی که وارد دروازه تیم منتخب مازندران کرد اشاره کرد.

سیروس در سال ۱۳۶۳ به تیم ملی دعوت شد و در سال ۱۳۶۶ تنها فوتبالیست شهرستانی بود که دهداری بازوبند کاپیتانی تیم ملی ایران را به بازوان او بست. در سال ۱۳۶۷ در مسابقات فوتبال جام آسیا در قطر، تیم ملی ایران با رهبری سیروس به مقام سوم دست یافت و در سال ۱۳۶۹ تیم ایران با گل های او پس از ۲۰ سال به قهرمانی در بازی های آسیایی رسید. سیروس سپس به تیم الاتحاد قطر (الغرافه قطر فعلی) پیوست و بعد از مدتی بازی در قطر، از نو به تیم اول خود، ملوان پیوست و با این تیم قهرمان جام حذفی ایران و راهی مسابقات قهرمانی باشگاه های آسیا شد.

سیروس در سال ۱۳۷۲ به عنوان بازیکن و بعد مربی به تیم کشاورز تهران پیوست و نتایج قابل توجهی بدست آورد. وی سپس به تیم دسته دومی مسعود هرمزگان پیوست و مدتی در آنجا مشغول به مربی گری شد.

وی در ۱۰۰ مسابقه شرکت داشت که ۴۳ بازی، رسمی بوده است. در ۲۱ بازی کاپیتان تیم ملی بوده و ۱۴ گل برای تیم ملی به ثمر رسانده است که بهترین آن ها به تیم کره جنوبی در نیمه نهایی بازی های آسیایی ۱۹۹۰ در پکن بود. اولین بازی ملی را در ۳۰ دی ماه ۱۳۶۳ برابر یوگسلاوی و آخرین بازی ملی را در ۲۶ فروردین ۱۳۷۲ برابر بوسنی انجام داد. اولین کاپیتانی تیم ملی را در ۱۱ آذر ۱۳۶۷ برابر قطر به عهده گرفت. سیروس عشق خاصی به انزلی و ملوان داشت. خودش می گفت: بهترین مطلبی که درباره من در مطبوعات نوشته شده این است "عجب قایقرانی دارد این ملوان"

او فقط اسطوره فوتبال گیلان نبود، بزرگ اما افتاده و متین بود و درد مردم بینو را می فهمید. در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ سیروس بارها تمایل خود را برای بازگشت به ملوان به عنوان بازیکن یا مربی اعلام کرد. اما در اوایل سال ۱۳۷۷ که وی برای تعطیلات نوروز همراه خانواده اش به انزلی آمده بود، ۱۸ فروردین همان سال در بازگشت و در حالی که همراه فرزند (راستین)، همسر (افسانه اسدان) و برادر همسرش (ایمان اسدان) در اتومبیل رنوی خود عازم تهران بود در حوالی امامزاده هاشم با کامیون حاوی الوار تصادف کرد که منجر به فوت وی و فرزندش شد. نام و یادش گرامی باد

منبع: اینترنت



# درخشش نام آذر اندامی تنها بانوی ایرانی و رشتی بر سیاره زهره

**گیلان فردا** - آذر اندامی (۱۳۰۵-۱۳۶۳) پزشک و باکتری شناس ایرانی، مخترع واکسن وبا و پژوهشگر انستیتو پاستور ایران بود. به خاطر خدمات علمی و انسانی او یکی از حفره های برخوردی روی سیاره ناهید، به نام وی «اندامی» نامگذاری شده است. آذر اندامی، که مایه افتخار و فخر گیلان و ایران است در سال ۱۳۰۵ در محله ساغریسازان رشت متولد شد. او فرزند چهارم و تنها دختر خانواده بود. مقطع ابتدایی را در دبستان بانوان رشت با یک سال جهش تحصیلی به پایان برد. بعد از اخذ مدرک پایان سال نهم تحصیلات عمومی (مدرک سیکل) از دبیرستان فروغ (۱۷ شهریور) رشت، پدرش با اینکه فردی روشنفکر بود از ادامه تحصیل او ممانعت کرد و وی را به دانشسرای مقدماتی رشت فرستاد. در سال ۱۳۲۴ از دانشسرا فارغ التحصیل شد؛ و در سال ۱۳۲۵ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و معلم شد. در سال ۱۳۲۹ و در حین کار، دیپلم طبیعی را با امتحان متفرقه دریافت کرد. در سال ۱۳۳۱ با شرکت در کنکور دانشگاه تهران در رشته پزشکی این دانشگاه پذیرفته شد. در سال ۱۳۳۷ موفق به دریافت گواهینامه دکترای پزشکی گردید و بلافاصله به گذراندن دوره تخصصی زنان و زایمان مشغول شد. پس از پایان دوره تخصصی به وزارت بهداشتی آن زمان منتقل شد و در نهایت به کار در انستیتو پاستور پرداخت.

او پس از مدتی با استفاده از بورس تحصیلی انستیتو پاستور به پاریس رفت و در سال



۱۳۴۶ موفق به اخذ گواهینامه باکتریولوژی گردید. در سال ۱۳۵۳ موفق به دریافت دانشنامه تخصصی علوم آزمایشگاهی بالینی و در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد. چندین بار به کشورهای فرانسه و بلژیک سفر کرد و حاصل این سفرها مقالات علمی بود که در مجلات معتبر به چاپ رسید. پس از بازنشستگی چون خانه نشینی را نمی پسندید به بیمارستان باهر رفت و ریاست آزمایشگاه تشخیص طبیی آنجا را بر عهده گرفت. پس از مدتی در مطب همسرش، خلعتبری، در خیابان حسام السلطنه به کار مداوی بیماری های زنان و زایمان مشغول شد. در همین سال ها بود که به تومور مغزی مبتلا شد. یک روز در مطب در حین معاینه بیمار، تعادل خود را از دست داد و بر روی او سقوط کرد. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۶۳ به علت آمبولی ریه که از عواقب بیماری سختش بود درگذشت. در سال ۱۹۹۲، اتحادیه بین المللی ستاره شناسی (IAU) حفره ای به قطر ۳۰ کیلومتر در طول جغرافیای ۲۶ درجه و ۵۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۱۷ درجه و ۴۵ دقیقه با قله ای مرکزی را در جنوب سیاره زهره به نام اندامی نامگذاری کرد که باعث افتخار همه ایرانیان است. دکتر آذر اندامی تنها زن ایرانی بود که نامش به این شورا فرستاده شد و بانی این کار دخترش بود. شهرداری شهر رشت برای بزرگداشت وی (محل تولد آذر اندامی) بلواری را در شهر گل سار، بلوار دیلمان به نام او نامگذاری کرده است. نامش گرامی و یادش سبز...



# آغوشی که هر روز بزرگ‌تر می‌شود

هر روز ۶ کودک مبتلا به سرطان تحت حمایت محک قرار می‌گیرند

این آغوشی است که به پشتوانه شما سالانه برای حمایت از ۲۰۰۰ کودک جدید گشوده‌تر می‌شود. بی‌شک بدون همراهی خیرخواهانه‌تان، ادامه این راه ممکن نخواهد بود.



حمایت از کودکان محک با دریافت قلک

۰۲۱-۲۳۵۴۰ قلک محک

از اینکه به پیام ما توجه می‌کنید، سپاسگزاریم. بازدید از محک: ۰۲۱-۲۳۵۰۱۲۱۰



محک

مؤسسه خیریه حمایت از  
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org



دکتر اسمعیل مویدی  
رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل  
شرکت مهندسی مشاور خیزش سبز شمال

سال نو با نسیم جان نواز بهاری، دست عنایت خداست که دیگر بار دل و جان ما را به فردایی روشن نوید می‌دهد و سال کهنه با یادگاری از تلاش‌های ما به گذشته می‌پیوندد.  
همت و تلاش پرسنل شریف و محرب و مدیران شرکت مهندسی مشاور خیزش سبز شمال در سالی که گذشته کارنامه‌ای درخشان در طول حیات این شرکت را رقم زد، و شما همکاران محترم و مدیران به درستی ثابت کردید که گامهایشان در راه توسعه و پیشرفت این شرکت و کشور عزیزمان به حول قوه الهی استوار و برقرار خواهد بود. حلول سال نو و بهار بر طراوت را به ملت شریف ایران و شما بزرگواران تبریک و تهنیت عرض نموده و سالی سرشار از برکت و معنویت را از درگاه خداوند متعال برای همگان مسئلت می‌نمایم.

# شرکت مهندسی مشاور خیزش سبز شمال

## طراحی - نظارت - اجرا

تخصص شبکه توزیع ایستگاههای کاهش فشار گاز

خطوط انتقال نفت و فشار گاز

مدیریت عمومی



آدرس دفتر مرکزی: رشت خیابان سعدی روبروی بلوار معلم پلاک ۲۶۷

تلفکس: ۰۱۳۳۳۲۴۲۹۰۰

تلفن: ۰۳۹-۱۳۳۲۲۴۱۳۰

فکس: ۰۱۳۳۳۲۲۵۷۵۲

[www.KhizeshCo.com](http://www.KhizeshCo.com)

Email: [Khizeshesabzeshlomal@yahoo.com](mailto:Khizeshesabzeshlomal@yahoo.com)

ISO 9001  
ISO 14001  
ISO 45001  
5S  
EFQM  
HSE  
OHSAS

